هندسه‌ی نبرد

شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن

۱ نقشه‌ی کل و ماهیت دشمن

- دشمن‌شناسی یعنی دیدن واقعیت تقابل با استقلال و هویت اسلامی؛ انکار دشمن، خطر را از میان نمی‌برد.
- استکبار برای حفظ سلطه و منافع خود، با نظام مستقل و مردمی تعارض دارد.
- میدان اصلی فقط مرز جغرافیایی نیست؛ فکر، اراده و اعتمادبه‌نفس جامعه نیز هدف است.

۲ دایره‌ی نفوذ و عوامل دشمنی

- استعمار فرانو با فشار سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و شبکه‌سازی نفوذ عمل می‌کند؛ ابزارها عوض می‌شوند، هدف سلطه نه.
- صهیونیسم و قدرت‌های استکباری در پی تضعیف استقلال و مهار الگوی اسلامی متکی به مردم‌اند.
- نفوذ می‌تواند از بیرون یا از مسیر وابستگی، غفلت و خطای محاسبه در داخل پیش برود.

۳ عملیات فریب و اهداف دشمن

- هدف‌ها: براندازی یا تغییر ماهیت نظام، فرسایش اعتماد عمومی و سست‌کردن ایمان و امید.
- روش‌ها: تحریف واقعیت، وارونه‌نمایی، ایجاد اختلاف و بزرگ‌نمایی ضعف‌ها برای پنهان‌کردن دستاوردها.
- شبیخون فرهنگی و جنگ رسانه‌ای، ذائقه و باورهابه‌ویژه ذهن جوانان‌را نشانه می‌گیرد.

۴ اقدام مؤثر و راهکارها

- استحکام درونی را با ایمان، عدالت، کارآمدی، وحدت و تکیه بر توان ملی تقویت کنید.
- بصیرت یعنی شناخت صحنه، دشمن و نقشه‌هایش؛ خبر را بسنجید و در دام شایعه و دوقطبی‌سازی نیفتید.
- با صبر، استقامت و آمادگی، فشار را کم‌اثر کنید؛ جهاد تبیین، بیان روشن و مستند حقیقت است.

۵ نقش نخبگان و مسئولان

- خواص و نخبگان: پیش‌قدم در روشنگری باشند و با سکوت یا موضع مبهم، میدان را به تحریف نسپارند.
- دانشگاه و حوزه: استقلال فکری، تولید علم، هویت دینی و گفت‌وگوی نقادانه را پرورش دهند.
- مسئولان و جوانان: با خدمت صادقانه، امیدآفرینی و پیگیری پیشرفت؛ در خط امام، هوشیار و استوار بمانند.

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag


نبرد هندسه
شناخت دشمن و روشهای مقابله با آن
در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی شهید سید علی خامنه‌ای
ISIS
BBC
Peace

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

بسم الله الرحمن الرحيم

ATvie4Ajj6/aUC1jzwAd6ag==
ATvie4Ajj6/aUC1jzwAd6ag==

انتشارات انقلاب اسلامی

هندسه‌ی نبرد

شناخت دشمن و روشهای مقابله با آن

در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید سیّدعلی خامنه‌ای مدظله‌العالی

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی

نسخه‌ی الکترونیکی زمستان ۱۴۰۴

شابک: ۲-۹۲-۵۵۰۳-۶۲۲-۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان شهید صالحی، شماره‌ی ۲۶

مرکز پخش: ۰۲۱۶۶۴۰۵۱۰۰

فروشگاه قم: ۰۲۵۳۷۷۰۲۸۵۲ **فروشگاه مشهد:** ۷_ ۰۵۱۳۲۲۸۱۲۲۵

تارنما: www.KhameneiBook.ir

پست الکترونیکی: Info@KhameneiBook.ir

سامانه‌ی پیام کوتاه: ۱۰۰۰ ۲۰ ۱۲۰

ویرایش این کتاب بر اساس قواعد ویراستاری
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی انجام شده است.

سرشناسه: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸_۱۴۰۴
عنوان و نام پدیدآور: هندسه‌ی نبرد: شناخت دشمن و روشهای مقابله با آن
در بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی.
مشخّصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴
شابک: ۲-۹۲-۵۵۰۳-۶۲۲-۹۷۸
وضعیّت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸_۱۴۰۴ ـ نظریه درباره‌ی دشمنان.
موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸_۱۴۰۴ ـ پیامها و سخنرانی‌ها.
موضوع: تبلیغات ضد اسلامی.
رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۹۲
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملّی: ۲۹۵۳۲۷۷

ATvie4AjbaUCtjzwAd6ag==


نبرد هندسه
شناخت دشمن و روشهای مقابله با آن
در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی شهید سید علی خامنه‌ای
ISIS
Peace
BBC


ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==



مُقدّمه

در پهنه‌ی بی‌کران تاریخ، تقابل ازلی نور و ظلمت، حقیقتی است که جان‌مایه‌ی حرکت انسان به سوی کمال را شکل داده است. از آن روز که نخستین ندای توحید در گوش جهان طنین‌انداز شد، جبهه‌ی باطل با تمام کینه‌توزی و توان خویش به میدان آمد تا شعله‌ی هدایت را خاموش کند. این صف‌بندی مقدّس، گاه در چهره‌ی رویارویی با فرعون‌های زمان، گاه در نقاب نفاق قریش و امروز در هیئتِ کریه و سَفّاک استکبار جهانی تجلّی یافته است. امّا آنچه امروز ما با آن مواجهیم، نه یک نبرد دیپلماتیک یا سیاسی، بلکه جنگی تمام‌عیار و وجودی است که ریشه در کینه‌ای دیرینه نسبت به حقیقتِ ایمان دارد.

«دشمن‌شناسی» از مفاهیم بنیادین فرهنگ اسلامی است که ریشه در ژرف‌ترین لایه‌های قرآن و سنّت دارد و بخشی جدایی‌ناپذیر از هویّت ایمانی و انقلابی انسان مسلمان به شمار می‌آید. آموزه‌های وحیانی اسلام، مؤمن را به هوشیاری همیشگی، تحلیل دقیق حوادث و شناسایی جریانهای معارض فرامیخواند. قرآن کریم بارها جامعه‌ی ایمانی را از دشمنان آشکار و پنهان برحذر داشته و فرموده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»[1]؛ شیطان دشمن شما است، او را دشمن بگیرید. در منظومه‌ی بی‌بدیل معارف اسلامی، «تَبَرّی» از دشمنان خدا در کنار

---

۱. سوره‌ی فاطر، بخشی از آیه‌ی ۶

«تَوَلّی» به اولیای الهی، هویّت ایمانی انسان را کامل میکند و تحقّق آن جز با شناخت ماهیّت، اهداف و شیوه‌های دشمن ممکن نیست.

عالمان و اندیشمندان شیعه در امتداد رسالت انبیا و اولیای الهی، همواره پیش‌گام تبیین چهره‌ی حقیقی دشمنان بوده‌اند. پیش از انقلاب، از تحلیلهای ژرف شهید مطهّری تا مواضع شجاعانه‌ی رهبران انقلاب اسلامی، همه حلقه‌هایی از زنجیره‌ای پیوسته بوده‌اند که هدفشان زدودن غفلت از جامعه‌ی اسلامی بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این آموزه‌ی قرآنی و علوی وارد مرحله‌ای تازه شد؛ نظامی که بر پایه‌ی نفی سلطه‌ی استکبار و احیای هویّت اسلامی شکل گرفت، طبیعی بود که آماج کینه‌توزی‌های اهریمنی شود. در این میدان پرفراز و نشیب، دو چهره‌ی درخشان پرچم بصیرت را برافراشتند: امام خمینی(قدس‌سرّه) که بی‌هیچ ملاحظه‌ای استکبار جهانی را دشمن شماره‌ی یک ملّتها معرّفی کرد و جانشین شجاع و خلف صالح و استوار روح‌الله.

این نوشتار در لحظاتی به زیور طبع آراسته میشود که ایران اسلامی در تب‌وتاب حماسه‌ای خونین و شکوهمند میسوزد. امروز در حالی که عطر شهادت فضای میهن را آکنده ساخته و داغی سنگین بر دلهای مؤمنان نشسته است، بیش از هر زمان دیگری درک میکنیم که چرا آن حکیم فرزانه و دیدبان بیدار، لحظه‌ای از تبیین «هندسه‌ی نبرد» و «دشمن‌شناسی» غافل نشد. شهادت مظلومانه و حماسه‌گونِ قائد امّت و عماد ملّت، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(رضوان‌الله‌علیه) به دست اشقی‌الاشقیای زمان، اگرچه زمین و زمان را در سوگی عظیم فرو برد، امّا بار دیگر حقّانیّت نگاه استراتژیک و هشدارهای مکرّر آن سکّان‌دار بصیر را در برابر دیدگان جهانیان قرار داد. صهیونیسم خون‌آشام و آمریکای جنایت‌کار با تحمیل این جنگ نابرابر، بار دیگر ثابت کردند که در منطق استکبار، راهی جز ایستادگی وجود ندارد.

کتاب حاضر که به فضل الهی چندی پیش از این وقایع جان‌سوز

و پیش از آغاز این کارزار سرنوشت‌ساز نهایی مهیّا شده بود، امروز به مثابه یک «وصیّت‌نامه‌ی راهبردی» و نقشه‌ی راهی منسجم در دستان مجاهدان راه حق قرار میگیرد. اگرچه سطور این کتاب پیش از شهادت آن خورشید فقاهت و مجاهدت به رشته‌ی تحریر درآمده، امّا گویی هر کلمه‌ی آن برای امروزِ ما و برای تحلیل همین جنگی که از سوی دشمنان به ما تحمیل شده، الهام گشته است.

در اوج وقایع تلخ و حماسی امروز که جامعه‌ی ایران از یک سو داغدار فقدان پدری مهربان است و از سوی دیگر با صلابت در برابر تهاجمات نظامی و رسانه‌ای ایستاده، بازخوانی اندیشه‌های ایشان ضرورتی حیاتی یافته است. این مجموعه با جستجوی گسترده در بیانات آن رهبر فرزانه و حکیم الهی، مطالب مرتبط را گرد آورده و در قالب یک سیر منطقی تنظیم کرده است. حاصل کار، فراتر از یک گردآوری ساده، بلکه «نقشه‌ی راه جامع دشمن‌شناسی» است.

امروز که خون پاک آن پرچم‌دار عزّت و استقلال با خاک این سرزمین و آرمانهای بلند انقلاب درآمیخته، این کتاب دیگر تنها یک متن پژوهشی نیست، بلکه فریاد بلندی است که ما را به «بصیرت‌افزایی» و «استقامت آگاهانه» فرامیخواند. دشمنان ما گمان کردند که با شهادت رهبرمان، راه او مسدود خواهد شد، امّا نمیدانستند که اندیشه‌ی او در تاروپود این ملّت ریشه دوانده است. این مجموعه، چراغی است روشن فراروی نسل غیور کنونی، تا در غبار فتنه‌ها و در کوره‌ی جنگهای تحمیلی، هرگز مسیر را گم نکنند و بدانند که پیروزی نهایی، وعده‌ی حتمی الهی برای صابران و بصیران است. باشد که این اثر، اداء دینی کوچک به ساحت مقدّس آن قائد شهید و گامی در جهت نابودی مستکبران باشد.

انتشارات انقلاب اسلامی





فهرست

ATvie4Ai6/aUCtjzwAd6ag==

نقشه‌ی دشمن

ماهیّت، واقعیّت و ابعاد دشمنی ۱۳
ضرورت و اهمّیّت دشمن‌شناسی ۲۶
گونه‌ها و ویژگی‌های دشمن ۴۳

دایره‌ی نفوذ

استکبار جهانی، استعمار فرانو و صهیونیسم ۷۱
عوامل دشمنی استکبار با جامعه‌ی اسلامی ۸۰
عوامل و ایادی دشمنان ۹۴

عملیات فریب

اهداف دشمن ۱۰۱
شیوه‌ها، ابزار و برنامه‌های دشمن ۱۲۵
دشمن و رسانه ۱۸۹

فرایند تنبیه

شناخت و بهره از دین و الگوهای دینی ۱۹۷
اقدام مؤثّر در برابر دشمن ۲۱۰
نقش ایستادگی مردم در برابر دشمن ۲۵۰

میز هدف

خواص و نخبگان ۲۷۹
جناحهای سیاسی و مذهبی ۲۸۸
روحانیّت ۲۹۳
مسئولان ۲۹۹
نیروهای مسلّح ۳۰۹
دانشگاه و مدارس ۳۱۸
جوانان ۳۲۷
مطبوعات و فضای مجازی ۳۳۷
نماز جمعه و ائمّه‌ی جمعه ۳۴۵

در خط امام

امام(قدّس‌سرّه) یک دشمن‌شناس واقعی ۳۵۱
سعی امام (قدّس‌سرّه) بر بیان حقایق ۳۵۲
علّت دشمنی استکبار با امام راحل(قدّس‌سرّه) ۳۵۳
بینش خردمندانه‌ی امام (قدّس‌سرّه) در برابر دشمن ۳۵۳
ایستادن امام(قدّس‌سرّه) در برابر تهدید و ارعاب دشمن ۳۵۴
ایستادن امام(قدّس‌سرّه) در مقابل دنیایی از دشمن ۳۵۵
هدف امام (قدّس‌سرّه)، استقامت و ایستادگی در برابر دشمنان ۳۵۵
آشنایی امام (قدّس‌سرّه) با ریزه‌کاری‌های دشمن ۳۵۶
عدم تردید امام (قدّس‌سرّه) در برابر تهدید دشمن ۳۵۷
اهمّیّت جهاد از منظر امام راحل(قدّس‌سرّه) ۳۵۸

ATvie4Aj6/aUCYjzwAd6ag==

فصل اوّل

نقشہ ری کلے



ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==



ماهیّت، واقعیّت و ابعاد دشمنی

• ماهیّت و چیستی دشمن

دشمن کیست؟ همان است که قرآن فرمود: «وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا»[1]؛ کسانی که مستِ شهوت و قدرت و پولند. آنها هستند که میخواهند همه‌ی مردم در حال غفلت باشند، همه مست باشند؛ چون آنها مَستند.[2]

دشمن کیست؟ هر کس که با حاکمیّت نظام مستقلّ مردمی دینی مخالف است، دشمن است. طمع‌ورزان، غارتگران، سودجویان، زراندوزان، زورگویان، وابستگان، مایلین به فساد و کسانی که از حاکمیّت فرهنگ دینی زیان شخصی می‌بینند، دشمنند.[3] دشمن خودش را کاملاً لخت و عریان در مقابل چشم ما قرار داده؛ نیازی نداریم بگردیم دشمن را پیدا کنیم؛ دشمن، شبکه‌ی استکبار و شبکه‌ی صهیونیستی است؛ این دشمن است. شبکه‌ی استکبار در رأسش دولت رژیم ایالات متّحده‌ی آمریکا است و شبکه‌ی صهیونیستی هم مظهرش رژیم جعلی صهیونیستِ حاکم بر فلسطین اشغال‌شده است؛ این دشمن است. پنهان هم نمیکنند.[4]

---

۱. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۲۷؛ «کسانی که از خواسته‌ها[ی نفسانی] پیروی میکنند میخواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید.»

۲. در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهّر رضوی ۱۳۷۳/۱/۱

۳. در دیدار با جمعی از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

۴. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۵/۳/۲۵

ما فلان دولتِ در منطقه یا بیرون منطقه که حالا یک وقتی یک حرفی هم علیه ما بزند و یک چیزی هم بگوید را دشمن به حساب نمی‌آوریم؛ اینها دشمن نیستند؛ مادامی که حرکتی از آنها در خدمت دشمن و علیه جمهوری اسلامی سَر نزند، اینها را دشمن به حساب نمی‌آوریم؛ دشمن آنها هستند؛ در شناخت دشمن نباید اشتباه کرد.[۱]

اگرچه ما امروز بحمدالله از لحاظ سیاسی در موضع قوّتیم و دشمن یعنی استکبار در موضع انفعال قرار دارد، امّا این به معنای تمام شدن کید و مکر دشمن نیست: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»[۲]؛ البتّه دنباله‌ی این، «قُلْ إِنَّ هُدَى اللهِ هُوَ الْهُدَىٰ»[۳] [است]؛ جناح حق که به خواست دشمن تسلیم نمیشود امّا طبیعت دشمن را باید شناخت. ما هیچ لحظه‌ای غافل از کید دشمن نباید باشیم؛ این را به مردم باید گفت. ما امروز در قوّتیم، دشمن و استکبار جهانی در انفعال است.[۴]

حضور جوانهای انقلابی و سپاه پاسداران و نیروی دریایی و تشکیل این نیرو و ورود در عرصه، موجب شد که دریا برای خود آنها ناامن شد. به ناوشان صدمه خورد، به بالگردشان صدمه خورد، به نفت‌کش‌شان صدمه خورد؛ فهمیدند جمهوری اسلامی آن موجودی نیست که بتوانند با سرنوشت او هر جور میخواهند بازی کنند؛ این اقتدار معنوی نظام جمهوری اسلامی است. اینکه قرآن به ما امر میکند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَعَدُوَّكُمْ»[۵]، بایست

---

۱. در دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۲. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۲۰؛ «و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمیشوند، مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی.»

۳. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۲۰؛ «بگو: در حقیقت، تنها هدایت خدا است که هدایت [واقعی] است.»

۴. در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیّت مبارز و مجمع روحانیّون مبارز تهران ۱۳۶۸/۵/۱۱

۵. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰؛ «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید.»

حضور شما، وضعیّت شما، حرکت شما جوری باشد که دشمن را دچار رعب کند. دشمن متجاوزِ بالطّبع است؛ طبیعت جهان‌خواران تجاوز است، جلو آمدن است، تصرّف است، پنجه انداختن است، طبیعت اینها است؛ اگر خاک‌ریز شما قابل نفوذ باشد، نفوذ میکنند؛ باید جوری حرکت کنید که او احساس کند نمیتواند نفوذ کند. تشکیل جبهه‌ی انقلابی در جنوب کشور و حضور نیروهای انقلاب در قالب نیروی دریایی سپاه و بچّه‌های استانهای ساحلی ـاین جوانهای شجاع، این جوانهای دل به دنیا نداده‌ـ موجب شد که این هدف قرآنی حاصل بشود: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَعَدُوَّكُمْ»؛ این باید همیشه استمرار داشته باشد. بارها ما گفته‌ایم که ما شروع‌کننده‌ی جنگ نخواهیم بود؛ دلایل خودمان را داریم برای این کار؛ هیچ جنگی را ما شروع نمیکنیم امّا باید جرئت شروع جنگ را از دشمن گرفت.[1]

علاج چیست؟ معلوم است؛ دشمن دشمنی میکند؛ آیا ما توقّعی از دشمن داریم؟ نه. از دشمن که نمیشود توقّع داشت؛ از دشمن که نمیشود گِله کرد. آیا ما از آمریکا گِله داریم؟ ابداً؛ گِله را انسان از دوست میکند؛ خب طبیعت دشمن دشمنی کردن است؛ علاج چیست؟ علاج این است که یک ملّت در درون خود تلاشی بکند و کاری بکند که ضربه‌ی دشمن که حتمی است، اثر نگذارد یا کم اثر بگذارد؛ علاج این است.[2]

• دشمن درونی و دشمن بیرونی

خودی‌ها ممکن است در یک نظام، بر اثر خستگی، بر اثر اشتباه در فهم راه درست، بر اثر مغلوب احساسات نفسانی شدن و بر اثر نگاه کردن به جلوه‌های مادّی و بزرگ انگاشتن آنها، ناگهان در درون، دچار آفت‌زدگی

---

۱. در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۴/۷/۱۵
۲. در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

شوند. این، البتّه خطرش بیشتر از خطر اوّلی است. این دو نوع دشمن ـ آفت برونی و آفت درونی ـ برای هر نظامی، برای هر تشکیلاتی و برای هر پدیده‌ای وجود دارد. اسلام برای مقابله با هر دو آفت، علاج، معیّن کرده و جهاد را گذاشته است. جهاد، مخصوص دشمنان خارجی نیست. «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ»[1]. منافق، خودش را در درون نظام قرار میدهد؛ لذا با همه‌ی اینها باید جهاد کرد. جهاد، برای دشمنی است که میخواهد از روی بی‌اعتقادی و دشمنی با نظام، به آن هجوم بیاورد. همچنین، برای مقابله با آن تفکّک داخلی و ازهم‌پاشیدگی درونی، تعالیم اخلاقی بسیار باارزشی وجود دارد که دنیا را به طور حقیقی به انسان می‌شناساند و میفهماند که: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»[2]؛ یعنی این زر و زیورها، این جلوه‌ها و این لذّتهای دنیا اگرچه برای شما لازم است، اگرچه شما ناچارید از آنها بهره ببرید، اگرچه زندگی شما وابسته به آنها است و در این شکّی هم نیست و باید آنها را برای خودتان فراهم کنید، امّا بدانید که مطلق کردن اینها و چشم‌بسته به دنبال این نیازها حرکت کردن و هدفها را به فراموشی سپردن، بسیار خطرناک است.[3]

• تئوری توهّم توطئه!

من در صحبتهای خود بارها از دشمن اسم آورده‌ام و راجع به دشمن صحبت کرده‌ام. بعضی نسبت به این رویکرد، حسّاسیّت نشان دادند؛ گفتند یا فهماندند که شما چرا مرتّب به دشمن میپردازید. من در جواب آنها همیشه گفته‌ام و اکنون هم میگویم که اگر فرض کنیم دشمنی بر سر

---

۱. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۷۳؛ «با کافران و منافقان جهاد کن.»
۲. سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۰؛ «بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است.»
۳. در دیدار جمعی از پاسداران ۱۳۷۱/۱۱/۶

هر راهی وجود دارد، خردمندانه نیست که انسان دشمن را نبیند و وجود او را عدم فرض کند. اگر فرض کنیم که دشمن در کمین ما نیست، این لزوماً به این معنا نیست که او در کمین ما نباشد. اگر دشمنی فرض میشود، باید او را شناخت و از او برحذر بود. ما در زمینه‌ی مسئله‌ی سیاسی بزرگ کشورمان ـ یعنی پیدایش نظام نو، نظام بی‌سابقه، نظامی که دارای پیام و سخن تازه‌ای است؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی ـ از روز اوّل تا به حال با دشمنانی مواجه بوده‌ایم. اگر ما چشم خودمان را بر این دشمنها ببندیم، این دشمنها از بین نمیروند. اگر ما به خودمان تلقین کنیم که او دشمن ما نیست، او از دشمنی منصرف نخواهد شد؛ باید دشمن را شناخت.[1]

امروز نظامی وجود دارد که هم مستقر است، هم مستحکم است و هم پشتوانه‌ی عظیم مردمی دارد. با پشتوانه‌ی عظیم مردمی هم بسیار مبارزه کرده‌اند. برای دستگاه استکبار غیر قابل تحمّل است که میبینند جمعیّتهایی مثل شما جوانان می‌نشینید و به سخن یک مسئول در کشورتان صمیمانه گوش میدهید. نظامی که به افکار و آراء و عواطف و همّت و انگیزه و آگاهی مردم متّکی است، در یک نقطه‌ی بسیار حسّاس جغرافیایی نشسته و بدون هیچ گونه ترس و بیمی، حرف خود را میزند و کار خودش را میکند؛ اگر با این نظام دشمنی نکنند، چه کنند؟! باید دشمنی کنند. من و شما هستیم که باید این دشمنی را بشناسیم.

یک عدّه‌ای تا ما میگوییم دشمن، میگویند چقدر فلانی مدام میگوید دشمن دشمن! خب نگوییم دشمن؟ خدا در قرآن این همه اسم شیطان را آورده؛ خب یک بار شیطان را گفت، تمام شد رفت، چرا مرتّب تکرار میکند؟ برای اینکه من و شما فراموش نکنیم این دشمن را. دشمن را باید دائم در نظر داشت. برای خاطر اینکه دشمن که بیکار نمی‌نشیند؛ دشمن دائماً دارد حرکت میکند. اگر بتوانند، این حرکت علمی را متوقّفش

---

۱. در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

میکنند؛ اگر ببینند نمیشود متوقّفش کرد، آن را منحرف میکنند. ما ممکن است بر اثر ناشیگری‌های خودمان به این انحراف کمک کنیم... [یک نفر] می‌آید اینجا به عنوان یک دانشمند، مهمان میشود، بعد میرود در خیابان جلوی دانشگاه، از تابلوی فروش پایان‌نامه عکس برمیدارد و در دنیا پخش میکند؛ این آلوده کردن است. چه کسی اینها را دعوت میکند به ایران؟ اینها دانشمندند؟ چرا نمیفهمیم؟ چرا اشتباه میکنیم؟[1]

اوّلین کار دشمن این است که تبلیغ میکند هیچ دشمنی وجود ندارد! چطور نظام اسلامی دشمن ندارد؟! جهان‌خواران را از این سفره‌ی به یغما رفته‌ی سالهای متمادی، محروم کرده است؛ معلوم است که دشمنند، می‌بینیم که دشمنی میکنند ـ در تبلیغات، در محاصره‌ی اقتصادی ـ هر کاری که میتوانند در تقویت دشمن علیه نظام، میکنند؛ صریح هم میگویند![2]

ما هرگز منکر نیستیم که در نارسایی‌های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «مَآ أَصَابَکَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللهِ وَمَآ أَصَابَکَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِکَ»[3]؛ اینکه معلوم است؛ دشمن هم اگر ضربه‌ای به ما زد و این ضربه کاری شد، این هم «من نفسک» است؛ در این شکّی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمانها از خودشان ضربه خوردند؛ در اینکه بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجّه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی

---

۱. در دیدار نخبگان علمی ۱۳۹۵/۷/۲۸

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۳/۱۴

۳. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۷۹؛ «هر چه از خوبی‌ها به تو میرسد از جانب خدا است؛ و آنچه از بدی به تو میرسد از خود تو است.»

است که میخواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خطّ اغفالِ بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البتّه برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، میگویند: آقا شما همه‌اش به گردن دشمن می‌اندازید.

دولت انگلیس که کارنامه‌ی دویست‌ساله‌ی حضور آنها و ارتباط آنها با کشور ما، کارنامه‌ی سر تا پا سیاه است ـواقعاً یک نقطه و یک جا نداریم که بشود نشان داد که دولت انگلیس به نفع ملّت ایران یک قدم کوچکی برداشته باشد؛ هر چه بوده ضرر؛ هر چه بوده صدمه‌های بزرگ‌ـ اینها اعلان میکنند که ما طرف‌دار ملّت ایرانیم! دولت آمریکا اعلام میکند که ما طرف‌دار مردم ایرانیم! یعنی با نظام جمهوری اسلامی بدیم، امّا مردم را دوست داریم! خب، مردم جزو این نظامند؛ این نظام که منفکّ از مردم نیست. این ترفندهای دشمن است. اینها را باید شناخت، فهمید. او البتّه دشمنی‌اش را میکند؛ امر طبیعی است، امّا اینکه ما نفهمیم دشمنی او را و از این معنا غفلت کنیم، این قابل قبول نیست. یک وقت می‌بینید ما در داخل جدول و پازلهای دشمن قرار میگیریم ـدر پازل، مجموعه‌ای را کنار هم میچینند، تا یک شکلی از تویش دربیاید‌ـ تا یکی از این اجزا را ما تأمین بکنیم. خب، این خیلی چیز بدی است؛ ما باید سعی کنیم که تأمین‌کننده‌ی اجزای او نباشیم... باید جدول دشمن را کامل نکنیم؛ پازل دشمن را کامل نکنیم؛ ببینیم دشمن چه کار دارد میکند و چه کار میخواهد بکند؛ اهداف و حضور واضح او را ببینیم. امروز مؤثّرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناک‌تر است. این سلاح دشمن را شما در بلواهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه‌به‌لحظه، قضایای ما را دنبال میکرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود میداد. «وَإِنَّ

الشَّیَاطِینَ لَیُوحُونَ إِلَیٰٓ أَوْلِیَآئِهِمْ لِیُجَادِلُوکُمْ»[1]؛ دائم به اولیای خودشان ایحاء میکردند. خب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضح‌تر و روشن‌تر میشود فرض کرد؟![2]

• دشمن‌تراشی یا واقعیّت؟

استکبار دشمن است، صهیونیسم دشمن است، سرمایه‌داران بین‌المللی و زالوصفت دشمنند، مروّجین فرهنگِ ابتذال دشمنند... ممکن است بگویند: «جمهوری اسلامی، چرا این‌قدر برای خودش دشمن میتراشد که مدام به فکر مقابله‌ی با آنان باشد!؟»... جمهوری اسلامی برای خودش دشمن نمیتراشد. صفوف مستکبرین عالم و سرمایه‌داران زالوصفت و دشمنانی که در کمین نشسته‌اند، از اینکه می‌بینند ملّت ایران دست آنها را کوتاه کرده است خشمگین و عصبانی‌اند. نمیشود به یک انسان بگویند: «چرا شما از خانه‌ی خودت دفاع میکنی؛ از دکّان خودت دفاع میکنی؛ از ناموس خودت دفاع میکنی تا این همه گردن‌کلفت‌ها و قلچماقها و لاتها و قدّاره‌بندها با تو دشمن شوند!؟» اگر دفاع نکنیم، اگر درِ خانه را باز بگذاریم، اگر مصالح ملّی را قربانی مصالح ابرقدرت‌ها کنیم، اگر مستشاران آمریکایی را بر ارتش و نیروی مسلّح کشور مسلّط کنیم، اگر نفت را که سرمایه‌ی اساسی ملّت ما است، رایگان و مفت در اختیار مصرف‌کنندگان آن و صاحبان صنایع بگذاریم، البتّه با ما دشمن نخواهند شد. آیا اگر یک ملّت، از منافع، سرنوشت و استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی خود دفاع کند مجرم است!؟ این ملّت، قابل دفاع است. اگر فلسطینی‌هایی که امروز مبارزه میکنند، مثل

---

۱. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۲۱؛ «و در حقیقت، شیطانها به دوستان خود وسوسه میکنند تا با شما ستیزه نمایند.»

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

روزهای اوّلِ ماجرای غم‌انگیز فلسطین دفاعی نکنند کشته هم نخواهند شد. دشمن صهیونیست آمد املاک اینها را به مفت و با قیمتهای بسیار ارزان خرید و اینها نفهمیدند چه کار میکنند!... خود و نسلشان را به این روز سیاه دچار کردند. لذا، اگر امروز هم فلسطینی‌ها مثل همان وقت که صهیونیست‌ها خانه‌شان را خراب کردند، چیزی نگویند؛ اگر شهرهایشان را تصرّف کردند، حرفی نزنند؛ اگر به جای خانه‌های آنها شهرکهای یهودی‌نشین درست کنند، دم نزنند؛ اگر برایشان حقّ حیات و حقّ رأی قائل نباشند و آنها هم چیزی نگویند، البتّه کشته نخواهند شد؛ البتّه جوانانشان این‌طور قربانی نخواهند شد! امّا آیا وجدان بشری و عقل سالم، به یک ملّت اجازه میدهد که منافع، سرنوشت، آزادی، استقلال، نفت و دیگر منابع زیرزمینی، حکومت و همه چیز خود را دودستی به دشمن و مهاجم تقدیم کند، برای اینکه با او دشمن نشوند!؟ معلوم است که آمریکا و قدرتهای بزرگ و استکباری، با شخصی مثل امام راحل ما دشمنند. معلوم است که با جوانان رزمنده و سلحشور ما دشمنند و از آنها بدشان می‌آید. معلوم است با هر کس از این ملّت که احساسات انقلابی داشته باشد، دشمنند؛ امّا آیا این، دشمن‌تراشی است!؟ این، مجوّز آن است که ما حرف نزنیم، برای اینکه دنیا با ما دشمن نشود!؟

ما دشمن‌تراشی نکرده‌ایم؛ ما حقّمان را خواسته‌ایم. یک ملّت خواسته است در خانه و سرزمین خود، بر منافع، ثروت، منابع مالی، زندگی و سرنوشت خود مسلّط باشد. مستشارهای آمریکایی، مثل ارباب می‌آمدند به این کشور؛ مثل ارباب! ارتشی‌هایی که آن روزگار را به یاد دارند، میدانند من چه میگویم. من از آدمهای آشنا و موثّق، این مطلب را شنیدم که یک درجه‌دار آمریکایی، یک افسر جزء آمریکایی، در هر جا که بود، بر افسرهای ارشد و امرای ارتشِ پادشاهی، حکمرانی میکرد! این، برای یک ملّت زنده، جایز است؟ این، روا است؟ آن ملّتی که راه را برای دشمنان باز کند و برای دفاع از منافع خود حرف نزند و اگر او را غارت کردند، حتّی داد نکشد،

لایق زنده ماندن است؟ ابداً! انقلاب ایران، چون انقلابی است در جهت کوتاه کردن دست دشمنان، دشمن‌ساز است. جمهوری اسلامی، چون میخواهد منافع ملّت را بر منافع بیگانگان ترجیح دهد، دشمن‌ساز است.[1]

• دشمنی ذاتی و مدّت زمان دشمنی

دشمنی این جبهه‌ی دشمنی... موسمی و فصلی نیست؛ این دشمنی، یک دشمنی ذاتی است، دشمنی همیشگی است، هر وقت بتوانند ضربه بزنند میزنند. علاجش این است که ما خودمان را قوی کنیم؛ قوی از لحاظ نظامی، قوی از لحاظ امنیّتی، قوی از لحاظ سیاسی، قوی از لحاظ اقتصادی. از جهات مختلف خودمان را قوی کنیم که دشمن نتواند ضربه بزند... اینکه بعضی خیال کنند که اگر چنانچه ما یک قدم عقب رفتیم، یک کمی کوتاه آمدیم، آمریکایی‌ها دست از دشمنی برمیدارند، بسیار خطا است... اینکه بعضی فکر کنند که شما کاری نکنید که آمریکا عصبانی بشود... درست نقطه‌ی مقابل فرمایش پروردگار عالم است: «وَمَثَلُهُمْ فِی الْإِنْجِیلِ کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَیٰ عَلَیٰ سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِیَغِیظَ بِهِمُ الْکُفَّارَ»[2]؛ رشد عناصر مؤمن، این نهالهای برومند، این جوانهای مؤمن، اصلاً برای این است که «لِیَغِیظَ بِهِمُ الْکُفَّارَ»، تا دشمن عصبانی بشود؛ از همین هم بیشتر عصبانی‌اند. عصبانی‌اند از جوانهای عرصه‌ی علم، از جوانهای عرصه‌ی جهاد، از جوانهای عرصه‌ی خدمت، از جوانهای عرصه‌ی نظامی؛ از اینها عصبانی‌اند.[3]

---

۱. در حرم مطهّر رضوی ۱۳۷۲/۱/۵

۲. سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «و مَثَلِ آنها در انجیل چون کِشته‌ای است که جوانه‌ی خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهیِ] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد.»

۳. در دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

آن کسانی که از وابستگی ایران به خودشان بهره میبردند، امروز با ما دشمنند؛ دشمن خونی! آن کسانی که از عقب‌ماندگی ملّت ایران منتفع میشدند، امروز با ما دشمنند؛ دشمن خونی، دشمن آشتی‌ناپذیر. البتّه این دشمنی ممکن است تا قیامت طول نکشد؛ «عَسَى اللهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً»[1]؛ ممکن است یک وقتی اتّفاق بیفتد در آینده ـصد سال دیگر، پنجاه سال دیگر، نمیدانیم ـ که این دشمنی از بین برود؛ امّا شرط از بین رفتن دشمنی چیست؟ اینکه او ناامید بشود یا اصلاح بشود؛ که حالا این [اصلاح شدن] بعید است.[2]

• رفع دشمنی چه زمانی خواهد بود؟

اینکه بعضی بردارند طبق میل دل کارشناسان سیای امریکا، دم از نزدیکی و مذاکره و ارتباط بزنند و فضا را عادی‌سازی کنند، این بزرگ‌ترین توهین و خیانت به این مردم است. اگر قرار است سخن از رفع دشمنی دشمنان سوگندخورده بر زبان آورد، باید آن روزی باشد که این کشور از لحاظ اقتصادی پایه‌های خودش را مستحکم کرده باشد؛ محرومیّتها را رفع کرده باشد؛ این نسبت بیکاری را از بین برده باشد؛ آینده‌ی جوانها را روشن کرده باشد؛ جوان تحصیل‌کرده و فارغ‌التّحصیل دغدغه‌ی معاش و دغدغه‌ی کار نداشته باشد؛ از لحاظ مسائل فرهنگی این کشور بتواند هنرمندانی تربیت کند که بر طبق منافع و مصالح ملّی، سینمای کشور را اداره کنند؛ هنر کشور را اداره کنند؛ مطبوعات کشور را اداره کنند. اگر این‌طور شد، آن وقت نوبت این خواهد رسید که برای رفع دشمنی فکر کنیم؛ وَالّا در غیر آن صورت، هر گونه نزدیک شدن به دشمن، هر گونه نرمش نشان دادن

---

۱. سوره‌ی ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۷؛ «امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید، دوستی برقرار کند.»

۲. در دیدار مردم قم ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

در مقابل دشمن، تیز کردن آتش دشمنی و ستمگری دشمن است... آیا اکنون که ما با چنین دشمنانی در این سطح مواجهیم، امکان دفاع از خود، یا ضربه به دشمن، یا جلوگیری از ضربه‌ی دشمن را داریم یا نه؟... پاسخ من این است که آری، داریم. نه اینکه بخواهم شعار بدهم. امروز در میان کشورهایی که من در این منطقه می‌شناسم ـ کشورهای خاورمیانه، کشورهای خلیج فارس، کشورهای شرق آسیا، کشورهای آسیای میانه و تازه استقلال یافته ـ هیچ کشوری جز ایران این توان را ندارد. البتّه کشورهای بزرگی هم هستند که آنها هم به دلایل دیگری این توانایی را دارند؛ امّا دلایل ما ویژه‌ی خود ما است؛ ما کاملاً این امکان را داریم.[1]

• ابعاد دشمنی؛ از دشمنی اقتصادی تا دشمنی رسانه‌ای

ما باید جوانب توطئه‌ها را بروشنی بشناسیم و بشناسانیم؛ وظیفه‌ی ما این است. امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست ـ نمیگوییم بکلّی منتفی است، امّا خیلی محتمل نیست ـ لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمیخواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوّت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند میکنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند

---

۱. در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

میکنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البتّه ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده میکند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.[1]

سفارش من به جوانهای عزیزمان این است که امروز ببینند دشمن در چه خطّی حرکت میکند، دشمن چه چیزی را هدف گرفته، نقطه‌ی مقابل آن را عمل کنند و حرکت کنند. با نگاه من، آن‌طور که بنده اوضاع را مشاهده میکنم، دشمن ملّت را هدف گرفته، افکار عمومی را هدف گرفته، فکر جوانها را هدف گرفته؛ میلیاردها دلار دارند خرج میکنند، در این اتاقهای فکرشان ـ به اصطلاحِ خودشان اتاقهای فکر و گروه‌های اندیشه‌ورز ـ دارند تلاش میکنند برای اینکه ملّت ایران را و بخصوص جوانها را از این راه برگردانند؛ و وسیله‌ای که آنها دنبال میکنند فعلاً دو وسیله است: یکی فشارهای اقتصادی است برای اینکه مردم را به تنگ بیاورند و از نظام اسلامی جدا کنند، یکی هم لجن‌پراکنی است؛ لجن‌پراکنی‌ها، دروغ‌پردازی‌ها، تهمت زدن‌ها، که به ارکان انقلاب تهمت میزنند، به ابعاض انقلاب تهمت میزنند، به مراکزی که در پیشرفت انقلاب تأثیر دارند تهمت میزنند؛ یک روز به مجلس شورای اسلامی، یک روز به شورای نگهبان، یک روز به سپاه؛ امروز نوبت سپاه است... و در ضمن به شهید بزرگ و بزرگواری مثل شهید سلیمانی. اگر جرئت میکردند، از خشم مردم و عکس‌العمل مردم نمیترسیدند، به امام هم اهانت میکردند؛ منتها خب جرئت نمیکنند و میدانند که عکس‌العمل مردم تند است در مقابل این... جوانها در مقابل اینها باید بِایستند؛ ملّت ایران باید در مقابل این دو حرکت بِایستد. فشار اقتصادی را با تلاش درونی، تلاش داخلی

---

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

و با خنثی کردن تحریمها [باید خنثی کرد] ...البتّه برادران انقلابی ما در زمینه‌ی از بین بردن تحریمها و مجاب کردن طرف مقابل هم مشغول کارند که این هم خوب است، لکن کار عمده خنثی کردن تحریمها است از طریق ایجاد حرکت تولید داخلی و تحرّک اقتصادی داخلی.[1]

ضرورت و اهمّیّت دشمن‌شناسی

• اهمّیّت شناخت دشمن و روش دشمنی

آنچه وظیفه‌ی ما به عنوان مردم، به عنوان آحاد جمهوری اسلامی است: اوّلاً دشمن‌شناسی است؛ دشمن را [بشناسیم]؛... بعد، دانستن نقشه‌ی دشمن؛ دشمن چه کار دارد میکند، چه کار میخواهد بکند؛ و بعد، دانستن شیوه‌ی مقابله‌ی با نقشه‌ی دشمن؛ این را باید مردم ما بدانند.[2]

همه‌ی کارهای ما، یک نوع مبارزه است. زندگی، میدان مبارزه است. شما در خانه‌ی خودتان هم که نشسته باشید، مجبورید چالشی را بر خودتان تحمیل کنید تا بتوانید تنفّس کنید و ادامه‌ی حیات دهید. مبارزه‌ها فرق میکند؛ کوچک و بزرگش فرق میکند؛ شخصی و عمومی‌اش فرق میکند؛ جهت‌گیری انسانی و ضدّ انسانی‌اش فرق میکند؛ همه در حال مبارزه‌اند. اینکه گفته‌اند «انّما الحیاة عقیدة و جهاد»[3]، یک واقعیّت است. انسان راهی را انتخاب میکند و در آن راه مشغول چالش و مبارزه میشود. زندگی این است.[4]

امروز روش دشمنی، ایجاد اختلاف و نفرت و کینه میان آحاد مردم است؛ ایجاد دلسردی نسبت به آرمانهای اسلامی است؛ منحرف کردن

---

۱. در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

۲. در دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰۱/۱۸

۳. منهاج البراعة فی شرح نهج‌البلاغه (خویی)، ج۲۱، ص۲۲۱؛ «همانا حقیقت زندگی، عقیده و مبارزه است.»

۴. در دیدار کارکنان نیروی هوایی ۱۳۷۹/۱۱/۱۹

شعارهای مردم و طرح شعارهایی است که با حرکت عظیم مردم هیچ همخوانی ندارد.[1]

شما ببینید نقطه‌ی قوّتتان چیست و روی آن تکیه کنید؛ چنان‌که در میدان جنگ همین کار را میکنید. یعنی نقطه‌ی ضعف طرف را می‌یابید، رخنه‌گاه را در صفوف طرف مقابل پیدا میکنید و حمله را بر نقاط ضعف طرف متمرکز مینمایید؛ و اگر بتوانید نقاط قوّت طرف را از بین ببرید، به این کار میپردازید. فرض بفرمایید اگر دشمن هواپیماهای بسیار تیزپروازی دارد؛ برای زمین‌گیر کردن او در منطقه، ضدّ هوایی‌تان را تقویت میکنید. یا اگر زرهی بسیار مسلّطی دارد، شما ضدّ زرهی‌تان را مجهّز میکنید تا او زمین‌گیر شود. در مبارزات نظامی، این قاعده‌ی کلّی است و همه‌ی ارتشهای جهان، در نبردها چنین کاری میکنند. در دنیای سیاست نیز همین‌طور است. استکبار به کشور ما نگاه کرده و دیده است که ملّت ایران نقاط قوّت و نقاط ضعفی دارد. بنابراین میخواهد ضمن حدّاکثر استفاده از نقاط ضعف، تا آنجا که میتواند نقاط قوّت را از بین ببرد و مانع استفاده‌ی این ملّت از نقاط قوّت خود شود.[2]

در داخل دانشگاه، در داخل دبیرستان، در متن جامعه، در فعّالیّتهای کشور، در مطبوعات و در تبلیغات، ادامه‌ی حضور استکبار را بشناسید. استکبار میخواهد در این کشور و در میان این ملّت، ایمان عمیق نباشد، سرگرمی به شهوات باشد، «معروف» اسلامی نباشد و آنچه از نظر اسلام «منکر» است، رایج باشد. استکبار میخواهد در داخل کشور، تنبلی و بیکارگی باشد، سازندگی و ابتکار و اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم نباشد. استکبار میخواهد پیشرفت علم و دانش در کشور نباشد، تحقیقات نباشد، کلاس درس نباشد.[3]

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۹/۱

۲. در دیدار ارتشیان به مناسبت روز ارتش ۱۳۷۳/۱/۲۴

۳. در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۵/۸/۹

• دشوار نبودن شناسایی دشمن

شناسایی دشمن دشوار نیست. آنچه مسلّم است، این است که یک نظام سلطه‌ی جهانی وجود دارد که امروز در رأس آن، رژیم آمریکا است. در گذشته دیگرانی بودند، ممکن است در آینده هم قدرتهای دیگری باشند. امروز آمریکا منافع خودش را در دنیا تعریف کرده ـپنهانی هم نیستـ در مقالاتشان نوشته‌اند؛ در تحلیلهای سیاسی‌شان، منافع خودشان را تعریف کرده‌اند. منافع آنها عبارت است از ایجاد دنیای یک‌قطبی؛ یعنی در رأس مجموعه‌ی کشورهای عالم، دولتی به نام دولت آمریکا است و در بدنه، انواع و اقسام دولتها هستند؛ بعضی دارای قدرت علمی و پیشرفتهای علمی و دارای توان نظامی‌اند؛ باید با آنها به نحوی ساخت و در معارضه‌ی با آنها، منافع آنها را بر منافع خود ترجیح داد ـاین تحلیل آمریکایی است ـ دولتهایی هم هستند که از اقتدار نظامی یا اقتدار اقتصادی برخوردار نیستند؛ اسمهایی برای آنها گذاشته میشود: کشورهای در حال توسعه، کشورهای ـدر اصطلاح قبلیـ جهان سوّم. از همه‌ی فرصتهای اینها که میتوان برای توسعه‌ی اقتدار آمریکا استفاده کرد، باید استفاده کرد. اگر به انرژی آنها احتیاج داریم ـنفت آنها، گاز آنهاـ باید راه را به سمت نفت و گاز آنها به هر کیفیّتی باز کرد. اگر به بازار مصرف آنها احتیاج داریم، به هر کیفیّتی که ممکن است، باید این راه را به سوی بازار مصرف آنها باز کرد. اگر به حضور سیاسی و اقتصادی در میان آنها نیاز است، باید این راه را گشود. اگر دولتهای مزاحمی در آن کشورها بر سر کارند، باید آن دولتها را کنار زد. اگر اندیشه‌های مزاحمی در آن کشورها وجود دارد، باید آن اندیشه‌ها را از فضای ذهنی جامعه زدود. اگر شخصیّتهایی در آن کشورها هستند که میشود آنها را خرید، باید خرید. اگر نیروهایی در آن کشورها هستند که میشود از آنها به عنوان نیروی فشار علیه دولتهایی که با این سیاست مخالفند، استفاده کرد، باید خرج کرد و به کار برد. این سیاست استکباری است. امروز آمریکا

این سیاست را دارد. یک روز انگلیس داشت؛ آن روزی که در شرق و غرب دنیا حاکمیّت پادشاهی انگلیس تثبیت شده بود؛ در آسیا، در شبه قارّه‌ی هند، در استرالیا، در کانادا و در جاهای دیگر. قبل از آن هم روسیه‌ی تزاری نسبت به همان منطقه‌ی محدودی که روی آن نفوذ و فشار داشت، این سیاست را اعمال میکرد. البتّه امروز ابزارها مدرن‌تر و وسایل پیشرفته‌تر شده است.[1]

• جایگاه تفکّر درست در تشخیص دوست و دشمن

در اسلام هست که: «تَفَکُّرُ سَاعَةٍ خَیْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّینَ سَنَةً»[2]؛ یک ساعت فکر کردن، ارزشش از عبادت سالها بیشتر است؛ به خاطر اینکه اگر شما فکر کردید، عبادتتان هم معنا پیدا میکند؛ تلاش سازندگی‌تان هم معنا پیدا میکند؛ مبارزه‌تان هم معنا پیدا میکند؛ دوستتان را می‌شناسید، دشمنتان را هم می‌شناسید. شما فرض کنید در یک جبهه‌ی جنگی آدمهایی پیدا شوند که جبهه‌ی خودی را از جبهه‌ی دشمن تشخیص ندهند ـ حیران و سرگردان دُور خودشان بچرخند ـ گاهی اینجا تیر بزنند، گاهی آنجا تیر بزنند؛ گاهی بالا تیر بزنند، گاهی به خودشان تیر بزنند! ببینید فکر که نباشد، آدم این‌طوری میشود. عدّه‌ای میخواهند در های‌وهوی فریادها و شعارها و رنگ و روغنها و رنگ و لعابهای دروغین، مجموعه‌ی دانشجویی را به این سمت بکشانند. این برای جنبش و حرکت دانشجویی خطر است. باید فکر کرد. با فکر، انتخاب، انتخاب درستی خواهد بود. اگر در انتخاب اشتباه هم بکند، چنانچه انسانِ اهل فکر باشد، با او راحت‌تر میشود حرف زد. آن آدمی که اهل فکر نیست، هر گونه انتخابی بکند، اگر اندک خطایی در آن باشد، نمیشود با او حرف زد و منطقی صحبت کرد؛ تسلیم تعصّبها و ندانستن‌ها و جهالتهای خودش است؛ امّا وقتی اهل

---

۱. در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

۲. مستدرک الوسائل، ج۲، ۱۰۵؛ «یک ساعت تفکّر از شصت سال عبادت بهتر است.»

فکر و دقّت بود، اگر خطایی هم اتّفاق افتاده باشد، یک نفر آدم خیرخواه میتواند با او حرف بزند و بگوید به این دلیل، این کار خطا است. نباید سطحی بود. به هر شعاری، به هر حرف گرمی، به هر دهان گرمی و به هر نقلی، نمیشود اعتماد کرد؛ باید فکر کرد. اساس قضایا فکر است. آن چیزی که انتظار عمده از انسانهای فرزانه و هوشمند است، این است.[1]

• **تشخیص دشمن اصلی و پرهیز از دشمن‌تراشی و تفرقه**

دشمن‌ستیزی، مشخّص کردن دشمن اصلی و متمرکز شدن روی دشمنان اصلی، از دیگر مسائل مهم است. بگردید دشمن اصلی را بیابید و به مردم معرّفی کنید. سعی میشود دشمن‌تراشی شود. بنده شنیدم که بعضی از افراد جناحهای مختلف گفته بودند که امروز دشمن اصلی ما، جناح مقابل ما است! خطای بزرگی در جامعه است که در مجموعه‌ای که همه معتقد به اسلام و انقلاب و نظام اسلامی‌اند، یک جناح، دشمن اصلی خود را جناح مقابل بداند. این خیلی تأسّف‌بار است. اگر این حرف قائم به ذهن یک نفر یا ده نفر یا صد نفر باشد، آدم میگوید به جهنّم! بگذار آن‌طور خیال کنند؛ امّا اگر این به صورت یک فرهنگ درآید و در ذهن مجموعه‌ای از مردم جا بگیرد، چیز خیلی خطرناکی خواهد شد. لذاست که بایستی روی دشمن اصلی متمرکز شد و او را معرّفی کرد و مردم را به ستیزه با او تشویق نمود.[2]

ای مسلمانان عالم! در هر جای دنیا که هستید، اگر شماها با هم دشمنی نکنید، علیه هم مبارزه و جنگ نکنید، دشمنانتان را بشناسید، دوستانتان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه امروز است تفاوت خواهد کرد. امروز دچار تشتّت و دچار ضعف و دچار عقب‌ماندگی هستید؛ کشورهای اسلامی غالباً یا عموماً فقیرند، وابسته‌اند، اسیرند.

---

۱. در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۹/۱

۲. در دیدار مدیران صداوسیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

دشـمنان اسلام میخواهند اسلام را از میان کشورهای اسلامی بِزور بیرون برانـند. مـردم و آحـاد مسـلمان، قلبشـان بـا اسلام اسـت، با خدا اسـت، بـه اسلام علاقه‌مندنـد. سیاسـتها و قدرتهـای بزرگ جهـانی بـه وسیلـه‌ی دولتهـای دست‌نشـانده، سـعی میکننـد مـردم را از اسلام دور کنند. اگر شـماها با هم باشید، اگر شـماها با هم دعوا نکنید، اگر نیرویتان را علیه هم مصرف نکنید، این نیرو چیز عظیمی اسـت، از آن میشـود برای بهتر کردن دینتان و دنیایتان استفاده کنید.[1]

بصیـرت در ایـن دوران و در همـه‌ی دورانها به معنای این اسـت که شما خطّ درگیری با دشـمن را تشـخیص دهید؛ کجا با دشـمن درگیری اسـت؟ بعضی‌ها نقطه‌ی درگیری را اشتباه میکنند؛ خمپاره و توپخانه‌ی خودشان را آتش میکنند به سـمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست، آنجا دوست است.[2]

• لزوم بصیرت در تشخیص حق از باطل

«الْعَالِـمُ بِزَمَانِـهِ لَا تَهْجُـمُ عَلَيْـهِ اللَّوَابِـسُ»[3]؛ کسی که زمانه را می‌شناسـد، یعـنی وقتی اوضاع و احوال محیط خـود و محیط پیرامونی‌اش و محیط جهان را میداند و میفهمد جریانهای گوناگون جهانی کی‌هایند، کجایند، اهدافشان چیست، چه جور با هم مواجه میشوند، دچار اشتباه نمیشود؛ در قضایای گوناگون، قضاوت اشـتباه نمیکند و دچار اشـتباه نمیشـود. این آشنایی، برای همه لازم است... البتّه دشمن مرتّب دارد تحلیل‌باران میکند. این تعداد رسـانه‌هایی که آمارش را چندی پیش اینجا آوردند و به ما دادند، اصلاً دهشت‌آور است... راست را با دروغ مخلوط میکنند،

---

۱. در دیـدار جمـع کثیری از اقشـار مختلـف مـردم، روحانیّـون و معاونان دفاتـر عقیدتی-سیاسی نیروی زمینی ارتش و جمعی از شیعیان استان سرحدّ پاکستان ۱۳۶۸/۷/۱۹

۲. در دیدار بسیجیان خراسان شمالی ۲۴ / ۷/ ۱۳۹۱

۳. کافی، ج۱، ص۲۷ ؛ «شبهات به کسی که زمانه‌ی خود را بشناسد هجوم نمی‌آورند.»

می‌آیند یک تحلیل غلط و معیوب از این درمی‌آورند... امیرالمؤمنین میفرماید: اگر حق به طور خالص و بی‌شائبه خودش را نشان بدهد، کسی دچار اشتباه نمیشود؛ اگر باطل بدون آمیختگی با حق، خودش را نشان بدهد، کسی دچار باطل نمیشود؛ «فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُرْتَادِينَ، وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ، وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ فَيُمْزَجَانِ»[1]. یک لقمه از حق، یک لقمه از باطل را مخلوط میکنند، یک غذایی که ظاهرش نشان نمیدهد مسموم است، در اختیار کسی که بی‌اطّلاع است، میگذارند؛ این تحلیل در ذهنها اثر میکند. گاهی اوقات تحلیلهایی که در بعضی از محافل دانشگاهی، دانشجویی و استادی از بعضی از مسائل میشود، آدم میبیند این بر اثر بی‌اطّلاعی است.[2]

اینهایی که بصیرت ندارند ــ مثل این بیچاره‌هایی که در فتنه گرفتار شدند ــ مثل کسانی‌اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، در غبار میخواهند مخالفی را، دشمنی را بزنند؛ خب نمیداند دشمن کجا است؛ یکی از اوّلین شرایط جنگهای نظامی، اطّلاعات است؛ بروید اطّلاع کسب کنید و ببینید دشمن کجا است. اگر بدون اطّلاع رفتید، شما ممکن است جایی را بزنید که دوست آنجا است.[3]

همه‌ی آحاد مردم وظیفه دارند که فضا را فضای سالم قرار بدهند؛ فضایی که در آن محبّت بر خصومت فائق و غالب باشد؛ و این در اسلام بسیار مهم است. انسان ترکیبی است از دوست داشتن و دشمن داشتن.

---

۱. کافی، ج۱، ص۲۷؛ «اگر باطل از آمیزش با حق خالص میشد راه بر حق‌جویان پوشیده نمیماند. و اگر حق در پوشش باطل پنهان نمیگشت زبان دشمنان یاوه‌گو از آن قطع میگشت. ولی پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل فراهم شده و در هم آمیخته میشود.»

۲. در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۰/۶/۲

۳. در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶

شما، هم احساس محبّت در وجودتان هست و هم احساس بغض و عداوت. این طبیعیِ هر انسان است: یک چیزهایی را دوست میدارد و یک روحِ دوست داشتن در او هست و یک روحِ دشمن داشتن و کینه ورزیدن. اسلام تکلیف اینها را معیّن کرده؛ گفته روحِ خصومت شما و دشمنیِ شما مخصوص است به دشمنان خدا و دشمنان نظام اسلامی و دشمنان مردم. ببینید آن کسانی که با خدا و رسول خدا و جامعه‌ی اسلامی و ملّت مسلمان دشمنند چه کسانی هستند، دشمنی را متوجّه آنها کنید؛ مابقیِ وجود شما دوستی و محبّت باشد نسبت به آحاد جامعه.[1]

تکیه‌ی اسلام بر مواجهه‌ی با دشمنِ فعّال است... دو عنصر مهم برای مواجهه با این دشمنی‌ها لازم است... یکی عبارت است از بصیرت و دوّمی عبارت است از صبر و استقامت، که اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت دشمن هیچ کاری نمیتواند بکند... این همان است که امیرالمؤمنین فرمود: «وَ لا یَحمِلُ هذَا العَلَمَ اِلّا اَهلُ البَصَرِ وَ الصَّبرِ وَ العِلمِ بِمَواضِعِ الحَقّ»[2]؛ که این در خطبه‌ی ۱۷۳ نهج‌البلاغه است. بصیرت یعنی چه؟ بصیرت یعنی تیزبین بودن و راه درست را شناختن. انسان گاهی اشتباه میکند؛ حالا احتمال اشتباهِ انسانهای ابتدایی و تازه‌کار که بیشتر است، آدمهای قدیمی و مجرّب هم مواردی اشتباه میکنند راه درست را؛ بایستی مراقبت کرد که انسان در شناخت راهِ درست اشتباه نکند؛ در غبارآلودگی فتنه‌ها بتواند راه را پیدا کند و بفهمد راه درست چیست؛ بصیرت به این معنا است.[3]

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملّت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند،

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸

۲. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۳؛ «و این پرچم را به دوش نمیکشد مگر آن که اهل بصیرت و استقامت و دانای به موارد حق باشد.»

۳. در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از این گونه عناصر در داخل ملّتها دارد؛ در داخل ملّت ما هم این‌جور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا میشوند. متن ملّت، آحاد مردم، این توده‌ی عظیم مردمی ـ از خواص تا عامّه‌ی مردم ـ اینها را باید از آن عناصر معدود خودفروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتّفاق بیفتد. من میبینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آن‌چنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسئولانشان بدبین میشوند؛ این درست نیست.[1]

• شناخت توطئه‌ی دشمن توسّط انسانهای بصیر و خبیر

در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیّتهای جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به وجود آورید و چیزی را بشناسید. این‌قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همین‌طور بوده که حالا اینها بحثهای تفسیری زیادی دارد. در دوره‌های گوناگون دیگر هم همین‌طور است. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیّتی را واژگونه در چشممان جلوه دهد.[2]

• آثار فقدان بصیرت در دشمن‌شناسی

انسانهای بی‌بصیرت، زود فریب میخورند. همین امروز هم در دنیا آدمهای دلسوزی هستند که فریب خورده‌اند؛ دشمن را نشناخته‌اند

---

۱. در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

۲. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با جوانان در دوّمین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

و صف را تشخیص نداده‌اند. در ایران، امام عظیم‌الشّأن ما، به برکت بصیرت مردم ـ که با صبر و مقاومت آنها همراه بود ـ این راه را طی کرد و به موفّقیّت رسید. خود او، در ایجاد این بصیرت و صبر در مردم، بزرگ‌ترین مؤثّر بود. هر جا در انحاء عالم مبارزه‌ای صورت میگیرد، حرکتی میشود، انسان دلسوزی در پی نجات توده‌های مردم حرکت میکند، باید بداند که این راه، با هوشمندی و بصیرت و نیز با صبر و مقاومت طی‌شدنی است، و لاغیر.[1]

• اقدام بموقع در شناخت فعل و هدف دشمن

غالباً کشورها و جوامع از ندانستن موقعیّت و نشناختن فرصت، ضربه میخورند. وقتی دشمنی کمین میگیرد و ما نمیدانیم که او کمین گرفته است، نمی‌شناسیم؛ یا اگر چنانچه اطّلاع پیدا کردیم، علاج را زود و بهنگام ارائه نمیدهیم؛ آن وقت ضربه میخوریم.[2]

یکی از اشکالات کار ما، نشناختن وضع زمانه است. بعضی‌ها علم و تقوا هم دارند، امّا در عین حال نمیتوانند جایگاه و سنگری را که باید در آن بایستند و کار کنند، بشناسند.[3]

این حرکت [نوزدهم بهمن]، نیاز لحظه بود. من روی این قضیّه خیلی تکیه میکنم و بارها تکیه کرده‌ام. ما همیشه باید در کارهای خودمان نیاز لحظه را درک کنیم. یک کارهایی وجود دارد که شما اگر الان انجام دادید، این به هدف اصابت میکند؛ همین کار را اگر چنانچه در غیر این وقت انجام دادید، آن فایده را ندارد. باید تشخیص داد که نیاز لحظه چیست؛ شما همیشه این کار را میتوانید انجام بدهید. [مثلاً]

---

۱. در مراسم دوّمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۰/۳/۱۴
۲. در جمع خانواده‌ی شهدا و ایثارگران استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۱
۳. در دیدار علما و روحانیّون کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱

در نیروی هوایی، ببینید امروز نیروی هوایی به چه کاری نیاز دارد، آن کار را در لحظه انجام بدهید. به نظر من یکی از مهم‌ترین کارهای هوشمندانه‌ی آن جمع این بود؛ وَالّا اگر چنانچه آنها میگذاشتند مثلاً فرض کنید که ده روز بعد، بیست روز بعد این کار را انجام میدادند، اصلاً این اثر را نداشت؛ آن روز این اثر را داشت؛ نیاز لحظه را تشخیص دادند. این درسی است برای ما.[1]

نکته‌ی مهم در باب قیام بیست‌ونهم بهمن تبریز... که خدا به آن برکت داد، این است که مردم تبریز توانستند وقت‌شناسی کنند، این یک، و اقدام بهنگام کنند، این دو... در همه‌ی حوادث شخصی و اجتماعی، این دو عنصر خیلی مهم است که [اگر] وقت را، موقع را بشناسیم، و بعد هم که شناختیم و فهمیدیم که وقت عمل است، آن عمل را بموقع و بهنگام انجام بدهیم، این موفّقیّت پیش خواهد آمد. اگر چنانچه این وقت‌شناسی نباشد، از اقتضای وقت غفلت بشود یا حرکت مقتضی بهنگام انجام نگیرد، آن وقت هر حرکتی که انجام بگیرد، بی‌فایده خواهد بود. نمونه‌اش در تاریخ توّابینند؛ توّابین آن جماعتی بودند که بعد از آنکه حادثه‌ی کربلا اتّفاق افتاد و امام حسینِ عزیزِ دل پیغمبر با آن وضع به شهادت رسید و آن همه حادثه اتّفاق افتاد، اینها به جوشش آمدند که عجب، ما نشسته‌ایم؟ بلند شدند قیام کردند ــ عدّه‌ی زیادی هم بودند ــ رفتند، حکومت هم با اینها مقابل شد، همه‌ی آنها هم کشته شدند، شهید شدند، امّا آیا اثر کار صد نفر از آنها به قدر اثر کار آن غلامِ سیاهی است که در کربلا شهید شد؟ اثر صد نفر از آنها به قدر اثر یک نفر حبیب‌بن‌مظاهری است که در کربلا شهید شد؟ نه، [چون] کار را به وقت خودش انجام ندادند. اگر شماها میخواستید دفاع کنید از امام حسین، از پیغمبر، از حریم ولایت، از حرکت حق در مقابل باطلِ یزیدی، روز

---

۱. در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند ارتش ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

عـاشورا باید [کاری] میکردید؛ وقت را از دسـت دادید! این تاریخ اسـت؛ در تاریخ نمونه‌های این‌جوری فراوان داریم.

مـن فراموش نمیکنـم، اوّل انـقلاب، امـام روز دوازدهم بهمـن که وارد تهـران شـدند، در بهشـت زهـرا فرمودنـد که مـن دولـت تشـکیل میدهم، وعده دادند که من دولت تشـکیل میدهم؛ زمینه هـم کاملاً آماده بود. به نظرم روز چهاردهم پانزدهم بود، امام فرستادند دنبال ماها ــ چون مسئول فراهـم کردن مقدّمات تشـکیل دولت، شورای انقلاب بـود که ماها بودیم، بنـده عضو شورای انـقلاب بودم و چند نفر دیگر ــ رفتیم خدمت ایشـان در مدرسـه‌ی علوی. ایشان گفتند: «آقا! چه شد پس؟ تشـکیل دولت چه شـد؟» یعنی مقدّمـات را چرا فراهم نکردید؟ ببینید، این درسـت اسـت؛ این وقت‌شناسی و استفاده‌ی از فرصت است. بعد هم همان فردایش یا پس‌فردایش دولت موقّت را معیّن کردند، حکم دادنـد و آن قضایا به آن شکل ادامه پیدا کرد. این وقت‌شناسی است.[1]

• اثر انگشت دشمن در فضای سیاسی و فرهنگی

شما جوانان عزیز میتوانید اثر انگشت دشمن را در بسیاری از مسائلی که امروزه در فضای سیاسی و فرهنگی مطرح است، مشاهده کنید و نشانه‌های هدفمنـدی این مسـائل و جریانـات را به سـوی تغییـر باورهـای اسلامی و انـقلابی ببینیـد. ایـن واقعیّـت بایـد سـمت و سـوی فعّالیّتهـای جامعه‌ی اسلامی دانشجویان و دیگر تشکّلهای اسلامی دانشجویی را ترسیم کند.[2]

بسیار کسـان هستند که سرانگشت دشـمنند؛ امّا نه در چهره‌ی یک بـرخورد نظـامی، بلکه با برآشـفتن محیـط امن زنـدگی مردم، با شکسـتن حریـم خلـوت امـن خانواده‌هـا و بـا نفـوذ کـردن در حصار محکـم عفّت

---

۱. در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

۲. پیام به کنگره‌ی جامعه‌ی اسلامی دانشجویان در مشهد ۱۳۸۰/۶/۱۰

عمومی این ملّت. سرانگشت دشمن است که این گونه عمل میکند. هنر بزرگ شما این است که اینها را بشناسید.[1]

• شناخت هندسه‌ی کار دشمن

وقتی قدرتهای مستکبر بین‌المللی از یک نظامی ناراضی و ناخشنود باشند، یکی از راه‌هایی که یافتند و عمل کردند، این است که منتظر یک فرصت انتخابات بشوند، بعد در آن فرصت انتخابات، اگر کسانی که مورد رضای آنها نیستند، بر سر کار آمدند، و آنهایی که آنها میخواهند، بر سر کار نیامدند، آن وقت با یک حرکت نمایشیِ مردمی، اوضاع را برگردانند؛ با شعارهایی گروهی از مردم را توی صحنه بکشانند، با فشار در صحنه‌ی خیابانها، آن چیزی را که با قانون به دست آمده است، با خشونت دگرگون کنند. این یک نقشه‌ی شناخته‌شده است. اگر ملاحظه میکنید که حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمد، در ذهن مردم، در ذهن تحلیلگران مستقل و صادق و تیزبین، منتسب به عوامل خارجی و بیرونی میشوند، ناشی از این است... آنها میخواستند مردم را تقسیم کنند به یک گروه اقلّیت، به یک گروه اکثریّت؛ یک گروهی که برنده‌ی انتخابات است، یک گروه هم که در انتخابات به نتیجه‌ی مطلوب خود دست پیدا نکرده، اینها را در مقابل هم قرار بدهند. ملّت را دوپارچه کنند؛ یک عدّه اغتشاشگر هم وارد میدان بشوند و با ایجاد اغتشاش، جنگ را در داخل کشور مغلوبه کنند، جنگ داخلی راه بیندازند؛ امیدشان این بود. امّا ملّت هوشیاری به خرج داد.[2]

• لزوم شناخت ترفندهای دشمن

همیشه اطّلاع از آنچه که دشمن در گذشته عمل کرده است، موجب

---

۱. در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی ۱۳۷۲/۴/۲۶

۲. در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهّر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

میشود که انسان ترفندهای دشمن را در زمان خودش هم بداند. البتّه روشها عوض میشود. شما می‌بینید که در مبارزات ورزشی هم مربّیان می‌نشینند و عملکرد فلان تیم رقیب را با دقّت نگاه میکنند تا روشهای او را بشناسند. ملّت ایران در طول صد سال اخیر اقلّاً در دو قضیّه‌ی مهمّ قبل از انقلاب اسلامی با آمریکا و انگلیس روبه‌رو شده است. یک قضیّه، قضیّه‌ی مشروطیّت است؛ یک قضیّه، قضیّه‌ی نهضت ملّی شدن صنعت نفت است. در هر دو قضیّه، آنها ترفندی زدند و ملّت ایران را از لذّت بردن از پیروزی خود محروم کردند و یک دیکتاتوری سخت و سیاه را در هرکدام از این دو مقطع در کشور به وجود آوردند.[1]

نکته‌ی مهمّی که نباید از نظر نخبگان سیاسی و نظامی جهان اسلام دور بماند، سیاست آمریکا و صهیونیست‌ها در انتقال درگیری‌ها به پشت جبهه‌ی مقاومت است. راه‌اندازی جنگهای داخلی در سوریه، و محاصره‌ی نظامی و کشتار شبانه‌روزی در یمن، و ترور و تخریب، و تولید داعش در عراق، و قضایای مشابه در برخی دیگر از کشورهای منطقه، همگی ترفندهایی برای سرگرم کردن جبهه‌ی مقاومت و فرصت دادن به رژیم صهیونیست است. برخی سیاستمداران کشورهای مسلمان نادانسته و برخی دانسته در خدمت این ترفندهای دشمن قرار گرفته‌اند. راه جلوگیری از اجرای این سیاست خباثت‌آمیز، عمدتاً خواست و مطالبه‌ی جدّی جوانان غیرتمند در سراسر جهان اسلام است. جوانان در همه‌ی کشورهای اسلامی بویژه کشورهای عربی، نباید توصیه‌ی امام خمینی عظیم را از نظر دور بدارند که فرمود: هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا ـ و نیز البتّه دشمنِ صهیونیست ـ بکشید.[2]

جوانها بایستی خودشان را آماده کنند، فکرشان را آماده کنند، ترفند

---

۱. در دیدار مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰

۲. در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس ۱۳۹۹/۳/۲

دشمن را بشناسند. اوّلین آماج تهاجمِ دشمن عبارت است از فکر شما، از ذهن شما، از آنچه حاکم بر اندیشه‌ی شما است؛ این اوّلین آماج دشمن است. با انواع حیله‌ها سعی میکند این تفکّر را تغییر بدهد؛ وقتی فکر عوض شد، به طور طبیعی عمل عوض خواهد شد. نگذارید فکرها را عوض کنند، نگذارید انگیزه‌ها را ضعیف کنند؛ نگذارید قدرت درونی ایمان و همّت عالیِ شما را دشمن با ترفندهای خودش از بین ببرد. محکم بایستید، به خدا توکّل کنید، و خدای متعال ان‌شاءالله با شما است؛ «أَنَّ اللهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»[1]؛ خدا با اهل تقوا است، خدا با اهلِ حرکتِ در راه او است و مجاهدین را ان‌شاءالله نصرت خواهد داد.[2]

• شناخت مواضع ورود دشمن

میدانید هم که راه‌های از بین بردن وحدت چیست و دشمن چگونه وارد میشود؛ مقابله کنید. این حضور در صحنه‌های انقلاب را و حمایت از نظام را حفظ کنید؛ این راز اصلی است. این احساس صاحبِ انقلاب و صاحبِ کشور بودن را ـ که همه‌ی ملّت ما دارند ـ حفظ کنید. اگر اینها حفظ شد ـ که البتّه به فضل الهی خواهد شد ـ من عرض میکنم تمام قدرتهای بزرگ از اینکه بتوانند به شما ضربه وارد بیاورند ناتوان و کوچکند.[3]

دشمن گاهی به عنوان یک چهره‌ی علمی جلو می‌آید. بنده خبر دارم؛ اینکه میگویم، اطّلاع است، حدس و تحلیل نیست. خیلی از این مراکز علمی که دعوت میکنند استادها را، گاهی اوقات دانشجوها را، اعضایی که خودشان را در آن هیئت علمی نفوذ داده‌اند، اعضای

---

۱. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۹۴

۲. در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین(ع) ۱۳۹۸/۷/۲۱

۳. در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۴/۱۹

امنیّتی سی‌آی‌ای و موساد و مانند اینها را به عنوان چهره‌ی علمی، می‌نشینند و ارتباطات برقرار میکنند. حالا این ارتباطات بعدش به کجا برسد، این را دیگر خدا میداند؛ حدّاقلّش این است که ذهن او را خراب کنند. اگر نتوانند جذبش کنند، اگر نتوانند فریبش بدهند، حدّاقلّش این است که ذهنش را خراب کنند. دشمن این‌جوری وارد میشود. خودشان را مؤدّب جا میزنند، باهوش جا میزنند، بعد معلوم میشود که اینها کلاه ما را برمیدارند.[1]

• واکنش دشمن نشانه‌ی چیست؟

تاریخ کوتاه انقلاب ما سرشار است از حوادثی که هر کدامِ آنها به تنهایی کافی است که یک ملّتی را به تفکّر و تأمّل وادار کند. در همه‌ی این حوادث، انسان دو چیز را بروشنی مشاهده میکند: یکی خباثت دشمن و دوّم مقاومت و ایمان عمیقِ کم‌نظیرِ ملّت مسلمان و مردم بااخلاص خودمان... قبل از پیروزی انقلاب، دستگاه جبّارِ آن روز برای هر کلمه‌ی حرفی که منادیان نهضت اسلامی در سرتاسر کشور از اسلام بر زبان می‌آوردند، فشارهای زیادی را به آنها متوجّه میکردند. در حالی که خودشان علی‌الظّاهر کارهای شبه اسلامی را ـاز قرآن و از سخنرانی و از روضه‌خوانی و از این قبیل چیزهاـ انجام میدادند، امّا روی کارهایی که مبارزین میکردند، بشدّت حسّاس بودند. بنده بارها در اجتماعات به مردم میگفتم که عکس‌العمل دشمن نشان‌دهنده‌ی صحّت کار ما است. تا وقتی دشمن تهدید نشود، به عکس‌العمل وادار نخواهد شد. عکس‌العمل دشمن نشان‌دهنده‌ی این است که این کار، این حرف، این پیام، این اقدام، برای دشمن خطرناک است.[2]

---

۱. در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر تحصیلی ۱۴۰۱/۷/۲۷

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۴/۱۱

• خطاهای معارضین جمهوری اسلامی

خطاهـایی در معارضیـن جمـهوری اسلامی بود، کـه تا هر وقتـی که این خطاها وجود داشته باشد، کارهایی که بکنند، ممکن است به مردم آزار و اذیّتی وارد کند، امّا بیشـتر به ضرر خودشـان است: یکی این است که معارضین جمهوری اسلامی غالباً خود را از مردم بالاتر دانسته‌اند. خطای دوّم این است که به دشمنان این مردم امید بستند، دل بستند. این، دو تا اشـتباه بزرگ است. وقتی از مردم خودشـان را بالاتر دانستند، لازمه‌اش این میشـود که اگـر مردم در یک حرکـت قانونی یک اقدامـی کردند، یک چیـزی را خواسـتند، یـک چیـزی را نخواسـتند، انتخـابی کردنـد، عملی انجـام دادند، اینها بگویند نه، مـردم، عوام بودند؛ این عوام‌گرایی اسـت، این پوپولیزم اسـت؛ ما این را قبول نداریم. خود را از مردم بالاتر دانستن، اینجا ظاهر میشـود. ادّعا ملاک نیسـت که بگویند ما مردمی هستیم؛ در عمل باید مردمی بود. این اشکال اوّل.

اشکال دوّم این است که به دشمنان این مردم ـ که دشمنی آنها ثابت اسـت، واضح اسـت ـ دل میبندند... وقـتی می‌بینیم که این دشـمن وارد میدان شـده اسـت، بایسـتی بفهمیم، بشـناسیم؛ اگـر خطایی، اشـتباهی کـرده باشیـم، بایـد اشـتباه را برطـرف کنیـم. از روز اوّل، آمریکایی‌ها علیه جمهوری اسلامی توطئه کردند. خب، این توطئه‌ها زائد اسـت که بگوییم بی‌اثر بود؛ واضح است که بی‌اثر بود؛ اگر این توطئه‌ها بی‌اثر نبود که حالا باید اثری، نشانی از جمهوری اسلامی باقی نباشد؛ می‌بینید که جمهوری اسلامی امروز ده‌هـا برابر قوی‌تر از روز اوّل اسـت؛ پس ایـن توطئه‌ها بی‌اثر بود. امروز هم هی نقشهای جدیدی میزنند، باز هم توطئه میکنند؛ عبرت هم نمیگیرند. من تعجّب میکنم! به گذشـته فکر نمیکنند که خب، این همـه توطئه کردیم، این همه علیه جمهوری اسلامی پول خرج کردیم، این همـه اینجا آنجا این را دیدیم، آن را دیدیم، در داخل مزدور پرورش دادیم، در بیرون ایـن و آن را علیه جمهوری اسلامی بسیج کردیم؛ اثری نکرد. باز

دوباره می‌نشینند ۴۵ میلیون دلار بودجه تصویب میکنند، برای اینکه جمهوری اسلامی را شکست بدهند! بودجه تصویب میکنند که از طریق اینترنت، انقلاب ایران را از بین ببرند؛ جمهوری اسلامی را سرنگون کنند! ببینید چقدر این دشمن، دشمن درمانده‌ای است. خب، شما چند ده «۴۵ میلیون دلار» را تا حالا مصرف کرده‌اید؟ چقدر شما برای شکست دادن جمهوری اسلامی کار دیپلماسی کردید، تحریم اقتصادی کردید، انواع و اقسام توطئه‌ها را کردید، جاسوس فرستادید، جاسوس تربیت کردید؛ چه فایده‌ای کردید که حالا باز میخواهید از این طریق وارد شوید و ملّت ایران را به خیال خودتان از انقلاب جدا کنید؟ این را دشمن نمیفهمد. این، همان سنّت الهی است؛ این، همان زدن به چشم و گوش دشمن غافل از خدای متعال است که حقایق را نفهمد؛ غافل کردن دشمن است. «فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً»[1]؛ پول را خرج میکنند، بعد هم برایشان حسرت میشود؛ چون بی‌فایده است. من نمیدانم چقدر نشستند طرّاحی کردند، کار کردند تا بتوانند در تهران به یک بهانه‌ای آشوب راه بیندازند... خب، چه شد؟ غیر از این شد که مردم از آنچه که بودند، بیدارتر شدند؟ اگر کسی خیال میکرد که لازم نیست دیگر بیاید توی میدان، از نظام جمهوری اسلامی دفاع کند، با این حوادث، همه احساس کردند که باید همیشه برای دفاع از جمهوری اسلامی حاضر باشند.[2]

گونه‌ها و ویژگی‌های دشمن

• شناخت پنج نوع دشمنی در پرتوی مطالعه‌ی جامعه‌ی نبوی

پنج دشمن اصلی، جامعه‌ی تازه متولّد شده‌ی پیامبر را تهدید میکنند:

---

۱. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۳۶؛ «اموال خود را خرج میکنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند؛ پس بزودی [همه‌ی] آن را خرج میکنند، و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشت.»

۲. در دیدار مردم مازندران ۱۳۸۸/۱۱/۶

۱. یک دشمن، کوچک و کم‌اهمّیّت است؛ امّا در عین حال نباید از او غافل ماند. یک وقت ممکن است یک خطر بزرگ به وجود آورد. او کدام است؟ قبایل نیمه‌وحشی اطراف مدینه. به فاصله‌ی ده فرسخ، پانزده فرسخ، بیست فرسخ از مدینه، قبایل نیمه‌وحشی‌ای وجود دارند که تمام زندگی آنها عبارت از جنگ و خون‌ریزی و غارت و به جان هم افتادن و از همدیگر قاپیدن است. پیغمبر اگر بخواهد در مدینه نظام اجتماعی سالم و مطمئن و آرامی به وجود آورد، باید حساب اینها را بکند. پیغمبر فکر اینها را کرد. در هر کدام از آنها اگر نشانه‌ی صلاح و هدایت بود، با آنها پیمان بست؛ اوّل هم نگفت که حتماً بیایید مسلمان شوید؛ نه، کافر و مشرک هم بودند؛ امّا با اینها پیمان بست تا تعرّض نکنند. پیغمبر بر عهد و پیمانِ خودش، بسیار پافشاری میکرد و پایدار بود؛ که این را هم عرض خواهم کرد. آنهایی را که شریر بودند و قابل اعتماد نبودند، پیغمبر علاج کرد و خودش سراغ آنها رفت. این سریّه‌هایی که شنیده‌اید پیغمبر پنجاه نفر را سراغ فلان قبیله فرستاد، بیست نفر را سراغ فلان قبیله، مربوط به اینها است؛ کسانی که خوی و طبیعت آنها آرام‌پذیر و هدایت‌پذیر و صلاح‌پذیر نیست و جز با خون‌ریزی و استفاده از قدرت نمیتوانند زندگی کنند. لذا پیغمبر سراغ آنها رفت و آنها را منکوب کرد و سر جای خودشان نشاند.

۲. دشمن دوّم، مکّه است که یک مرکزیّت است. درست است که در مکّه حکومتِ به معنای رایج خودش وجود نداشت، امّا یک گروه اشرافِ متکبّرِ قدرتمندِ متنفّذ با هم بر مکّه حکومت میکردند. اینها با هم اختلاف داشتند، امّا در مقابل این مولود جدید، با یکدیگر همدست بودند. پیغمبر میدانست خطر عمده از ناحیه‌ی آنها است؛ همین‌طور هم در عمل اتّفاق افتاد. پیغمبر

احساس کرد اگر بنشیند تا آنها سراغش بیایند، یقیناً آنها فرصت خواهند یافت؛ لذا سراغ آنها رفت؛ منتها به طرف مکّه حرکت نکرد. راه کاروانی آنها از نزدیکی مدینه عبور میکرد؛ پیغمبر تعرّض خودش را به آنها شروع کرد، که جنگ بدر، مهم‌ترینِ این تعرّضها در اوّل کار بود. پیغمبر تعرّض را شروع کرد؛ آنها هم با تعصّب و پیگیری و لجاجت به جنگ آن حضرت آمدند. تقریباً چهار پنج سال وضع این گونه بود؛ یعنی پیغمبر آنها را به حال خودشان رها نمیکرد؛ آنها هم امیدوار بودند که بتوانند این مولود جدید ـیعنی نظام اسلامیـ را که از آن احساس خطر میکردند، ریشه‌کن کنند. جنگ اُحد و جنگهای متعدّد دیگری که اتّفاق افتاد، در همین زمینه بود.

آخرین جنگی که آنها سراغ پیغمبر آمدند، جنگ خندق ـیکی از آن جنگهای بسیار مهمـ بود. همه‌ی نیرویشان را جمع کردند و از دیگران هم کمک گرفتند و گفتند میرویم پیغمبر و دویست نفر، سیصد نفر، پانصد نفر از یاران نزدیک او را قتل‌عام میکنیم؛ مدینه را هم غارت میکنیم و آسوده برمیگردیم؛ دیگر هیچ اثری از اینها نخواهد ماند. قبل از آنکه اینها به مدینه برسند، پیغمبر اکرم از قضایا مطّلع شد و آن خندق معروف را کند. یک طرف مدینه قابل نفوذ بود؛ لذا در آنجا خندقی تقریباً به عرض چهل متر کندند. ماه رمضان بود. طبق بعضی از روایات، هوا بسیار سرد بود؛ آن سال بارندگی هم نشده بود و مردم درآمدی نداشتند؛ لذا مشکلات فراوانی وجود داشت. سخت‌تر از همه، پیغمبر کار کرد. در کندن خندق، هر جا دید کسی خسته شده و گیر کرده و نمیتواند پیش برود، پیغمبر میرفت کلنگ را از او میگرفت و بنا میکرد به کار کردن؛ یعنی فقط با دستور حضور نداشت؛ با تنِ خود در وسط جمعیّت حضور داشت. کفّار، مقابل خندق

ATjie4ni6/aUCqwAd6ag==

آمدند، امّا دیدند نمیتوانند؛ لذا شکسته و مفتضح و مأیوس و ناکام مجبور شدند برگردند. پیغمبر فرمود تمام شد؛ این آخرین حمله‌ی قریش مکّه به ما است. از حالا دیگر نوبت ما است؛ ما به طرف مکّه و به سراغ آنها میرویم.

سال بعد از آن، پیغمبر گفت ما میخواهیم به زیارت عمره بیاییم. ماجرای حدیبیّه[1] ـ که یکی از ماجراهای بسیار پُرمغز و پُرمعنا است ـ در این زمان اتّفاق افتاد. پیغمبر به قصد عمره به طرف مکّه حرکت کرد. آنها دیدند در ماه حرام ـ که ماه جنگ نیست و آنها هم به ماه حرام احترام میگذاشتند ـ پیغمبر به طرف مکّه می‌آید. چه کار کنند؟ راه را باز بگذارند بیاید؟ با این موقّعیّت، چه کار خواهند کرد و چطور میتوانند در مقابل او بایستند؟ آیا در ماه حرام بروند با او جنگ کنند؟ چگونه جنگ کنند؟ بالاخره تصمیم گرفتند و گفتند میرویم و نمیگذاریم او به مکّه بیاید؛ و اگر بهانه‌ای پیدا کردیم، قتل‌عام‌شان میکنیم. پیغمبر با عالی‌ترین تدبیر، کاری کرد که آنها نشستند و با او قرارداد امضا کردند تا برگردد؛ امّا سال بعد بیاید و عمره به جا آورد و در سرتاسر منطقه هم برای تبلیغات پیغمبر فضا باز باشد. اسمش صلح است؛ امّا خدای متعال در قرآن میفرماید: «إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُبِینًا»[2]؛ ما برای تو فتح مبینی ایجاد کردیم. اگر کسانی به مَراجع صحیح و محکم تاریخ، مراجعه کنند، خواهند دید که ماجرای حدیبیّه چقدر عجیب است. سال بعد پیغمبر به عمره رفت و علی‌رغم آنها، شوکت آن بزرگوار روزبه‌روز زیاد شد. سال بعدش ـ یعنی سال هشتم ـ که کفّار نقض عهد

---

۱. تفسیر علیّ‌بن ابراهیم قمی، ج۲، ص۳۱۰
۲. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱

کرده بودند، پیغمبر رفت و مکّه را فتح کرد، که فتحی عظیم و حاکی از تسلّط و اقتدار آن حضرت بود. بنابراین پیغمبر با این دشمن هم مدبّرانه، قدرتمندانه، با صبر و حوصله، بدون دستپاچگی و بدون حتّی یک قدم عقب‌نشینی برخورد کرد و روزبه‌روز و لحظه‌به‌لحظه به طرف جلو پیش رفت.

۳. دشمن سوّم، یهودی‌ها بودند؛ یعنی بیگانگانِ نامطمئنّی که علی‌العجاله حاضر شدند با پیغمبر در مدینه زندگی کنند؛ امّا دست از موذیگری و اخلالگری و تخریب برنمیداشتند. اگر نگاه کنید، بخش مهمّی از سوره‌ی بقره و بعضی از سوره‌های دیگر قرآن مربوط به برخورد و مبارزه‌ی فرهنگی پیغمبر با یهود است. چون گفتیم اینها فرهنگی بودند؛ آگاهی‌هایی داشتند؛ روی ذهنهای مردم ضعیف‌الایمان اثرِ زیاد میگذاشتند؛ توطئه میکردند؛ مردم را ناامید میکردند و به جان هم می‌انداختند. اینها دشمن سازمان‌یافته‌ای بودند. پیغمبر تا آنجایی که میتوانست، با اینها مدارا کرد؛ امّا بعد که دید اینها مدارابردار نیستند، مجازاتشان کرد. پیغمبر، بیخود و بدون مقدّمه هم سراغ اینها نرفت؛ هر کدام از این سه قبیله عملی انجام دادند و پیغمبر بر طبق آن عمل، آنها را مجازات کرد. اوّل، بنی‌قینقاع بودند که به پیغمبر خیانت کردند؛ پیغمبر سراغشان رفت و فرمود باید از آنجا بروید؛ اینها را کوچ داد و از آن منطقه بیرون کرد و تمام امکاناتشان برای مسلمانها ماند. دسته‌ی دوّم، بنی‌نضیر بودند. اینها هم خیانت کردند ـ که داستان خیانتهایشان مهم است ـ لذا پیغمبر فرمود مقداری از وسایلتان را بردارید و بروید؛ اینها هم مجبور شدند و رفتند. دسته‌ی سوّم بنی‌قریظه بودند که پیغمبر امان و اجازه‌شان داد تا بمانند؛ اینها را بیرون نکرد؛ با اینها پیمان بست تا در جنگ خندق نگذارند دشمن از طرف محلّاتشان وارد مدینه شود؛ امّا اینها ناجوانمردی

AVie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

کردند و با دشمن پیمان بستند تا در کنار آنها به پیغمبر حمله کنند! یعنی نه فقط به پیمانشان با پیغمبر پایدار نماندند، بلکه در آن حالی که پیغمبر یک قسمت مدینه را ـکه قابل نفوذ بودـ خندق حفر کرده بود و محلّات اینها در طرف دیگری بود که باید مانع از این میشدند که دشمن از آنجا بیاید، اینها رفتند با دشمن مذاکره و گفتگو کردند تا دشمن و آنها ـمشترکاًـ از آنجا وارد مدینه شوند و از پشت به پیغمبر خنجر بزنند! پیغمبر در اثنای توطئه‌ی اینها، ماجرا را فهمید. محاصره‌ی مدینه، قریب یک ماه طول کشیده بود؛ در اواسط این یک ماه بود که اینها این خیانت را کردند. پیغمبر مطّلع شد که اینها چنین تصمیمی گرفته‌اند. با یک تدبیر بسیار هوشیارانه، کاری کرد که بین اینها و قریش به هم خورد... کاری کرد که اطمینان اینها و قریش از همدیگر سلب شد. یکی از آن حیله‌های جنگی سیاسی بسیار زیبای پیغمبر همین جا بود؛ یعنی اینها را علی‌العجاله متوقّف کرد تا نتوانند لطمه بزنند. بعد که قریش و هم‌پیمانان‌شان شکست خوردند و از خندق جدا شدند و به طرف مکّه رفتند، پیغمبر به مدینه برگشت. همان روزی که برگشت، نماز ظهر را خواند و فرمود نماز عصر را جلوی قلعه‌های بنی‌قریظه میخوانیم؛ راه بیفتیم به آنجا برویم؛ یعنی حتّی یک شب هم معطّل نکرد؛ رفت و آنها را محاصره کرد. ۲۵ روز بین اینها محاصره و درگیری بود؛ بعد پیغمبر همه‌ی مردان جنگی اینها را به قتل رساند؛ چون خیانتشان بزرگ‌تر بود و قابل اصلاح نبودند. پیغمبر با اینها این گونه برخورد کرد؛ یعنی دشمنی یهود را ـعمدتاً در قضیّه‌ی بنی‌قریظه، قبلش در قضیّه‌ی بنی‌نضیر، بعدش در قضیّه‌ی یهودیان خیبرـ این گونه با تدبیر و قدرت و پیگیری و همراه با اخلاق والای انسانی از سر مسلمانها رفع کرد. در هیچ کدام از این قضایا، پیغمبر نقض عهد نکرد؛ حتّی دشمنان اسلام

AYuie4Ai6/auCtjzwAd6ag==

هم این را قبول دارند که پیغمبر در این قضایا هیچ نقض عهدی نکرد؛ آنها بودند که نقض عهد کردند.

۴. دشمن چهارم، منافقین بودند. منافقین در داخل مردم بودند؛ کسانی که به زبان ایمان آورده بودند، امّا در باطن ایمان نداشتند؛ مردمان پست، معاند، تنگ‌نظر و آماده‌ی همکاری با دشمن، منتها سازمان‌نیافته. فرق اینها با یهود این بود. پیغمبر با دشمن سازمان‌یافته‌ای که آماده و منتظر حمله است تا ضربه بزند، مثل برخورد با یهود رفتار میکند و به آنها امان نمیدهد؛ امّا دشمنی را که سازمان‌یافته نیست و لجاجتها و دشمنی‌ها و خباثتهای فردی دارد و بی‌ایمان است، تحمّل میکند. عبدالله‌بن‌ابیّ، یکی از دشمن‌ترین دشمنان پیغمبر بود. تقریباً تا سال آخر زندگی پیغمبر، این شخص زنده بود؛ امّا پیغمبر با او رفتار بدی نکرد. در عین حال که همه میدانستند او منافق است؛ ولی با او مماشات کرد؛ مثل بقیّه‌ی مسلمانها با او رفتار کرد؛ سهمش را از بیت‌المال داد، امنیّتش را حفظ کرد، حرمتش را رعایت کرد. با اینکه آنها این همه بدجنسی و خباثت میکردند؛ که باز در سوره‌ی بقره، فصلی مربوط به همین منافقین است. وقتی که جمعی از این منافقین کارهای سازمان‌یافته کردند، پیغمبر به سراغشان رفت. در قضیّه‌ی مسجد ضرار، اینها رفتند مرکزی درست کردند؛ با خارج از نظام اسلامی ـ یعنی با کسی که در منطقه‌ی روم بود؛ مثل ابوعامر راهب ـ ارتباط برقرار کردند و مقدّمه‌سازی کردند تا از روم علیه پیغمبر لشکر بکشند. در اینجا پیغمبر به سراغ آنها رفت و مسجدی را که ساخته بودند، ویران کرد و سوزاند. فرمود این مسجد، مسجد نیست؛ اینجا محلّ توطئه علیه مسجد و علیه نام خدا و علیه مردم است.[1] یا آنجایی که یک دسته از

۱. بحارالانوار، ج۲۱، ص۲۶۳

همین منافقین، کفر خودشان را ظاهر کردند و از مدینه رفتند و در جایی لشکری درست کردند؛ پیغمبر با اینها مبارزه کرد و فرمود اگر نزدیک بیایند، به سراغشان میرویم و با آنها میجنگیم؛ با اینکه منافقین در داخل مدینه هم بودند و پیغمبر با آنها کاری نداشت. بنابراین با دسته‌ی سوّم، برخورد سازمان‌یافته‌ی قاطع؛ امّا با دسته‌ی چهارم، برخورد همراه با ملایمت داشت؛ چون اینها سازمان‌یافته نبودند و خطرشان، خطر فردی بود. پیغمبر با رفتار خود، غالباً هم اینها را شرمنده میکرد.

۵. دشمن پنجم عبارت بود از دشمنی که در درون هر یک از افراد مسلمان و مؤمن وجود داشت. خطرناک‌تر از همه‌ی دشمنها هم همین است. این دشمن در درون ما هم وجود دارد: تمایلات نفسانی، خودخواهی‌ها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزشهایی که زمینه‌ی آن را خود انسان فراهم میکند. پیغمبر با این دشمن هم سخت مبارزه کرد؛ منتها مبارزه با این دشمن، به وسیله‌ی شمشیر نیست؛ به وسیله‌ی تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است. لذا وقتی که مردم با آن همه زحمت از جنگ برگشتند، پیغمبر فرمود شما از جهاد کوچک‌تر برگشتید، حالا مشغول جهاد بزرگ‌تر شوید. عجب! یا رسول‌الله! جهاد بزرگ‌تر چیست؟ ما این جهاد با این عظمت و با این زحمت را انجام دادیم؛ مگر بزرگ‌تر از این هم جهادی وجود دارد؟ فرمود بله، جهاد با نفس خودتان.[1] اگر قرآن میفرماید: «الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»[2]، اینها منافقین نیستند؛ البتّه عدّه‌ای از منافقین هم جزو «الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»اند، امّا هر کسی که «الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»

---

۱. امالی شیخ صدوق، ص۴۶۶

۲. سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۵۲؛ «کسانی که در دلهایشان بیماری است.»

است ـ یعنی در دل، بیماری دارد ـ جزو منافقین نیست؛ گاهی مؤمن است، امّا در دلش مرض هست. این مرض یعنی چه؟ یعنی ضعفهای اخلاقی، شخصیّتی، هوس‌رانی و میل به خودخواهی‌های گوناگون؛ که اگر جلویش را نگیری و خودت با آنها مبارزه نکنی، ایمان را از تو خواهد گرفت و تو را از درون پوک خواهد کرد. وقتی ایمان را از تو گرفت، دل تو بی‌ایمان و ظاهر تو باایمان است؛ آن وقت اسم چنین کسی منافق است. اگر خدای‌نکرده دل من و شما از ایمان تهی شد، در حالی که ظاهرمان، ظاهرِ ایمانی است؛ پایبندی‌ها و دل‌بستگی‌های اعتقادی و ایمانی را از دست دادیم، امّا زبان ما همچنان همان حرفهای ایمانی را میزند که قبلاً میزد؛ این میشود نفاق؛ این هم خطرناک است. قرآن میفرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُوا السُّوأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللهِ»[1]؛ آن کسانی که کار بد کردند، بدترین نصیبشان خواهد شد. آن بدترین چیست؟ تکذیب آیات الهی. در جای دیگر میفرماید: آن کسانی که به این وظیفه‌ی بزرگ ـ انفاق در راه خدا ـ عمل نکردند، «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللهَ مَا وَعَدُوهُ»[2]؛ چون با خدا خلف وعده کردند، در دلشان نفاق به وجود آمد. خطر بزرگ برای جامعه‌ی اسلامی این است؛ هر جا هم که شما در تاریخ می‌بینید جامعه‌ی اسلامی منحرف شده، از اینجا منحرف شده است. ممکن است دشمن خارجی بیاید، سرکوب کند، شکست دهد و تارومار کند؛ امّا نمیتواند نابود کند؛ بالاخره ایمان میماند و در

---

۱. سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۱۰؛ «آنگاه فرجام کسانی که بدی کردند [بسی] بدتر بود، [چرا] که آیات خدا را تکذیب کردند.»

۲. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۷۷؛ «در نتیجه، به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ میگفتند، در دلهایشان ـ تا روزی که او را دیدار میکنند ـ پیامدهای نفاق را باقی گذارد.»

جایی سر بلند میکند و سبز میشود. امّا آنجایی که این لشکرِ دشمن درونی به انسان حمله کرد و درون انسان را تهی و خالی نمود، راه منحرف خواهد شد. هر جا انحراف وجود دارد، منشأش این است. پیغمبر با این دشمن هم مبارزه کرد.[1]

• بی‌ایمانی، نقطه ضعف دشمن

دشمن به خاطر بی‌ایمانی به حقیقت و به خاطرِ تهیدست بودن از حق، علی‌رغم تجهیزات ظاهری‌اش، کاملاً آسیب‌پذیر و ضعیف است. ما این را در طول جنگ تحمیلی و در همین دریاها، بارها و بارها تجربه کرده‌ایم. امروز ما به طور آشکار و اعلام‌شده، جنگی علیه خودمان سراغ نداریم؛ امّا تهدیدهایی هست که هوشیاری و آمادگی ما را ایجاب میکند. هر چه میتوانید، این مانور را قوی‌تر و هماهنگ‌تر انجام بدهید، تا کارایی‌ها بالا برود.[2]

• دشمنی در قالب سکولاریسم

دولت اسلامی دو دسته دشمن دارد؛ یک دسته دشمنان شناخته‌شده هستند. همه‌ی سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه‌ی زندگی معتقد نیستند ـ به اصطلاح سکولارها ـ اینها هم با دولت اسلامی مخالفند؛ میگویند اقتصاد باید از دین جدا باشد، سیاست از دین جدا باشد، زندگی اجتماعی از دین جدا باشد، تحرّکات و نشاط‌های مردمی

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۲/۲۸

۲. در میدان صبحگاه ناوگان منطقه‌ی یکم نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۹/۲۴

عمومی از دین جدا باشد. مخالفتها هم در طیف وسیعی انجام میگیرد؛ از مخالف بودن، تا مخالفت کردن، تا معارضه‌های جدّی کردن. مترفین بین‌المللی ـ یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده‌ی جهانی را در اختیار خودشان میخواهند و برای این کار دارند حدّاکثر تلاش علمی و عملی را میکنند ـ اینها هم جزو دشمنان بیرونی دولت اسلامی‌اند. عرض کردیم دشمنها لزوماً دشمنی نمیکنند؛ بعضی از آنها دشمنند، بعضی دشمنی کردنشان به صورت مخالفت و اعتراض است، بعضی وارد میدان میشوند و گلاویز میشوند. بنابراین انواع و اقسام دشمنی وجود دارد و باید با هر کدام به نحوی برخورد کرد.[1]

• دشمنی با اسلام واقعی و دوستی با اسلام ادّعایی و سکولار

بعضی خیال میکنند حمله به دشمنان، معنایش این است که انسان حتماً توپ و تفنگ به جایی ببرد؛ یا فریاد سیاسی بلند کند. البتّه این هم در مواقعی لازم است. بله، لازم است انسان فریاد سیاسی هم بزند. بعضی این‌طور خیال نکنند که وقتی ما به مسئله‌ی فرهنگ اشاره میکنیم، منظور فریاد کشیدن بر سر دشمن است؛ نه. البتّه آن هم جای خودش کار لازمی است؛ امّا فقط آن نیست. کار سازندگی انسان بر روی خود، بر روی فرزندان، زیردستان و کسان و بر روی امّت اسلامی، بزرگ‌ترین کارها است. دشمن دائم پنجه میزند، برای اینکه بتواند این سدّ عظیم را به نحوی متزلزل یا نازک و نفوذپذیر کند. دشمن که رها نمیکند. دشمن با عظمت ظاهری و پوشالی خود، همه‌ی استکبار غربی و فرهنگ منحطّ جاهلی و طاغوتی است. این دشمن در طول قرنها به وجود آمده است؛ بر همه‌ی منافذ عالم ـ منابع اقتصادی، فرهنگی، انسانی و سیاسی ـ دست و چنگ انداخته است. حالا با یک مانع مهمّی که اسلام واقعی است ـ نه

---

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

اسلام ادّعایی- روبه‌رو شده است. البتّه اسلام ادّعایی هست؛ اسمشان مسلمان است، سر سفره‌ی آن، هم می‌نشینند، هم میچرند؛ انگشتان را هم میلیسند! طبیعی است آنکه ترسی ندارد.[1]

خب، اسلامی که انسان را متعهّد دانسته، او را متعهّد میخواهد و میطلبد؛ اسلامِ حاضر در متن زندگی، در برابر اسلام سکولار! اسلام سکولار شبیه مسیحیّت سکولار است که میرود در گوشه‌ی کلیسا، خودش را زندانی میکند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین‌جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت میکنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه‌ی مسجد یا گوشه‌ی خانه‌ها فرامیخواند. اسلامِ وارد در متن زندگی را معرّفی کنیم؛ اسلامِ رحمت به ضعفا؛ اسلامِ جهاد و مبارزه‌ی با مستکبران. به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به عهده‌ی همه است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی ما، دستگاه‌های علمی ما، حوزه‌های علمیّه‌ی ما باید این هدف را دنبال بکنند. اینکه امروز اسلام را آماج حملات خودشان قرار داده‌اند [به خاطر این است]؛ آن کسانی هم که آماج قرار داده‌اند، مشخّص است چه کسانی هستند و چه دستگاه‌هایی و چه جریانهایی هستند؛ مشخّص است؛ اینها وابسته‌ی به یک مجموعه‌ی قدرتمندِ زر و زور سیاسی و اقتصادیِ غالباً صهیونیست یهودی، و اگر صهیونیست یهودی هم نیستند صهیونیست غیر یهودی -که امروز در دنیا صهیونیست‌های غیر یهودی داریم- هستند. در مقابل اینها ما از این فرصت استفاده کنیم و این سؤال را مطرح کنیم در ذهن مردم دنیا و در ذهن جوانها که فکر کنید، ببینید چرا به اسلام این همه حمله میکنند؛ آن وقت اسلامِ واقعی را در اختیار اینها بگذاریم.[2]

---

۱. در دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۵/۹/۲۴

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

• دشمنی با لباسهای مختلف و از راه‌های متنوّع

هوشیارانه باید با دشمن برخورد کرد. دشمن، پیچیده است؛ دشمن برای مواجهه‌ی با انقلاب و با ملّت ایران، پیچیده عمل میکند؛ غالباً دشمن لباس دشمنی نمیپوشد بیاید جلو، [بلکه] با نفاق، با دورویی، با فریب، با تبلیغات، با شایعه‌پراکنی، با دلسرد کردن، با زنده کردن انگیزه‌های گوناگون ـانگیزه‌های قومی، انگیزه‌های طایفی، انگیزه‌های فرقه‌ایـ می‌آید جلو. اگر مردمی هوشیار نباشند، همان چیزی بر سرشان خواهد آمد که بر مردم مسلمان در دوران امام حسن(علیه‌السّلام) و بعضی از دورانهای دیگر آمد؛ آنجا جهت و جریان حق به خاطر این شکست خورد که مردم هوشیار نبودند، آگاه نبودند. اوّل، آگاهی و هوشیاری است که اگر آگاهی و هوشیاری باشد، وحدت کلمه هم هست؛ مراقب باشید وحدت کلمه را حفظ کنید.[1]

مراقب نفوذ دشمن در درون مجموعه‌ی بسیج باشید. این را توجّه داشته باشید؛ گاهی یک آدم فاسد، گاهی یک آدم ناباب لباس عوضی میپوشد، خودش را در یک مجموعه‌ای جا میکند، لباس روحانی میپوشد می‌آید خودش را در [کسوت] روحانیّون جا میزند. آدم فاسد، آدم ناباب میتواند در کسوت روحانی دربیاید، میتواند در کسوت بسیجی دربیاید؛ حواستان به این هم باشد.[2]

زلزله نمیگوید من قرار است بیایم، سیل هم همین‌جور؛ بلای طبیعی از پیش خبر نمیکند؛ دفعتاً می‌آید. ما باید اینجا حاضر باشیم، ستاد بحران باید حاضر باشد؛ یعنی باید مثل مرزبان ما باشد. مرزبانی که ما در کنار مرز میگماریم و می‌نشانیم برای مقابله‌ی با نفوذ دشمن، باید همیشه حاضر باشد؛ چون دشمن که نمیگوید من دارم می‌آیم.[3]

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۳/۱۹

۲. در دیدار بسیجیان ۱۴۰۱/۹/۵

۳. در جلسه‌ی رسیدگی به مشکلات زلزله‌زدگان استان کرمانشاه ۱۳۹۶/۸/۲۹

• جهانی بودن دشمنی

امروز با نظام قدرت‌طلب خون‌ریز جهانی داریم مبارزه میکنیم. مبارزه مشکلاتی دارد؛ این مشکلات را باید تحمّل کنیم و به جان بخریم. بنده خودم برای تحمّل مشکلات آماده هستم؛ در هر مسئولیّتی که باشم. ملّت ما هم نشان داده‌اند که آماده‌اند؛ همان‌طور که یکی از برادران عزیز ما الان گفت. ملّت ما امتحان خوبی داده‌اند. مبارزه، سختی دارد؛ عقب‌نشینی و پیشرفت دارد؛ امّا همه چیز باید با حساب و کتاب باشد. در جنگ، عقب‌نشینی هم گاهی تاکتیک است. عقب‌نشینی غیر از فرار است؛ نباید فرار کرد؛ نباید منهزم شد. عقب‌نشینی تاکتیکی یکی از فنون جنگ است؛ مثل پیشروی تاکتیکی است. فرار یعنی عقب‌نشینی بی‌نقشه؛ کمااینکه پیشروی بی‌نقشه هم منجر به شکست خواهد شد. همه چیز باید با میزان و با حساب باشد؛ منتها در جهت حرکت به جلو.[1]

• آغازگر دشمنی

بعضی‌ها تاریخ را تحریف میکنند؛ خود آمریکایی‌ها این کار را میکنند؛ آن سالی که بنده رئیس‌جمهور بودم و رفتم سازمان ملل، یک خبرنگار معروفِ آن روزِ آمریکا، در سازمان ملل با بنده مصاحبه کرد و شروع اختلافات بین ایران و آمریکا را از ماجرای سفارت ـلانه‌ی جاسوسیـ گفت؛ گفت بله، از وقتی که جوانهای شما رفتند سفارت را گرفتند، بین ایران و آمریکا اختلاف شد؛ این تحریفِ تاریخ است؛ قضیّه این نیست. اختلاف بین ملّت ایران و آمریکا از بیست‌وهشتم مرداد، حتّی قبل از بیست‌وهشتم مرداد شروع شد؛ بیست‌وهشتم مرداد سال ۳۲ به اوج رسید.[2]

باید تاریخ انقلاب را کسانی بنویسند. تاریخ انقلاب هم فقط تاریخ پیروزی انقلاب نیست؛ تاریخ شروع نهضت است. حقیقتاً مردم ما از

---

۱. در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹

۲. در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۸/۸/۱۲

قضایای طولانی این نهضتی که از روز شروع تا روز پیروزی، پانزده شانزده سال طول کشید، به تفصیل مطّلع نیستند... من از کسانی که توانایی این قبیل کارها را، بخصوص در زمینه‌های هنری دارند، واقعاً انتظار دارم. باید تاریخ انقلاب را ثبت کنند.[1]

• توطئه‌ورزی و تفرقه‌افکنی روزانه

شما ملاحظه کنید ببینید توطئه‌های دشمن چگونه است. گروه‌هایی هستند که در اساسی‌ترین مسائل، فکرشان یکی است؛ در اعتقاد به اسلام، در اعتقاد به شریعت، در اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی، در تدیّن، گاهی در رعایت حتّی مستحبّات، فکرشان، عقیده‌شان، راهشان، حتّی عملشان یکی است؛ امّا با تلقین دشمن اینها احساس جدایی و نفرت از هم میکنند؛ در مراکز مربوط به نظام، جلوی هم صف‌آرایی میکنند؛ در بین مردم، جلوی هم صف‌آرایی میکنند؛ در بخشهای مختلف، جلوی هم صف‌آرایی میکنند! در میان این مجموعه‌ها، هر کدام که نسبت به دیگران سخت‌گیرتر، با اعلام دشمنی صریح، تندکننده‌تر و تیزکننده‌تر آتش اختلاف باشد، این چه بداند و چه نداند، بیشتر در خدمت دشمنان این ملّت و این نظام است. اتّحاد و وحدت هم یکی از شرایط لازم است. این ساختن و تأمین کردن آینده‌ی این نظام است.[2]

خبرهایی که از مراکز حسّاس سیاسی و امنیّتی دنیا به دست ما میرسد، نشان میدهد که دستگاه‌های عظیمی، گسترده‌ای، با بودجه‌های کلانی، به طور دائم متوجّه به نظام جمهوری اسلامی هستند؛ با انگیزه‌هایی که دارند، که گفته شده است و معلوم است برای ما و شما، دارند کار میکنند؛ هر روز طرحی را به میدان می‌آورند و هر روز

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۱/۱۲

۲. در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۹/۸/۱۱

عرصه‌ی جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی می‌آرایند. و این ادامه هم پیدا خواهد کرد، تا وقتی که مأیوس بشوند؛ آن وقتی که نظام جمهوری اسلامی به نصابهای مشخّصی در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های امنیّتی، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های اخلاقی برسد. تا جمهوری اسلامی به این نصابهای معیّن نرسیده است، اینها ادامه پیدا خواهد کرد؛ به آنجا که رسیدیم، دشمن طبعاً مأیوس خواهد شد و واقعیّت را به طور کامل خواهد پذیرفت.[1]

• آگاهی دشمن از آسیب‌پذیری انسان

دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. میگویند: «هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، میتوان فاسدش کرد.» البتّه راست میگویند؛ با یک استثنا: «الّا المتّقین». متّقین را نمیتوان فاسد کرد. آنها این را یعنی معنای تقوا را دیگر نمیفهمند. بله، انسانها را میتوان فاسد کرد و میتوان زیبایی‌های دنیا را از طرق نامشروع در جلوی چشم آنها به رژه درآورد و دلهایشان را بُرد؛ طوری که همه‌ی ارزشها را دور بریزند و در مقابل جلوه‌های مادّی قربانی کنند. امّا اگر تقوا نباشد؛ «الّا المتّقین». تقوا در قیامت هم اثر میکند، در دنیا هم اثر میکند، در سیاست هم اثر میکند، در حفظ نظام هم اثر میکند، در جنگ هم اثر میکند. و این را خودِ شما، درک و لمس کردید و دیدید.[2]

• توطئه، خشم و خدعه‌ی پیوسته

مردم، این انقلاب را به پیروزی رساندند. حکومتی را خود این مردم به وجود آوردند که حرف اوّلش این است که میگوید من مصالح این

---

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

۲. در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

ملّت را محترم میشمارم نه مصالح کشورها و دولتهای دیگران را؛ هر کس میخواهد باشد. در باب سیاست خارجی و ارتباط با دنیا، حرف اساسی نظام جمهوری اسلامی، این است. از این موضع، عصبانی‌اند. در گذشته، اگر گفته میشد که نفت را به فلان قیمت بفروشید، میگفتند چشم؛ به فلان کشورها بفروشید، میگفتند چشم؛ به فلان کشورها نفروشید، میگفتند چشم. کمااینکه امروز نمونه‌هایش را در اوپک می‌بینیم. امروز بعضی از کشورها هستند که به خاطر آمریکا، به خاطر سرمایه‌داران بین‌المللی، به خاطر کمپانی‌های غربی، قیمت نفت خودشان را از صفر هم کمتر میدهند.[1]

سربازان انقلاب فقط کسانی نیستند که در هنگام بروز انقلاب حضور داشتند و میتوانستند سربازی کنند. جوانان مؤمن و نواندیش و آزادفکر و پاک‌دامن امروز ما و نسلهای بعد هم سربازان انقلابند؛ چون انقلاب یک حقیقت همیشه جاوید است؛ انقلاب پرچم عدالت و آزادی و استقلال و عزّت است؛ انقلاب پرچم اسلام است. چنین چیزی هرگز کهنه نمیشود، همیشه طرف‌دار و سرباز دارد و همیشه در میان انسانهای آگاه، دارای دلباخته است. آن کسانی که سعی میکنند جوانان امروز ما را به عنوان نسل سوّم و نسل چهارم و امثال این تعبیرات، پشت‌کرده به اسلام و انقلاب وانمود کنند، خودشان دلهای افسرده و درمانده و وامانده دارند و حال خودشان را به دیگران تعمیم میدهند، در حالی که حقیقت قضیّه این نیست.[2]

امروز علی‌رغم همه‌ی دشمنی‌ها، همه‌ی خباثتها، همه‌ی لشکرکشی‌های تبلیغاتی و سیاسی و امنیّتی و اقتصادی و غیره که علیه ملّت ایران و نظام جمهوری اسلامی دارند انجام میدهند و در واقع

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

۲. در دیدار مردم قم ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

دشمنی‌ها با اسلام است و میخواهند از اسلام انتقام بگیرند، ما به توفیق الهی داریم پیش میرویم؛ آن هم با سرعتی بیش از سرعت متوقّع و متعارف. ما داریم خیلی خوب به جلو حرکت میکنیم. اگر هیچ دلیل دیگری بر این وجود نداشته باشد، همین دلیل کافی است که دشمنِ متوجّه و مترصّد در صدد عکس‌العمل بربیاید؛ همین کارهایی که می‌بینید در تبلیغات و غیر تبلیغات و فشار اقتصادی و بهانه‌های گوناگون در دنیا مطرح میکنند. وقتی جبهه‌ی استکبار ـ که یک دشمنِ قوی‌پنجه‌ی مادّی است ـ این‌جور وارد میدان میشود، خود این دلیل بر این است که شما دارید موفّق میشوید؛ وَالّا اگر شما بی‌اثر بودید، بی‌خاصیّت بودید، عقب‌مانده بودید، پیشرفتی نداشتید، دشمن اصراری نداشت که این‌جور با شما پنجه دربیندازد؛ دشمن میبیند که شما دارید جلو میروید.[1]

• تلاش و کینه‌ورزی مستمرّ دشمن

ما ملّتی نیستیم که در دنیا هیچ کس با ما دشمنی نداشته باشد. آن ملّتهایی دشمن ندارند که ارزش وجودی ندارند. ملّتی که راهی دارد، هدفی دارد، کاری دارد، تلاشی میکند، دشمنانی هم پیدا میکند. البتّه دشمن داریم تا دشمن. دولت آمریکا هم در دنیا خیلی دشمن دارد؛ امّا دشمن دولت آمریکا کیست؟ ملّتها. ملّتهایند که متنفّرند، مکدّرند، از دولت آمریکا بدشان می‌آید؛ چرا؟ به خاطر اینکه دولت آمریکا سابقه‌ی تجاوز و تعرّض به کشورها از پنجاه سال، شصت سال قبل از این تا امروز در پرونده‌اش ثبت شده است. در طول پنجاه سال گذشته، دولت آمریکا نزدیک به شصت کشور را مورد تجاوز نظامی خودش قرار داده؛ این شوخی است؟ این کم است؟ خب، پس او هم دشمن دارد، نظام جمهوری اسلامی هم دشمن دارد. دشمن نظام جمهوری اسلامی

---

۱. در دیدار مسئولین اجرائی استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۸

کیست؟ دولتهای مستکبر، سرمایه‌دارهای صهیونیست، دشمنان بشر، دستگاه‌های جاسوسی غدّار و سفّاک. بنابراین دشمن هست؛ این دشمنان فعّالیّت میکنند، تلاش میکنند.[1]

در جهان اسلام آنچه امروز بروشنی به چشم میخورد، روش خصومت‌آمیز و جبهه‌گیریِ خشونت‌باری است که از سوی مراکز قدرت استکباری و عمدتاً از سوی آمریکا نسبت به مسلمانان عالم دیده میشود. البتّه گاهی سعی میکنند با روشها و شیوه‌های سطحی بگویند ما با مسلمانان مسئله‌ای نداریم؛ امّا این روشها فایده‌ای ندارد؛ چون در عمل و گفتار، بخصوص در یکی دو سال اخیر، بارها نشان داده‌اند که در دلشان کینه‌ی عمیقی نسبت به مسلمانان و جوامع اسلامی وجود دارد. امروز شاید در سطح دنیای اسلام هیچ کشور اسلامی‌ای را نشود پیدا کرد که از تحریکات و آسیب‌های گوناگون آمریکا و قدرت استکباری محفوظ و مصون باشد، کشورهای عربی، حتّی کشورهایی هم که سوابق دوستیِ سنّتی با آمریکا دارند، امروز به انحاء مختلف زیر فشار و مورد آزارند. آن‌طور که از حرفهای مسئولان آمریکایی برمی‌آید ـ که در گفتارها و مصاحبه‌ها و در گوشه و کنار، این حرفها از آنها بُروز میکند ـ هدفشان این است منطقه‌ای را که اتّفاقاً دنیای اسلام در آن قرار دارد و از لحاظ سوق‌الجیشی و موقعیّت جغرافیایی و همچنین از لحاظ منابع طبیعی ـ بخصوص نفت ـ بی‌نظیر و درجه یک است، از وجود مزاحمی به نام اسلام و فکر اسلامی و انگیزه‌های اسلامی بکلّی خلاص کنند و آن را صددرصد در مشت و قبضه‌ی خود بگیرند. این مطالب، تحلیل نیست. البتّه یک روز ما همین مطالب را به عنوان تحلیل مطرح میکردیم و میگفتیم اینها با اسلام مخالفند؛ امّا امروز این مطالب در واقع خبرهایی است از آنچه وجود دارد و اتّفاق می‌افتد و به آن اقرار میکنند. علّت واقعی این دشمنی این است که امروز قدرت استکباری آمریکا با حرص روزافزونی در صدد توسعه‌ی

---

۱. در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهّر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

قدرت و نفوذ خود است و همان‌طور که گفتیم منطقه‌ی خلیج فارس ـبه طور خاصـ منطقه‌ی خاورمیانه و تقریباً عمده‌ی مناطق اسلامی و به یک معنا همه‌ی مناطق اسلامی جزو مناطقی است که اگر قدرت استکباری آمریکا توانست آنها را تحت نفوذ خود درآورد، از لحاظ نفت و گاز ـکه در واقع رگ حیات دنیای صنعتیِ کنونی است ـ و از لحاظ موقعیّت سیاسی و جغرافیایی، دیگر دردسری نخواهد داشت.[1]

• پی‌جویی منافع مادّی در دشمنی

داستان تسلیحات و هزینه‌های نظامی، امروز در دنیا یکی از داستانهای غم‌انگیز بشریّت است. امروز در دنیا کارخانه‌های اسلحه‌سازی انواع سلاحها را میسازند، برای اینکه این سلاحها فروش برود. در دنیا جنگ ایجاد میکنند، انسانها را به جان هم می‌اندازند، دولتها را در مقابل هم قرار میدهند، ایجاد تهدید میکنند تا بتوانند فکر خائنانه و طمع خباثت‌آلود خودشان را تأمین و اشباع و ارضاء کنند. تا وقتی که ابرقدرت‌ها سلسله‌جنبان مسائل جهانی هستند، جنگ در دنیا تمام نمیشود. جنگ برای آنها دارای منافع مادّی است. این جنگ، جنگ در راه عدالت نیست. دروغ میگویند آمریکایی‌ها و دیگران که میگویند ما جنگ میکنیم برای اینکه امنیّت بدهیم؛ نه، درست عکس این است. هر جا حضور نظامی و حرکت نظامی دارند، موجب ناامنی و موجب بی‌عدالتی و موجب سخت کردن زندگی برای انسانها هستند. از وقتی که این ابزارهای مدرن در دنیا به وجود آمده است، انسانها دچار فشارند. در طول ۴۵ سال ـیعنی از بعد از جنگ جهانی دوّم تا سال ۱۹۹۰ مسیحیـ که به اصطلاح دوران «جنگ سرد» نامیده میشود، در گزارشهای رسمیِ بین‌المللی آمده است که فقط سه هفته در دنیا جنگ وجود نداشته است! در تمام این

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۹/۱

۴۵ سال، در گوشه و کنار دنیا جنگهایی وجود داشته است. این جنگها را چه کسی به وجود می‌آورد؟ همان کسانی که تسلیحات را تولید میکنند. هزینه‌های نظامی قدرتهای بزرگ، امروز یکی از سرسام‌آورترین هزینه‌ها است. طبق آمارهای خودشان، در همین سال گذشته‌ی مسیحی، دولت آمریکا بیش از ششصد میلیارد دلار صرف هزینه‌های نظامی کرده است! این هزینه‌های نظامی را ما امروز در همسایگی خودمان داریم مشاهده میکنیم. این هزینه‌ها صرف افغانستان میشود، برای سرکوب ملّت مسلمان افغانستان؛ صرف عراق میشود، برای در قبضه نگه داشتن ملّت عراق؛ صرف کمک به رژیم خبیث صهیونیستی میشود، برای ملتهب نگه داشتن همیشگی خاورمیانه. امروز جهت قدرتهای فاسد این است. اسلام با اینها مبارزه میکند، با اینها مخالفت میکند.[۱]

• وقاحت و پررویی دشمن

امروز آن‌قدر هم بی‌حیا شده‌اند که صریحاً میگویند: ما رفتیم به فلان کشور و گفتیم که رابطه‌اش را با ایران قطع کند، یا فلان کشور، معامله‌اش را چنان کند. وقاحت دشمنان ما ـ بیش از همه آمریکایی‌ها ـ آن‌قدر هست که تصریح هم میکنند! صهیونیست‌های بی‌وجودِ مجهول‌الهویّه‌ی مجعول‌النّسب هم که جرئت نمیکردند اظهار وجودی بکنند و همه‌ی تلاششان برای دفاع از خود مصروف بود، اکنون به خاطر بدکرداری بعضی از رؤسای عرب در منطقه، کارشان به جایی رسیده است که اینجا و آنجا میروند و میگویند با ایران این گونه و آن گونه رفتار کنید! گفت: «یکی را به دِه راه نمیدادند، سراغ خانه‌ی کدخدا را میگرفت.» وجود خودشان در منطقه زیادی است، حالا راه افتاده‌اند که فلان و فلان![۲]

---

۱. در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث ۱۳۸۹/۴/۱۹

۲. در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

• خواست دشمن، سازش جمهوری اسلامی با آنها

انقلاب اسلامی چنین تحوّل عظیمی را در شخصیّت و روح و وجود مسلمانان در همه‌ی عالم به وجود آورده است و باید هم به وجود بیاورد و این را هم خبر داریم که آنها از این موضوع بشدّت عصبانی‌اند. استکبار در مقابل این پدیده دو راه بیشتر ندارد. اگر توانست یکی از این دو راه را در پیش گیرد، خود را از خطرِ بیداری اسلامی نجات میدهد... یکی این است که جمهوری اسلامی، این بنای مستحکم را مضمحل کنند و از بین ببرند. اگر بتوانند چنین کاری بکنند، برای مسلمانان عالم تجربه میشود و میگویند: «خُب؛ چه فایده‌ای دارد! ما زحمت بکشیم، کشته بدهیم، این همه مشکل برای خود درست کنیم و آخرش هم بعد از پنج سال، ده سال، پانزده سال، مثل ایران شویم. جمهوری اسلامی از بین رفت، تمام شد.» این یک تجربه میشود... البتّه ما در این خصوص هم حرف داریم. اگر این کارِ نشدنی و رؤیای بی‌تعبیر، یعنی از بین بردن جمهوری اسلامی ـالعیاذ باللهـ روزی انجام گیرد، باز مشکل استکبار لاینحل باقی خواهد ماند؛ هر چند آنها خیال میکنند مشکلشان حل خواهد شد. به این دلیل تلاش میکنند بلکه بتوانند این نظام را با محاصره‌ی اقتصادی، جنگ و تهدید، مضمحل کنند و از بین ببرند. تاکنون چندین بار هم تصمیم گرفتند کارهای خطرناک بکنند؛ امّا دیدند نمیشود. به هر حال گیر کرده‌اند؛ مانده‌اند که با جمهوری اسلامی چه کنند! راه دوّم که به خیال آنها آسان‌تر است؛ امّا همان اثر را دارد، این است که کاری کنند جمهوری اسلامی بماند، لکن با استکبار ـدشمن دیروزـ کنار بیاید و دست از شعارهای مخالف خود بردارد. اگر این کار هم انجام گیرد، باز خطر از سر استکبار برطرف شده است. چرا؟ چون سازش و کنار آمدن جمهوری اسلامی با استکبار، روحیّه‌ی مسلمانان را ـکه در همه جای دنیا روحیّه پیدا کرده‌اندـ دچار ضربه و صدمه خواهد کرد و خواهند گفت: «فایده‌ای ندارد! ملّتها جان میکَنند، زحمت میکشند، بعد رهبران، مثل

ATnie4Ai6/aUCtjzwAd6ag==

رهبران جمهوری اسلامی ایران میشوند. ببینید چه کردند! در نهایت تن به سازش دادند!» باز خطر از سر استکبار برطرف خواهد شد. تمام کارهایی که امروز آمریکا و صهیونیسم و مزدوران و ایادی آنان و شبکه‌ی تبلیغاتی و نظامی و امنیّتی و بقیّه‌ی وابستگانشان میکنند، در جهت یکی از این دو راه است. میگویند یا ضربه بزنیم که جمهوری اسلامی از بین برود، یا فشار بیاوریم که مسئولان جمهوری اسلامی بیایند بگویند ما با شما آشتی میکنیم! خب؛ بالاخره آنها هم آرزوهایی دارند! بالاخره رؤسایشان هم جوانند و آرزو بر جوانان عیب نیست!... ای کسانی که در زمان حاضر بزرگ‌ترین حماسه‌ی تاریخ معاصر را به وجود آوردید! بدانید که این آرزوهای آمریکا در یک صورت نشدنی و در صورت دیگر کاملاً شدنی است. در چه صورتی نشدنی است؟ در صورتی که آحاد و قشرهای مردم، همچنان که در صحنه حضور داشتند، انقلاب را مال خودشان و مسئولان را از خودشان دانستند و به مسائل کشور و انقلاب حسّاس بودند، از اکنون به بعد هم در صحنه حضور داشته باشند، انقلاب را مال خودشان بدانند.[1]

• مهندسی خوب دشمن در عین محاسبه‌ی غلط

در این قضایای اخیر، نقشه‌ی دشمن نقشه‌ی جامعی بود، [امّا] محاسبه‌ی دشمن محاسبه‌ی غلطی بود... اینکه میگوییم «نقشه‌ی دشمن نقشه‌ی جامعی بود»، یعنی همه‌ی عوامل مسلّطی را که یک قدرت میتواند برای اخلال و تخریب در یک کشوری به کار ببرد به کار انداخت، همه‌ی این عوامل را ردیف کرد. عامل اقتصادی وجود داشت که البتّه وضعیّت اقتصادی کشور هم خوب نبود، خوب نیست و مشکل معیشت مردم زمینه‌ای بود که آنها بتوانند از این عامل استفاده کنند. عامل امنیّتی، نفوذ، تیمهای جاسوسی از همه طرف. غوغای ایران‌هراسی در دنیا؛ از

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

چند ماه قبل، تبلیغات ایران‌هراسی به شکلهای مختلف به وسیله‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، آمریکا و صهیونیسم و کلّاً استکبار جهانی شروع شد؛ این هم یک عامل تخریب است. همراه کردن بعضی عناصر داخلی با خودشان؛ این هم از مدّتی پیش شروع شد که این هم یک عامل مهمّی است. یک کسی را در کشور با انگیزه‌های مختلف، انگیزه‌ی قومی، انگیزه‌ی مذهبی، انگیزه‌ی سیاسی، انگیزه‌های شخصی [که مثلاً] چرا به سلام من درست جواب ندادید، چرا من را فلان جا نگذاشتید [فریب بدهند]، از اینها استفاده کنند، اینها را آماده کنند برای همراهی. عامل تبلیغات فراگیر؛ تلویزیون‌ها، ماهواره‌ها، فضای مجازی، اینترنت. اینها عواملی است که دشمن همه‌ی اینها را ردیف کرد. بنده به عنوان یک آدمی که این مسائل را نگاه میکنم و زیر نظر دارم و میفهمم، در دلم به مهندسی خوب دشمن آفرین گفتم! خوب مهندسی کرده بود؛ همه چیز را در جای خود، به اندازه‌ی خود، آماده کرده بود. چرا موفّق نشد؟ چون یک پایه‌ی دیگر، یعنی محاسبه‌اش، غلط بود. بله، این کارها همه کارهای مهمّی است، کارهای مؤثّری است، در یک کشورهایی هم اثر میگذارد، [امّا] اینجا نتوانست؛ چون محاسبه‌ای که روی ایران اسلامی کرده بود محاسبه‌ی درستی نبود. من دو سه مورد از غلط بودن محاسبه‌ی دشمن را میگویم، قبلاً هم در صحبتها اجمالاً به بعضی از آنها اشاره کرده‌ام.

خیال میکرد ملّت ایران به خاطر مشکلات اقتصادی ـ که وجود دارد ـ با نقشه‌ی براندازی و تجزیه‌طلبی دشمن همراهی خواهد کرد؛ این یک محاسبه است که غلط بود. خیال میکرد با فحش و بددهنی و اهانتهای گوناگون میتواند مسئولین کشور را از میدان خارج کند، منفعل کند... خیال میکردند میتوانند با دلارهای نفتی فلان کشور مزدور آمریکا اراده‌ی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار بدهند. اشتباه کردند؛ اراده‌ی قوی جمهوری اسلامی از همه‌ی این عواملِ قدرتِ آنها قوی‌تر بود، عزمشان راسخ‌تر بود؛ محاسبه‌ی آنها محاسبه‌ی غلطی بود.

خیال میکردند با اینکه چند عنصر خودفروخته را تشویق کنند که بروند پناهنده بشوند به این کشور یا به آن کشور و علیه کشور خودشان لجن‌پراکنی کنند، این موجب میشود جوانهای ما ناامید بشوند؛ اشتباه کردند؛ رفتند پناهنده شدند، لجن‌پراکنی هم کردند، کسی به آنها اعتنائی نکرد. این محاسباتِ دشمن بود، محاسباتِ غلطی بود. چهل سال است که دشمن، با انواع طرق، علیه نظام جمهوری اسلامی تلاش میکند و چون محاسباتش غلط بوده و غلط است، تا حالا شکست خورده، در این قضیّه هم شکست خورد، در آینده هم هر وقت اقدام کند شکست خواهد خورد.[1]

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

۱. در دیدار مدّاحان اهل‌بیت(ع) ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

فصل دوم

دایره‌ی نفوذ



ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==



استکبار جهانی، استعمار فرانو و صهیونیسم

• استکبار جهانی؛ دشمن اصلی

شما جوانها، صحنه‌ی کارزار جمهوری اسلامی با دشمنان را تصویر کنید؛ صحنه‌ی این کارزار عظیم کجا است، مسئله کجا است؟ مسئله، مسئله‌ی چند نفر ضدّانقلاب در داخل کشور نیست. اینجا است که شما میفهمید اصرار دشمن بر برجام دو و برجام سه برای چه بود. برجام دو یعنی چه؟ یعنی ایران بایستی از منطقه بکلّی خارج بشود، حضورِ منطقه‌ایِ خودش را رها کند. برجام سه یعنی چه؟ یعنی ایران متعهّد بشود که هیچ سلاح راهبردی مهمّی تولید نکند؛ پهپاد نداشته باشد، موشک نداشته باشد که اگر یک وقتی ما حمله کردیم، با ژ۳ و با تفنگ انفرادی بیاید با تانکهای ما مبارزه کند! ... اصرار آنها این بود؛ حالا در داخل هم یک عدّه‌ای، لابد از روی غفلت، همین حرف آنها را تکرار میکردند. میدان نبرد این است؛ شماها در این میدان دارید مبارزه میکنید. حضور بسیج در کشور، معنایش سینه سپر کردن در مقابل یک چنین توطئه‌های بزرگی است؛ شما از حرم دفاع کردید، در مقابل گروه دست‌ساز آمریکا یعنی داعش ایستادید، مبارزه کردید؛ شما بودید. شما دلاوران رزم‌آور لبنان را هر جور توانستید کمک کردید، شما به فلسطینی‌ها هم کمک کردید، باز هم میکنید، باز هم کمکشان میکنیم. میدان رزم یک چنین میدانی است؛ میدان چهار نفر اغتشاشگرِ داخلِ

خیابان نیست. البتّه معنایش این نیست که از این اغتشاشگرها صرف نظر کنیم؛ نه، هر اغتشاشگری، هر تروریستی، باید مجازات بشود ــ در این تردیدی نیست ــ امّا میدان فقط این میدان نیست؛ میدان خیلی وسیع‌تر از اینها است، میدان خیلی عمیق‌تر از اینها است. شما وسط این میدان ایستاده‌اید. میخواهم بسیجی قدر خودش را بداند. قدر بسیج را بدانید. شما در یک چنین میدانی دارید مبارزه میکنید؛ خودتان را محدود ندانید به این کارهای جزئی که دُوروبَر وجود دارد. البتّه این کارها هم باید علاج بشود؛ این مقابله‌ی با اغتشاشگر هم یکی از مهم‌ترین کارهای بسیج است.[1]

در حقیقت، مناسبتِ روز ملّی مبارزه با استکبار، از جهات مختلفی به جوانان ما ــ که شما و امثال شما عزیزان هستید ــ ارتباط پیدا میکند... درست است که حادثه‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا در ایران، آن روزها به وسیله‌ی جوانان دانشجو انجام گرفت، لکن نسلی که امروز جوان و دانشجو و طلبه و دانش‌آموز است و در صحنه ایستاده و امیدها را زنده میدارد و چشمهای ما را روشن میکند، از سابقه‌ی این قضیّه چه میداند و چقدر اطّلاع دارد؟ گویندگان، نویسندگان و کسانی که برای خودشان در این صحنه‌ی سیاست الهی، مسئولیّتی قائلند، چقدر برای نسل رو به رشد امروز ما ــ که این کشور با آن هزار کار دارد ــ این قضیّه را تشریح کرده‌اند؟... آمریکا در داخل کشور ما با دو ابزار کار میکرد. یکی از ابزارهای آمریکایی عبارت بود از سرمایه‌گذاری‌ها، دخالتهای در ارتش، مجموعه‌ی کارشناسی نظامی، پولها، سیاستها، سفارت آمریکا و غیره. ابزار دوّم هم عوامل صهیونیست بودند. اگرچه در ایران، آن وقت هم صهیونیست‌ها از ترس مردم جرئت نمیکردند سفارتخانه‌ی رسمی داشته باشند، امّا مراکزی مخصوص خود داشتند و با عواملشان، با کسانشان،

---

۱. در دیدار با بسیجیان ۱۴۰۱/۹/۵

با سیاستمدارانشان و با تجّارشان، اینجا کار میکردند. صحنه‌ی سیاست و اقتصـاد و نیروی مسلّح ایـران در مشـت آمریکایی‌ها بود. ایـن را مردم میفهمیدند. امام از سالهای ۴۱ و ۴۲، به این مطلب تصریح کردند. پس، وقتی در سـال ۵۷ مبارزه پیروز شـد و انقلابِ پیروزمند بـه ثمر رسید، در حقیقت یک انقلاب ضدّ آمریکایی به ثمر رسیده بود. حال شـما ببینید ملّـت ایـران و انقلابیّـون، حق داشـتند با عوامـل آمریکایی در این کشور چـه کار کننـد؟ کارهای زیـادی میتوانسـتند بکننـد و اگر هـم میکردند، کسـی ملامتشـان نمیکرد؛ چون شـانزده سـال با آمریکایی‌ها مبـارزه کرده و کتک خورده بودنـد. هیچ کس نمیگفت چرا شـما بـا آمریکایی‌ها این کار یا آن کار را کردید؟ در عین حال ـدرسـت توجّه کنید!ـ بعد از آنکه انقلاب پیروز شـد، انقلاب و مسـئولین و شـخص امام بزرگوار، نسبت به آمریکایی‌ها حدّاکثر ارفاق را کردند. سفارتشان سر جای خودش محفوظ بود و اینجا کاردار داشتند. اوّل سفیر داشتند؛ بعد کاردار داشتند.

در روزهـای اوّل انـقلاب ـ۲۲ و ۲۳ بهمـنـ جوانـان پـرشور انقلابی، چند نفر از آنها را دستگیر کردند و به مدرسه‌ای که امام(رضوان‌الله‌علیه) اوّل آنجا وارد شـده بودند ـیعنی مدرسـه‌ی رفاه و مدرسـه‌ی علـوی ـ آوردند. بعد، امام برای دسـت‌اندرکاران خودشـان پیغام فرستادند که مبادا کسی به اینهـا تعرّض کند؛ هیچ کس به اینها تعـرّض نکند. آن وقت یکی‌یکی ولشـان کردنـد، رفتنـد. اوّل از کـشور رفتنـد؛ یعنـی عـدّه‌ای از آنهـا خارج شـدند، امّا سفارتشـان در تهران مشـغول کار و فعّالیّت بود. شما ببینید! رفتـار ایـن انقلاب و ایـن ملّت نجیب و آن امـام کریمِ بزرگـوارِ پراغماض بـا آمریکایی‌هـا در ایـران ایـن گونـه بـود... از آن طـرف، آمریکایی‌هـا چه کار کردنـد؟ بـه جای اینکه این کرامـت و بزرگواری امام بزرگـوار و مردم را مغتنم بشـمارند و قدردانی کنند و پاسـخ مناسـب بدهند، رفتار شـدیداً خصمانـه‌ای در پیـش گرفتنـد. ایـن سـفارتی کـه بعـد بـه عنـوان لانـه‌ی جاسوسـی معرّفی شـد ـکه واقعش نیز همین بود ـ به مرکز سـازمان‌دهی

مخالفین و دشمنان انقلاب تبدیل شد که بروند آنجا دستور بگیرند و در بیرون، علیه انقلاب و نظام اسلامی همکاری کنند. آنها در سنای آمریکا، علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی مصوّبه گذراندند. تبلیغات آمریکایی در سراسر دنیا، تبلیغات بشدّت خصمانه‌ای علیه انقلاب و مردم بود که انجام میشد. مگر این مردم چه گناهی کرده بودند؟ چرا باید رژیم آمریکا این‌قدر با اینها خصومت و کینه‌ورزی نشان میداد؟ این سؤالی بود که آمریکایی‌ها به آن جوابی ندادند و هرگز نمیتوانند جواب بدهند.[۱]

امروز دنیای اسلام احتیاج دارد به فهم معارف اسلامی. امروز دنیای اسلام احتیاج دارد به درسی که قرآن به ملّتها داده است برای استقامت، ایستادگی، حیات طیّبه و عزّت اسلامی برای ملّتها. درسهای قرآن در این زمینه، درسهای حیات‌بخشی است؛ ما به این درسها احتیاج داریم. همین اندازه که شعاع مفاهیم اصلی قرآن در کشورهای اسلامی پرتوافکن شده است، شما می‌بینید جهت حرکتهای مردمی، جهت اسلامی است. در گذشته این‌جور نبود. در گذشته، هر جا یک حرکت اجتماعی در کشورهای اسلامی اتّفاق می‌افتاد، جهت، جهت تفکّر چپ و تفکّرات مارکسیستی و سوسیالیستی بود.[۲]

• استعمار فرانو بالاتر از استعمار نو

ببینید امروز دنیا در پنجه‌ی خون‌ریز استکبار جهانی در چه وضعیّتی است. امروز همان داستان استعمار است، منتها با شیوه‌ی نو. یک روز استعمار کهنه بود ـ استعماری که بعدها اسمش را گذاشتند استعمار کهنه و کهن ـ میرفتند بر کشورها تسلّط پیدا میکردند؛ مثل هند، مثل

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۳/۸/۱۱
۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۱/۴/۴

الجزایر، مثل خیلی از کشورهای دیگر. با بیداری ملّتها این استعمار از بین رفت و دیگر نتوانستند ادامه دهند. البتّه در سالهای دوران استعمار، ملّتها را فشردند و واقعاً رمق آنها را گرفتند؛ ولی به هر حال استعمار کهن از بین رفت و جای آن، استعمار نو را آوردند. استعمار نو این بود که در رأس کشورها بیگانگان نمی‌آمدند حکومت کنند؛ مثل دوران استعمار قدیم نبود که حاکم انگلیسی برود در هند حکومت کند؛ نه، از خود کشورها کسانی را میگماشتند؛ مثل رژیم طاغوت، مثل رضاخان و پسرش، و مثل بسیاری از دولتهای دیگر کشورهای جهان سوّم ـ به قول خودشان ـ و از جمله کشورهای اسلامی. سالهای متمادی ملّتها را فشردند؛ مستبدّان را آوردند؛ نظامی‌های کودتاچی را سر کار آوردند و هر طور توانستند، از حضور ملّتها مانع شدند. امروز می‌بینند این هم بردی ندارد؛ لذا راه دیگری را برای تسلّط بر کشورها در پیش گرفته‌اند و آن، نفوذ در ملّتها است.[1]

• استعمار فرانو و تجربه‌ی مواجهه با آن

امروز سیاست استکباری، استعمار فرانو است؛ یعنی از استعمار نوینی که در ده‌ها سال قرن گذشته وجود داشت، یک قدم بالاتر. استعمار فرانو یعنی چه؟ یعنی دستگاه استکباری کاری کند که عناصری از ملّتی که این مستکبر میخواهد آن را قبضه و تصرّف کند، بدون اینکه بدانند، به او کمک کنند. دشمن، ایمان شما را سدّ مستحکم خود میبیند و دلش میخواهد این سد برداشته شود. حالا عناصری از میان خود ما بیایند و بنا کنند این دیوار را تراشیدن یا سوراخ کردن. اینها گرچه خودی هستند، امّا دارند برای دشمن کار میکنند؛ دشمن هم روی اینها سرمایه‌گذاری میکند. دیدید که آمریکایی‌ها حتّی در کنگره‌شان تصویب کردند

---

۱. در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام نوزده دی ۱۳۸۳/۱۰/۱۹

که به عناصری در داخل کشور ما پول بدهند تا برای آنها کار کنند؛ این‌طور علنی و صریح! این، استعمار فرانو است. این، مثل این است که دونده‌ای نتواند بر رقیبش فائق بیاید؛ کاری کند که رقیب، خودزنی کند؛ مثلاً وادارش کند معتاد شود. وقتی طرف معتاد شد، دیگر حال دویدن ندارد؛ به خودی خود به نفع رقیبش کار کرده است. بنابراین وقتی حال دویدن نداشت، رقیبش برنده میشود. در استعمار فرانو این کار را میکنند؛ جوانها خیلی باید هشیار باشند؛ دخترها خیلی باید هشیار باشند؛ معلّمین و معلّمات و پدر و مادرها خیلی باید متوجّه و هشیار باشند؛ بخصوص کسانی که جایگاهی در اشاره به افکار عمومی دارند؛ گوینده‌اند، نویسنده‌اند، اهل هنر و اهل فعّالیّت گوناگون هستند.[1]

تردید نباید کرد که دنیای استکبار، بیداری مسلمانان و اتّحاد اسلامی و پیشرفت ملّتهای ما در میدانهای دانش و سیاست و نوآوری را، بزرگ‌ترین مانع سلطه و سیطره‌ی جهانی خود میشمارد و با همه‌ی توان با آن می‌ستیزد. تجربه‌ی دوران استعمار و نواستعماری پیش روی ما ملّتهای مسلمان است. امروز که دوران استعمار فرانوین است باید از آن تجربه‌ها درس بیاموزیم و بار دیگر برای مدّتی طولانی، دشمن را بر سرنوشت خود مسلّط نکنیم.[2]

• علّت مخالفت و دشمنی صهیونیسم با جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران از روز اوّل، موضعش را در مقابل این پدیده‌ی زشت، روشن کرده است. موضع جمهوری اسلامی ایران که امام فرمودند، بارها مسئولان گفته‌اند و ما هم بارها تأکید کرده‌ایم، این است که اساساً این غدّه‌ی سرطانی اسرائیل باید از این منطقه کنده شود. این

---

۱. در دیدار خانواده‌های شهدای کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۲

۲. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

یک فرمول کاملاً انسانی قابل قبول هم دارد و آن این است که همه‌ی مردم فلسطین ـنه مردمی که از جاهای دیگر دنیا به فلسطین مهاجرت کرده‌اندـ از اردوگاه‌ها و از همه جای دنیا به فلسطین برگردند و تکلیف حکومت خودشان را ـکه از آنها باید تشکیل شودـ تعیین کنند. البتّه بدیهی است که هرگز هیچ فلسطینی‌ای ـچه مسلمان باشد، که اکثریّت قاطعشان مسلمانند؛ چه مسیحی و یهودی باشد، که اقلّیّت کوچکی هم مسیحی و یهودی در آنجا هستندـ راضی نیست و اجازه نخواهد داد که یک عدّه از کوچه‌گردهای لندن، یا از خانواده‌های توسری‌خورده‌ی مسکو، یا از هرزه‌های آمریکا بیایند و در کشور آنها یک دولت تشکیل دهند و بر آنها حکومت کنند. کسانی که روزی چاقوکشی و قدّاره‌کشی میکردند و فقط هنرشان این بود که میتوانستند خوب بزنند، خوب بکُشند و بر طبق خواسته‌ی سرمایه‌داران صهیونیست و یهودی خوب عمل کنند، اگر بیایند و بر فلسطین حکومت کنند؛ بدیهی است که ملّت فلسطین و دنیای اسلام چنین چیزی را اجازه نخواهد داد. این فرمول، فرمول دنیاپسندی است. کسانی که میگویند ما معتقد به آراء مردم و معتقد به دموکراسی هستیم، بسیار خوب، بفرمایید این دموکراسی.[1]

ملّت کنونیِ صهیونیستِ اشغالگر، یک ملّت ساختگی است. هیچ عنصری از عناصر اصلی یک ملّت در اشغالگران نیست؛ از جاهای مختلف عالم، با دیدگاه‌های مختلف، با مناشئ اجتماعی مختلف و با عقاید گوناگون آمده‌اند؛ صرفاً از جهت اینکه به نژاد بنی‌اسرائیل اتّصال و ارتباط دارند! قرنها از هم جدا بوده‌اند، ولی آنها را به عنوان یک ملّت تلقّی کرده‌اند. یک ملّت تصنّعی و دروغین؛ برای اینکه بتوانند در این نقطه‌ی حسّاس از جهان ـیعنی قلب خاورمیانه و قلب جهان اسلامـ پایگاهی برای استکبار باشند. روز اوّل، انگلیسی‌ها آنها را به وجود

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵

آوردنـد؛ امروز هم رژیـم آمریکا حدّاکثر اسـتفاده را از آن میبـرد و اهداف استکباری خود را تأمین میکند.[۱]

• صهیونیسم، دشمن ملّت ایران

ملّت ایران، در شناخت دشمن اصلی، اشتباه نخواهد کرد. این را همه‌ی مردم دنیا بدانند. دشمن اصلی، در مقابل نظام جمهوری اسلامی و ملّت ایران، اوّلاً صهیونیسـت‌ها هسـتند کـه میداننـد از نظر ملّت ایـران، رژیم غاصـب آنها در فلسـطین، یـک رژیم غیر مقبـول و شناخته‌نشـده و غیر رسمی و رو به اضمحلال است.[۲]

اتّحاد نامقـدّس زمامـداران آمریکا با غاصبـان صهیونیسـتِ سرزمین فلسـطینْ علیه ملّت ایـران، برای این ملّت یک افتخار اسـت. ما افتخار میکنیم که زشت‌روی‌ترین و سیاه‌کارترین عناصر سیاسی دنیا، با ملّت و دولت ایران مخالفند. بگذار مخالف باشـند! هر کس که قلدران عالم از او تعریف کنند، باید احساس خجلت کند. هر کس که سیاه‌کاران عالم از او بـد بگویند، بایـد افتخار کند. سیاه‌کاران، از هـر که ضدّ سیاه‌کاری است، ناراحتند.[۳]

جمـهوری اسلامی بـر خلاف دولتهـای دیگـر که از تـرس یا بـا تطمیع آمریکا همین حـرف حـق را کتمـان کـرده و پوشیده داشـتند، ایـن حرف را بـه صراحت میزنـد و میگوید حق، حق اسـت و باطل، باطل اسـت. ما نمیتوانیم انکار کنیم که ملّت فلسطین وجود داشته، ولی امروز آواره است. نمیتوانیم انکار کنیم که سرزمین فلسـطین، از مردم فلسطین غصب شده اسـت؛ آن هم نه با یک روش ظاهراً بانزاکت، بلکه با کشـتار و آدمکشی و

---

۱. در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهّر حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۶/۳/۱۴
۲. در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰
۳. در مراسم صبحگاه نیروی هوایی ۱۳۷۴/۹/۲۶

فریب و دروغ و اعمال زور و سفّاکی و قتل‌عام. دولت اسرائیل با قتل‌عام و غدر و فریب و سفّاکی و لگد زدن به ارزشهای انسانی به وجود آمد. حقوق یک ملّت در مقابل پای مهاجرین صهیونیست که وارد فلسطین اشغالی شدند، قربانی شد. در طول قریب پنجاه سالی که از عمر این دولت جعلی میگذرد، دائماً سرکوب و قتل نفس و دروغ و فریب و تجاوز و حمله به انسانها و بی‌گناهان، مایه‌ی حیات و تداوم زندگی آن بوده است.[1]

• توطئه‌های صهیونیسم علیه نام حکومت اسلامی

صهیونیست‌ها وقتی میخواهند به جمهوری اسلامی بدگویی کنند، میگویند حکومت اسلامی! به نظر آنها حکومت اسلامی فحش است! ما افتخار میکنیم، تواضع میکنیم و میگوییم ما کجا و حکومت اسلامی کجا؟ ما هنوز بسیار با حکومت اسلامی فاصله داریم. ان‌شاءالله در راهش هستیم. ما رسیدن به حکومت اسلامی را یک آرزوی بزرگ و یک نقطه‌ی رفیع میدانیم... بنده میبینم که ملّتهای مسلمان بیدارند و بیدارتر شده‌اند. ملّتهای مسلمان، آن حالت ضعف مزمن و تسلیم مزمنی را که در طول ۱۵۰ یا ۲۰۰ سال بر آنها تحمیل شده بود، بتدریج کنار گذاشتند. این موضوع، بسیار مهم است. خود این، عید است. ملّتهای مسلمان، آن حالت خودباختگی و رنگ‌باختگی در مقابل غرب را بکلّی کنار گذاشتند. راز حرکت و پیشرفت یک ملّت به سمت عروج معنوی و مادّی همین است. اوّل باید به خود ایمان بیاورد و خودباختگی را کنار بگذارد. اگر به خود اعتقاد پیدا کرد و احساس نمود که به آقابالاسری از ملّتها و دولتهای بیگانه نیاز ندارد و خود را در مقابل آنها کوچک و حقیر و ناچیز نداند، راه پیشرفت در مقابلش باز میشود. اگر ملّتی، مثل

---

۱. در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۱/۴

بچّه مکتبی‌های قدیم ـ که اگر میخواستند یک کلمه حرف بزنند، باید از آخوند مکتبی اجازه میگرفتند ـ چشمش به این باشد که دولتهای دیگر چه میگویند و نظام دلخواه آمریکایی‌ها چیست، تا ابد به جایی نخواهد رسید. روحیّه‌ی اسلامی، روحیّه‌ی تسلیم را از ملّتها گرفته و آنها را بیدار کرده و به خود متّکی و معتقد ساخته است... امروز وقت آن است که دولتهای اسلامی از این روحیّه‌ی ملّتها استفاده کنند، خودشان را به ملّتها متّکی نمایند و با دولتهای بزرگ، مثل شرکا یا رقبای هم‌سنگ حرف بزنند؛ نه اینکه برای آنها اولویّت قائل شوند.[1]

• لزوم ایستادگی در مقابل صهیونیسم؛ بزرگ‌ترین دشمن جهان اسلام

امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگ‌ترین خطر برای حال و آینده‌ی جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، در صدد علاج و چاره باشند. متأسّفانه رفتار و گفتار اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره‌ای را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ ـ که چیزی جز محو رژیم صهیونیست نژادپرست نیست ـ نشان نمیدهد؛ بلکه بعکس، نشانه‌هایی از گسترش کمپ‌دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم میخورد؛ و من نمیدانم آیا این دولتها با این رفتار ذلّت‌بار و تسلیم ننگ‌آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملّتهای خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده‌اند؟[2]

عوامل دشمنی استکبار با جامعه‌ی اسلامی

• عمل به قرآن و دستورات اسلام

امروز دنیای اسلام تشنه‌ی عمل به قرآن است؛ و دشمنان اسلام این

---

۱. در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام در روز عید سعید فطر ۱۳۷۳/۱۲/۱۱

۲. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

را نمیخواهند. بدیهی است که دشمنان اسلام صریحاً نمیگویند ما دشمن قرآنیم یا دشمن اسلام ـ«یُخَادِعُونَ اللهَ وَالَّذِینَ آمَنُوا»[1]؛ آنها با خدا هم خدعه میکنند، با بندگان خدا هم خدعه میکنند ـ آنها میگویند ما طرف‌دار اسلامیم، امّا درست به همان نقطه‌ای که اسلام از ما میخواهد، به آن نقطه حمله میکنند.

امروز شما می‌بینید در بعضی از کشورهای اسلامی، طرح مسئله‌ی جهاد جرم است؛ در کتاب درسی نباید مسئله‌ی جهاد مطرح بشود، در گفتگوهای کسانی که به نحوی با دستگاه‌های دولتی مرتبطند، اسم جهاد و اسم شهادت نباید مطرح بشود. به این چیزها و به عمل ما حمله میکنند. اتّحاد اسلامی را ضربه میزنند، دلها را نسبت به یکدیگر بدبین میکنند، مسئله‌ی سنّی و شیعه، مسئله‌ی فِرق گوناگون بین شیعیان، مسئله‌ی فِرق گوناگون بین اهل تسنّن؛ اینها موضوع کارهای دشمنان اسلام است... این چیزها است که بایستی ما بیدار باشیم، هشیار باشیم؛ ما مردم ایران هم همین‌جور. ما آنچه که میگوییم، برای دیگران نیست؛ در درجه‌ی اوّل برای خودمان است. خود ما هم باید وحدت را حفظ بکنیم... «وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» ـبرادر شدید با هم ـ «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا»[2]؛ اسلام شما را از آتش تفرقه نجات داد. فراموش کردید؟ هی این به آن ایراد بگیرد، آن به این ایراد بگیرد؛ فروع را اصل بکنیم، اصول را فراموش کنیم، هی اختلاف بین ما بیفتد. اینکه قرآن میگوید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا»[3]، یعنی همه با هم اعتصام

---

۱. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۹

۲. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۰۳؛ «و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دلهای شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شُدید؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید.»

۳. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۰۳

به حبل‌الله بکنید، خب، این «همه» در سطح واحدی که نیستند؛ بعضی ایمانشان قوی‌تر است، بعضی ایمانشان ضعیف‌تر است، بعضی عملشان بهتر است، بعضی عملشان متوسّط‌تر است؛ در عین حال خدای متعال به همه خطاب میکند. میگوید اعتصام به حبل‌الله را جمیعاً بکنید، با هم بکنید. تو بگویی من جداگانه اعتصام به حبل‌الله کردم و دیگری نه؛ او ـ دیگری ـ باز بگوید من جداگانه اعتصام به حبل‌الله کردم، این طرف را نه؛ اینکه نمیشود. همدیگر را تحمّل کنید. اصولی هست، محورهایی هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم.[1]

• پایبندی به مبانی انقلاب اسلامی در نفی تفرعن

علّت دشمنی، ماهیّت و حقیقت این حرکت عظیم است؛ این علّت دشمنی است. علّت دشمنی، شجاعت و فداکاریِ ملّت ایران است، وفاداری ملّت ایران است؛ اینها علّت دشمنی است. علّت دشمنی، پایبندی جمهوری اسلامی به مبانی اصلی انقلاب است که این پایبندی تا امروز به طور کامل محفوظ مانده است؛ علّت دشمنی اینها است. علّت دشمنی، این است که جمهوری اسلامی دارد نشان میدهد که یک تمدّنی در حال رشد و بالندگی است که اگر به توفیق الهی و به کمک الهی به نتایج خودش برسد، بساط ظلم و استکبار و استعمار دولتهای غربی برچیده خواهد شد؛ علّت دشمنی اینها است.

ملّتها با ایران دشمنی ندارند، ملّتهای غربی هم دشمنی ندارند. حالا ممکن است تبلیغات بکنند، اسلام‌هراسی یک جا، ایران‌هراسی یک جا، شیعه‌هراسی [یک جا] بکنند لکن آنجایی که حقیقت برای مردم روشن بشود، مردم نه فقط دشمنی ندارند با جمهوری اسلامی بلکه این‌چنین

---

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات قرآن ۱۳۸۸/۵/۳

حرکتی را ملّتها می‌پسندند، ملّتها دوست میدارند، ملّتها از آن حمایت میکنند. آن که دشمن است، قدرتمندانِ ظالمند، فراعنه‌ی عالَمند؛ همچنان که فرعون در مقابل موسی(علیه‌السّلام) دشمنی میکرد و [این را] هم میدانست که موسی حق است ـ قرآن تصریح دارد که میدانست که موسی حق است امّا دشمنی میکرد ـ خدای متعال به موسی فرمود: «لَا تَخَافَآ إِنَّنِی مَعَكُمَآ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ»[1]؛ من با شما هستم، بروید حرکتتان را شروع کنید، ادامه بدهید. بله، فرعون بر روی تخت قدرت و سلطنت نشسته است، رعب‌آور است، ترسناک است امّا شما بروید کار خودتان را بکنید، «إِنَّنِی مَعَكُمَآ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ»؛ عیناً این خطاب، امروز به ملّت ایران است؛ پس علّتِ دشمنی، این است.[2]

• کوتاه شدن دست بیگانگان

عدّه‌ای خیال میکنند مسئولان انقلاب یا امام دشمن‌تراشی کرده‌اند؛ نه، قضیّه این نیست. اگر شما خانه‌ای داشته باشید که گردن‌کلفت و ظالمی سالها آن را غصب کرده باشد، بعد شما با اسناد و مدارک به مراکز قانونی مراجعه کنید و ایستادگی کنید تا خانه را پس بگیرید، طبیعی است که آن غاصب با شما دشمن خواهد شد. نمیشود شما را ملامت کرد که دشمن‌تراشی کرده‌اید؛ شما خواسته‌اید حقّ خود را بگیرید؛ این دشمن‌تراشی نیست. سفره‌ای در مقابل بیگانگان پهن بود و بر سر این خوان یغما هر کاری میخواستند، میکردند. انقلاب این سفره را جمع کرده؛ معلوم است دشمن میشوند و کینه بر دل میگیرند و غیظ پیدا میکنند. این انقلاب در دنیای اسلام و دنیای عرب امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به طور کلّی دنیای عرب و دنیای اسلام

---

۱. سوره‌ی طه، بخشی از آیه‌ی ۴۶؛ «نترسید من با شما هستم، می‌شنوم و میبینم.»
۲. در دیدار مردم قم ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به سر میبرد؛ صهیونیست‌ها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملّتی گمان نمیکرد درِ امیدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه‌ی عظیم فَرَج گشوده شد و ملّتها امید پیدا کردند. صهیونیست‌ها خیال میکردند فلسطین را خورده‌اند و تمام شده است. شما ببینید امروز ملّت فلسطین با همه‌ی وجود و با همه‌ی توان وسط میدان آمده است و با اینکه فشار زیادی هم روی او وارد میکنند، باز ایستاده است. این فقط شکست اسرائیل نیست؛ این شکستِ آمریکا است؛ این شکستِ همه‌ی قدرتهای صهیونیستی است که بر دنیا مسلّطند. یک ملّت بی‌سلاحِ محصور در اراضی فلسطین، همه‌ی اینها را عاجز و بیچاره کرده است. این روح امیدواری بود که ملّت لبنان را بیدار کرد. همان ایّام انقلاب ما، [در] لبنان غوغایی بود؛ صهیونیست‌ها هر کاری میخواستند، با لبنان میکردند: حمله میکردند، میکشتند، تجاوز میکردند و هواپیماهایشان در آسمان لبنان می‌آمدند و میرفتند؛ مثل اینکه آسمان کشور خودشان است! در عوض، گروه‌های لبنانی به جان هم افتاده بودند. نزدیک پیروزی انقلاب، یک نوار دو ساعته از مرحوم دکتر چمران آورده بودند؛ بنده در مشهد آن را گوش میکردم. خودش در لبنان بود و جزئیّات مصیبتهای مردم لبنان را در آنجا شرح میداد. الان کار مردم لبنان به جایی رسیده است که به اسرائیل ضربه‌ای میزنند که از اوّل حضور صهیونیست‌ها در این منطقه، هیچ دولت عربی چنین ضربه‌ای به آنها نزده است. دو سال قبل، آنها را وادار به عقب‌نشینی کردند؛ چند هفته پیش هم علی‌رغم صهیونیست‌ها چند صد زندانیِ خود را آزاد کردند و قدرتمندانه جشن گرفتند. اگر در دل ملّتی امید نباشد، این چیزها پیش نمی‌آید؛ این امید را شما دادید... یک ملّت وقتی زنده است و با او دشمنی کرده‌اند، طبیعی است که عکس‌العمل نشان میدهد. نمیشود ما دست‌بسته بنشینیم، با ما دشمنی‌کنند ـ دشمنیِ سیاسی، دشمنیِ اقتصادی ـ ما هم بگوییم چون

نمیخواهیم دشمن‌تراشی کنیم، ساکت بمانیم و از خود دفاع نکنیم! اینکه منطق عقلایی نیست. مسئله‌ی دشمنی‌ها این است.[1]

• ماهیّت جمهوری اسلامی و دشمنی دشمنان

علّت دشمنی عمیق و آشتی‌ناپذیر استکبار و در رأس آنها آمریکا و شبکه‌ی صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرفهایی که گاهی گوشه و کنار گفته میشود ـ چه چیزهایی که آنها شعارش را میدهند، چه تصوّراتی که بعضی در داخل میکنند ـ نیست؛ مسئله این است که جمهوری اسلامی یک «نفی» با خود دارد، یک «اثبات». نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملّت به وسیله‌ی قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلّط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی میکند. یک چیزهایی را هم اثبات میکند: اثبات هویّت ملّی، هویّت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قلّه‌های دانش؛ نه فقط دنباله‌روی در مسئله‌ی دانش، و فتح قلّه‌های دانش؛ اینها جزو چیزهایی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری میکند.

این نفی و این اثبات؛ اینها دلیل دشمنی آمریکا و دشمنی شبکه‌ی صهیونیستی دنیا است. اگر نفوذ آمریکا را قبول کنیم، دشمنی‌ها کم خواهد شد؛ اگر راضی شویم که ملّت ما به وسیله‌ی بیگانگان به طرق مختلف تحقیر شود، دفاع از هویّت ملّی یا دفاع از ارزشهای اسلامی را کنار بگذاریم، مطمئناً دشمنی‌ها به همین نسبت کم خواهد شد... شنفته‌اید گاهی مسئولین سیاسی کشورهای مستکبر از قبیل آمریکا، درباره‌ی ایران که صحبت میکنند، میگویند: ما نمیگوییم جمهوری

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

اسلامی از بین برود، میگوییم جمهوری اسلامی رفتارش را عوض کند. رفتارش را عوض کند، یعنی این؛ یعنی از این نفی و از این اثبات دست بردارد.[۱]

الگوی مستقلّ اسلام برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی بر سه پایه‌ی «ایمان، علم و عدل» استوار است؛ البتّه ما در هر سه عرصه عقبیم؛ امّا در جمهوری اسلامی شعارها و جهت‌گیری‌ها بر این اساس بوده و الگوهای انسانی آن نیز شهدایی مانند بهشتی، مطهّری، باهنر، رجایی و سلیمانی هستند... عملکرد شما میتواند این الگوی برجسته را در چشم مردم جهان تبلیغ کند و علّت دشمنی و ترس مستکبران از جمهوری اسلامی همین مسئله است.[۲]

• قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی دشمنان

ما اگر توجّه کنیم کجا ایستاده‌ایم و در چه وضعیّتی هستیم، جواب همه‌ی این سؤالها داده میشود؛ اینکه این اتّفاقها چرا می‌افتد و انگیزه و هدف چیست؟ مسئله این است که ملّت ایران با انقلابِ خودش سقف فلک فرهنگ و سیاست را در دنیا شکافته و طرح نویی درانداخته است. روزی که دنیا دوقطبی بود و دو ابرقدرت با همدیگر آن‌طور معارضه داشتند، در مقابله‌ی با این طرحِ نو با هم همدست شدند. پس معلوم میشود که طرح نوی ملّت ایران که با انقلاب اسلامی آن را به میدان آورد، چیزی است که جهت مشترک دو ابرقدرت را هدف و آماج خود قرار داده بود و آن را تهدید میکرد. آن جهت مشترک چیست؟ قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی.[۳]

---

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴

۲. برگرفته از خبر ارتباط تصویری با جلسه‌ی هیئت دولت ۱۳۹۹/۶/۲

۳. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۸/۶

• نفی سلطه‌ی استکبار بر منابع نفتی

نظام جمهوری اسلامی با دنیای استکبار، با آمریکا، با دولتهای دیگری از بلوک استکبار، معارضات و اختلافاتی دارد. اختلاف بر سر چیست؟ این نکته‌ی مهمّی است. دعوا سر چیست که امروز وقتی تحلیلگران تحلیل میکنند، میگویند در مسائل گوناگون دنیا که آمریکا وارد میشود، گوشه‌ی چشمی به جمهوری اسلامی و ملّت ایران دارد؛ چرا؟ علّت چیست؟ ما هم وقتی به مسائل داخلی خودمان نگاه میکنیم، می‌بینیم بسیاری از مشکلات ملّت و کشور ما به طرق مختلف، از ناحیه‌ی تحمیل آمریکایی‌ها است؛ چرا؟ علّت چیست؟ بایستی این را با نگاه دقیق جستجو و پیدا کرد.

دعوا بر سر چند مسئله‌ی سیاسی نیست. خب، دو کشور با همدیگر سر مسائلی ممکن است اختلاف داشته باشند که می‌نشینند با مذاکره این اختلاف را حل میکنند؛ تمام میکنند. مسئله‌ی جمهوری اسلامی و دولت مستکبر آمریکا از این قبیل نیست. مسئله، مسئله‌ی دیگری است؛ مسئله، ریشه‌ای‌تر است. مسئله این است که رژیم ایالات متّحده‌ی آمریکا از بعد از جنگ جهانی دوّم، داعیه‌ی ابرقدرتی مطلق دنیا را داشت. البتّه آن روز شوروی در مقابلش بود، امّا این مسئله‌ی رقابت بین آمریکا و شورویِ آن روز صرفاً رقابت بین دو ابرقدرت نبود. آمریکا میخواست بر روی تمام منابع حیاتی عالم دست بگذارد. عملاً هم منطقه‌ی عظیم و حسّاسی که به آن خاورمیانه میگویند و شمال آفریقا و خلیج فارس ـ منطقه‌ی نفت ـ در پنجه‌ی اقتدار آمریکا بود. نفت، خون حیات‌بخش تحرّک دنیای امروز است. حالا فردا چه بشود، نمیدانیم؛ امّا امروز و توی این دنیا، نفت مایه‌ی تولید، مایه‌ی گرما، مایه‌ی نور و روشنایی و در واقع مایه‌ی حیات برای خیلی از کشورها است. اگر نفت نباشد، کارخانه‌ها نیست، تولیدات نیست، تجارتها نیست. نفت یعنی خون؛ یعنی زندگی. حالا بخش اعظم این نفت توی این منطقه

ATvie4Ai6/aUCtjzWA16a9==

است؛ منطقه‌ای که اسمش خاورمیانه است. تسلّط بر اینجا مهم است که آمریکا هم تسلّط پیدا کرده بود.

در وسط خاورمیانه، ایران قرار داشت؛ پایگاه اصلی استکبار. در اطراف ایران کشورهای مختلفی بودند که هر کدام به نحوی در اختیار آمریکا بودند. شوروی البتّه در این خلال دست‌اندازی‌هایی کرده بود، امّا آمریکایی‌ها غلبه داشتند و این روال باید ادامه پیدا میکرد. البتّه طمع‌ورزی مخصوص این منطقه و مخصوص نفت هم نبود. آمریکایی‌ها در آمریکای لاتین، در آفریقا، در شرق آسیا و در جاهای مختلف ـ که حالا جای تفسیر آن نیست؛ یک وقتی به شما جوانها عرض خواهم کرد ـ مشغول تحکیم قدرت خودشان بودند و پیش هم میرفتند و روزبه‌روز سلطه را تقویت میکردند و رقبایشان روزبه‌روز عقب میکشیدند.

در وسط این بحبوحه‌ی روزافزونِ اقتدار استکباری و در حسّاس‌ترین نقطه، انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد که مهم‌ترین شعار این انقلاب مقابله با ظلم و استکبار بود؛ دفاع از حقوق ملّتها بود. انقلاب اسلامی این نقطه‌ی اصلی یعنی ایران را از زیر سیطره‌ی آمریکا بیرون کشید. یک روز آمریکایی‌ها توی همین کشور شما، توی همین تهران شما، توی مناطق مختلف کشور، در همه‌ی نقاط حسّاس، آدم داشتند؛ در نیروهای مسلّح، در بخشهای مربوط به مالیّه و دارایی، در بخشهای حسّاس سیاست، در بخشهای امنیّت، عناصر و آدمهای آنها همه‌کاره بودند. خودِ شاه مملکت هم که رئیس همه‌ی دستگاه‌های کشور بود و دخالت در همه‌ی امور میکرد، گوشش به دهان سفیر آمریکا و سفیر انگلیس بود. اگر آنها چیزی میخواستند و اصرار داشتند، او ناگزیر، خواه و ناخواه، اطاعت میکرد. گاهی هم نمیخواست، امّا مجبور بود اطاعت کند و اطاعت میکرد. از یک چنین نقطه‌ای آمریکایی‌ها بیرون رانده شدند. خب، این خیلی حادثه‌ی مهمّی بود؛ این زخم کوچکی نبود.[1]

۱. در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان ۱۳۸۷/۸/۸

• چپاول منابع قدرت و ثروت از سوی دشمنان

کشورهای استکباری میخواهند همیشه زور بگویند، بچاپند، ثروت و قدرت عالم در اختیار آنها باشد؛ ملّتهایی هم باشند که کار کنند، زحمت بکشند و منابعشان غارت برود. هر حرکتی که در مقابل آنها بایستد، با آن دشمن میشوند؛ و اسلام در مقابل آنها می‌ایستد. علّت اینکه استکبار با ایران مخالف است، این است. علّت دشمنی عمیق آمریکا با انقلاب اسلامی و با اسلام، این است. این دشمنی، تمام‌شدنی نیست. در اینجا، آن عامل تعیین‌کننده که میتواند صحنه را به سود یک طرف سنگین کند و تغییر بدهد و میتواند معیّن نماید که کدام‌یک از دو طرف پیروز خواهند شد، عبارت از حقیقت، مفید بودن برای انسانیّت، دلهای مؤمن و قدمهای استوار است، و اینها در طرف ما و پیش ما است.[1]

من معتقدم، این حجّت خدا است که به نفع جمهوری اسلامی تمام کرده است. هر جا جناح خبیث و پلید و منفوری هست، با جمهوری اسلامی بد و مخالف و دشمن است؛ درست مثل زمان رسول اکرم(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) که اشراف فاسد و زورگوها و دشمنان طبقات مظلوم و محروم و کسانی که خودشان به این طبقات ظلم میکردند و منافقان که در دلشان مرض بود، با دعوت پیامبر مخالفت کردند. امروز عیناً همان جناحها در برابر جمهوری اسلامی ایستاده‌اند؛ چون جمهوری اسلامی راه پیامبران را طی میکند.[2]

• تسلیم‌ناپذیری ملّت ایران در قبال قدرتها

جنگ را علیه ایران ـ اگر نگوییم راه انداختند ـ پشتیبانی کردند. احتمال دارد که در راه‌اندازی جنگ عراق علیه ایران هم، آمریکایی‌ها دست

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۹/۶/۲۱

۲. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا(ع) ۱۳۶۹/۱/۲

داشته باشند... امّا پشتیبانی آنها از عراق، یقینی و قطعی است. همه رقم پشتیبانی کردند. ملّت ایران از یادش میرود؟... با ملّت ایران دشمنی کردند؛ باز هم دشمنی میکنند و علّت دشمنی هم معلوم است. حال ممکن است کسی بپرسد: چرا این‌قدر دشمنی میکنند؟ از اوّل چرا کردند؟ علّت این است که ملّت ایران، با ایمان اسلامی و با فرهنگی که این مبارزه و این انقلاب و آن امام به آن بخشیده است، تسلیم تسلّط قدرتها نمیشود.[1]

• مخالفت با تحمیل فرهنگ غرب بر ملّتهای مسلمان

از دیگر مسائلی که دشمن استکباری را نسبت به جمهوری اسلامی خشمگین میکند، این است که ما با تحمیل فرهنگ غرب بر ملّتهای مسلمان، مخالفیم. فرهنگ غرب، فرهنگی است که در عین برخورداری از نقاط مثبت، نقاط منفی هم دارد. ما معتقد به تبادل فرهنگها هستیم. ما میگوییم ملّتی مثل ملّت ایران، یا دیگر ملل مسلمان، باید در میان فرهنگهای عالم نگاه کنند و آنچه را که برایشان مفید و به‌دردبخور است، جذب و از آن استفاده کنند. از این فرهنگها، آنچه را هم که برایشان لازم و مفید نیست باید طرد کنند. امّا دولتهای غربی، سردمداران نظامهای استکباری و بخصوص نظام آمریکا، اصرار دارند با انواع و اقسام طرق، فساد و بی‌بندوباری را که جزو خصوصیّات فرهنگ غربی است، به ملّتهای مسلمان و کشورهای اسلامی تزریق و تحمیل کنند. ما با این روشها، که مختص امروز هم نیست و در تاریخ معاصر، مسبوق به سابقه است، مخالفیم. ما میگوییم چرا شما آن روشی را که خودتان درباره‌ی زنان انتخاب کردید و صددرصد به زیان آنان و منافع جوامع و مصالح

---

۱. در آستانه‌ی سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا و روز ملّی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۸/۱۱

انسانیّت و بر خلاف عقل سلیم و منطق درست است، میخواهید به ملّتهای دیگر تحمیل کنید؟![1]

• توسعه و صدور الگوی انقلاب اسلامی

هر کس، در هر جای دنیا برای عزّت اسلام قیام کند، ما از او حمایت معنوی و سیاسی میکنیم. دشمن میخواهد بگوید «شما پشتیبانی مادّی میکنید.» این، دروغ است. دشمن میخواهد بگوید «شما با نهضتهایی که در کشورهای اسلامی است، ارتباط دارید.» ما ارتباط سازمانی را، ارتباط رسمی را، ارتباط به آن معنایی را که دشمن در نظر دارد، جدّاً تکذیب میکنیم. البتّه امروز همه‌ی کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام صدا بلند میکنند، تحت تأثیر امام بزرگوار ما هستند. در اینکه تردیدی نیست. دشمن به ما میگوید چرا انقلابتان را صادر میکنید؟ ما در جواب دشمن میگوییم انقلابمان را صادر نمیکنیم. انقلاب ما صادر شد و گذشت و تمام شد! شما در مقابل یک عمل انجام‌شده قرار دارید. صدور انقلاب به معنای صدور یک کالا نیست که به طور دائم، آن هم به وسیله‌ی اشخاص بخواهد ادامه داشته باشد. صدور یک فکر و یک اندیشه، به معنای آن است که آن اندیشه، صحیح است و دل انسانها را در اکناف عالم، به خود جذب میکند.[2]

صدور انقلاب ما مثل صدور انقلاب در بعضی از انقلابهای دیگر نیست؛ انقلاب ما مثل بوی گل است، مثل هوای بهاری است، کسی نمیتواند جلویش را بگیرد؛ پخش میشود. وقتی شما یک باغ پُر از گل اینجا دارید، همسایه‌ها، اطراف، از این بوی گل استفاده میکنند، کسی جلویش را نمیتواند بگیرد؛ و این [مسئله] اتّفاق افتاد؛ در کشورهای

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۲/۳/۱۴

۲. همان

دیگر، ملّتها بیدار شدند. ما قصد این را نداشتیم که در یک کشوری کودتا کنیم، حکومتش را عوض کنیم؛ نه، ما دنبال این مسئله نبودیم، امّا انقلاب ما به طور طبیعی دلهای ملّتهای همسایه‌ی ما را، دلهای ملّتهای منطقه‌ی ما را دگرگون کرد، تغییر داد، روی آنها اثر گذاشت. البتّه خصوصیّت ایران همین است و در نهضت ملّی هم همین‌جور بود. نهضت ملّی زمان مصدّق، بحث نفت و مانند اینها را وقتی انجام داد، مصدّق سرنگون شد امّا همان وقت همه میگفتند که قیام مصر به وسیله‌ی ناصر و قیام عراقی‌ها به وسیله‌ی آن سران کودتای عراقی، ناشی از حرکت ایران بود؛ آن وقت هم تأثیر گذاشت. حالا نهضت ملّی کجا، انقلاب اسلامی کجا! بنابراین، باید به فکر علاج می‌افتادند.[1]

• پیشرفت هسته‌ای ایران اسلامی

یکی از علل دشمنیِ استکبار و توطئه‌های جهانی با ملّت ایران در قضیّه‌ی انرژی هسته‌ای و قضایای مشابه همین است. شما می‌بینید در همان حالی که آمریکایی‌ها پیش‌قراولند و بعضی از اروپایی‌ها هم دنباله‌روِ آمریکا در ضدّیّتِ با دستیابیِ ملّت ایران به انرژی هسته‌ای و تلاش میکنند و تهدید میکنند و الفاظ درشت به کار میبرند، میروند با کشورهای دیگری که از لحاظ علمی و صنعتی بمراتب عقب‌مانده‌تر هستند و بسیار با ملّت ایران فاصله دارند، قرارداد انرژی هسته‌ای میبندند! معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که اگر انرژی هسته‌ای موجب وابستگی بیشتر یک ملّت به خودشان شود، آن را برای آن ملّت مجاز میدانند. آنها با آن انرژی هسته‌ای مخالفند که یک ملّت با ابتکار خود، به دست خود، بدون نیاز به آنها، با استقلال کامل به دست آورده است. جوانان عزیز ما، ملّت بزرگ ما، این امتیاز را پیدا

---

۱. در دیدار بسیجیان ۱۴۰۱/۹/۵

کرده‌اند که به این رتبه‌ی علمی و صنعتی پیشرفته با اتّکاء به نیروی خود رسیدند؛ وابستگی ایجاد نکردند، بلکه این ضدِّ وابستگی است.[1]

• آگاهی و بیداری اسلامی

امروز بحمدالله جوامع اسلامی به اهمّیّت نظام اسلامی واقف شده‌اند. در طول سالهای متمادی، نویسندگان و گویندگان بزرگ و دلهای فراوانی به این سمت متوجّه شده‌اند. بیداری اسلامی شروع شده است؛ جوامع اسلامی به اهمّیّت این ذخیره‌ای که در اختیار آنها است، واقف شده‌اند؛ البتّه به همین نسبت هم دشمنی‌های دشمنان اسلام زیاد شده است. مرتّب مشغول تفرقه‌افکنی و اختلاف‌اندازی بین ملّتهای مسلمانند تا با تحریک قومیّتها و ملّیّتها و عِرقها و تعصّبها، هر گروهی را به سمتی بکشند. این نشان‌دهنده‌ی آن است که دشمن فهمیده است آگاهی اسلامی و بیداری اسلامی در محیط مسلمان‌نشین عالم، کار خود را میکند. حقیقت هم همین است. یقیناً همین احساس، ملّتهای اسلامی را به سمت نظام اسلامی و به سمت تشکیل امّت واحده‌ی اسلامی خواهد کشاند؛ این یک آینده‌ی حتمی است. این دشمنی‌ها هم اثری ندارد. نیروی اسلام بالاتر از این حرفها است؛ کمااینکه در ایران اسلامی، نقطه‌ای که هیچ کس تصوّر آن را نمیکرد، همین بود که نیروی عظیم اسلامی توانست مردم را متّحد کند؛ دلها را به هم نزدیک نماید؛ ایمان اسلامی را پشتوانه‌ی این حرکت قرار دهد و یک نظام اسلامی را در اینجا به وجود آورد. این امری است که اتّفاق افتاده است.[2]

---

۱. در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت میلاد پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۷۸/۴/۱۰

عوامل و ایادی دشمنان

• مغرضان و غافلان؛ تسهیل‌کنندگان نفوذِ دشمن

دو دسته از مردم، نفوذ دشمن را تسهیل میکنند: دسته‌ی اوّل، مغرضها و کسانی که با اسلام و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و روحانیّت و حاکمیّت ارزشهای اسلامی مخالفند ـالبتّه اینها بسیار کم هستند ولی بی‌اثر نیستندـ و دسته‌ی دوّم کسانی هستند که غرض ندارند، امّا غافل و ناآگاه و بازی‌خورده‌ی دست مغرضها هستند. دسته‌ی دوّم را باید آگاه کرد و نسبت به دسته‌ی اوّل، مسئولان بخشهای مختلف کشور تصمیم‌گیری میکنند.[1]

• تطمیع دشمن توسّط بیگانه‌صفتان

گاهی اوقات در داخل، بعضی از افراد غریبه ـواقعاً باید گفت غریبهـ و بیگانه‌صفت، حرفهایی میزنند، یا کارهایی میکنند که دشمن، تطمیع و تشجیع میشود و فشارها را زیاد میکند! گاهی هم این‌طور نیست. آنچه که این دشمن را در همه‌ی ادوار مأیوس و رد کرده است، همین ایمان است.[2]

• فتنه یعنی عدم تشخیص دوست و دشمن

خطرناک‌ترین این حوادث، حادثه‌ای است که فتنه باشد. فتنه، یعنی حادثه‌ی غبارآلودی که انسان نتواند بفهمد چه کسی دوست و چه کسی دشمن است و چه کسی با غرض وارد میدان شده و از کجا تحریک میشود. فتنه‌ها را باید با روشنگری خاموش کرد. هر جا روشنگری باشد،

---

۱. برگرفته از بیانات در مراسم بیعت امام‌جمعه و نماینده‌ی ولیّ‌فقیه و قشرهای مختلف مردم سمنان، کرج، شیروان، قوچان، کازرون و جمعی از بسیجیان نیشابور ۱۳۶۸/۴/۴

۲. در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی ۱۳۷۷/۷/۱۵

فتنه‌انگیز دستش کوتاه میشود. هر جا حرف بی‌هدف، کار بی‌هدف، تیراندازی بی‌هدف، تهمت زدن بی‌هدف وجود داشته باشد، فتنه‌انگیز خوشحال میگردد؛ چون صحنه شلوغ میشود.[1]

• روشهای مختلف سربازگیری دشمن

مطمئناً همچنان که شما به عنوان مسئولان کشور و نظام موظّفید مهندسی کلّی کشور را دائماً در نظر داشته باشید ـ چون بدون یک مهندسی کلان نمیشود جزئیّات را ترتیب داد؛ شما باید اوّل طرح را در نظر داشته باشید، نقشه را بدانید و مهندسی صحیح کرده باشید تا بتوانید این دیوار را اینجا بالا ببرید، آن خشت را آنجا بگذارید، آن گودال را آنجا بکنید ـ دشمن شما هم به کشور و نظام شما عیناً یک نگاه کلان و یک مهندسی کلّی دارد. این مهندسی هم اجزائی دارد. بلاشک اعتماد و دلگرمی دشمن به کمک عناصر داخلی است. هیچ کشوری هم نیست ـ از جمله کشور ما ـ که در داخل، عناصری که دلشان با نظام حاکم نیست، وجود نداشته باشند؛ همه جا هستند؛ در کشور ما هم هستند؛ از اوّل انقلاب هم بوده‌اند؛ کم و زیاد و پیدا و پنهان و جوراجور دارد؛ لیکن اصلش همیشه بوده، بعد از این هم خواهد بود. عدّه‌ای با نظام ما خوب نیستند. چشم امید دشمن به کسانی است که در داخل هستند؛ منتها برای یارگیری و سربازگیری، دشمن روشهای گوناگونی دارد. این‌طور نیست که همه‌ی کسانی که به دشمن کمک میکنند، کسانی باشند که دشمن را شناخته‌اند و نقشه‌ی کلّی و مهندسی کلان او را نسبت به نظام دانسته‌اند و عالماً و عامداً به او کمک میکنند؛ نه، عدّه‌ای هم هستند که اگر به آنها گفته شود شما دارید به دشمن کمک میکنید، حاضرند یقه‌ی خودشان و شما را بگیرند و پاره کنند و بگویند

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۵/۸

ایـن حرفها چیسـت! اینها واقعاً هم با دشـمن مخالف و بدند. اگر شـما مهندسی کلّی و کلان نظام را در نظر داشته باشید، از این پرهیز خواهد شـد. هر کس متوجّه و مراقب خود و رفتارش باشـد، از اینکه نادانسته و ناخواسـته کمک دشـمن باشـد، پرهیز خواهد کرد. وقـتی حروف کلمه یا جمله‌ای در جدول گذاشـته میشـود، باید عبارتی درست شود. بعضی‌ها نمیداننـد حـرفی کـه دارنـد در ایـن خانـه میگذارنـد، مکمّـل آن عبارت اسـت. تمهیداتی فراهم میشـود و اینها می‌آیند این حرف را در این خانه میگذارند ـ«وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»[1]ـ دلیل و استدلالی هم برایش درست میکنند؛ امّا توجّه ندارند که این حرف، آن کلمه یا جمله‌ی پانزده حرفی جدول را یک قدم به تحقّق نزدیک کرد؛... مثلاً اگر دشـمن بخواهد برای تحقّق آرزوی بزرگ خود ـکه ریشـه‌کنی جمهوری اسلامی و پایین آوردن پرچم اسلام از قلّه‌ی این کشور استـ طرّاحی کند، طبیعتاً طـرّاحی، اجزا و مقدّمـاتی دارد. ایجاد اخـتلاف، ایجاد بی‌ایمـانی، ایجاد مشـکلات برای مردم، عمیق کردن فاصله‌ی طبقاتی، ترویج فساد، بدبین کـردن مـردم بـه مسـئولان، و دسـتگاه‌های ضابـط و انضباط‌بخش را از حیثیّـت انداختن ـمثـل از حیثیّت انداختن قـوّه‌ی قضائیّه، از حیثیّت انداختـن شورای نگهبـان، از حیثیّـت انداختـن مجلـس، از حیثیّـت انداختن دسـتگاه‌های گوناگونـ همه جزو اجزای اینها اسـت. بعضی‌ها بـه این بخش کمک میکنند، بدون اینکه به ارتباط این بخش با دیگران توجّه کنند؛ این بر اثر عدم بصیرت است.[2]

• ترویجگران ناامیدی در میان مردم

امروز هـر نفـسی و هر حنجـره‌ای که بـرای ناامید کـردن مـردم بدمد و به

---

۱. سوره‌ی کهف، بخشی از آیه‌ی ۱۰۴؛ «و خود میپندارند که کار خوب انجام میدهند.»
۲. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۴/۳/۸

صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلّق به دشمن است؛ چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او استفاده میکند.[1]

بله، ما دشمن داریم. زخم‌خوردگان از انقلاب که سالهای اوّل انقلاب، تودهنی انقلاب را خوردند، از روی صفحه‌ی زمین محو که نشدند ـ هستند ـ اینها هم دچار همان اشتباه دوستان آمریکایی‌شان هستند؛ اوضاع داخلی را بد میفهمند، بد تفسیر میکنند، اشتباه میکنند. در اثر این اشتباه، حرکاتی میکنند که آنها را بیشتر افشا میکند و به ضررشان هم تمام خواهد شد؛ حالا چند صباحی نمیفهمند، ولی بعداً خواهند فهمید.[2]

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی(عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵
۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت میلاد پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۷۷/۴/۲۱

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

فصل سوّم

عملیّات فریب



ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==



اهداف دشمن

• مبارزه با اسلام و تضعیف معنویّت

هدف دشمنان جهانی ـ اعمّ از استکبار و در رأس آن آمریکا و دیگر خرده‌ریزهای دشمن ـ در هر نقطه‌ی عالم، در مخالفت با انقلاب ما این است که با «اسلام» مبارزه کنند... اینها هدفشان این است که اسلام را از چشمها بیندازند. این در حالی است که اسلام پرچم‌دار حقوق بشر است. حقوق بشر یعنی چه؟ آیا فلسطینی‌هایی که در این سرمای زمستان به وسیله‌ی صهیونیست‌های خبیث، از خانه و کاشانه‌ی خود آواره شده‌اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟ این مسلمانانی که در کشور بوسنی و هرزگوین، از جانشان، از خانه‌شان، از میهنشان و از استقلالشان دفاع میکنند و این‌طور زیر فشار قرار گرفته‌اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟... کیست که امروز ترفند و دروغ خباثت‌آمیز مدّعیان حقوق بشر را تشخیص ندهد و درک نکند؟[1]

اگر این ملّتی که با نیروی ایمان و با شجاعت ناشی از ایمان توانسته کار بزرگی را انجام دهد، یک دشمن داشته باشد، این دشمن چه کار میکند؟ خودتان فکر کنید. راه غلبه‌ی دشمن بر چنین ملّتی چیست؟ راه غلبه‌ی دشمن این است که این عامل معنوی را از این ملّت بگیرد. این دشمن میداند که تا وقتی در این مردم، همان روحیّه‌ی ایمان ـ آن

---

۱. در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دل‌بستگی به هدفها ـ باشد، این ملّت قابل دسترسی نیست. چه کار باید بکند؟ باید تلاش کند تا ایمان را در آنها ضعیف کند؛ آرمانهای الهی را در ذهن آنها کم‌رنگ کند؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد.[1]

• ایجاد تزلزل در پایه‌های ایمان مردم

امروز تنها یک راه برای دشمن باقی مانده است... آن راه، عبارت است از محاصره‌ی تبلیغاتی. این تنها راهی است که دشمن میخواهد با همه‌ی توان و قوای خود، آن را آزمایش کند. البتّه تا الان صدها رادیو و روزنامه و مجلّه و تلویزیون و وسایل گوناگون ارتباط علیه این انقلاب و مفاهیم این انقلاب در همه‌ی دنیا راه انداخته‌اند و داخل ایران هم گسترش داده‌اند ـ در این شکّی نیست ـ امّا میخواهند همین را چند برابر کنند و میکنند و همین الان مشغولند. هدف چیست؟ هدف این است که مردم را نسبت به این پایه‌ی مستحکم ایمانی متزلزل کنند؛ البتّه مهم هم هست.[2]

همه‌ی عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است... دشمنان سراغ مجموعه‌ی احکام و مقرّرات اسلام رفتند ـ هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدّس که در زندگی و سرنوشت آینده‌ی فرد و جماعت و امّت اسلامی تأثیر مثبتِ بارزی داشته است ـ و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند!

خب ممکن است شما بگویید که «مگر دشمن چه‌کاره است؟ چطور دشمن میتواند عقاید اسلامی را کاری کند که از استفاده‌ی مردم خارج شود؟» نه، این خطا است. دشمن میتواند؛ منتها نه در کوتاه‌مدّت،

---

۱. در دیدار جمع کثیری از فرماندهان و رزمندگان عملیّات بیت‌المقدّس به مناسبت سالروز آزادی خرّمشهر ۱۳۷۸/۳/۳

۲. در دیدار کارگران و معلّمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلّم ۱۳۷۷/۲/۹

بلکه در طول سالهای متمادی. گاهی ده‌ها سال زحمت میکشند، برای اینکه بتوانند یک نقطه‌ی درخشان را کور، یا کم‌رنگ کنند، یا نقطه‌ی تاریکی را به وجود آورند! سالهای متمادی می‌نشینند و پول خرج میکنند! یکی زحمت میکشد و تلاش میکند، ولی توفیق نمی‌یابد؛ بعد از او کسان دیگری می‌آیند. روی عقاید دنیای اسلام، از این گونه کارها خیلی شده است. روی عقیده‌ی توحید، عقیده‌ی امامت و اخلاقیّات اسلامی ـ معنای صبر، معنای توکّل، معنای قناعت ـ کار کرده‌اند![1]

• تشکیک در عقیده‌ی مهدویّت

چقدر خطا میکنند کسانی که به اسم روشنفکری و به عنوان تجدّدطلبی می‌آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطّلاع و بدون اینکه بدانند چه کار میکنند، مورد تردید و تشکیک قرار میدهند! اینها همان کاری را که دشمن میخواهد، راحت انجام میدهند!... چند خصوصیّت در عقیده‌ی مهدویّت هست که این خصوصیّات برای هر ملّتی، به منزله‌ی خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملّتهای ضعیف را به جایی میرسانند که امیدشان را از دست میدهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمیکنند؛ میگویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی دربیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمیتوانیم. این، روح ناامیدی است. استعمار این را میخواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملّتهای مسلمان و از جمله ملّت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمیشود کاری کرد؛ دیگر فایده‌ای ندارد! میخواهند این را بزور در مردم تزریق کنند... مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأیوس کنند، متدیّنین را از

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی(عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

گسترش دین مأیوس کنند، آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مأیوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره‌وتار جلوه دهند! برای چه؟ برای اینکه جوشش و امید را از این مجموعه‌ی انسانی که با امید کار میکند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایلند انجام دهند! با یک ملّت زنده که نمیتوانند هر کاری بخواهند، انجام دهند... اگر ملّتی برای خودش تحرّکی نداشت و ارزش و آینده‌ای برای خود قائل نبود، دشمنان میتوانند بیایند و برایش نقشه بکشند، به او توصیه کنند، به جای او تصمیم بگیرند و عمل کنند! بدون هیچ مانعی این کارها را میتوانند انجام دهند. این ناشی از عدم تحرّک است. عدم تحرّک، ناشی از عدم امید است. لذا سعی میکنند مردم را ناامید کنند!... البتّه وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، میکوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان می‌آید و همه‌ی کارها را درست میکند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرّکی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوّی، به یک داروی مخدّر و خواب‌آور است.[1]

• تضعیف و نفوذ در روحانیّت

توطئه‌ی دشمن، در گذشته یک تفاوت با امروز داشت. در گذشته، توطئه‌ی دشمن از روی بی‌تجربگی بود. یعنی آمریکا، استکبار جهانی، کمپانی‌داران بزرگِ صهیونیست و امثال آنها که میخواستند با ملّت و انقلاب ایران مبارزه کنند، از روشهای ساده‌تری استفاده میکردند که برای همه، قابل افشا بود. مثلاً تحریک به حمله‌ی نظامی و راه انداختن جنگ،

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی(عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

توطئـه بود؛ امّا همه، این را می‌شـناختند. توطئه روشـن میشـد؛ مردم به پا میخاسـتند و مقابلـه میکردند. یـا مثل حملـه‌ی آمریکایی‌هـا به صحرای طبـس و از ایـن قبیـل، آنچـه کـه انجـام دادنـد ـمحاصـره‌ی اقتصـادی، حملات تبلیغی و غیره ـ کارهایی آشکار بود. به مرور فهمیدند که نمیشود ملّت ایران و انقلاب اسلامی را با این توطئه‌ها و کارها شکسـت داد. این تجربه، موجب شـده اسـت که روشـهای خودشـان را پیچیده‌تـر کنند. به همان نسـبتی که آنها روشها را پیچیده‌تر میکنند، ملّت ایران هم بایستی هوشیاری‌اش را بیشتر کند. جوانان بایستی آمادگی‌شان را بیشتر کنند؛ نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگِ نظامی نیست. البتّه آمادگی رزمی هـم برای روز مبادا ضروری اسـت؛ امّا آن چیزی که برای همه لازم اسـت، آمادگـی معنـوی، یعنـی آمادگـی فکـری، آمادگی روحـی، آمادگی سیاسـی و حفـظ وحدت، اتّصـال و ارتباط نیروهـا با یکدیگر، ارتباط مسـتحکم و دوستانه‌ی ملّت و دولت و شناختن چهره‌ی دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکلهای مختلفی خود را به مقابله با انقلاب میکشاند. همیشه با لباس نظامیِ وابسته به فلان دولتِ بیگانه، جلو نمی‌آید.

چنـدی قبـل، در یکی از اجتماعاتـی که درباره‌ی انـقلاب و خطرات انـقلاب بـرای اسـتکبار، در یکـی از کشورهای بیگانه تشـکیل شـده بود، بعضـی از کسـانی کـه در آنجا سـخنرانی کردنـد، گفته بودند کـه انقلاب اسلامی، بـه وسیلـه‌ی روحانیّت و به پشـتیبانی جوانان حوزه و دانشـگاه پیـش رفـت و به طور کلّی با تکیه به نسـل جـوان ادامه یافـت؛ برای زدن و کوبیـدن انـقلاب هم بایـد از همیـن وسیلـه اسـتفاده کنیم! باید سـراغ حوزه‌ی علمیّـه، سـراغ یـک معمّـم و سـراغ حوزه و دانشـگاه برویـم؛ بلکه از آن طریـق بتوانیم این انـقلاب را ضربه بزنیم! غافـل از اینکه حوزه‌ی ما بیدار است، دانشگاه ما بیدار است، بزرگان ما بیدارند. کسانی که توطئه میکننـد، ملّت ایران را بد شـناخته‌اند!... ما در شـناختن دشـمن، دچار اشـتباه نخواهیم شـد؛ این را دشـمن بداند! خیال نکند کـه اگر آمدند و

ATqie4AiGraUCtjzwAd6ag==

چند نفر آدم ساده‌لوح و معمّم را وادار کردند که حرفی بزنند، ما اشتباه میکنیم و خیال میکنیم که دشمن ما اینها هستند! اینها کسی نیستند! دشمن، خود را پشت پرده پنهان میکند. دشمن که جلو نمی‌آید و خود را نشان نمیدهد. دشمن سعی میکند شناخته نشود! آن کسی که سینه سپر میکند و به خیال خود جلو می‌آید، یک عامل است؛ ممکن است خودش هم نداند عامل است!

امام بزرگوار، مکرّر میفرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، یک نفر را تحریک میکند که حرفی بگوید، یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را طی کنید و بروید. دشمن انقلاب در ایران ـ یعنی ایادی استکبار جهانی ـ راحت میتوانند ده واسطه پیدا کنند و خودشان را در حوزه‌ی قم، به بیچاره‌ای برسانند و او را به حرفی، به گفته‌ای و به یک موضع‌گیریِ غلط و ناشیانه وادار کنند! آن‌قدر در کشور، ورشکستگان سیاسی، ضربت‌خورده‌های از انقلاب، تودهنی‌خورده‌های از همین بسیج، ضربت‌خورده‌های از دادگاه‌های انقلاب، ساواکی‌های قدیم و کسانی که امیدشان به این بود که نظام مزدور گذشته‌ی ظالم بماند و آنها از آن استفاده کنند و محروم ماندند، هستند که واسطه بشوند تا آن ده واسطه را درست کنند و خبر غلط و حرف دروغی را به فلان آدم بیچاره و مفلوک بدهند و او خیال کند که اوضاع و احوال به صورتی است که باید حالا حرفی زد؛ خودش و دیگران و زن و بچّه‌ی خود را به بلا بیندازد![1]

• براندازی یا استحاله‌ی جمهوری اسلامی

هدفهایی که آنها[2] دنبال میکردند، در درجه‌ی اوّل، سقوط انقلاب و

---

۱. در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۶/۹/۵

۲. منظور دشمنان است.

سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اوّل، براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقّق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، امّا باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه‌ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عدّه‌ای در داخل، به خاطر حبّ به نفس، حبّ به مقام ـاز این قبیل امراض خطرناک نفسانی‌ـ اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طرّاح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوّم. هدف سوّم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی میماند، از عناصر ضعیف‌النّفسی که میتوان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد ـعمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشدـ در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینها است.[1]

آنها برای حمله‌ی به جمهوری اسلامی استدلال دارند. به نظر من استدلالشان از دیدگاه آنها استدلال تامّی است. در یک نقطه‌ی بسیار حسّاس جهان از لحاظ جغرافیایی، یعنی این نقطه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس، دریای سرخ، شمال آفریقا، بخشی از مدیترانه ـاین حوزه‌ی عظیمی است دیگرـ مجموعه‌ی امّت اسلامی واقع شده. الان شما ببینید از این پنج تا، شش تا گذرگاه آبیِ حسّاس حیاتی که در دنیا وجود دارد، سه تایش توی این منطقه است: تنگه‌ی هرمز است، کانال سوئز است، باب‌المندب است. اینها گذرگاه‌های مهمّی است که

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

تجارت جهانی متوقّف به اینها است... بنابراین، این منطقه، منطقه‌ی حسّاسی است. حالا در این منطقه‌ی بسیار حسّاس، یک قدرتی دارد قد میکشد و روزبه‌روز خودش را بیشتر نشان میدهد. این‌قدرت با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاه‌های کمپانی‌ها و شبکه‌های عظیم اقتصادیِ مفسد فی‌الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است،... با ظلم مخالف است؛ خب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متّحده‌ی آمریکا نیست،... دستگاه استکبار یک شبکه‌ی عظیم‌تری است که شامل اینها است؛ شبکه‌ی صهیونیستی هست، شبکه‌ی تجّار اساسیِ بین‌المللی هست، مراکز پولیِ عظیم دنیا هست.[1]

• سلطه بر کشور

من یادم است که در شورای انقلاب، بعضی از افراد هیئت دولتِ آن روز که در شورای انقلاب شرکت میجستند، کار دانشجویان را تخطئه میکردند و میگفتند چرا به سفارت آمریکا رفتند؟! اینها دلشان آن طرف بود. کسانی که دلشان آن طرف است، الان هم هستند. اینها به چیزی به نام استقلال ملّی، هویّت ملّی، شخصیّت و عزّت ملّی باور ندارند. تربیتهایشان طوری است که به آنها اجازه نمیدهد درست بفهمند که حضور یک قدرت استکباری در یک کشور، چقدر برای یک ملّت، زیان‌بار و سنگین است. دستورات اسلام هم برای بعضی از آنها چندان اهمّیّت و ارزشی ندارد. اینها همیشه یک اقلّیّت کوچک بودند؛ امروز هم هستند. البتّه فعّالیّت میکنند، تبلیغات میکنند، تبلیغات دشمنان اسلام را ادامه میدهند؛ امّا دل متن مردم، بخصوص جوانان ـدانشجویان، دانش‌آموزان و سایر قشرهای مختلف جوانـ هر جا هستند، درک میکنند که برای یک ملّت،

---

۱. در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴

بزرگ‌ترین اهانت این است که تسلیم قدرت استکباری بیگانه باشد. هر کس که اهل تحلیل باشد، این معنا برایش روشن است که امروز آمریکا برای ایران هیچ نقشه‌ای جز نقشه‌ی استکباری ندارد؛ یعنی بازگشت به وضعیّت قبل از انقلاب!... بعضی حتّی سعی میکنند روز سیزده آبان را ـ که روز مقاومت در مقابل استکبار است ـ به روز نرمش در مقابل آمریکا تبدیل کنند! اگر نگوییم ساده‌لوحی است، ناچاریم بگوییم خیانت است؛ منتها چون انسان نمیخواهد بگوید خیانت، لابد این کارها از روی ساده‌لوحی و غفلت است... بدون تردید ملّت ایران در مقابل این طمعهای استکباری، با قدرت تمام خواهد ایستاد.[1]

• تدارک اتّحاد ضدّ جمهوری اسلامی

آمریکایی‌ها دنبال این هستند که یک اتّحادی متشکّل از آمریکا و انگلیس و بعضی دولتهای عربی علیه جمهوری اسلامی ایران درست کنند. دولتهای عربی باید خیلی بیدار باشند؛ باید حواسشان خیلی جمع باشد. اتّحاد دو دولت نحسِ نجس و دشمن با مصالح مسلمین علیه یک ملّت مسلمان؛ یک ملّتی که در راه اسلام این همه مجاهدت کرده است،... که البتّه فایده‌ای هم نخواهد کرد. یک روزی بالاتر از این اتّحاد را هم کردند؛ آمریکا و انگلیس و شوروی و همه‌ی اروپا و بسیاری از همین کشورهای عربی در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی با هم متّحد شدند؛ هدف هم این بود که قسمتی از خاک ایران را به وسیله‌ی این بدبختِ روسیاهِ بدعاقبت تصرّف کنند و جمهوری اسلامی را بی‌آبرو کنند و بگویند نتوانست خاک خودش را حفظ کند؛ هشت سال هم زور زدند و همه‌ی نیرویشان را به کار گرفتند، آخر هم هیچ غلطی نتوانستند

---

۱. در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا (روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی) ۱۳۷۸/۸/۱۲

بکنند. حالا هم همان‌طور است. توطئه‌ی آنها علیه نظام اسلامی به جایی نخواهد رسید. ولی باید بیدار باشند و مراقب باشند در دام دشمنان نیفتند. هر چه جمهوری اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ فنّاوری و از لحاظ اجتماعی قدرت پیدا کند، این‌قدرت متعلّق به دنیای اسلام است؛ یک وزنه‌ی سنگینی در کفّه‌ی دنیای اسلام است.[1]

دشمن جهاز فکری خودش را به کار انداخته، برای اینکه ببیند چه وقت میشود ضربه زد. درست مثل میدان جنگ! همین‌طور که امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) فرمود: «وَ إِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرِقُ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمْ عَنْهُ»[2]؛ شما اگر داخل سنگر خوابت ببرد، دلیل بر این نیست که سنگرنشین روبه‌روی شما هم خوابش برده است. شما اگر غافل شدی، باید انتظار داشته باشی که ضربه را، بلافاصله بخوری! دشمن، هوشیار نشسته است. میلیون‌ها دلار، بلکه اگر مبالغه نباشد میلیاردها دلار صرف میکنند، تا بتوانند ضربه‌ی کاری را به این انقلاب بزنند. اینها که با این انقلاب آشتی‌بکن نیستند. هر وقتی به گونه‌ای در صدد وارد آوردن ضربه‌اند.[3]

تا وقتی که قلم در دست دشمن باشد و هر چه به قلمشان می‌آید علیه ملّت ایران بنویسند و هر چه به دهانشان می‌آید بگویند، نمیشود گله کرد فلان انسان که اهل کشور عربی، آفریقایی یا اروپایی است، چرا از وضع ایران خبر ندارد؟ البتّه ما به قدر توسعه‌ی تبلیغات خودمان و رسانه‌ها تبلیغ میکنیم؛ امّا شمول تبلیغات دشمن بیشتر است و ده‌ها رادیو، صدها روزنامه و مطبوعات علیه جمهوری اسلامی مینویسند.[4]

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم قم در سالروز عید سعید غدیرخم ۱۳۸۵/۱۰/۱۸

۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۶۲

۳. در دیدار نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۱/۳/۲۰

۴. در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۱/۴

• مخدوش کردن چهره‌ی انقلاب اسلامی

دشمنان اسلام و انقلاب، با یاد دوران پیروزی انقلاب دشمنند؛ امّا علی‌رغم میل آنها، خاطره‌ی انقلاب را بزرگ بشمارید. همیشه دشمنان ما خواسته‌اند به این انقلاب خدشه وارد کنند و سیمای منوّر امام را مخدوش نمایند. شما با گرامیداشت دهه‌ی فجر، تمایل دشمن را خنثی کنید.[1]

یکی از چیزهایی که از اوّل انقلاب از طرف دشمنان شروع شد، همین بود که رواج سکّه‌ی انقلاب را در دنیا انکار کنند؛ بگویند انقلاب منزوی است و کسی آن را قبول ندارد. الان هم همان حرفهایی را میزنند که بیست سال پیش میگفتند. آن روز دروغ بود، امروز هم دروغ است. مفاهیم انقلاب در دنیا زنده است. آنچه را که ما به آن معتقدیم ـ مردم‌سالاری دینی، خضوع در مقابل دین حق و ارزشهای دینی و اخلاقی، نفرت و معارضه با قدرتهای زورگو، قائل بودن حق برای همه‌ی انسانها و انسانیّت ـ مفاهیمی است که همه‌ی ملّتها آنها را قبول دارند؛ می‌پسندند و میپذیرند. البتّه تبلیغات دشمنان، قوی است. من بارها گفته‌ام: امروز زر و زور و تزویر با هم در اختیار استکبار است و تزویرشان به وسیله‌ی همین بوقهای تبلیغاتی است.[2]

• جلوگیری از تفکّر نو و پیشرفت علمی

انقلاب مانند هر حرکت اجتماعی عظیم ماندگار، احتیاج به سوخت دارد؛ این ماشین بدون سوخت متوقّف میشود؛ سوخت فکری. روزبه‌روز با توجّه به تحوّلات جهانی، با توجّه به حوادث جدید، سؤالها و ابهامهای تازه‌ای در ادامه‌ی این راه مطرح است. از طرفی، قبل از آنکه نوبت

---

۱. برگرفته از دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۱/۴

۲. در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۸۱/۶/۲۴

به عمل برسد، نوبت فکر و پردازش تفکّر راهنما است و این، خاصّ آشنایان به مبانی اسلام است؛ و بدیهی است که دشمنان، همین نقطه را هم مثل بقیّه‌ی نقاط حسّاس هدف میگیرند. بنابراین، فضلای برجسته‌ی حوزه، نباید گوششان بدهکار تلاش دشمن باشد و باید بدانند که فکر جدید، مفاهیم جدید و راه‌های نو، مدد فکری برای پیشرفت این حرکت است. امروز ما نسبت به اوایل انقلاب درباره‌ی مبانی نظام اسلامی، به برکت تلاش دین‌شناسان و عالمان ـ چه در دانشگاه، چه در حوزه ـ روشن‌بینی‌های بیشتر و مفاهیم تازه‌تری را در اختیار داریم، که این پشتیبانی فکری باید ادامه پیدا کند. امروز چشم دنیا به شما است؛ «حالیا! چشم جهانی نگران من و توست»[1].[2]

رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفتِ همراه با اقتدار، علم است. آماج بسیاری از نوطئه‌های امروزی که علیه جمهوری اسلامی هست، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی است؛ این را توجّه داشته باشید.[3]

دشمن میخواهد دانش ما پیشرفت نکند؛ دانشگاه‌های ما به جای درس خواندن، به کارهای دیگر بپردازند؛ ایمان نسل جوان تقویت نشود و جوان مؤمن تبدیل شود به جوان هوس‌ران. دشمن میخواهد وحدت بین نیروهای ما نباشد و برادران تبدیل شوند به دشمنان. دشمن میخواهد ما صفا و نورانیّت و معنویّت نداشته باشیم و جوان ما به یک عنصر مادّی و بی‌عاطفه تبدیل شود؛ این چیزی است که دشمن میخواهد. امروز همه وظیفه دارند در مقابل این، حرکت کنند.[4]

---

۱. اشاره به بیتی از هوشنگ ابتهاج (سایه)؛ «روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید/ حالیا چشم جهانی نگران من و توست»

۲. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

۳. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶

۴. در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

نخبه‌ی علمی و اساساً دانشگاه، جزو ارکان پیشرفت کشورند؛ یعنی یک رکنِ مهمّ پیشرفتِ کشور، دانشگاه و در دانشگاه هم عمدتاً نخبگان علمی هستند. اینکه شما می‌بینید در مقاطع مختلف، نه فقط حالا دیروز و پریروز، تلاش شده که دانشگاه‌ها تعطیل بشود، کلاسها تعطیل بشود، بچّه‌ها سر کلاس نروند، استاد نرود و از این کارها، ناشی از این است؛ چون دانشگاه نقش اساسی دارد. حالا آن کسی که استاد را تلفنی تهدید میکند که اگر بروی، چنین و چنان، معلوم نیست خودش عامل اصلی باشد؛ عامل پشت صحنه مهم است... دانشگاه یکی از بزرگ‌ترین موانع در مقابل سلطه‌ی استکبار است؛ ما باید این را بدانیم.[1]

• ایجاد ناامنی و هرج‌ومرج از طرق مختلف

یکی از هدفهای دشمن این است که با تحریک احساسات، در کشور ایجاد ناامنی کند. من قویّاً توصیه میکنم که به خاطر احساسات و به خاطر طرف‌داری از فلان کس، مبادا بر خلاف قانون اقدامی شود. من به هیچ وجه اجازه نمیدهم. دشمن وقتی بخواهد ایجاد اغتشاش و درگیری کند، برایش چندان مشکل نیست که چهار نفر مزدور را در بین بچّه‌های مؤمن، بچّه‌های حزب‌اللّهی و بچّه‌های صادق بفرستد؛ به عنوان طرف‌داری از رهبری، به عنوان اینکه رهبری مظلوم واقع شده، بیایید کمک کنید؛ سپس جنجال درست کنند! مراقب نفوذی‌ها باشید. من میخواهم فقط شما بدانید؛ میخواهم افکار عمومی بی‌خبر نماند از اینکه دشمن در زمینه‌ی مسائل فرهنگی در کشور چه میکند و هدفهایش چیست. هدفهای دشمن از این کارها عبارت است از بی‌ایمان کردن، ایجاد گسست بین نسل کنونی و نسل گذشته و کوچک کردن افتخارات بیست سال اخیر. همه‌ی مردمان بافرهنگ در کشورها

---

۱. در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر تحصیلی ۱۴۰۱/۷/۲۷

سعی میکنند افتخارات گذشته‌ی خودشان را بزرگ کنند. این جنگ هشت‌ساله و این دفاع مقدّس، از بزرگ‌ترین افتخارات ملّت ایران بود. همه‌ی دنیا ـ ناتو، کشورهای بلوک شرق، خود آمریکا، کشورهای مرتجع منطقه ـ با هم همدست شدند، به عراق کمک کردند و به ایران فشار آوردند؛ امّا نتوانستند یک وجب از خاک این کشور را اشغال کنند.[1]

در این حادثه‌ای که پیش آمد، دختر جوانی درگذشت؛ خب حادثه‌ی تلخی بود، دل ما هم سوخت، ولی واکنش به این حادثه بدون اینکه تحقیقی شده باشد، بدون اینکه هیچ گونه امر مسلّمی وجود داشته باشد، این نبود که یک عدّه‌ای بیایند خیابان را ناامن کنند، ناامنی را برای مردم به وجود بیاورند، امنیّت را به هم بزنند، قرآن را آتش بزنند، حجاب از روی سر زن محجّبه بکشند، مسجد و حسینیّه را به آتش بکشند، بانک را به آتش بکشند، ماشین‌های مردم را آتش بزنند. واکنش به یک قضیّه‌ای که حالا تأسّف‌آور هم هست، موجب نمیشود که یک چنین حرکاتی انجام بگیرد؛ این حرکات عادی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه‌ریزی داشت؛ این اغتشاش برنامه‌ریزی‌شده بود. اگر قضیّه‌ی این دختر جوان هم نبود، یک بهانه‌ی دیگری درست میکردند برای اینکه امسال در اوّل مهر ـ به دلیلی که عرض خواهم کرد ـ در کشور ناامنی درست کنند، اغتشاش درست کنند. چه کسی این را برنامه‌ریزی کرده؟ بنده به صراحت میگویم این برنامه‌ریزی کار آمریکا، کار رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی و دنباله‌روهای آنها است؛ نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند. عَمَله و مزدوران و حقوق‌بگیران آنها، بعضی از ایرانی‌های خائن هم که در بیرون از کشور هستند، به اینها کمک کردند.[2]

دشمن میخواهد در کشور هرج‌ومرج شود؛ بی‌ایمانی باشد؛ بی‌اعتمادی

---

۱. در دیدار با جوانان در مصلّای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

۲. در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری نیروهای مسلّح ۱۴۰۱/۷/۱۱

به حکومت باشد و در سایه‌ی این هرج‌ومرج و اغتشاش، یک دیکتاتوری مثل دیکتاتوری رضاخان را سر کار بیاورد؛ همان چیزی که یک بار در اوایل این قرن در دوره‌ی رضاخان و یک بار هم در ۲۸ مرداد در ایران تجربه شد. ۲۸ مرداد هم همین‌طور شد؛ گروهی از ایادی داخلی آنها تبلیغات و جنجال و هیاهو راه انداختند و اغتشاشگران به خیابانها ریختند. به دنبال آن، کنار زدن روحانیّت و ناامیدی مردم و آمدن آمریکا بود و دیکتاتوری سخت و سیاه دوران محمّدرضا آغاز شد. امروز میخواهند آن کارها را بکنند.[۱]

• خارج کردن مردم از عرصه‌های انقلاب اسلامی

همه‌ی تلاش دشمن این بود که مردم را از عرصه‌ی عظیم انقلاب خارج کند. پاسخ شما مردم، آن‌چنان بوده است که در همه‌ی سالهایی که بر این انقلاب میگذرد، در میدانهایی که باید حضور مردم در آن آشکار شود، پاسخ شما به استکبار جهانی، کوبنده‌تر و صریح‌تر و قاطع‌تر بوده است.[۲]

پیش‌بینی‌ها از قبل از انقلاب این بود که چون در مجموعه‌ی ملّت ایران، اقوام مختلف حضور دارند و زبانهای مختلف رایج است، پس زمینه‌ی اختلاف زیاد است؛ امّا خلافش ثابت شد و همه دیدند که ملّت ما یک ملّت متّحد و متّفق است. شما ببینید در مراسم گوناگون و در صحنه‌هایی که جای ابراز عقیده نسبت به یک مسئله‌ی سیاسی است ـمثل مراسم «روز قدس» که پریروز برگزار شد و شما ملاحظه کردید که چه غوغایی در سراسر ایران، چه در شرق و غرب و چه در مرکز بود ـ ملّت یکپارچه‌ی ما چگونه وحدت خود را به نمایش میگذارند! اقوام مختلف، در هر جا که هستند ـفارسشان، ترکشان،

---

۱. در دیدار اعضای ستاد نماز جمعه ۱۳۸۱/۵/۵

۲. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

کردشان، عربشان، بلوچشان و ترکمنشان_ همه یکسان حرکت میکنند، یک شعار میدهند و یک حرف را میزنند. این همه، نشانگر وحدتی عجیب و بزرگ است. نوبت انتخابات هم که میرسد، مردم همین‌طور شرکت میکنند. نوبت دفاع مقدّس هم که میرسد _جنگ هشت‌ساله‌ی ما_ مردم همین گونه از همه جا شرکت میکنند؛ همه شهید میدهند؛ همه برای خدا وارد میدان میشوند و همه حول یک احساس وظیفه‌ی مشترک، اقدام میکنند. حتّی در دوران دفاع مقدّس، در بین داوطلبان ما _سرباز وظیفه که به‌جای خود محفوظ_ هم‌میهنان غیر مسلمان هم شرکت داشتند. مسیحیانی بودند که داوطلبانه به میدان جنگ رفتند و جانشان را هم در این راه فدا کردند. اینها را دیدیم، شناختیم و می‌شناسیم. یعنی وحدت عجیبی در میان ملّت ما وجود دارد؛ با اینکه دشمن هم برای از بین بردن آن خیلی کار کرده است. بنابراین، در داخل کشور ایران اسلامی، به برکت حاکمیت اسلام و به برکت وجود محورهای اساسی وحدت‌آفرین، هر دو محور ذکر الهی و وحدت عمومی تأمین است و در آینده هم ان‌شاءالله مثل گذشته خواهد بود. نگرانی، بابت امّت اسلامی است؛ چون متأسّفانه در سطح امّت اسلامی، شرایط، این گونه نیست.[1]

• تحریف حقایق و تحریف تاریخ

از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهمّ دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا میشد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف میکرد، میدیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند میشود. امروز نیز همین‌طور است... تبیین، موضوع بسیار مهمّی است. انسانها تابع بینش و دید خودشان هستند.

---

۱. در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده‌ی مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن میخواهد. امروز اگر کسانی علیه اسلام و مقدّسات و مجاهدتهای این ملّت قلم‌فرسایی کنند و چیزی بنویسند، اگر کسانی علیه بهترین فرزندان این کشور ـیعنی شهیدان ما و مجاهدان راه خداـ اظهار نظری کنند و ریشی بجنبانند، اگر کسانی علیه بسیج و جهاد و شهادت حرفی بزنند و چیزی بنویسند، می‌بینید مورد تشویق رادیوها و سیاستمداران و نویسندگان خارجی قرار میگیرند. امروز همه‌ی افراد ـچه کسانی که بیاناتشان در حوزه‌های وسیع کاربرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچک‌تر سخنانشان مؤثّر واقع میشود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیط‌های کارگری و غیرهـ مسئولند و اگر دیدند حقایق و محکمات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار میگیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجّه میکرد. و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.[1]

• هویّت‌زدایی و ایدئولوژی‌زدایی

شما امروز می‌شنوید در خیلی از بیاناتی که در روزنامه‌ها و در فضای مجازی پخش میشود، مسئله‌ی ایدئولوژی‌زدایی به عنوان یک کار لازم [مطرح میشود]؛ این همان هویّت‌زدایی است. ایدئولوژی، تفکّر، ارزشها، هویّت یک ملّت است. امروز قبله‌ی اینها آمریکا است و آمریکایی‌ها دائم روی ارزشهای آمریکایی تکیه میکنند که ارزشهای آمریکایی این‌جور میگوید، ارزشهای آمریکایی این‌جور میخواهد ـارزشهای آمریکایی یعنی همان ایدئولوژیـ [امّا] اینها حاضر نیستند این را از آمریکا یاد بگیرند.

---

۱. در اجتماع زائران مرقد مطهّر امام خمینی(ره) ۱۳۸۰/۳/۱۴

اینکه گفته میشود ایدئولوژی‌زدایی که بایستی در داخل ایدئولوژی‌زدایی بشود، یعنی هویّت فکری جامعه که مظهر مهمّش هم دانشگاه و دانشجو است بایستی از بین برود؛ هویّت‌زدایی یعنی این: مبانی اندیشه‌ای و رویکردهای تاریخی و ملّی یک کشور تحقیر بشود، گذشته‌ی یک کشور تحقیر بشود، گذشته‌ی انقلاب تحقیر بشود، کارهای بزرگی که انجام گرفته کوچک‌نمایی بشود؛ و البتّه عیوبی وجود دارد و این عیوب هم ده برابر بزرگ‌نمایی بشود؛ هویّت‌زدایی یعنی این. آن وقت به جای این هویّت، منظومه‌ی فکری غرب جایگزین بشود؛ که یک نمونه‌اش همین سند ۲۰۳۰ آمریکایی‌ها است که این، مظهر سلطه‌ی نواستعماری غربی در زمان ما است؛ یعنی یکی از نمونه‌هایش این است.... امروز ما ده‌ها میلیون جوانی داریم در کشور که اینها آماده‌ی صعود به قلّه‌هایند... حالا بعضی‌ها با انگیزه‌های دینی و انقلابی، بعضی هم نه، ممکن است انگیزه‌ی انقلابی و دینی هم نداشته باشند امّا آماده‌اند... اینها بایستی از کار بیفتند، مأیوس بشوند، به قلّه‌ها پشت کنند، راه رفته را قدرناشناسی کنند، نَفَسهای سرد و مسموم در شیپور ناامیدی بزنند و مجموعه‌ی جوان را ناامید کنند. امروز این کار دارد انجام میگیرد؛ باید در مقابل اینها ایستاد؛ باید ایستاد.[1]

• آرمان‌زدایی

آرمان‌زدایی یعنی بی‌تفاوت کردن افراد نسبت به فقر و فساد و تبعیض؛ نسبت به این سه شیطان بزرگ و سه عنصر پلید در جامعه‌ی منحرف ـفقر و فساد و تبعیضـ که باید از بین برود، باید با این مبارزه بشود، اینها را بی‌تفاوت کنند؛ بی‌تفاوت شدن نسبت به سلطه‌ی فرهنگ غربی، کم‌انگیزه شدن درباره‌ی شاخصهای انقلاب اسلامی... شاخص

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۴۰۱/۲/۶

ایستادگی در برابر ظلم، شاخص زیر بار زورگویی نرفتن، شاخص باج ندادن... اینها شاخصهای ایران اسلامی است، اینها دنیا را و کشورهای اسلامی را تکان داده، ملّتها را متوجّه ایران کرده. هر رئیس‌جمهوری از رؤسای جمهور ما در این سالهای متمادی با گرایشهای مختلفی که داشتند ـ گرایشهای بعضی‌ها از لحاظ سیاستها و تفکّرات، نقطه‌ی مقابلِ هم بوده ـ در یک کشور خارجی در [بین] مردم حضور پیدا کردند، مردم برایشان شعار دادند و نسبت به آنها ابراز ارادت کردند؛ علّتش چیست؟ پرچم جمهوری اسلامی چرا در کشورهای مختلف به دست مردم باز میشود، [امّا] پرچم آمریکا را میسوزانند؟ دنیا را این شاخصها تکان داده، آن وقت [میخواهند] این شاخصها را در داخل کشور کم‌رنگ کنند و [افراد را] نسبت به آنها بی‌انگیزه کنند. شاخص بازگشت به اسلام ناب و ردّ تحجّر و واپس‌گرایی، شاخص ایستادگی در قضیّه‌ی فلسطین... حالا [اینکه] آن کسانی که هویّت‌زدایی میکنند، آرمان‌زدایی میکنند، استقلال‌زدایی میکنند، چه کسانی هستند، چقدر هستند، چقدر موفّق میشوند، بحث دیگری است؛ این بحث به عهده‌ی شما؛ بنشینید در جلساتتان اینها را بحث کنید، بررسی کنید، تحقیق کنید، پیدا کنید، امّا بدانید چنین چیزی وجود دارد که البتّه قاعدتاً هم میدانید. اینها دغدغه‌ها است.[1]

• تخریب عزّت ملّی

ملّت ما را در طول سالهای متمادی به یک ملّت وابسته تبدیل کرده بودند؛ ملّت ما را با تبلیغات پیوسته، از فرهنگ خود، از اعتماد به خود تهی کرده بودند؛ ملّت ما را به خود بی‌اعتماد و ناامید کرده بودند. ملّتی با این سابقه‌ی تاریخی، در این موقعیّت حسّاس جغرافیایی، با

---

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۴۰۱/۲/۶

این همه استعداد انسانی و طبیعی نهفته‌ی در این سرزمین، تبدیل شده بود به وسیله‌ای برای استفاده و بهره‌برداری قدرتهای بیگانه؛ مدّتی انگلیس، بعد هم آمریکا؛ امّا این انقلاب ما را بیدار کرد؛ ما را به خود آورد؛ این همان حرکت عاشورایی بود. این اقدام بزرگ، سرنوشت و راه ما را عوض کرد. ما امروز در راه عزّت، در راه استقلال، در راه استفاده از استعدادهای طبیعی و انسانی خودمان حرکت میکنیم و پیش رفته‌ایم و دنیا هم تا حدود زیادی به این اعتراف کرده و آن را قبول کرده است؛ چاره‌ای ندارد؛ امّا ما باید این راه را ادامه بدهیم. هیچ ملّتی با تنبلی و تن‌آسایی نخواهد توانست به عزّت برسد. رسیدن به استقلال، رسیدن به عزّت ملّی، رسیدن به کرامت انسانی، برای یک ملّت هزینه دارد، که باید این هزینه را متحمّل شد و باید تلاش کرد؛ باید به عاقبت کار، امیدوارانه و واقع‌بینانه نگاه کرد، که یک نگاه واقع‌بینانه، امید به انسان خواهد بخشید. این دشمن است که میخواهد شما را مأیوس کند.[1]

• اخلال در وحدت ملّی و ایجاد فشار برای سازش‌کاری

اقبال ملّتهای مسلمان در همه جای دنیای اسلام ـ بعضی جاها با شتاب بیشتر و بعضی جاها با شتاب کمتر ـ به امور معنوی و دینی، روزبه‌روز زیاد شده است. امّا موضوع وحدت، موضوع یکپارچگی، موضوع یک‌جهتی دنیای اسلام و موضوع «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا»[2]، که قرآن ما را به آن امر میکند، متأسّفانه، آن گونه که باید باشد، نیست و این کار دشمن است. ملّتهای اسلامی مایل به اتّحادند؛ امّا دشمن تلاش ویژه‌ای برای اخلال در این امر انجام میدهد؛ یعنی از طرق مختلف سرمایه‌گذاری مادّی و معنوی مخصوصی برای ایجاد تفرقه میکند

---

۱. در دیدار کارکنان نیروی هوایی ۱۳۸۴/۱۱/۱۸

۲. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۰۳؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید.»

کـه بخـشی از ایـن سـرمایه‌گذاری، مربوط به سـابق اسـت و مثـل تقویت ناسیونالیست‌های افراطی، از قبل از انقلاب است.[1]

دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب میکند. اوّل، عبارت است از تخریب وحدت ملّی؛ یکپارچگی ملّت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوّم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملّت را از یک ملّت عقب‌افتاده‌ی توسری‌خور، به یک ملّت پیشرو و شجاع و میدان‌دار در دنیا تبدیل کرد، بپردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهایی انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمیکرد و این ملّت پیش نمیرفت. دشمن میخواهد این باورها را در ذهن ملّت ما تخریب کند. سوّم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم... اسم این تخریبها را هم «اصلاح» میگذارند![2]

• ایجاد ناامیدی و سستی در مردم

اگر دشمن بتواند مردم ما را، جوانان ما را، قشرهای ما را، نسبت به آینده‌ی این حرکتشان ناامید کند، ضربه‌ی خود را زده است. این خطر عمده است. لذا شما می‌بینید با انواع و اقسام روشها، بیانها، زبانها و شیوه‌ها سعی میکنند دلها را نسبت به تداوم این حرکت پرافتخار اسلامی مردّد و مأیوس کنند و امید را از آنها بگیرند. این مهم‌ترین خطر است.[3]

دشمن، همان عنصری است که میخواهد یک ملّت و یک کشور را از ابزارهای اقتدارش تهیدست کند. ابزارهای اقتدار و عزّت کنونی

---

۱. در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶

۳. در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهّر امام خمینی(ره) ۱۳۷۹/۳/۱۴

ملّت ما چیست؟ ایمان، عزم راسخ الهی، کار برای خدا، احساس سربازی دین خدا. اینها است که ملّت ما را عزیز کرده است؛ اینها است که انسانهای پولادین به وجود آورده است و می‌آورد و میتوانند مقابله کنند... بعضی‌ها که شاید دشمن هم نیستند، ندانسته، نفهمیده و با غفلت کارهایی میکنند که نتیجه‌ی آن کارها، بی‌ایمانی مردم، نومیدی مردم و تردید و تزلزل روحی در مردم است.[1]

• تضعیف استقلال و اقتدار

هر چیزی که بتواند یک ملّت را به استقلال و به اقتدار ملّی و خودجوش و درون‌زا برساند، آن چیز مبغوض مراکز قدرتی است در دنیا که همه‌ی دنیا را برای خودشان میخواهند.[2]

هر نقطه‌ای را که دشمن هدف میگیرد و استکبار و صهیونیسم آن را آماج قرار میدهند، شما بدانید آن نقطه یکی از نقاط اصلی اقتدار ملّت ایران است؛ میخواهند این اقتدار را در هم بشکنند.[3]

• هجمه به امنیّت اجتماعی و قانون اساسی

امروز دشمنان، امنیّت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده‌اند؛ این چیزی است که به طور واضح و جلوی چشم، همه می‌بینند و مشاهده میکنند. دشمنانی که با اساس جمهوری اسلامی مخالفند، امروز بهترین راه اعمال مخالفت خود را در این پیدا کرده‌اند که امنیّت کشور را به خطر بیندازند. علاوه بر امنیّت اخلاقی و فرهنگی که چند سال است دشمن روی آن با شدّت کار میکند ـ که مکرّر به عنوان هشدار به

---

۱. در دیدار جمعی از کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ارتش ۱۳۷۸/۱/۲۵

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۳/۸/۱۵

۳. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

مسئولان، تهاجم فرهنگی دشمن را یادآور شده‌ایم- و علاوه بر امنیّت سیاسی که دشمن در حرکت سیاسی کلان نظام میخواهد اختلالاتی ایجاد نماید، امروز در صدد است امنیّت اجتماعی و مدنی مردم را از بین ببرد.[1]

در نگاه واضحی که انسان به مسائل میکند، میتواند چند نقطه را بروشنی پیدا کند. یک نقطه، نظریّه‌ی حکومت اسلامی است. این، یکی از موارد آماج حملات دشمن است. یا به مبانی اسلام، یا به قانون اساسی و یا به برخی از بخشهای برجسته‌ی نظام اسلامی که علامت و شاخصه‌ی نظام است، تهاجم فکری و نظری میشود. این تهاجم از تهاجم عملی کم‌اهمّیّت‌تر نیست؛ چون... تکیه‌ی نظام اسلامی به قدرت مردم است. قدرت مردم هم با ایمان آنها است؛ اگر مؤمن باشند، دفاع خواهند کرد؛ امّا اگر پایه‌ی ایمان سست شد، این پشتیبانی و این دفاع به مرور از بین خواهد رفت. بنابراین چیزی که ایمان و اعتقاد راسخ مردم را هدف گرفته است، نباید دست‌کم گرفت. علاج این کار، پیکار نظری است. یک حرکت علمی در این زمینه لازم است.[2]

• مقاومت‌شکنی و اتّحادشکنی

ملّت ایران، به فضل پروردگار در مقابل همه‌ی فشارها و تهدیدهای دشمنان مقاومت کرده است؛ آن هم مقاومتی بسیار باعظمت و باشکوه. همین مقاومت شما است که ملّتهای دیگر را امیدوار نگه داشته است. دشمن میخواهد این مقاومت را در هم بشکند. اینکه می‌بینید سردمداران استکبار جهانی، پیوسته شعار میدهند «ما مایلیم با ایران روابط داشته باشیم»، اظهاراتی ریاکارانه و خلاف حقیقت است. معنای

---

۱. در دیدار مسئولان، قضات و کارکنان قوّه‌ی قضائیّه ۱۳۸۲/۴/۷

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵

واقعی ایـن اظهارات و شـعارها، محبّت به ملّت ایـران و نظام جمهوری اسلامی نیسـت؛ بـه معنای قبول کردن اشـتباهات گذشته‌شـان نیسـت؛ به معنای تعهّد نسـبت به آینـده ـکه بعد از این به ملّـت ایران زورگویی نکنند ـ نیست؛ این یک نوع فریب است. به ظاهر میگویند «ما آماده‌ایم روابط برقرار کنیم» و متعاقب آن عنوان میکنند «مشروط بر اینکه ایران از حرفهای افراطی خود صرف نظر کند.» حرفهای افراطی ما چیست؟ یکی از حرفهـای افـراطی نظـام جمـهوری اسلامی و ملّت ایران، همین اسـت که میگوییم «نمیخواهیم دولتهای اسـتکباری در کار ما دخالت کنند.» ایـن حـرف، افـراطی اسـت؟! این حـرف، بـه نظـر سـردمداران اسـتکبار، حرفی نگفتنی است! میگویند چرا عنوان میکنید که «در کار ما دخالت نکنید»؟! در همیـن منطقـه‌ی خاورمیانـه و منطقـه‌ی اسلامی خودمـان، دولتهایی را می‌شناسیم که اگر بخواهند با دولتی دیگر رابطه برقرار کنند، از آمریکا اجـازه میگیرند! به آمریکا میگویند: شـما اجـازه میدهید ما با فلان دولت، رابطه داشته باشیم؟ این را خودشان میگویند. حیا نمیکنند و خجالت هم نمیکشند![1]

دشمنان ملّت ایران برای ضربه زدن به این ملّت، یکی از راه‌هایی که پیدا کرده‌اند، ایجاد اختلاف میان آحاد ملّت مسـلمان است؛ کمااینکه در دنیای اسلام و در امّت اسلامی هم همین سیاست را دنبال کرده‌اند. از اوّل پیروزی انقلاب سعی کردند کشورهای مسلمان همسایه‌ی ما را ـاز جمله کشورهای همسایه‌ی در خلیج فارس راـ از جمهوری اسلامی و از انقلاب اسلامی بترسانند؛ متأسّفانه در مواردی هم موفّق شدند؛ در حالی که جمهوری اسلامی، دسـت برادری به سوی همه‌ی ملّتهای مسلمان و همه‌ی دولتهای مسـلمان دراز کرده بوده اسـت و دراز میکند. جمهوری اسلامی از بـن دنـدان معتقد بـه اتّحاد اسلامی اسـت؛ اتّحـاد اسلامی به

---

۱. در دیدار زائران رضوی(ع) ۱۳۷۳/۱/۱

معنـای همـدلی ملّتهـا و همـکاری دولتها اسـت. ملّتها بحمـدالله با هم همدلنـد؛ اختلافـات طائـفی و فرقـه‌ای و مذهـبی نمیتوانـد میـان ملّتها شـکاف ایجـاد کنـد، مگر بـه وسوسـه‌ی دشـمن. امّا دولتهـا را متأسّـفانه دسـت سیاسـت میتواند به این طـرف و آن طرف بکشـاند. مـا امروز هم اعلام میکنیـم: کشورهای همسـایه برادران ما هسـتند؛ دسـت دوسـتی و بـرادری ما به سـوی این کشورها دراز اسـت. بـه آنها هیچ نیـازی نداریم؛ این برادری، از روی نیاز نیسـت. ملّت ایران ثابت کرده است که با توکّل بـه خدا و با اعتماد به نفس بر مشـکلات فائق می‌آید، امّـا ما اختلاف را بـر خلاف مصلحت دنیای اسلام میدانیم؛ لذا دسـت دوسـتی به سـوی همه‌ی کشورها دراز کرده‌ایم.[1]

• فراموشی یاد شهیدان

ما آن احساس افتخاری را که نام شهید و یاد شهید به ما میدهد، حفظ کنیـم. همچنانی که به دلاوری مردان بزرگ صـدر اسلام افتخار میکنیم، بـه دلاوری ایـن مـردان بزرگ دوران خودمـان افتخار کنیم. دشـمن این را نمیخواهد. دشمن میخواهد یاد شهیدان فراموش شود. دشمن میخواهد خاطـره‌ی این مجاهدتهـا و بزرگ‌مردی‌هـا در حافظه‌ی ایـن ملّت نماند. درست نقطه‌ی مقابل این، همه باید حرکت کنند. یاد شهیدان را برجسته کنید، زنده کنید، خاطره‌ی آنها را حفظ کنید.[2]

شیوه‌ها، ابزارها و برنامه‌های دشمن

• تضعیف و تخفیف دین و دین‌داری

مسـلمانان در همـه جـای جهـان بایـد نسـبت بـه اقدامـات توطئه‌آمیـز

---

۱. در دیدار عمومی با مردم لار ۱۳۸۷/۲/۱۹

۲. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲

دشمنان برای تضعیف و توهین [به] اسلام کاملاً حسّاس و هوشیار باشند؛ مخصوصاً نسبت به توطئه‌های فرهنگی؛ از قبیل نوشتن کتابها و ساختن فیلمها و نمایشنامه‌های ضدّ اسلامی. در این صحنه، سنگرداران اصلی، نویسندگان و هنرمندانی هستند که دلشان برای اسلام میتپد و از حِقد و کینه‌ی دستگاه‌های استکباری با اسلام و مسلمین باخبرند. تهیّه‌ی مقالات و کتب و آثار هنری در تبیین اسلام و افشای توطئه‌های دشمن و دفاع از حقوق مسلمانان جهان، وظیفه‌ی عمومی و بزرگ آنها است.[1]

دشمن، همیشه در صدد است تا نیروی دفاع‌کننده‌ی طرف مقابل را نابود کند و از بین ببرد. چون نیروی پیش‌برنده و دفاع‌کننده‌ی این انقلاب، عنصر دین و رهبری دینی بوده است، لذا دشمن سعی میکند این را از بین ببرد. شما ببینید بعد از پیروزی انقلاب، چقدر علیه حضور رهبری دینی در انقلاب حرف زدند! این حرفها مخصوص بعد از زمان امام هم نیست. کسی خیال نکند کسانی که با رهبری دینی مخالفت میکنند، بعد از زمان رحلت امام(رضوان‌الله‌علیه) پیدا شده‌اند. ابداً! از اوّل پیروزی انقلاب، همه‌ی کسانی که از دست این انقلاب داغدار بودند، با رهبری و هدایت دینی این انقلاب مخالفت کردند. چرا؟ برای اینکه انقلاب را از پا درآورند. این، آن هدفی است که دشمن نشانه‌گیری کرده است و باز هم میکند.[2]

دشمنان این انقلاب وقتی خواسته‌اند در طول این مدّت به این انقلاب و این نظام صدمه‌ای وارد کنند، آماج حملات آنها چه بوده است؟ آماج حملات دشمنان، دو نقطه‌ی اساسی است: یکی دین، یکی مردم و وفاداری آنها. میدانند که اگر این انقلاب، یک انقلاب دینی نبود،

---

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۶۸/۴/۱۴

۲. در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

قدرت مقاومت نداشت؛ چون دین است که پیروان خود را از تسلیم شدن در مقابل ظلم منع میکند، به مقابله‌ی با ظالم تشویق میکند؛ عدالت و آزادی و معنویّت و پیشرفت را به زندگی انسانها پیشنهاد میکند. این، خصوصیّت دین است. پس آن نظامی که بر مبنای دین باشد، معنی ندارد که تسلیم فشار و زور دشمنان و زورگویان و زیاده‌طلبان بشود. اگر عنصر دین در این انقلاب نبود، ممکن بود مسئولین انقلاب و سرکردگان انقلاب با گرفتن یک امتیازی در مقابل دشمن کوتاه بیایند و راه را برای سلطه‌ی دوباره‌ی دشمن باز کنند؛ امّا چون دین ستون فقرات این انقلاب است، چنین چیزی تاکنون پیش نیامده است و بعد از این هم پیش نخواهد آمد.[1]

تکلیف ما این نیست که بگوییم: «ما گفتیم؛ هر کس میخواهد، عمل بکند.» این مربوط به این دوره نیست که حکومت به دست مسلمین است؛ دوره‌ای که بار اداره‌ی جامعه بر دوش ما است؛ بخصوص دوره‌ای که دشمن این همه تلاش میکند، تا مفاهیم اسلامی را از ذهنها بزداید... ما بایستی حرف خود را به دلها برسانیم؛ «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»[2]. اینکه چیزی را در هوا پرتاب کنیم، کسی گرفت، گرفت؛ نگرفت، نگرفت؛ به جایی رسید، رسید؛ نرسید، نرسید؛ این قبول نیست. من این را به عنوان یک مشکل مشاهده میکنم.[3]

• وارونه‌سازی باورها و ترویج اباحیگری

شما امروز می‌بینید که ایادی دشمن در تبلیغاتشان ـ چه در رادیوهای بیگانه، چه در ادامه‌ی آن رادیوها در داخل و در بعضی از رسانه‌های

---

۱. در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷

۲. سوره‌ی نور، بخشی از آیه‌ی ۵۴؛ «بر پیامبر [خدا، وظیفه‌ای] جز ابلاغ [رسالت] نیست.»

۳. در هفتمین گردهمایی ائمّه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵

داخلی- مرتّب حرفهایی میزنند و کارهایی میکنند که این‌طور احساس شود که تشنّج عظیم سیاسی‌ای وجود دارد؛ در حالی که واقعیّت این نیست. شما به بعضی از این رسانه‌های داخلی نگاه کنید! البتّه همه‌ی اینها بیگانه نیستند؛ امّا بعضی چرا؛ بعضی مال آن دشمنانند! البتّه اینها را هم می‌شناسید؛ همه‌اش هم فریاد میزنند که اختناق هست. حالا نمیفهمند همین فریادی که میزنند اختناق هست، این آنها را بیشتر رسوا میکند؛ به خاطر اینکه هر روز حرفهای دروغ و خلاف و تشنّج‌آفرین‌شان منتشر میشود؛ دستگاه‌ها هم می‌بینند. مادامی که یک جرم مشخّصی را مرتکب نشده باشند، کسی به آنها کاری ندارد؛ حرفهایشان را میزنند و در واقع خودشان را تخطئه و تکذیب میکنند؛ امّا هستند و سعی میکنند فضا را آشفته، مغشوش، متشنّج و ناآرام جلوه دهند. در حالی که چنین چیزی نیست. دانشجو در محیط دانشگاه خود نگاه میکند، میبیند کلاسهای درس دایر است، آزمایشگاه مشغول است، امتحانات بر سر جای خود هست. کاسب در محیط کسب خودش نگاه میکند، کارگر در کارخانه‌ی خودش نگاه میکند، روحانی در حوزه‌ی خودش نگاه میکند و میبیند که همه چیز سر جای خودش هست؛ وقتی که به تیتر فلان روزنامه نگاه میکنند، گویی که الان اینجا تشنّجی هست! آن کارشناسان خارجی هم بیچاره‌ها به همین تیترها نگاه میکنند و به طمع می‌افتند و باور میکنند.[1]

یکی از مسائلی که دشمن به طور جدّی در کشور تبلیغ میکند، مسئله‌ی اباحیگری است. اباحیگری اعتقادی و عملی، یعنی پایبندی‌ها و تقیّدات و تکیه‌گاه‌هایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخّصی عازم و مصمّم میکند، از او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن. این را باید جدّی بگیرید. یکی از سیاستهای

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶

دشـمنان اسلام ایـن اسـت کـه ایمـان مـردم را بگیرنـد و اعتقـاد آنهـا به انقلاب را سلب کنند.[1]

• منحرف کردن حکومت از محور دین

در صدر اسلام بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ضربه‌ای که بر اسلام وارد شـد، این بود که حکومت اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد. حکومت امام حسـن و حکومت علیّ‌بن‌ابی‌طالب(علیهماالسّلام) به سـلطنت شـام تبدیل شـد! البتّـه امـام حسـن مجتبی(علیه‌آلاف‌التّحیّة‌والثّناء) آن روز بـه خاطر یک مصلحت بزرگ‌تر ـ که حفظ اصل اسلام بود ـ مجبور شـد این تحمیل را به جان بپذیرد. حکومت را از امام حسـن گرفتند. وقتی حکومت از مرکز دینیِ خودش خارج شد و در اختیار دنیاطلبان و دنیاداران گذاشته شد، بدیهی اسـت که بعد هـم حادثه‌ی کربلا پیش می‌آیـد. آن وقت حادثه‌ی کربلا حادثه‌ای نیست که بشود جلویش را گرفت؛ اجتناب‌ناپذیر میشود... اساس حمله و نقشـه‌ی دشمن این است که حکومت را از محور اصلی ـ محـور امامت، مـحور دین ـ خـارج کند. بعـد خاطرش جمع اسـت که همه کار خواهد کرد![2]

• مخدوش کردن شخصیّت رسول اکرم(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم)

بعد از دوران قرون وسـطیٰ که نسبت به شخصیّت رسول اکرم در دنیای مغرب‌زمیـن و دنیـای مسیحیّـت، یـک تهاجـم تبلیغـاتی وسیـعی انجام گرفـت و دشـمنانِ سـوگندخورده‌ی اسلام فهمیدنـد کـه یـکی از راه‌های مبارزه‌ی با اسلام این است که چهره‌ی نبیّ مکرّم اسلام(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) را مخـدوش بکننـد و کارهـای زیـادی در ایـن زمینـه انجـام گرفـت، و تا

---

۱. در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سیّدمحمّد خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱

۲. در دیدار با جوانان در مصلّای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

امروز، دشمن به نحو مستمرّی ـاگرچه با شیوه‌های مختلفیـ روی امحاء شخصیّت پیغمبر از ذهنهای آزادگان عالم کار کرده. بسیارند در دنیا مردمی که اگر پیغمبر اسلام را به همان اندازه‌ای که مسلمانها می‌شناسند یا حتّی کمتر از آن بشناسند، یعنی حقیقتاً فقط یک شبحی از آن چهره‌ی منوّر برای دلهای آنان آشکار بشود، عقیده‌ی آنها و گرایش آنها نسبت به اسلام و معنویّت اسلامی تضمین خواهد شد. ما باید روی این مسئله کار کنیم.[1]

• القای بحران مشروعیّت

یکی از مسائلی که اینها بشدّت دنبال آن هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است. بعضی از حرفهایی که می‌شنوید، اتّفاقی نیست. تصادفی نیست که بعضی کسان بیایند درباره‌ی نظام اسلامی بحث کنند و بحران مشروعیّت نظام را مطرح سازند. نظامی را که با رأی و خواست و مجاهدت مردم و با این همه احساسات و عواطف سرِ کار آمده، با این همه مشکلات دست و پنجه نرم کرده و از این همه دشمنی‌ها و مقابله‌ها سرافراز بیرون آمده ـو همه هم به کمک مردم بوده استـ زیر علامت سؤال بگذارند و بگویند بحران مشروعیّت! اینها تصادفی نیست. بعضی از حرفهایی که می‌بینید در بعضی از تریبونها پخش میشود، همه در جهت همین تصویرسازیِ منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد آنها است تا آن مقصود حاصل شود؛ یعنی گسستگی پیوند میان مردم و نظام.[2]

مرتّب توی ذهنها می‌اندازند و میگویند «بحران مشروعیّت». نظام

---

۱. در دیدار با مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، روحانیّون و مسئولان و ائمّه‌ی جمعه و برادران اهل تسنّن و تشیّع استانهای کردستان و کرمانشاه و جمعی از اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۷/۲۴

۲. در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

اسلامی کـه متّکی بـه آراءِ مردم اسـت و نماینده‌ی مجلـس و نماینده‌ی شورا و رئیس‌جمـهور و رهبـر و خبرگانش بـا رأی مردم انتخاب میشـوند، اگر مشروعیّت نداشـته باشـد، پس کدام یک از نظامهـایی که در منطقه و در دنیـا هسـتند، مشروعیّـت دارند؟... من بـه آقای خاتمی گفتم شـما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، اگر دولتها مانع نشـوند، همین صحنـه‌ای کـه در لبنان دیدیـد، در همه جـا خواهد بود. واقـع قضیّه هم همین است. در بحرین هم اگر میگذاشتند، از این شلوغ‌تر میشد. ایشان امروز اگـر مصر هم برود و دولت این کـشور بگذارد، ده برابر جمعیّتی که در لبنان جمع شـدند و سـخنرانی رئیس‌جمهور ما را گوش کردند، جمع میشـوند و سـخنرانی‌اش را گـوش میکننـد؛ آن هـم بـا ارادت و اخلاص. اینها کارِ انقلاب اسـت. عدّه‌ای بر اثر حقارتِ خودشـان حاضر نیسـتند ایـن چیزهای عظیم را ببینند. چشـمهای کوچک نمیتوانـد این عظمتها را ببینـد. گفـت: «تـو بزرگـی و در آیینـه‌ی کوچـک ننمـایی». بعضی‌هـا نمیتواننـد عظمت انـقلاب را ببینند. خودشـان کوچکند، خیـال میکنند انقلاب هـم کوچک اسـت! میخواهنـد انـقلاب را دنبال خودشـان درون پیچ‌وخم‌های دالان وابسـتگی و تسـلیم و ضعف در مقابـل آمریکا ببرند. مگر میشود چنین چیزی؟[1]

• ایران‌هراسی

امروز سیاسـتهای آمریکا، برای اینکه مشـکل خود را با کشورهای عربی و مسـئله‌ی فلسـطین حل کند، بر این اسـت که به دولتهـای عرب منطقه ایـن‌طور حالـی کند که «اگر میخواهید با کسـی یا جایی دشـمنی کنید، آن، اسرائیل نباید باشد. بروید سراغ ایران!» بر این است که به آنها حالی

---

۱. در دیـدار اعضـای سـتاد بزرگداشـت چهاردهمیـن سـالگرد رحلـت امـام خمینـی(ره) ۱۳۸۲/۳/۳

کند «ما ـ که آمریکا باشیم ـ از شما کشورهای منطقه حمایت میکنیم؛ مشروط بر اینکه جبهه‌ی خود را به طرف ایران بگشایید و دیگر با اسرائیل کاری نداشته باشید!» سیاست جدید حکومت آمریکا، حمایت از صهیونیست‌های غاصب است.[1]

از روز اوّل انقلاب، تلاش تبلیغاتچی‌ها و سیاست‌بازهای استکبار، آن بوده است که کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس را از جمهوری اسلامی بترسانند؛ برای اینکه بتواند به آنها سلاح بفروشد؛ برای اینکه بتواند در آنجا برای خود، حضور نظامی تأمین کند. من نمیدانم آیا وقت آن نرسیده است که دلها و ذهنهایی در این کشورها به خود آیند و بفهمند که آمریکا خیر آنها را نمیخواهد؛ بفهمند که آمریکا و تبلیغاتچی‌های صهیونیست در همه جای دنیا ـ که طرف خطابشان آنها هستند ـ نیّتشان این است که به خلیج فارس بیایند و حضور نظامی پیدا کنند و منافع اقتصادی نامشروع برای خودشان تأمین نمایند و البتّه اگر بتوانند، فشاری بر جمهوری اسلامی و ملّت ایران باشند؟ بارها دولت، ملّت، و همه‌ی مسئولان اعلان کرده‌اند که جمهوری اسلامی نسبت به کشورهای همسایه، هیچ گونه نظر تعرّض‌آمیزی ندارد. از اوّل انقلاب هم، این ثابت شده است. هجده سال از انقلاب میگذرد، ما تا به حال به چه کسی حمله کرده‌ایم؟ ما کدام تیر را به طرف مرزهای همسایه پرتاب کرده‌ایم؟ به طرف ما تیرها پرتاب شد، امّا در این مدّت، ما جز دفاع از خودمان، هیچ کاری نکرده‌ایم.[2]

این دنیایی که الان شاید بیش از یک قرن است یا بیشتر که عادت کرده به زورگویی و حرف زدن و تجاوز به ملّتها، حالا میبینند که یک ملّتی در یک چنین نقطه‌ی حسّاسی از دنیا، در این جغرافیای مهم، سینه سپر کرده و با رفتار خود، با گفتار خود، مسلمانها را تشویق میکند

---

۱. در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج ۱۳۷۱/۸/۲۷

۲. خطبه های نماز عید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

به ایستادگی در مقابل او، در مقابل استکبار؛ طبیعتاً این برایشان غیر قابل قبول است، دشمنی میکنند... یک نمونه‌اش داعش است. داعش دست‌ساز آمریکا بود دیگر؛ خودشان اعتراف کردند به این معنا. خب وقتی که جمهوری اسلامی وارد میدان میشود و با همه‌ی وجود در مقابل این توطئه و این نقشه می‌ایستد، برای اینها غیر قابل تحمّل است؛ لذا شروع میکنند به عکس‌العمل. منشأ و مبدأ همه‌ی تبلیغات ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و متّهم کردن ایران به دخالت در این کشور و آن کشور، همین عصبانیّت و خشم آمریکا از خنثی شدن نقشه‌هایش است؛ لذا شما می‌بینید که هر چه میتوانند، با شیوه‌های مختلف تبلیغاتی سعی میکنند هم در ایران‌هراسی، هم در شیعه‌هراسی، جداجدا.[1]

• تلاش برای انحراف نظام از اصول و شعارهای اساسی

دشمنان نظامِ جمهوری اسلامی، وقتی نمیتوانند در میدان مبارزه‌ی رویاروی، کار مؤثّری با این نظام انجام دهند؛ یعنی نمیتوانند به آن ضربه‌ی نظامی بزنند؛ نمیتوانند انفجار داخلی درست کنند؛ نمیتوانند ضربه‌های امنیّتی بزنند؛ نمیتوانند با محاصره‌ی اقتصادی، آن را به زانو درآورند ـ وقتی از همه‌ی اینها مأیوس میشوند ـ یک راه برایشان باقی میماند و آن، این است که نظام اسلامی و انقلابی را به مواضعی بر خلاف اصولِ خود سوق دهند؛ یا به عبارت ساده‌تر و روشن‌تر، آن را وادار کنند که از گفته‌های خود در زمینه‌ی مسائل انقلاب برگردد؛ حرف و مواضع خود را تخطئه کند و خودش را دچار تناقض نماید! این را از چه راهی انجام میدهند؟ از راه فشارهای تبلیغاتی، فشارهای سیاسی، فشارهای فرهنگی. جو را آن‌چنان از فشار انباشته میکنند که انسانهای ضعیف‌النّفس، در مقابل این فشار نمیتوانند مقاومت کنند.[2]

---

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل‌بیت(ع) ۱۴۰۱/۶/۱۲

۲. در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهّر حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۶/۳/۱۴

امـام در وصیّت‌نامه‌شـان تأکیـد میکنند که این انـقلاب یک انقلاب الهی اسـت و پایه‌ی اصـلی آن مردمند؛ یعنی این انـقلاب متعلّق به مردم اسـت. معنـای این حـرف این اسـت کـه هیچ کـس ـهیچ قشـری، هیچ فـردی، هیـچ طبقـه‌ایـ نمیتواند و نبایـد ادّعـای مالکیّت ایـن انقلاب را بکنـد؛ خود را مالک بداند، دیگران را مسـتأجر این انقلاب بداند. اگر قرار بـود کسی خود را نسـبت بـه این انقلاب مالـک و صاحب بدانـد، از همه مناسـب‌تر و شایسـته‌تر، خودِ امـام بود که انـقلاب بر محور عـزم و اراده و شـخصیّت او به وجود آمد؛ ولی امام خـود را هیچ‌کاره و خـدا را همه‌کاره میداند... مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویّتش، معنایش به شـعارهای انقلاب اسـت؛ بـه جهت‌گیری‌های انقلاب اسـت؛ بـه ارزشـها و مبانی انقلاب اسـت. همیشـه بوده‌اند، امروز هم هسـتند، در آینده هم خواهند بود کسـانی که بخواهند به بهانـه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شـده است، شـعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی ـبُعد دینیـ را از انـقلاب جدا کنند یا بُعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد سلطه‌سـتیزی و بیگانه‌سـتیزی را از انـقلاب جدا کنند یا بُعد ضدّ اسـتبداد بودن را از انقلاب جدا کنند... از جمله‌ی برترین شعارهای این انـقلاب، تعلّـق این انقلاب بـه عموم مردم اسـت؛ هیچ قشـری، هیچ طبقه‌ای، در نسـبت به انقلاب بـر دیگران ترجیحی نـدارد. جوانهای امروز هم مثل جوانهای دوران دفاع مقدّس صاحبان انقلابند.[1]

• تخطئه‌ی شعار ظلم‌ستیزی انقلاب

خیلی‌ها بودند از همان اوایل انقلاب، میگفتند آقا حالا که انقلاب پیروز شـد، دیگـر بس اسـت؛ برویـم بـا آمریکایی‌هـا مسـائل را تمام کنیـم! این معنایش این بود که شـعار ظلم‌ستیزی انقلاب تخطئه شود... یعنی برویم

۱. در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

با آمریکا همراه شویم؛ آن کسی که دشمن اصلی ما است، برویم زیر بال او؛ به دامن او پناه ببریم. معنای این حرف، فروختن قضیّه‌ی فلسطین، اغماض کردن از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان، چشم بستن بر روی این همه ظلمی است که آمریکا در جهان بر ملّتها دارد انجام میدهد... ایستادگی شما ملّت ایران ظرف این ۳۲ سال بر روی شعارهای اصلی انقلاب، این برکت بزرگ را داشته است که امروز دنیای اسلام به چشم عظمت نگاه میکند. وقتی مسئولین کشور شما به کشورهای مختلف سفر میکنند، آن‌جور استقبالی از آنها میشود. وقتی حسابگرها میخواهند محبوبیّت شخصیّتهای سیاسی را محاسبه کنند، مسئولین کشور شما در ردیف اوّل قرار میگیرند. ملّت ایران کارش الگو شد؛ امروز دارید نشانه‌های این را مشاهده میکنید. این برکت بزرگ و این خصوصیّت از خصوصیّاتی است که جز با گذشت زمان معلوم نمیشد.[۱]

• تهاجم فرهنگی و ترویج فساد

غرب میخواهد فرهنگ خود را بر همه جا حاکم کند. فرهنگ غرب، برهنگی است. البتّه به شما عرض کنم که این برهنگی، این فساد و بی‌بندوباری و این شکل فضاحت‌آمیزی که بعضی از زنان در بسیاری از کشورهای غربی دارند، بحمدالله در خود غرب نیز همه‌گیر نیست. این، کاری است که بر اثر تبلیغات غلط خود آنها، روزبه‌روز افزایش پیدا میکند؛ وَالّا حتّی تا چهل پنجاه سال پیش، در خود کشورهای غربی، به این شدّت نبود. آنها میخواهند همان فساد و بی‌بندوباری را که خودشان گرفتارش شده‌اند، به کشورهای اسلامی هم صادر کنند؛ ولی ما این را نمیخواهیم. این، برای زندگی اجتماعی مضر است و برای آنها هم مضر است. هر جا باشد، مضر است. روش اسلامی برای ما بهترین

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

است. زنان ما در طول حوادث انقلاب و بعد از انقلاب تا امروز، نشان داده‌اند که در آن چیزهایی که معیار واقعی زندگی و ارزش و برجستگی آنها است، در سطوح عالی قرار دارند. مادری که فرزندان خود را در راه خدا و در راه هدف ـ هدفی که برای او مقدّس است و پیش خدا هم مقدّس است ـ تقدیم میکند و خم به ابرو نمی‌آورد، یک عمل برجسته انجام داده است و این امر کوچکی نیست. این را با هر معیار و میزانی اندازه‌گیری کنید، باعظمت است. زن جوانی که حرمت همسرش و خودش را به مدّت ده یازده سال که همسرش در زندانهای دشمن اسیر بوده، با کمال عفّت و سربلندی و پاک‌دامنی حفظ کرده است، آیا کارش ارزش نیست؟! اینها ارزشند.[1]

امروز هیچ کس نمیتواند انکار کند که فوری‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی در کشور است. آنان در صددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملّت ایران در برابر نظام سلطه‌ی استکباری است، از ذهنها و دلها بزدایند و باورهای سلطه‌پذیری و فرودستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و دست‌نشاندگان امپراتوری‌های زر و زور، در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی برای تردیدافکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیرباور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شبیخون فرهنگی را جدّی نمیگرفتند، امروز آن را به چشم خود می‌بینید. بی‌شک نخستین آماج این شبیخون، جوانانند، بویژه آنان که در جادّه‌ی دانش و فرزانگی قدم برمیدارند و آینده‌ی فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنها است. درست است که دشمن به رغم تلاش و هزینه‌ی فراوان، نتوانسته است به محصول مورد نظر خود دست یابد، ولی بروشنی میدانیم که مهم‌ترین

---

۱. در دیدار گروهی از خواهران پرستار ۱۳۷۳/۷/۲۰

پاسخ کوبنده‌ی بدخواهان، معرفت و ایمان روشن‌بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است، و اینها همان است که تشکّلهای دانشجویی شایسته‌ی همّت گماشتن و پرداختن به آن میباشند.[1]

اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلندمدّت کردند. آن روز صهیونیست‌ها نبودند؛ امّا دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعّال بودند. آنها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستانهایی را وقف کردند تا شراب آنها را به طور مجّانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آنها را به شهوات آلوده کنند! گذشت زمان راه‌های اصلی برای فاسد یا آباد کردن یک ملّت را عوض نمیکند. امروز هم آنها همین کار را میکنند. البتّه دشمن هدفهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هم دارد.[2]

• تشکیل ناتوی فرهنگی علیه هر صدای معارض

ما در تحوّلات بنیانی اساسیِ جامعه، ممکن است گاهی این‌طوری عمل کنیم؛ به جای اینکه بنیانها را حفظ کنیم و بر آنچه که نیاز داریم، پافشاری کنیم و آنچه را که نداریم، برای خودمان فراهم کنیم، هویّت مستقلِ ملّی خودمان را فراموش کنیم! که متأسّفانه این مسئله در کشور ما و خیلی از کشورهای اسلامی داستان و سرگذشت بسیار غم‌باری دارد... از این خطرناک‌تر، این است که سررشته‌ی همین تحوّلات منفی در سطح بین‌المللی، در دست کسانی باشد که آنها به وسیله‌ی این تحوّلات میخواهند اهداف خودشان را ـ که یا زر است یا زور ـ تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویّت ملّتها اصلاً ارزش ندارد؛ که متأسّفانه

---

۱. پیام به کنگره‌ی جامعه‌ی اسلامی دانشجویان در مشهد ۱۳۸۰/۶/۱۰

۲. در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶

این در ۱۰۰ سال، ۱۵۰ سال اخیر، در دنیا اتّفاق افتاده است؛ یعنی تحوّلات کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین در دام طرّاحی باندهای قدرت بین‌المللی افتاده است و طرّاح اینها صهیونیست و سرمایه‌داران بین‌المللی بوده‌اند. برای اینها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولتهای اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانی‌ها، سرمایه‌های عظیم، کارتل‌ها و تراست‌ها را به وجود آورند. هدف این بوده است؛ آن وقت اگر اقتضا میکرده است که اخلاق جنسی ملّتها را خراب کنند، راحت میکردند؛ مصرف‌گرایی را در بین آنها ترویج کنند، براحتی این کار را انجام میدادند؛ بی‌اعتنائی به هویّتهای ملّی و مبانیِ فرهنگی را در آنها ترویج کنند، این کار را میکردند. اینها، اهداف کلان آنها بوده است که تصویر میکردند. آن وقت همیشه لشکری هم از امکانات فرهنگی و رسانه‌ای و روزنامه‌های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت اینها بوده است، که اینها امروز یواش‌یواش دارد پخش میشود و من پریروز در روزنامه ـالبتّه سه چهار ماه قبل از این، من مقاله‌اش را دیده بودم ـ گزارشی از تشکیلِ «ناتوی فرهنگی» را خواندم. یعنی در مقابل پیمان ناتو که آمریکایی‌ها در اروپا به عنوان مقابله‌ی با شوروی سابق یک مجموعه‌ی مقتدر نظامی به وجود آوردند، امّا برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه‌ی خاورمیانه و آسیا و غیره از آن استفاده میکردند، حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند. این، بسیار چیز خطرناکی است. البتّه حالا هم نیست؛ سالها است که این اتّفاق افتاده است. مجموعه‌ی زنجیره‌ی به‌هم‌پیوسته‌ی رسانه‌های گوناگون ـکه حالا اینترنت هم داخلش شده است و ماهواره‌ها و تلویزیونها و رادیوها ـ در جهت مشخّصی حرکت میکنند تا سررشته‌ی تحوّلات جوامع را به عهده بگیرند.[1]

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸

• تخریب فرهنگ ایثار و مقاومت

عقبه‌ی ما، در مبارزه‌ی ملّت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما. منطقه‌ی عقبه‌ی ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکّل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام؛ یعنی علاقه‌ی آن مادری که چهار پسرش شهید شده‌اند و میگوید من اینها را در راه اسلام دادم، و به این راضی است. بنده خانواده‌هایی را از نزدیک دیده‌ام ـیعنی به خانه‌ی آنها رفته‌ام و با پدران و مادران صحبت کرده‌ام؛ روایت نیست؛ خودم از نزدیک دیده‌امـ خانواده‌ای که دو پسر داشتند، هر دو شهید شدند. خانواده‌ای که سه پسر داشتند و هر سه شهید شدند. این مگر شوخی است؟! این مصیبت، مگر قابل تحمّل است؟! این پدر و مادر باید از غصّه دیوانه شوند. آن وقت، مادر، که عواطف جوشان‌تری هم دارد، با کمال قدرت میگوید: «ما اینها را در راه اسلام دادیم، و حرفی نداریم.» عجب!

پس تأثیر اسلام این است! تأثیر ایمان به خدا این است! این را دشمن فهمید. پدر و مادری به جوان خود میگویند «تو هنوز شانزده سالت است، هفده سالت است؛ برو درست را بخوان؛ برو بازی‌ات را بکن؛ لذّتت را ببر. برادرت رفت و شهید شد.» جوان میگوید: «نه! من سهم خودم را باید برای اسلام اداء کنم.» این، عبارتی است که ما در وصیّت‌نامه‌های شهدا دیده‌ایم و از پدران و مادران شهدا و خانواده‌ها شنیده‌ایم. اثر اسلام، این است.

یک روز امام فرمود: «امروز اسلام محتاج کمک شما جوانها است.» بعدازظهرش بنده به خیابانها آمدم و کاری داشتم. دیدم مثل روزهای اوّل انقلاب شده و مردم به طرف پاوه در حرکتند. این ماجرا و این صحنه، بارها تا آخر جنگ تکرار شد. هر وقت که اسم اسلام و فرمان امام به گوش مردم میرسید ـفرمان امام، فرمان اسلام بود و مردم برای امام به خاطر اسلام اهمّیّت قائل بودندـ ناگهان میدیدید این ملّت،

ATvie4Ai6/aUCtqwA6a9==

به جوش و خروش درمی‌آید. جوانانْ شهر را، ده را، دانشگاه را، بازار را، کار و کسب را، میدان فوتبال را، همه را رها میکنند و میروند. برای چه؟ برای اینکه جانشان را در معرض خطر مرگ بگذارند! این شوخی نیست! دشمن که کور نبود. دشمن اینها را دید، دشمن اینها را تحلیل کرد و فهمید این ملّت عقبه‌ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست، این ملّت را با محاصره‌ی اقتصادی و با محاصره‌ی نظامی و یا چه و چه، نمیشود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایثار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را؛ اینها را باید از بین برد؛ و شروع کرد.[1]

• تفکیک اسلام معنوی از اسلام سیاسی

امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملّتهای اسلامی، تبلیغ میکردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جدا است. امروز هم همین را تبلیغ میکنند... اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضدّ اسلام متحجّر و خرافی و همچنین ضدّ اسلام رنگ‌باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم در طول سالهای مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه‌ی دشمن اسلام روی آن تأکید میکند: سیاست را از معنویّت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی میخواهد مسلمان باشد، باید سر خود بگیرد و گوشه‌ای بنشیند و به اینکه دشمن چه میکند، متجاوز چه میکند، اشغالگر چه میکند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ میکنند.[2]

---

۱. در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱

۲. در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۲/۳/۱۴

• تخریب و تضعیف ولایت فقیه

در داخل ایران اسلامی که مرکز توجّه خصمانه‌ی دشمن است، دشمن از تجربه‌های خود حدّاکثر استفاده را میکند. لذا ما ملّت ایران باید هشیار باشیم. دشمن چند نکته را برحسب تجربه فهمید و دانست که اینها نقاط اصلی پیشرفت انقلاب اسلامی است و باید با اینها مقابله کند. یک نکته، امام، آن رهبر عجیب، استثنائی و عظیم‌القدر بود... دشمن دید که نفوذ امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، چگونه مردم را در همه‌ی میدانها، مقابل دشمن بسیج میکند. این، نکته‌ای بود که دشمن روی آن تکیه کرد. تجربه‌ای که دشمن پیدا کرد این بود که باید شخص امام امّت و مطلق رهبری اسلامی ـ یعنی همان چیزی که در معارف انقلاب و معارف اسلامی با عنوان «ولایت فقیه» شناخته شده است ـ را زیر سؤال ببرد... این قلمهای مأجور و مزدور و یا غافل ـ از این دو خارج نیست ـ که در یک مقاله، سالهای اوّل انقلاب را بکلّی زیر سؤال میبرند، مقصودشان چیست؟! اینها با چه کسی طرفند؟! با امام؟! مگر رهبری امام نبود که ده سال به این ملّت کمک کرد تا بتواند دشوارترین راه‌ها را بپیماید؟ چه کسی میتوانست کشور ویران‌شده‌ای را که ایادی دشمن و رژیم فاسد پهلوی آن را به خاک سیاه نشانده بودند و در دل آن، جنگ خانمان‌برانداز و ویرانگری پیش آمده بود، حفظ کند و به پیش ببرد؟[1]

پول خرج میکنند برای اینکه بتوانند ذهن جوانِ مسلمانِ مؤمنِ ایرانی را منصرف کنند، منحرف کنند؛ از چه؟ از اصل دین؛ نه فقط از نظام جمهوری اسلامی، یا از ولایت فقیه یا امثال اینها؛ [بلکه] از اصل دین، از تعبّد به دین، از مسئله‌ی تشیّع تا برسد به نظام جمهوری اسلامی و برسد به بقیّه‌ی چیزهایی که وجود دارد؛ دائم دارند شبهه خلق

---

۱. در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

میکنند. کسانی هستند در داخل که ابزار آنها میشوند امّا خیلی از آنها خودشان هم در داخل کشور نیستند؛ در بیرونند، خط میدهند، عنوان و سوژه معیّن میکنند و پخش میکنند و میگویند اینها را بگویید، اینها را ترویج کنید. امروز هم فضای مجازی یک صحرای بی‌پایانی است که از همه طرفش میشود حرکت کرد... هر یک نفری که بتواند با رایانه کار بکند یک رسانه است. می‌نشینند پخش میکنند شبهات را، حرفها را، جوانهای مؤمن را، جوانهای سالم را گمراه میکنند. اینها را باید شناخت. چه کسی بایستی بیاید وسط میدان و سینه سپر کند و مانع بشود از گمراهی جوانان؟... جامعه‌ی علمی و مذهبی، یعنی روحانیّت، اوّلین وظیفه‌اش این است؛ مهم‌ترین وظیفه‌اش این است.[1]

دشمنان، «ولایت مطلقه» را به معنای «استبداد» گرفته‌اند؛ یعنی میل فقیه عادل به صورت دلبخواه. این معنا در دلِ خودش یک تناقض دارد: اگر عادل است، نمیتواند مستبد باشد؛ اگر مستبد است و بر اساس دلخواه عمل میکند، پس عادل نیست. دشمنان، این را ملتفت نمیشوند و این معنا را نمیفهمند. این نیست مسئله‌ی «ولایت مطلقه» که فقیه هر کار دلش خواست، بکند؛ یک وقت یک چیزی به نظرش رسید که باید این کار انجام بگیرد، فوراً انجام دهد؛ قضیّه این نیست. قضیّه این است که یک حالت انعطافی در دست کلیددار اصلی نظام وجود دارد که میتواند در آنجایی که لازم است، مسیر را تصحیح و اصلاح کند، بنا را ترمیم کند.

البتّه در اینجا هم خطری که وجود دارد ـ که باید از این خطر برحذر بود ـ این است که ما تصوّر کنیم این انعطاف بایستی تحت تأثیر فشارهای بیرونی و تغییرِ در جهت انعطاف به قالبهای غربی باشد. سر قضیّه‌ی قصاص به ما اعتراض میکنند و فشار می‌آورند، سر قضیّه‌ی دیه به ما فشار می‌آورند، سر قضایای گوناگون در مسائل مختلف به

---

۱. در درس خارج فقه ۱۳۹۵/۶/۱۶

ما فشار می‌آورند؛ لذا ما تسلیم شویم؛ انعطاف به این معنا باشد. نه، این انحراف است؛ این انعطاف نیست. باید توجّه کنیم، همان آیه‌ی شریفه‌ی «وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ»[1] اینجا هم جاری است. نباید به خاطر اینکه رادیوهای بیگانه و تبلیغات خصمانه و اتاقهای فکر دشمن و کمربسته‌ی علیه نظام اسلامی، راجع به فلان حکم، راجع به فلان مبنا اعتراض میکنند، فریاد میکشند، ما بیاییم بگوییم حالا تجدید نظر کنیم برای اینکه با دنیا هماهنگ شویم؛ نه، این خطا است، این انحراف است؛ به این انحراف نباید دچار شد.[2]

• مقابله با شخصیّت امام و نفوذ رهبری دینی

در کشور خود ما، انقلاب مشروطیّت بود. امّا بعد از پیروزی، هنگامی که علما را کنار زدند، از مسیر منحرف شد و مشروطیّت به جایی رسید که رضاخان قلدر، فردی که ضدّ همه‌ی آرمانهای مشروطه‌خواهی بود، به حکومت رسید. اگر انقلاب اسلامی ما هم تحت رهبری دینی نبود، سرنوشتی چون انقلاب مشروطیّت پیدا میکرد. هر انسان هوشمندی، وقتی توجّه میکند که اوّلاً شروع این نهضت و پیروزی آن، ثانیاً بقای جمهوری اسلامی و مضمحل نشدن آن و ثالثاً مستقیم حرکت کردن جمهوری اسلامی و [دچار] انحراف نشدن آن، به برکت دین و رهبری دینی است، پشت سر آن، یک نکته‌ی دیگر را هم میفهمد و آن نکته این است که دشمنان انقلاب اسلامی، چه در خارج و چه در داخل، سعی میکنند دین و رهبری دینی را از این انقلاب بگیرند. این، یک امر قهری است. اگر از یک قلعه یا حصار، جوانی کارآمد، جانانه دفاع کند،

---

۱. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۶؛ «و اگر از بیشتر کسانی که در [این] سرزمین میباشند پیروی کنی.»

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری۱۳۹۰/۶/۱۷

دشـمن آن قلعه و آن حصار، راه را در این میبینـد که زیر پای آن جوان، حفره و گودالی بکَند و او را از بین ببرد.[1]

مـن در دنیا هیچ کشوری را سـراغ ندارم که در آن علقـه‌ی عاطفی و رابطه‌ی قلبی میان ملّت و مسـئولین، مانند ایران باشد. ملّت، مسئولین را دوسـت میدارد؛ مسـئولین هم ملّت را با همه‌ی وجود دوسـت میدارند و خـود را خدمتگـزار او میداننـد. ایـن ملّـت اسـت و این احساسـاتش؛ تبلیغات دشمن، هر چه میخواهد بگوید. در سالهای آخر زندگی بابرکت امام، دشمن تبلیغ میکرد که گویا راه امام، از نظر مردم راه متروکی است! امّا بدرقه‌ای که مردم از جسد این بزرگ‌مرد کردند، باشکوه‌تر از استقبالی بود که از خود ایشان در هنگام ورود فاتحانه به تهران کردند. این اسـت علقـه و ارتبـاط میان ملّـت و دولت. ایـن امام، ایـن نظام، این دسـتگاه سیـاسی، ایـن برنامه و ایـن هم ملّـت؛ همه اسـتثنائی و همـه از جهات مختلف، در دنیا منحصربه‌فرد.[2]

مـا صریحاً به همه‌ی ملّتهای جهـان اعلام میکنیم که تفکّر «خاتمه یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علی‌رغم آمریکا و همکارانش، امـام خمینی در میـان ملّت خود و جامعه‌ی خود حاضر اسـت و دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ما است.[3]

• ترویج اسلام منهای سیاست و منهای روحانیّت

دشـمنان دو نکته‌ی اسـاسی را در باب دین دارند دنبـال میکنند؛ چون

---

۱. در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

۲. در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۳۷۳/۳/۱۴

۳. پیام به مناسبت اوّلین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

دیده‌اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیرگذار است: یکی مسئله‌ی اسلام منهای روحانیّت است؛ چون دیده‌اند که روحانیّت در جامعه‌ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البتّه از قبل از انقلاب هم این زمزمه‌ها را میکردند. حضور روحانیّون در انقلاب و پیشرَوی آنها در انقلاب، موقّتاً این معنا را از صحنه خارج کرد؛ امّا باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدایی دین از سیاست است... همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار میدهند، ما باید توجّه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم: حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی.[1]

انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خودِ اسلام است. همان‌طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بُعد اقتصادی، بُعد سیاسی، بُعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.[2]

یک نکته‌ی دیگر این است که بعضی‌ها مسجد را ـ بر خلاف آنچه ما حالا عرض کردیم ـ از مسائل سیاسی میخواهند بکلّی برکنار بدارند. [میگویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛

---

۱. در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷

۲. در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

فقط پیش‌نمازی محض. این همان سکولاریسم است. سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بُروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هر کسی در داخل نظام اجتماعیِ متنوّعِ غربی و شرقی و امثال اینها خودش برای خودش، در دل خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان چیزی است که دشمنان میخواهند... آن دینی که با آن مخالفند، آن ایمانی که با آن میجنگند، آن ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی می‌انجامد و اسلام را قدرتمند میکند؛ با آن مخالفند. از اسلام میترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلّح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی [است]. از این‌جور اسلامی میترسند... آن وقت ما بیاییم اسلام را در کانونهای اصلی خود یعنی مساجد، از مسائل جامعه، از مسائل سیاست، از مسیر جامعه، از مصیر[1] جامعه بکلّی منصرف کنیم؟ این جفای بزرگی است در حقّ مسجد.[2]

• خرافی نشان دادن آئینهای شیعی

اینجانب میبینم که چگونه اخلاص و محبّت مردم به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(علیه‌السّلام) مورد جفا در قضاوتهای جهانی واقع میشود؛ چگونه درک روشن‌بینانه‌ی آنان در اعتقاد به مقام والای اهل‌بیت(علیهم‌السّلام)، به خاطر بعضی اعمال جاهلانه، حمل بر اموری میشود که از ساحت شیعه و ائمّه‌ی بزرگوارشان بسی دور است. میبینم

---

۱. جایی که کار بدان جا ختم میشود.

۲. در دیدار ائمّه‌ی جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱

که چگونه عزاداری بر جگرگوشگان زهرای اطهر(سلام‌الله‌علیها) مورد تبلیغ سوء دشمنان متعصّب و تبلیغاتچی‌های شیطان استعمار قرار میگیرد؛ میبینم که بعض اعمالی که هیچ ریشه‌ی دینی هم ندارد بهانه به دست دشمن مغرض میدهد که بدان وسیله هم اسلام و تشیّع را العیاذبالله به عنوان آئین خرافه معرّفی کنند و هم بغض و عداوت خود را نسبت به نظام مقدّس جمهوری اسلامی در تبلیغات خود آشکار سازند.[1]

• ترویج تفرقه‌ی قومی، مذهبی و منطقه‌ای

ما اطّلاع داریم ـ اینها تحلیل نیست، اطّلاع است ـ آمریکایی‌ها طرحهای خطرناکی برای کردستان دارند؛ هدفشان دفاع از قوم کُرد نیست؛ هدف پنجه انداختن و سلطه یافتن بر قوم کرد است... دوستان کُرد ما در آن سوی مرزهای غربی به ما اطّلاع دادند و اطّلاع میدهند افسران آمریکایی پول میبرند بالای بلندی‌های «قندیل»، به قیمت خون جوانان کُرد از آنها اطّلاعات میگیرند؛ پول میدهند برای مزدورسازی. این شأن جوان کُرد نیست... جماعت کُرد و قوم کُرد حتّی در غیر ایران هم غالباً خودشان را ایرانی میدانند؛ به ایرانی بودن خودشان افتخار میکنند. اگر کسانی از کُردهای بیرون ایران در خدمت هدفهای آمریکا قرار میگیرند، بدانند که ممکن است در کوتاه‌مدّت چیزی گیرشان بیاید، امّا در بلندمدّت نفرین و لعنت قوم کُرد آنها را تعقیب خواهد کرد و رهایشان نخواهد کرد... آنها میخواهند شیعه در مقابل سنّی، سنّی در مقابل شیعه، دلها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین؛ آنها این را میخواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید میکنم: خطّ قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدّسات یکدیگر. آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصّبهای کور و بیجا،

---

۱. پاسخ به نامه‌ی امام‌جمعه‌ی اردبیل حجّت‌الاسلام‌والمسلمین آقای مروّج ۱۳۷۳/۳/۲۷

چه سنّی و چه شیعه، به مقدّسات یکدیگر توهین میکنند، نمیفهمند چه میکنند. بهترین وسیله برای دشمن همینها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همینها هستند؛ این خطّ قرمز است.[1]

آنچه که ما امروز باید به آن توجّه کنیم، این است که شیعه این عقیده را [مسئله‌ی غدیر] برای خود مثل جان عزیزی در طول قرنهای متمادی حفظ کرده است؛ با وجود دشمنی‌هایی که شده است ـ که این دشمنی‌ها را کم و بیش همه میدانند؛ چقدر ظلم کردند، چقدر فشار آوردند، چقدر اختناق ایجاد کردند ـ شیعه این عقیده را حفظ کرد؛ معارف تشیّع را گسترش داد؛ فقه شیعه، کلام شیعه، فلسفه‌ی شیعه، علوم گوناگون شیعه، تمدّن شیعی، فکر راقی شیعیان، بزرگان شیعه و برجستگان شیعه در تاریخ اسلام درخشان است. بنابراین، این عقیده‌ای است که شیعه آن را حفظ کرده است و حفظ خواهد کرد؛ امّا توجّه بکنید که این اعتقاد مایه‌ی دعوا و نزاع نباید بشود. این، آن حرفی است که ما سالها است این را گفتیم و تکرار کردیم، باز هم تکرار میکنیم. و می‌بینیم که دشمن چه نیّتی دارد، چه قصد خبیثی دارد از ایجاد اختلاف بین آحاد امّت اسلامی به عناوین مختلف، از جمله با عنوان شیعه و سنّی. دشمن ـ یعنی دشمن اسلام، دشمن قرآن، دشمن مشترکات، دشمن توحید؛ نه دشمن یک بخشی از اسلام. دشمن ـ سعی‌اش این است که بین امّت اسلامی، دشمنی برقرار کند؛ میفهمد که اتّحاد دنیای اسلام چقدر برای او مضر است. دشمن دید که وقتی انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، عظمت این انقلاب و تشعشع این انقلاب، چطور در دنیای اسلام و در کشورهای اسلامی توانست دلها را به خود جذب کند؛ دلهایی که شیعه نبودند. میلیون‌ها نفر از برادران اهل سنّت در کشورهای عربی، در کشورهای آفریقایی، در کشورهای

---

۱. در دیدار مردم سقّز ۱۳۸۸/۲/۲۹

آسیایی مجذوب انقلاب شدند و از این ناحیه، دشمن ضربه خورد؛ از اتّحاد دلها، از توجّه دلها به جمهوری اسلامی ـ دلهای آحاد مسلمانها ـ دشمن ضربه خورد. میخواهد این توجّه را از بین ببرد؛ چه جور؟ با ایجاد دشمنی بین شیعه و سنّی.[1]

ما که مسلمان هستیم باید حواسمان جمع باشد. ما باید بفهمیم پول نفتِ فلان کشوری که به نوکری آمریکا و غرب شناخته شده و در میان ملّتهای مسلمان به خاطر وابستگی به استکبار روسیاه است، اگر برای کتابی در ردّ تشیّع صرف شد، این محض رضای خدا نیست، محض علاقه‌ی به تسنّن نیست؛ این یک غرض خبیث را دنبال میکند. عکس قضیّه هم صادق است؛ [یعنی] اگر دیدیم در داخل جوامع شیعی عواملی دارند برای ایجاد حسّاسیّت نسبت به برادران اهل تسنّن یا مقدّسات آنها تحریک میکنند، باید بدانیم که اگر ناشی از کج‌سلیقگی و بدفهمی نباشد ـ که دشمن از این کج‌سلیقگی هم حدّاکثر استفاده را میکند ـ قطعاً دست دشمن [در کار] است. لذا امروز اتّحاد مسلمین، صاف بودن دل برادران مسلمان با یکدیگر، شرط اصلی برای اِعلاء کلمه‌ی اسلام است.[2]

ما بایستی نگذاریم دشمن به این هدف برسد؛ هم ما موظّفیم، هم غیر شیعه؛ آن کسانی که شیعه نیستند؛ جمعیّتها و مذاهب غیر شیعه در اسلام. همه این را بدانند: امروز شیعه است که در ایران اسلامی، این پرچم اقتدار اسلامی و عزّت اسلامی را بلند کرده است و بر روی دست گرفته و استکبار احساس عجز میکند؛ این یک واقعیّت است؛ این یک واقعیّت است. این توطئه‌هایی که در این سی سال علیه نظام

---

۱. در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیرخم ۱۳۸۷/۹/۲۷

۲. در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیّون تهران، مدرّسان و طلّاب اهل سنّت استان خراسان و گروهی از اعضای حزب‌الله لبنان ۱۳۶۸/۷/۵

جمهوری اسلامی از سوی دشمنان گوناگون ـ البتّه در رأس آنها آمریکا و خبیث‌ترین آنها انگلیس ـ انجام دادند، به خاطر این است که اینها مرعوبند؛ از حرکت اسلامی، از بیداری اسلامی، از به خود آمدن دنیای اسلام میترسند؛ میدانند که اگر دنیای اسلام به خود بیاید، توجّه کند، احساس استقلال کند، احساس هویّت کند، احساس عزّت بکند، این منطقه‌ی حسّاس دنیا که در اختیار مسلمانان است ـ که حسّاس‌ترین مناطقِ دنیا، همین منطقه‌ی مسلمان‌نشین است ـ از تحت سیطره‌ی استکبار بیرون خواهد رفت؛ از این میترسند.[1]

استکبار میخواست دولتها را با نظام جمهوری اسلامی دشمن کند. بعضی از دولتها هوشیارانه فهمیدند و نگذاشتند خواست استکبار عمل شود؛ امّا بعضی از دولتها، بدون توجّه در این دام استکباری غلتیدند. در سطوح ملّتها هم مسئله‌ی اختلافات فرقه‌ای و اختلافات شیعه و سنّی و اختلافات عقیدتی را مطرح کردند و افراد زیادی را واداشتند که با گرفتن مزد، علیه جمهوری اسلامی یا علیه تشیّع یا علیه برخی از عقاید ملّت مسلمان ایران، کتاب بنویسند و کتابهای زیادی نوشته شد. عدّه‌ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها، که به این کتابها و به این اشکالها و دشنامها پاسخ دهند. متأسّفانه هر دو طرف در این دام افتادند.[2]

اینکه در دنیای تشیّع علیه برادران اهل سنّت، در دنیای تسنّن علیه برادران شیعه کتاب بنویسند، تهمت بزنند، بدگویی کنند، این نه هیچ شیعه‌ای را سنّی خواهد کرد، نه هیچ سنّی‌ای را شیعه خواهد کرد. آن کسانی که مایلند همه‌ی مردم دنیای اسلام به محبّت اهل‌بیت

---

۱. در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر ۱۳۸۸/۹/۱۵

۲. در دیدار رؤسای سه قوّه، کارگزاران نظام اسلامی و شخصیّتهای خارجی شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۵/۵/۱۳

و ولایت اهل‌بیت بگروند، بدانند با دعوا راه انداختن و با اهانت کردن و با دشمنی کردن هیچ کس را نمیتوان شیعه کرد و به ولایت اهل‌بیت متوجّه کرد. دعوا ایجاد کردن جز بَغضاء و جدایی و دشمنی هیچ اثر دیگری ندارد و این بغضاء و دشمنی و جدایی همان چیزی است که امروز آمریکا میخواهد، صهیونیست‌ها میخواهند و دارند برای آن تلاش میکنند.[1]

• معرّفی انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت شیعی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه‌گیر اسلامی این بوده است که از سویی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه‌ای آن ـ و نه اسلامی به معنای عام ـ معرّفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و نقار میان شیعه و سنّی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجّه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فِرَق مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثی کنیم و بحمدالله با تفضّل الهی توفیقات فراوان نیز داشته‌ایم، که یکی از آخرین آنها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و هم‌اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامّه‌ی مردم از همه‌ی مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند؛ لیکن دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خباثت فراوان مجهّز است و متأسّفانه در نقاطی از جهان کسانی را می‌یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلّط یابد. لذا گاه‌به‌گاه در کشوری از یک سیاستمدار، و در کشور

---

۱. در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیرخم ۱۳۸۷/۹/۲۷

دیگری از یک عالم‌نما یا انقلابی‌نما شنیده میشود که به تشنیع و ناسزا به شیعیان یا به ملّت ایران ـکه بزرگ‌ترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به گونه‌ای بهت‌انگیز از آن دفاع کرده‌اندـ زبان میگشاید و قلم میراند. یا در کشور مسلمان پاکستان ـکه ملّت آن، در شمار عزیزترین ملّتها برای ما و همیشه در خطّ دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هستـ کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر میکنند و کتاب و مقاله مینویسند، تا شیعه و تشیّع اهل‌بیت پیامبر(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) را به باد حمله بگیرند و به مقدّسات اهانت کنند.[1]

• ایجاد شکاف و اختلاف در بدنه‌ی حاکمیّت نظام

دشمن وقتی میتواند به هدفهای خودش برسد که بتواند در بدنه‌ی حاکمیّت نظام و در مسئولان بخشهای مختلف، اختلاف و شکاف ایجاد کند. دشمن دنبال این قضیّه است... . درگیری در سطوح بالای حکومت، همان چیزی است که دشمن آن را میخواهد و آن را بِجد تعقیب میکند. همان چیزی که قبلاً عرض کردم: اگر توانستند کسی را نفوذ دهند، این کار را میکنند ـکه خوشبختانه تاکنون در مراکز بالا چنین توفیقی پیدا نکرده‌اند و ان‌شاءالله بعد از این هم توفیق پیدا نخواهند کردـ امّا راه دیگری که در دسترس آنها است، این است که خودشان را به بعضی نزدیک نشان دهند و علیه بعضی و به نفع بعضی دعوا را تشدید کنند. یکی از سیاستهای واضح و روشن ضدّ انقلاب در چند سال اخیر همین نکته بوده است. اگر حرف میزنند، با این هدف است؛ اگر موضع‌گیری میکنند، با این هدف است؛ اگر رادیو به راه می‌اندازند، با همین هدف است. در داخل هم دنباله‌های ضدّ انقلاب

---

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

و عوامل سرویسهای جاسوسی خارجی هستند ـ این‌طور نیست که نباشند ـ اینها نیز همان‌طور موضع‌گیری میکنند، همان‌طور حرف میزنند و همان هدف را تعقیب میکنند. فقط ایجاد شکاف در دستگاه‌های بالای حکومتی، هدف آنها نیست؛ ایجاد شکاف در حوزه‌ی علمیّه هم هدف دیگر آنها بود. سعیشان این بود که بین مراجع و بزرگان و علمای نامدار در سطح حوزه‌ی علمیّه، اختلاف ایجاد کنند، که خوشبختانه نتوانستند و امیدواریم در هیچ جا نتوانند.[۱]

• نفوذ در درون ملّت و ایجاد تردید

خیال نکنید ملّتهای دنیا نسبت به شعارهای شما بی‌تفاوتند. هر چند دولتهای آنان غالباً محافظه‌کارند و مجبورند به نحوی ملاحظه کنند؛ لیکن ملّتها این شعارها را تا اعماق وجود میفهمند، می‌شنوند، مینیوشند و به آنها معتقد میشوند. اعتقادات مردم ما، شعارهای اساسی امروز ملّتهای مسلمان است. دشمن بشدّت از این امر بیمناک است.[۲]

هرگز دشمن آرام نمی‌نشیند. یک سیاست خبیثی از دوران طاغوت بر کشور حاکم بود و آن عبارت بود از بیگانه دانستن اقوام گوناگون؛ کُرد بیگانه بود، بلوچ بیگانه بود، ترک بیگانه بود، عرب و ترکمن بیگانه بودند، اینها را بیگانه حساب میکردند. در عملکرد آنها هم این معنا مشهود بود.[۳]

تردیدافکنی در ارزشهای اصولی، بزرگ‌نمایی مشکلات و نفی موفّقیّتها، از نیازهای قطعی آمریکا است. آمریکا به این عوامل و شرایط نیاز دارد تا بتواند موفّقیّت خود را در تقابل با جمهوری اسلامی تضمین کند. هر کس در این زمینه‌ها به نفع آمریکا کار کند، در واقع زمینه‌سازی

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

۲. در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶

۳. در دیدار مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۱۳۸۸/۲/۲۲

میکند برای اینکه آمریکا بتواند مقاصد خودش را، ولو با شیوه‌ی نظامی یا شبه نظامی، نسبت به ملّت ایران انجام دهد. البتّه در بعضی جاها انسان میبیند این تصوّر و تصویر را خیلی پروبال میدهند تا آمریکا را به عنوان یک قدرت موفّقِ در حال پیشرفت و پیروزی معرّفی کنند و جبهه‌ی مقابل را در حال انفعال نشان دهند. این صددرصد نادرست و غیر واقعی است؛ این محصولِ کار تبلیغاتی رسانه‌های آمریکایی است؛ به هیچ وجه این‌طور نیست. پیروزی نظامی بر رژیم صدّام، غیر از برآورده شدن هدف آمریکا در مسئله‌ی عراق و حتّی افغانستان است. البتّه مسئله‌ی عراق از مسئله‌ی افغانستان خیلی مهم‌تر است؛ مشکلات آمریکا در عراق هم بمراتب بیشتر از مشکلاتش در افغانستان خواهد بود. میخواهند این‌طور وانمود کنند که مسئله تمام شده و آمریکا به همه‌ی هدفهای خود رسیده است؛ در حالی که به هیچ وجه این‌طور نیست؛ مسئله تمام نشده است و مشکلات فراوانی بر سر راه اینها قرار دارد.[1]

ما در این ۳۲ سال تجربیّات زیادی داریم. ۳۲ سال است که ما با دشمنی‌ها معارضه کرده‌ایم، ایستادگی کرده‌ایم و بر دشمنی‌ها فائق آمده‌ایم. هیچ توطئه‌ای نبوده است که غرب و آمریکا بتوانند علیه جمهوری اسلامی انجام بدهند و انجام نداده باشند. هر کاری نکردند، چون نمیتوانستند. هر کاری توانستند، کردند و در همه‌ی مراحل توی دهنشان خورده است و شکست خورده‌اند... بعد از این هم در همه‌ی توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی شکست خواهند خورد؛ این وعده‌ی الهی است به ما و ما شک نداریم. ما در صدق وعده‌ی الهی تردید نمیکنیم. ما به خدای متعال سوءظن نداریم. خدای متعال ملامت میکند کسانی را که به او سوءظن دارند؛ «وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ

---

۱. در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»[1]. وعده‌ی خدای متعال، وعده‌ی صادق است. ما چون وارد مِیدانیم، داخل عرصه‌ی مبارزه هستیم ـ ملّت ایران همه‌ی امکانات خود را وارد عرصه کرده است ـ بنابراین نصرت الهی قطعی است. در همه‌ی کشورهای دیگر هم همین‌جور است. منتها باید هوشیار باشیم. همه‌ی ما باید هوشیار باشیم. همه‌ی ما بایستی متوجّه مکاید دشمنان باشیم. دشمن سعی میکند حرکتها را خنثی کند، اختلاف ایجاد کند.[2]

• الگوتراشی در جوامع مختلف

امروز سعی میشود در زمینه‌های گوناگون برای جوامع مختلف الگو تراشیده بشود. حقیقتاً سیاستهایی این را دنبال میکنند. وقتی شما می‌بینید فرضاً یک موجود منحرف دوجنسی بدون اینکه یک هنر فوق‌العاده برجسته‌ای داشته باشد، یکهو اوّل در تمام رسانه‌های آمریکایی و بعد غربی، اسم و رسم پیدا میکند و مجلّات معتبر و پرتیراژ غربی عکسهای او را، زندگینامه‌ی او را، سنین مختلف او را، شکلهای گوناگون زنانه و مردانه‌ی او را منعکس میکنند، این را نمیشود حمل بر یک امر تصادفی کرد؛ این، فکرشده است. اینها الگوسازی‌هایی است برای منحرف کردن نسلهای بشری. آماج حمله هم فقط ایران نیست. با مشاهده‌ی این چیزها، در ذهن انسان تأیید میشود آن چیزی که سالها قبل به عنوان پروتکل‌های صهیونیستی در دنیا منتشر شد و به زبانهای مختلف ترجمه شد؛ که یکی از موادّ آن پروتکل‌ها این بود که باید نسلهای بشری از رویّه‌ها و روشهای انسانیِ متعارف دور بشوند؛ دچار انحرافات اخلاقی بشوند... ما

---

۱. سوره‌ی فتح، آیه ۶؛ «و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند؛ بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنّم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است!»

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

نیاز داریم برای جوان خودمان، برای نسل نونهال خودمان، الگوهایی را از بخشهای مختلف مشخّص کنیم؛ آن کس که علاقه‌ی به علم دارد، آن کس که علاقه‌ی به هنر دارد، آن کس که علاقه‌ی به ادبیّات دارد، آن کس که علاقه‌ی به تاریخ دارد، آن کس که علاقه‌ی به کارهای عملی دارد، آن کس که علاقه‌ی به کشاورزی یا صنعت یا فنّاوری دارد، هر کدام بتوانند الگوهای شایسته‌ی خودشان را پیدا کنند.[1]

• بیگانه‌سازی از هویّت اسلامی

هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویّت اسلامی‌شان بیگانه کند، یا به تفرّق و پراکندگی بکشاند، یا به کسب عزّت و عظمت اسلامی بی‌اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه میکند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است! شیطان در قرآن، تعبیری از نیروهای شرآفرین و فسادآفرین و انحطاط‌آفرین است که در صف مقابل انبیا قرار میگیرد؛ «وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ»[2] و در سراسر قرآن، یاد و نشان شیطان تکرار شده و در تمام طول مدّت نزول وحی، از آن نام برده شده است. این بدان معنا است که یاد و نشان دشمن، هرگز نباید مورد غفلت جوامع مسلمان قرار گیرد.[3]

• ایجاد تقابل در منابع انسانی و مالی

امروز در دنیای اسلام، پول زیاد است، فکر زیاد است، نیروی انسانی قابلی وجود دارد، جمع کثیری از علما، شعرا، نویسندگان، هنرمندان و

---

۱. در دیدار با نخبگان و برگزیدگان علمی استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۶

۲. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم.»

۳. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۷/۱/۱۲

شخصیّتهای سیاسی قابل در دنیای اسلام هستند و بخش عمده‌ای از منابع عظیم مالی و منابع زیرزمینی ـمعادن خداداد زیرزمینی ـ در اختیار کشورهای اسلامی است. اگر اینها با هم همسو باشند، یا لااقل علیه هم کار نکنند، ببینید در دنیا چه اتّفاقی خواهد افتاد![1]

• ایجاد دودستگی و انشقاق

امروز مسئولیّت من و شما خیلی خطیر است. بایستی با عقل، تدبیر و همراه با توکّل به خدا و شجاعت، نه با جبن، راه را طی کرد. اوّلین کار، استحکام داخلی است. نباید بگذارید این مباحثات و بگومگوها به مقابله و مواجهه و تخاصم تبدیل شود؛ این تنها توصیه‌ی من به شما است. گفتن و شنودن و اعتراض کردن، هیچ اشکالی ندارد. افرادی از اعتراض کردن بدشان می‌آید که یا متکبّرند یا پشتوانه‌ی مردمی ندارند؛ میترسند؛ دلشان میلرزد. اگر کسی اهل تکبّر نباشد ـکه خدای متعال را شکر میکنیم که این آلودگی را در ما قرار نداده ـ و متّکی به حمایت مردم باشد، به هیچ وجه از این گفتن‌ها و شنیدن‌ها ناراحت نمیشود؛ امّا مراقب باشید که از این گفت و شنودها، دشمن همان چیز را که میخواهد وانمود کند، به دست نیاورد. امروز یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن این است که بگوید در داخل نظام جمهوری اسلامی دودستگی است و این دو دسته با هم بدند... نگذارید این تصویرسازی مطلوب دشمن تحقّق پیدا کند؛ این را مراقب باشید. بحث و مجادله و مباحثه و گفتگو را طلبگی انجام دهید. امام هم مکرّر به ما میفرمود. واقعیّت هم همین است که در محیط‌های طلبگی، گاهی دو طلبه دعوا و جنجال میکنند، عصبانی میشوند، امّا وقتی مباحثه تمام میشود، با

---

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام و مهمانان خارجی شرکت کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۴/۵/۲۴

یکدیگر ناهار و چایی میخورند و «لَمْ یَکُنْ شَیْئًا مَذْکُورًا»[1]! حرفهایشان را میزنند، امّا بینشان دشمنی و شکاف ایجاد نمیشود. در بحث، منطق و استدلال باشد، چهارچوب هم چهارچوب قانون است. قانون هم در درجه‌ی اوّل، قانون اساسی است. این چهارچوب را رعایت کنید. بنده آن روز هم به جوانان دانشجو گفتم که قانون آمده تا جای صدای کلفت را بگیرد... امروز روزی نیست که اگر از این وظیفه‌ی حفظ استحکام داخلی عدول کنیم و آن را پشت سر بیندازیم، خدای متعال و مردم و تاریخ بر ما ببخشایند؛ امروز روزی نیست که بشود این وظیفه را ندیده گرفت؛ باید هوشیار بود. نباید در نیروی دشمن مبالغه کرد و نباید هم دشمنی و کید او را نادیده گرفت؛ باید مراقب بود. امیرالمؤمنین فرمود: «وَ اللهِ لَا أَکُونُ کَالضَّبُعِ تَنَامُ عَلَی طُولِ اللَّدْمِ»[2]. معروف است بین عرب‌ها که کفتار را وقتی میخواهند صید کنند، پایکوبی میکنند و آهنگی میخوانند که خواب‌آور است. کفتار را با آهنگی در لانه‌اش میخوابانند و وقتی خوابید، به سراغش میروند. حضرت امیرالمؤمنین میفرماید: «وَ اللهِ لَا أَکُونُ کَالضَّبُعِ»؛ من آن کفتاری نیستم که مرا با پایکوبی آوازه‌خوانی بخوابانند و هر کار میخواهند، بکنند.[3]

متن ملّت عزیز ما، تسلیم فشار تبلیغاتی دشمن نشده و نخواهد شد؛ امّا کسانی که خودشان اشتباه کردند، در بین ما هستند. اینها راه غلطی رفتند و بعضی از مجموعه‌ها را هم با خودشان به راه غلط کشاندند. امام به ملّت ما یاد دادند که باید مسئولان در فکر ضعفا و پابرهنه‌ها باشند و به نیازهای مردم توجّه کنند... امام به ما یاد دادند که هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید؛ امّا عدّه‌ای فریادهای خود را بر سر خودی‌ها

---

۱. سوره‌ی انسان، بخشی از آیه‌ی ۱؛ «چیزی درخورِ یادکرد نبود.»
۲. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۶؛ «به خدا قسم به مانند کفتار نیستم که با آهنگ ملایم میخوابد تا شکارچی دررسد.»
۳. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷

کشیدند؛ به دیگران هم یاد میدهند که بر سر همدیگر فریاد بکشند! امام در وصیّت‌نامه و در تعلیمات دوران حیات بابرکت خود تکرار میکردند که از غریبه‌ها و نامحرم‌ها و نفوذی‌ها برحذر باشید. مراقب باشید تا کسانی که با این انقلاب و این نظام و این اسلام و با منافع مردم هیچ میانه‌ی خوبی ندارند، در ارکان تصمیم‌گیری کشور نفوذ نکنند. مسئله‌ی غریبه‌ها و نااهل‌ها و نامحرم‌ها را، اوّل امام مطرح کردند. اینها در مقابل آن جهت و آن خطّ روشن، میگویند از دوستان و از خودی‌ها برحذر باشید و پرهیز کنید. اینها را با نامهای گوناگون و چپ و راست مطرح میکنند.[1]

• تبلیغات جبهه‌ای و فتنه‌انگیزی مستمر

دشمنان وقتی هم شروع میکنند، همه با هم شروع میکنند؛ چون طرف، یک جبهه است. از جمله، همین خبرگزاری‌های صهیونیستی و استکباری ـ همین چهار پنج خبرگزاری معروف ـ که همه‌ی آنتنهای دنیا، خبرها، تحلیلها و گزارشها را از آنها میگیرند؛ و همین چند رادیویی که سالها است میلیون‌ها دلار خرج میکنند، برای اینکه بتوانند مثلاً صدایشان را به گوش چند نفری در ایران برسانند.[2]

ما در اختلافات بزرگ مذهبی، فکری، سیاسی دیده‌ایم که کسانی وارد میدان فتنه‌انگیزی میشوند و از زبان این، آن را میکوبند؛ از زبان آن، این را میکوبند؛ در حالی که نه به این علاقه دارند، نه به آن! اینها را پیدا کنید؛ مقصّران اصلی بایستی مشخّص شوند، که مطمئناً دست دشمن در کار است. بعضی اظهارات، متأسّفانه عزیزترین قشرهای این کشور، جوانان مؤمن و بسیجی را زیر سؤال برد![3]

---

۱. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهّر امام رضا(ع) ۱۳۸۰/۱/۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه در دانشگاه تهران ۱۳۷۲/۱۱/۲۹

۳. در دیدار رئیس و مسئولان قوّه‌ی قضائیّه و خانواده‌های شهدای فاجعه‌ی هفتم تیر ۱۳۸۴/۴/۷

• استفاده از ابزار تبلیغات و کنترل افکار عمومی

یکی از شگردهای دشمن، تبلیغات است. تبلیغ کنند که جمهوری اسلامی نتوانست. تبلیغ کنند که اسلام کافی نیست. تبلیغ کنند که مردم ایران ترسیدند و عقب‌نشینی کردند. تبلیغ کنند که ملّت ایران، از انقلاب و از اسلام فاصله گرفته‌اند. تبلیغ کنند که دولت ضعیف است و نمیتواند کار کند. سعی کنند که احساسات قشری و صنفی را در افراد زنده کنند، تا چوب لای چرخ دولت و مسئولان و کارگزاران کشور بگذارند.[1]

دشمن میخواهد افکار عمومی را در اختیار گیرد. شما باید نگذارید که او افکار عمومی ملّت خودتان و ملّتهای دیگر را ـتا هر جایی که صدای شما میرسدـ در اختیار گیرد. شما امروز حادثه‌ای مثل حادثه‌ی فلسطین را ببینید که دیگر در آنجا جبهه‌ی حق و باطل معلوم است. ملّتی را از سرزمین آبا و اجدادی‌اش ـکه استخوانهای اجدادش در این زمین دفن شده و همه‌ی تاریخ میگوید که اینجا مال او استـ و از خاک و زندگی و خانه و از حقّ انتخاب در کشور خودش محروم کردند و یک عدّه بیگانه را از اروپا و اروپای شرقی و روسیه و آمریکا و از جاهای دیگر جمع کرده‌اند و گفته‌اند شما اینجا را اداره کنید!... شما ببینید همین را جماعت طرف‌دار حضور اسرائیل در این منطقه ـآمریکا و خود صهیونیست‌ها و بعضی دولتهای دیگرـ چگونه در افکار عمومی دنیا عوض کرده‌اند! یعنی افکار عمومی را طوری تغییر داده‌اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا حرکت مهمّی انجام نگیرد.[2]

آمریکایی‌ها از [همان] روز اوّل شروع کردند. یک سندی اخیراً منتشر شده ـکه برای من آوردند؛ ظاهراً همین چند هفته‌ی پیشـ از یک

---

۱. در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی(ع) ۱۳۶۹/۹/۵

۲. در دیدار مدیران صداوسیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

مرکز معتبر آمریکایی؛ که اسناد مهمّی را مثلاً بعد از گذشت سی چهل سال منتشر میکند. این [مرکز] یک سندی را منتشر کرده که میگوید در دسامبر ۱۹۷۹ یعنی حدود ده ماه بعد از پیروزی انقلاب ما ـانقلاب در فوریه‌ی [سال] ۷۹ مسیحی پیروز شد؛ این در دسامبر است؛ حدود ده ماه تقریباً فاصله است ـ کارتر یک دستوری میدهد به سازمان سیا؛ دستور این است که جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کنید. این مال آن روز است؛ یعنی همان اوایل انقلاب، رئیس‌جمهور آمریکا دستور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را ـبا خواب آشفته‌ای که لابد دیده ـ به سازمان سیا صادر میکند. آن وقت نکته‌ی جالب توجّه این است که ذکر میکند به چه وسیله ساقط کنید. اوّلین نقطه‌ای که ذکر میکند تبلیغات است؛ پروپاگاندا. میگوید تبلیغ کنید علیه جمهوری اسلامی. به نظرتان این سیاست آشنا نیست؟ تبلیغ علیه جمهوری اسلامی؛ تبلیغ در دنیا، تبلیغ در افکار عمومی، تبلیغ در داخل کشور. این کاری بوده که آن روز اینها شروع کردند؛ تبلیغات. البتّه فقط تبلیغات نبود؛ تحریم هم بود، جاسوسی هم بود، نفوذ هم بود، زمینه‌سازی برای کودتای نظامی هم بود، از این چیزها هم بود، امّا اوّل تبلیغات را اسم می‌آورد، میگوید با تبلیغات. این تا امروز ادامه دارد؛ از سال ۷۹ میلادی ـکه میشود سال ۵۸ـ تا امروز، ۴۳ سال است که این سیاست آمریکا ادامه دارد؛ سیاست هدف‌گیری سرنگونی جمهوری اسلامی. به چه وسیله؟ به وسیله‌ی تحریم، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی فشار حدّاکثری، به وسیله‌ی ایجاد اتّحادهای ضدّ ایرانی، ایران‌ستیزی، اسلام‌ستیزی، شیعه‌ستیزی؛ به این وسیله‌ها، و در رأسش به وسیله‌ی تبلیغات. الان ۴۳ سال است که آمریکایی‌ها این کار را دارند میکنند و تا همین امروز این کار دارد انجام میگیرد.[۱]

امروز الگوی زندگی سیاسی و اقتصادی و منش کلّی انقلابی ما

---

۱. در دیدار مردم قم ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

همان چیزی است که از امام دانسته‌ایم و شنیده‌ایم و همان منش و افکار و رفتار امام ـ که درست هم بود، منطبق بر حق هم بود، با همه‌ی جان و دل هم ملّت ایران و مسئولان دنبال آن راه بودند و بعد از آن هم هستند ـ راه حق است و یک لحظه نباید از راه حق جدا شد. واقعیّت این است؛ منتها دشمن دست‌بردار نیست.[1]

• استفاده از ابزار هنر و مطبوعات کشور

دشمن وقتی که میخواهد با ابزار فرهنگی به کشور و جامعه و نظامی حمله کند، چیزهایی را هدف میگیرد، که به نظر من امروز در کشور ما چنین چیزهایی هست؛ هم در عالم کتاب هست، هم در عالم مطبوعات هست، هم در عالم هنر هست. البتّه وقتی ما میگوییم که این فکر غلط، یا این طرح غلط، یا این سخن نادرست، در چهارچوب یک طرح امنیّتی و براندازی قرار دارد، ممکن است صاحب آن اندیشه، مطلقاً نداند که چه کار میکند!... خطا است اگر کسی گمان کند ما که نسبت به مسئله‌ی مطبوعات و کتاب و نوشتن و نشر در جامعه حسّاسیّت به خرج میدهیم، با تفکّر آزاد، با فکر آزاد و با مباحثه‌ی آزاد مخالفیم؛ نه. ما کسانی هستیم که اوّلین شعارهای این مسائل را داده‌ایم و الحمدلله تا الان هم دنبالش بوده‌ایم؛ امّا با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم. نمیشود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می‌آید کتاب را از شما میخرد و میگوید اینها متدیّنین و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا فاسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد.[2]

من شنیده‌ام که در قضایای جنگ جهانی در روسیه، شور علی‌اف[3]

---

۱. در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۴/۱۸

۲. پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیّه‌ی امام خمینی(ره) ۱۳۷۸/۲/۲۸

۳. موسیقی که در زمان شوروی سابق خوانده میشد.

ـآهنگ معروفی است که البتّه من نه آهنگش را شنیده‌ام، نه درست میدانم چیست؛ آقایان میدانند ـ در تهییج مردم برای وارد شدن به میدان جنگ، بیشترین تأثیر را داشت؛ یعنی در خدمت اهداف مردمی قرار گرفت. به طور طبیعی این توقّع از هنرمند هر کشوری وجود دارد؛ بنابراین چطور میتواند نسبت به این قضیّه بی‌تفاوت بماند؛ در حالی که دشمن از ابزار هنر استفاده میکند.[1]

• تحقیر جریان هنر و فرهنگ انقلاب

من وقتی به تنوّع ابزارهای دشمن نگاه میکنم، میفهمم چقدر این قضیّه برای اینها اهمّیّت داشت! یکی از کارها این بود که جریان ادب و هنر و فرهنگ انقلابی را در کشور تحقیر کنند و به انزوا بکشانند. این یکی از کارهایشان بود. از جمله کارهای مهمّی که انقلاب کرده، یکی این است که یک عدّه عنصر فرهنگی و ادیب و هنرمند و دارای اقتدار فرهنگی تربیت کرده و بحمدالله کم هم نیستند. شعرای زیادی به وجود آمدند؛ داستان‌نویسان زیادی به وجود آمدند؛ نویسندگان قلم‌زن دقیق فارسی‌نویس محکمی به وجود آمدند و بحمدالله هستند. از اوّل انقلاب تاکنون، سیزده سال گذشته است. شما نگاه کنید ببینید کدام سیزده سال در دوران عمر فرهنگی و تاریخی ما، توانسته است شخصیّتهای درجه‌ی یک به وجود آورد؟ البتّه اینها تا شخصیّت درجه‌ی یک بشوند، هنوز فاصله دارند؛ امّا کسانی که شخصیّت درجه‌ی یک بشوند، در این مجموعه‌ای که انقلاب پدید آورده، زیادند. مادر میهن ما، در دوران استبدادهای اواخر دوران پادشاهی، سترون و عقیم شده بود... انقلاب است که این نیروها را آزاد کرد.[2]

---

۱. در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱

۲. در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱

• ارائه‌ی تصویر مخدوش و تهمت‌آلود از انقلاب

دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه‌ای از اتّهامات را متوجّه ایران اسلامی کرده است. می‌بینیم که همان تهمتها امروزه به همه‌ی نهضتهای اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده میشود. تهمت تعصّب و جمود فکری که از آن، با عنوان «بنیادگرایی» نام میبرند، تهمت تروریسم، تهمت بی‌اعتنائی به حقوق بشر، تهمت ضدّیّت با دموکراسی، تهمت بی‌اعتنائی به حقوق زنان، تهمت ضدّیّت با صلح و طرف‌داری از جنگ. اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمتها و بی‌شرمی واردکنندگانش آگاه میسازد. ایران اسلامی در حالی متّهم به مخالفت با دموکراسی میشود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا چهارده ماه پس از آن، دو همه‌پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان نظام سیاسی کشور برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب: اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس‌جمهور، و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معیّن شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است. تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی میزنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروه‌های تروریست ضدّ انقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار میدهند و حقوق‌بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب‌گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بی‌گناه را به قتل رسانده‌اند. ضدّیّت با صلح را کسانی به جمهوری اسلامی نسبت میدهند که جنگی هشت‌ساله را با تشویق رژیم بعثی عراق و به دست او بر ایران تحمیل کردند و در همه‌ی آن مدّت، انواع کمکها را به آن رژیم که به خاطر حمله به ایران اسلامی،

ATVie4ai6faUCtjzwAd6ag==

رژیم محبوب آنان به شمار میرفت مبذول داشته‌اند. تضییع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حدّ شرعی، در برترین فعّالیّتهای کشور شرکت می‌ورزد، نمی‌پسندند و ابتذال حاکم بر روابط زن و مرد و بهره‌کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را، نسخه‌ی مطلوب در حیات اجتماعی زن میشمرند. تهمت نقض حقوق بشر را رژیمهایی متوجّه ایران میسازند که خود قلمهای بزرگ و حیرت‌انگیز پایمال کردن حقوق انسانها را مرتکب شده یا زمینه‌سازی کرده‌اند.[1]

بوقهای تبلیغاتی دشمن مانند همیشه فریاد خواهند کرد که ایران میخواهد دخالت کند، میخواهد مصر را شیعه کند، میخواهد ولایت فقیه را به مصر صادر کند و میخواهد و میخواهد... این دروغها را سی سال است میگویند تا ملّتهای ما را از یکدیگر جدا و از کمک یکدیگر محروم کنند و مزدوران آنها هم آن را تکرار میکنند. «يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ»[2]. با این ترفندها، هرگز وظایفی را که اسلام بر دوش ما گذاشته است، رها نخواهیم کرد.[3]

• جنجال‌آفرینی زیر نام آزادی

عزیزان من! امروز همدلی شما مردم در هر نقطه‌ی کشور، یک امر تشریفاتی و تزیینی نیست؛ یک امر ضروری است. چیزهای مورد اختلاف را مطرح نکنند، به نقاط اختلاف فکری تکیه نکنند، چیزهای مورد اتّفاق را بگویند. همه‌ی این مردم، مسلمانند. همه‌ی این مردم،

---

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۲/۲/۲۸

۲. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا میکنند؛ و اگر پروردگار تو میخواست چنین نمیکردند.»

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

طرف‌دار اسلام و قرآنند. تمام این مردم، انقلابشان را دوست دارند، امام بزرگوار و رزمندگان مدافع شرف و حیثیّت را دوست دارند؛ روی اینها تکیه کنید. کسانی نیایند چیزی را بهانه قرار دهند. مثلاً یک وقت کسی یک کلمه حرفی زده، این را بهانه برای جنجال کنند! یا دستگاه قضائی با یک نفر برخورد کرده، آن را بهانه برای جنجال کنند! یا یک نفر در فلان دستگاه امنیّتی، یا اقتصادی، یا سیاسی، حرکتی انجام داده است، این را بهانه برای جنجال کنند! این جنجالها به ضرر کشور است؛ چرا؟ چون دلهای مردم را از هم دور میکند. همه‌ی اینها هم زیر نام آزادی است! آزادی هدیه‌ی الهی و هدیه‌ی انقلاب است. آزادی متعلّق به مردم و جزء فطرت مردم است. امّا این کارها ربطی به مسئله‌ی آزادی ندارد؛ اینها بخشی از نقشه‌ی دشمن است.[1]

ATvie4Aj6/aUCtywAd6a9==

• وعده‌ها و لبخندهای فریبنده

یکی از کارهای اصلی که باید انجام بدهیم و همه باید به آن توجّه داشته باشیم، این است که فریب لبخند دشمن و وعده‌های دروغ جبهه‌ی دشمن را نخوریم. در این سی سال، تجربه هم پیدا کرده‌ایم. گاهی به روی ما لبخند زدند. اوایل گاهی بعضی از ما باور میکردیم. یواش‌یواش فهمیدیم پشت صحنه چیست. فریب لبخند دشمن را، فریب وعده‌های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه‌ی قدرت مادّی‌ای که امروز بر دنیا مسلّط است، راحت عهد میشکند. بدون هیچ دغدغه‌ای عهدشکنی میکنند، زیر قولشان میزنند، زیر حرفشان میزنند، نه از خدا خجالت میکشند، نه از خلق خجالت میکشند، نه از طرف مذاکره خجالت میکشند؛ راحت دروغ میگویند![2]

---

۱. در دیدار مردم مشهد و زائران علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا(ع) در صحن امام خمینی(ره) ۱۳۷۸/۱/۱
۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

ما یک جاهایی اعتماد کردیم به دشمن، ضربه خوردیم؛ با اینکه میتوانستیم اعتماد نکنیم، با اینکه گمان نمیکردیم اعتماد کنیم، امّا کردیم. این اعتماد کردن به دشمن و به وعده‌ی دشمن، به ما ضربه میزند؛ اینکه ما استبعاد کنیم که «نه، بعید است اینکه گفته‌اند عمل نشود»، این درست نیست. آن وقتی که بحث کارِ با بیگانگان است، باید با دقّت تمام روی جزئیّات تکیه کرد و ملاحظه کرد و وسواس به خرج داد و احتیاط به خرج داد. نباید به اینها اعتماد کرد؛ نه در عمل اعتماد کنیم، نه در کیفیّت بیان. این را هم من عرض بکنم که بعضی از شما حضرات محترم که اینجا تشریف دارید، غیر از مسئولین درجه‌ی یک کشور [یعنی] رؤسای قوا و مانند اینها، افراد گوناگون دیگری هستند که اینها اهل سخن گفتنند، یعنی اهل منبرند ـ که منبر را بنده به جای تریبون به کار میبرم ـ دارای منبرند و میتوانند حرف بزنند و حرف آنها شنیده میشود؛ در لحنِ بیان [این افراد] هم بایستی احساس اعتماد به دشمن نشود؛ این، هم در ذهنیّت داخل تأثیر منفی میگذارد، هم در انعکاسش پیش مخالفین ما و دشمنان ما در خارج تأثیر میگذارد. گاهی در مقاطعی اتّفاق افتاده است، ما مثلاً در یک مسئله‌ای کوتاه آمده‌ایم به عنوان اینکه در فلان قضیّه «بهانه از دست آمریکایی‌ها یا از دست دشمن گرفته شود»، گرفته هم نشده، ما هم یک چیزی را از دست داده‌ایم! نباید اعتماد کرد؛ [همین‌طور] در مسائل گوناگون.[1]

«قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»[2]؛ آنچه در دلهای نجس و سرشار از بغض و کینه‌ی آنها وجود دارد از اسلام و

---

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

۲. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۱۸؛ «دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است؛ و آنچه سینه‌هایشان نهان میدارد، بزرگ‌تر است.»

مسلمین و بخصوص جمهوری اسلامی، خیلی بیشتر از آن چیزی است که در حرفهایشان ظاهر میشود.[1]

شیوه‌های دشمن از همیشه پیچیده‌تر و هشداردهنده‌تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسئله را از همیشه جدّی‌تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند.[2]

• طلبکاری بی‌پایان دشمن

دشمن، سیاسی و سیاستمدار است؛ مغز طرّاح سیاسی دارد، فکر میکند که چه کار باید بکند. یکی از طرّاحی‌ها این است که حرف آخر را اوّل نزنند؛ آرام‌آرام و بتدریج طلبکاری ایجاد نمایند و طرف مقابل را وادار به عقب‌نشینی کنند. به مجرّدی که عقب‌نشینی کردید، طلبکاری دیگری شروع خواهد شد. حالا بعضی‌ها میگویند چیزی بدهیم، چیزی بگیریم! بدهیمش درست است، بگیریمش درست نیست؛ هیچ چیز نخواهند داد. شعارهایی را درست میکنند؛ ایران را در محور شرارت گذاشته‌اند. فلان کارها را بکنیم تا ما را از محور شرارت بردارند! این شد حرف؟! غلط کردند گذاشتند که حالا بخواهند بردارند. دوباره و هر وقت لازم شد، ما را در محور شرارت میگذارند. اگر قرار است قدرتی این امکان و توان را پیدا کند که اخمهایش را در هم بکشد و بگوید من قوی هستم و میزنم و میبرم و میبندم؛ حواستان جمع باشد، انسان جا بخورد، این جا خوردن، حدّیقف ندارد... من این موضوع را بارها به بعضی از مسئولانی که دچار وسوسه و واهمه‌هایی بودند، گفته‌ام که حدّیقف فشار آمریکا کجا است؛ آن را مشخّص کنید، که اگر به آنجا رسیدیم، دیگر بعد از آن هیچ فشاری علیه ما نخواهد بود. من عرض کنم حدّیقف

---

۱. در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

۲. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

کجا است؟ آنجایی است که شما ـکه چنین حقّی را نه شما دارید، نه منـ از طرف ملّت ایران اعلام کنید که ما اسلام، جمهوری اسلامی و حکومت مردمی را نمیخواهیم؛ هر کسی که شما مصلحت میدانید، بیاید در این مملکت حکومت کند! این حدّیقف است؛ اوّل اسارت مملکت. مگر میتوانیم؟ من و شما مگر میتوانیم مملکت را به دست دشمن بدهیم؟ مگر ما چنین حقّی داریم؟ این ملّت ما را برای این سر کار نیاورد.[1]

• مأیوس کردن مردم از طریق شواهد دروغین

تبلیغاتچی‌های دنیا ـو امروز بیشتر از گذشتهـ سعی میکنند ملّت ایران را، که میرود تا به قلّه برسد، مأیوس کنند. میگویند: «آقا، وضع اقتصاد خراب است! آقا، دنیا نمیگذارد! آقا، آمریکا نمیگذارد! آقا، مردم ناراحتند!» دائم در گوش مردم این چیزها را میخوانند؛ آن هم با روشهای تبلیغاتی بسیار زیرکانه. بنده حرفهای اینها را گوش میدهم. حرفهایشان را گاهی مستقیماً گوش میدهم و بسیاری اوقات هم مینویسند یا ضبط میکنند و برایم می‌آورند. من میبینم اینها چه میگویند. میبینم که نشسته‌اند و کلماتی را انتخاب کرده‌اند که مردم این حرف را باور کنند! یک دروغ مسلّم را میخواهند مردم باور کنند! متأسّفانه بعضی در داخل، هر چه حرف میزنند برای مأیوس کردن مردم است؛ یا سکوت میکنند، یا اگر یک کلمه حرف هم زدند، برای این است که مردم را مأیوس کنند! چرا مردم را مأیوس میکنید؟![2]

یکی از ترفندهای تبلیغاتی دشمن همین است که ذهنها را به نحوی دچار تردید بکند که آینده چه خواهد شد؟ متأسّفانه بعضی از افراد ساده‌دل

---

۱. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷

۲. در دیدار عمومی به مناسبت روز میلاد حضرت علی(ع) ۱۳۷۲/۱۰/۶

ـشاید آدمهای مغرضی هم دنبال قضایا باشند ـ وقتی می‌بینند کشور به سمت سازندگی و آبادی پیش میرود، به جای کمک و به جای همکاری، به جای تسهیل امور، به جای روشن کردن افق دید مردم، یک هاله‌ای از ابهام و شک را بر همه چیز میگسترانند، [مردم را] دچار تردید میکنند.[1]

کاری که دشمن میخواهد بکند، این است که یأس را بر دلها حاکم کند و هر کس به گونه‌ای مأیوس باشد؛ دانشجو یک طور، دانش‌آموز یک طور، کارگر یک طور، روحانی یک طور، کاسب یک طور، اداری یک طور، مسئول دولتی یک طور، مسئول بلندپایه یک طور. هرکدام روشهایی دارند؛ ما از نزدیک می‌بینیم... ما مسئولانی را از کشورهای دیگر می‌بینیم که گاهی با ما صحبت میکنند، دلشان پر از یأس است. واقعاً آدم مأیوس چه کار میتواند بکند؟ ما سعی کردیم یأس را از دلهای آنها بیرون بکشیم و به جایش امید تزریق کنیم. بحمدالله ملّت ما، ملّت امیدوار و بانشاطی است. در مردم امید را تزریق کنید.[2]

در کشور، مایه‌های امید فراوان است؛ زیرساخت‌های کشور، امروز زیرساخت‌های بسیار مستحکمی است؛ کارهای مهمّی در طول این سالها انجام گرفته و امروز کشور آماده‌ی یک حرکت جهش‌وار به جلو است... یعنی همه‌ی این نقاط مثبت، این قلّه‌های برجسته‌ای که همه‌اش امیدافزا هست، اینها را سعی میکنند در چشمها کم‌رنگ کنند. متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را ـ نمیگوییم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد ـ بزرگ‌نمایی کنند؛ چند برابرِ آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه‌نمایی کنند؛ تلقّی‌های بدبینانه‌ی نسبت به نظام را گسترش بدهند.[3]

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۹/۱

۲. در دیدار با علما و روحانیّون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶/۱۰/۳

۳. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

• توسّل به فریب، ارعاب و شایعه‌پراکنی

بزرگ‌ترین خطا و زیان و خطر برای یک کشور در چنین شرایطی این است که دشمن احساس کند که توانسته است او را مرعوب کند. اصلاً یکی از ابزار ابرقدرت‌ها مرعوب کردن است. گاهی اوقات هیبت ابرقدرتی در مقابل ضعفا تأثیرش از سلاح بیشتر است. بعضی کسان از ترس ابرقدرت همان بلایی را سر خودشان می‌آورند که آن ابرقدرت ممکن است سر آنها دربیاورد. مرعوب نشوید! بعضی کسان در گفتگوهای گوناگونی که این روزها وجود دارد، طوری حرف میزنند، به گونه‌ای عمل میکنند که آن انضباط لازمی را که در این شرایط، کشور به آن احتیاج دارد، برهم میزنند. به نظر ما برخی از روی کج‌سلیقگی است و برخی نیز نتیجه‌ی همین مرعوب شدن است.[1]

همیشه دشمنان اسلام خواسته‌اند دل مسلمانان را مشوّش و مضطرب کنند. در طول تاریخ اسلام موارد زیادی پیش آمده است، قبل از اسلام هم در مورد حرکتهای عظیم جهادی پیامبران قبل از نبیّ مکرّم، مؤمنینی که توانستند ایمان خودشان را استوار نگه دارند، آرامش روحی پیدا کردند. این آرامش روحی حرکات آنها را در اختیار جهت ایمانی قرار داد؛ مشوّش نشدند، مضطرب نشدند، راه را گم نکردند؛ چون در حال تشویش و اضطراب، پیدا کردن راه درست دشوار میشود. انسانی که از آرامش روحی برخوردار است، درست فکر میکند، درست تصمیم میگیرد، درست حرکت میکند. اینها نشانه‌های رحمت الهی است.[2]

• ترویج شعارهای انحرافی در میان مردم

نظام اسلامی، بیّنات و واضحات و امر و نهی‌ای دارد. نظام اسلامی،

---

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹

نظام عدالت است؛ هر بی‌عدالتی‌ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام قسط است؛ هر تبعیضی محکوم است. نظام اسلامی، نظام استقلال ملّی است؛ هر نوع وابستگی‌ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام اُخوّت و برادری و پیوندهای قلبی آحاد ملّت است؛ هر نوع تفرقه‌افکنی محکوم است. نظام اسلامی، نظامی است که مسئولان، خدمتگزار مردم و برای مردمند؛ هر نوع جدایی بین مسئولان و مردم محکوم است. این‌طور نیست که بشود در این نظام کسانی بیایند که بر طبق میل دشمنان این ملّت و بر خلاف جهت کلّی این نظام و این مردم و حرکت مردم در جهت اسلام، تلاش کنند و نظام اسلامی هم بیکار و ساکت و بی‌تفاوت بماند. مگر چنین چیزی ممکن است؟! همه‌ی آحادی که اهل فکر و اهل تأمّل در مسائلند، باید بر روی این مسئله فکر خود را متمرکز کنند. امروز این کشور با این امکانات وسیع، با این جمعیّت جوان، با این آفاق روشن آینده، با این پیشرفتهایی که بحمدالله در زمینه‌های مختلف در این بیست سال به وجود آمده است، با زمینه‌های مضاعفی هم که برای پیشرفت وجود دارد، مصلحتش در این است که حکیمانه و خردمندانه و شجاعانه، راه اسلام را ـ که دنیا و آخرت او را تأمین میکند ـ پی بگیرد و دنبال کند. دشمن، فریب و تبلیغات اغواگر خود را هم قطع نمیکند؛ نباید تسلیم تبلیغات اغواگر دشمن شد. آن کسانی که سعی میکنند با شعارهای انحرافی در میان مردم، ذهن مردم را از حرکت عمومی اسلامی و ایمانی آنها جدا کنند، به نفع دشمن کار انجام میدهند؛ چه بفهمند، چه نفهمند؛ چه بدانند، چه ندانند.[1]

• به انزوا کشاندن مجموعه‌های مؤمن

یکی از کارهای دشمن، این شد که این مجموعه‌های مؤمن را منزوی کند. جوان، بی‌تجربه است. به مجرّد اینکه ببیند در یک دستگاه رسمی

۱. در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰

کشور ـ مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور ـ دو نفر به او اخم کردند، به او بی‌اعتنائی کردند، او را تحقیر کردند، در حرکتش اثر میگذارد و او را کُند میکند. یا مثلاً وقتی ببینند که در مجلّات به اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره‌های مخالف با این روش و خط را، بزرگ میکنند، برجسته میکنند، تعریف میکنند، این جوان دلش آب میشود و روحیّه‌اش را از دست میدهد. وقتی یک فیلم‌ساز، اثرش را به مراکزی میبرد که میتوانند از او استفاده کنند و کاری کنند که بتواند کارش را ادامه دهد، امّا با بی‌اعتنائی به او میگویند: «نه آقا؛ ما این را قبول نداریم؛ این‌طورش را قبول نداریم.» و بعد در همان حال ببینند انواع و اقسام کارهایی که از لحاظ مایه‌های هنری از کار او کمتر است امّا چون مایه‌ی اسلامی ندارد مورد قبول آنها است، این جوان به خودی خود، منزوی و ناامید خواهد شد. من بارها از اعماق جان، قلبم برای این جوانان مؤمن و انقلابی، سوخته و گداخته است. بارها تأسّف خورده‌ام که چرا باید به جوانان به این خوبی، بی‌اعتنائی شود!؟ اینها هیچ چیزشان از آن کسانی که در جاهایی به عنوان هنرمند معروف شده‌اند، کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آنها خیلی هم بهترند؛ امّا به اینها بی‌اعتنائی میشود. وقتی که انسان مطلب را بدرستی کاوش میکند، میبیند سر رشته میرسد به اراده‌ی خباثت‌آمیزی در نقطه‌ای! مسئولین هم متوجّه نیستند. مسئولین فرهنگی، مردمان خوبی هستند؛ امّا در سطوح بالا، از کارهایی که در سطوح متوسّط انجام میگیرد، بی‌خبرند. لذا، این جوان، این مجموعه‌ی جوانان و این جریانها را، ناامید میکنند.[1]

• تلاش برای ضدّ ارزش کردن انقلابیگری

آن کسانی که تلاش میکنند انقلاب و انقلابیگری را ضدّ ارزش کنند،

---

۱. در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱

همان کسانی هستند که بیشترین ضربه را از انقلاب خورده‌اند. تردید در مفاهیم انقلابی، ضدّ ارزش است. تردید در مبارزه‌ی با قدرتهای ستمگر و سلطه‌گر و ظالم، ضدّ ارزش است. راه نجات ملّتها، در استقلال آنها از قدرتهای ستمگر است. همیشه سعی قدرتهای ستمگر این بوده که به ملّتها ثابت کنند بیخود تکان میخورند و اشتباه میکنند. راه نجاتشان این است که زیر بال ما بیایند و پلّکان دیگری از پلّکان عروج در امور مادّی و سلطه‌ی نابحق بشوند! این را تفهیم میکنند. ما باور نمیکنیم و نمیخواهیم بگذاریم ملّتهای دیگر هم باور کنند.[1]

• تلاش دشمنان علیه بیداری اسلامی

بیداری اسلام، درست نقطه‌ی مقابل خواسته‌های آنها است؛ لذا با همه‌ی وجود با آن مخالفند و مخالفت سیاسی و تبلیغاتی میکنند.

امروز همه‌ی شگردهای تبلیغاتی را دارند علیه اسلام اعمال میکنند. شما نگاه کنید ببینید کاری که دولتهای غربی علیه مسلمانان و علیه اسلام میکنند ـ چه در آمریکا و چه در اروپا ـ چقدر پیچیده و گسترده است. تمام ابزارهای هنریِ در اختیار آنها، در خدمت این هدف پلید است... مظهر این بیداری اسلامی کسانی نیستند که امروز چهره‌ی تروریسم را در دنیای اسلام دارند نشان میدهند. کسانی که در عراق این جنایتها را میکنند؛ کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام علیه مسلمانها فعّالیّت میکنند؛ کسانی که مهم‌ترین وظیفه‌ی خود را ایجاد اختلاف بین مسلمانها ـ تحت عنوان شیعه و سنّی، تحت عنوان قوم‌گرایی ـ قرار میدهند؛ اینها نمیتوانند به هیچ وجه نمایشگر و نماد بیداری اسلامی باشند؛ این را خود مستکبران هم میدانند. اسلامی

---

۱. در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۵/۱

کـه امروز بیـداریِ آن را دنیای اسلام دارد احسـاس میکنـد... اسلامِ فکر و اندیشـه و تعمّـق و حـرف نـو اسـت؛ اسلامِ ارائـه‌ی راه‌حل‌هـای زندگی برای گشـودن گره‌های زندگی بشریّت اسـت؛ نـه اسلام متحجّر، نه اسلام چشم‌بسـته و نـه اسلام دور از هـر گونـه آزادفکـری؛ ایـن را مسـتکبران میفهمند.[1]

• دشمنی با سرچشمه‌های جوشان بیداری اسلامی

یـک استراتژیسـت آمریـکایی در توصیه‌های خود بـه دولت آمریـکا گفته بـود: در کشورهـای اسلامی بـه هیـچ وجـه نبایـد بـرای ایجـاد دموکـراسی عجله کرد؛ زیرا اگر امروز انتخابـات آزاد در هر یک از کشورهای اسلامی برگـزار شـود، حکومتهـای اسلامی و جریانـات اسلامی سـر کار می‌آیند و مردم اینها را میخواهند. این اعترافِ بسیار عجیب و حرف بسیار مهمّی است. میگوید دموکراسی در کشورهای اسلامی، زودرس است. این حرف و ادّعا نشـان‌دهنده‌ی آن اسـت کـه تفکّر بیداری اسلامی و بازگشـت به اسلام ـ که کانون آن در جمهوری اسلامی و میان شما مردم بوده ـ منتشر شـده و به همـه‌ی دنیا رسیده اسـت. این اعتبـار و ارزش کمی نیسـت. این بذر اکنون پاشیده شده است. اگر مراکز قدرت و کانونهای استکبار جهـانی بخواهنـد این بـذر نرویَد، راهـش چیسـت؟ طبیعی‌تریـن راه این است که با سرچشمه‌های جوشانِ آبیاری‌کننده‌ی این بذر مقابله کنند.[2]

عزیزان من! حضور جمهوری اسلامی در این دنیای بزرگ، حضور این دولت قدرتمند، این نظام مقتدر و مستقل، این ملّت شجاع و سربلند و فعّـال و کارآمد و مؤمن، این کشور بزرگ، این انقلابی که توفیق خود را در

---

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت مبعث فرخنده‌ی پیامبر مکرّم اسلام(ص) ۱۳۸۴/۶/۱۱

۲. در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

اغلب عرصه‌ها تا امروز اثبات کرده است ـهم در پیروزی انقلاب، هم در پیروزی بر تهاجم دشمن بیگانه در جنگ تحمیلی، هم در عرصه‌ی سازندگی ـ و توانسته است وحدت ملّی را به صورت کاملی حفظ کند، دشمنان اسلام را بشدّت به فکر فرو برده است. آنها میترسند؛ چون می‌بینند که این انقلاب جاذبه دارد. هر جا در دنیا مسلمانی هست، وقتی سر بلند میکند و چشمش به این پرچم برافراشته و به اهتزاز درآمده می‌افتد، به هیجان می‌آید و احساسات اسلامی در او زنده میشود. شما ببینید از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هیجانات و احساسات و حرکات اسلامی و موفّقیّتهای گروه‌های مسلمان در منطقه‌ی اسلامی، چقدر زیاد شده است! از شمال آفریقا و الجزایر بگیرید، تا به اینجا برسید و به طرف شرق بروید. این، به برکت همین پرچم رفیع و بلند است. احساس استقلال، احساس هویّت اسلامی و احساس شخصیّت در جوامع اسلامی زنده شد و دشمن اسلام و مسلمین، خائف گردید. کسانی که ده‌ها سال تلاش کرده بودند تا مسلمانان را ضعیف و دل‌مرده و بی‌شخصیّت و بی‌هویّت بار بیاورند، ناگهان دیدند که همه‌ی بافته‌هایشان پنبه گردید و همه‌ی نقشه‌هایشان نقش بر آب شد. قیام این دولت اسلامی، به مسلمانان احساس اعتزاز داد. دشمنان در صدد برآمدند که از طرق مختلف، رابطه‌ی بین دولت اسلامی در ایران و بین جوامع و مجامع مسلمان در اقطار عالم را قطع کنند. این کار را میکنند.[1]

• وابسته کردن افراد سیاسی به خود

شما ببینید حکومت پهلوی را چه کسی سر کار آورد؟ رضاخان را چه کسی در این کشور حاکم کرد؟ اینکه دیگر جزو نقاط مبهم تاریخ

---

۱. در دیدار با مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز میلاد خجسته‌ی پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۷۶/۵/۱

نیست. امروز همه میدانند که رضاخان را انگلیسی‌ها در این کشور سر کار آوردند؛ همچنان که وقتی احساس کردند رضاخان دیگر به دردشان نمیخورد، او را برکنار کردند و محمّدرضا را سر کار آوردند. این جزو بخشهای واضح تاریخ معاصر ما است. کسانی که آنها را سر کار آوردند، همانها سعی میکردند با انواع سیاستهای گوناگون، آنها را وابسته‌ی به خودشان نگه دارند. وقتی نهضت مصدّق در این کشور پیش آمد ـ که یک نهضت ملّی بود ـ جایی که بیشترین احساس خطر را کرد، دستگاه حکومت و سلطنت نبود؛ انگلیسی‌ها بیشترین احساس خطر را کردند. بعد هم که انگلیسی‌ها دیدند از عهده‌ی کار برنمی‌آیند، آمریکایی‌ها را وارد کار کردند. آنها به یک معنا آمدند صحنه را از دست انگلیسی‌ها ربودند و حاکم شدند. یک نفر بلند شد و با یک چمدان دلار به اینجا آمد و با ایجاد یک بحران مصنوعی، حکومت ملّی را سرنگون کرد و رژیم محمّدرضا پهلوی بر کشور مسلّط شد. این سیاستِ اینها است؛ این چیز واضحی است و مدارک و اسناد و دست‌نوشته‌های آن، امروز در دسترس همه قرار دارد.

البتّه متأسّفانه شما جوانها کمتر فرصت میکنید به این چیزها مراجعه کنید؛ امّا لازم دارید و باید بدانید. امروز اسم کسی که رضاخان را در ایران سر کار آورد، مشخّص است؛ اسم کسی که محمّدرضا را سر کار آورد، مشخّص است؛ اسم کسی که به ایران آمد و پول آورد، مشخّص است؛ نقشه‌ای که در آمریکا طرّاحی شد و در اروپا اتاق عملیّاتش تشکیل گردید، مشخّص است؛ اینها نقشه‌های واضح و مشخّصی است که وزارتخانه‌های امور خارجه‌ی خود آنها اینها را منتشر کرده‌اند و امروز در اختیار همه‌ی ما است. از استقلال و خودباوری ملّت ایران، سیاستهای زیاده‌خواه و دخالت‌جوی جهانی ضرر میبردند. برای یک ملّت، سمّ بزرگ عبارت است از وابستگی؛ و پادزهر این سم، عبارت است از خودآگاهی، استقلال فکری، استقلال علمی، روی پای خود ایستادن، خود را اداره

کردن و خود را محتاج دیگران ندیدن. بنابراین، اینها باید این پادزهر را از دسترس این ملّت دور نگه دارند؛ این طبیعی است.[1]

• برنامه‌ریزی برای تغییر ذهن خواص و ایجاد جنگ قدرت

دشمن انواع و اقسام کار را میکند؛ انواع و اقسام فعّالیّت را میکند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طرّاحی میکنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر میگذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظایف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم.[2]

دشمن بشدّت بر روی جزئیّات جریانات کشور ما حسّاس است. همان‌طور که همه میدانیم، اینها امید بسته بودند به این‌جور روزهایی: به روزهایی که خلأ وجود امام در جمهوری اسلامی آشکار بشود. امید بسته بودند به اینکه اختلافات بین مسئولین و آن چیزی که آنها آن را جنگ قدرت مینامند، آغاز بشود؛ امید بسته بودند به اینکه جمهوری اسلامی دچار آشفتگی سیاسی شدیدی بشود که به مسئولین ـ حتّی اگر مسئولینی هم مشخّص بشوند و مسئله‌ی رهبری حل هم بشود ـ اجازه و امکان ندهد که اوضاع کشور را جمع‌وجور کنند و کار را ادامه بدهند؛ امید بستند و بسته بودند به اینکه مردم در صحنه حضور پیدا نکنند و فقدان امام به معنای خاموش شدن شعله‌ی انقلاب تلقّی شده بود در ذهن تحلیلگران خارجی. و امروز شما می‌بینید حیرت آنها را و تعجّب آنها را از واقعیّات

---

۱. در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور ۱۳۸۴/۱/۳۰

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

باشکوهی که در کشور ما دارد اتّفاق می‌افتد و هر روز یک حادثه، تأیید میکند رشد مردم را و عمق ایمان انقلابی در دلهای مردم را و رشد سیاسی مسئولین و دست‌اندرکاران را و موجب ناامیدی و حیرت آنها میشود.[1]

شما می‌بینید امروز تبلیغات جهانی روی چند چیز متمرکز است: یکی از آنها این است که در داخل نظام جمهوری اسلامی، مجموعه‌ی متصدّیان و خدمتگزاران نظام و کارگزاران کشور را به دو دسته تقسیم میکنند و برای هر دسته اسم میگذارند؛ البتّه یک عدّه هم ساده‌لوحانه در داخل کشور همان حرفی را که آنها میزنند، تکرار میکنند که در واقع حرف اینها نیست، حرف آنها است. همان دشمن خارجی وقتی متصدّیان نظام را به دو دسته تقسیم کرد، اعلام میکند ما با این دسته موافق و با آن دسته مخالفیم؛ یک دسته اسمشان اصلاح‌طلب است، یک دسته اسمشان محافظه‌کار است. اینها دام دشمنان است؛ همه باید متوجّه باشند در دام دشمن قرار نگیرند. امیرالمؤمنین(علیه‌الصّلاة‌والسّلام) به ما میفرمایند: «صَلاَحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ»[2]؛ دلها را با هم صاف و به هم نزدیک کنید. اختلاف سلیقه‌ها را به معنای دشمنی تلقّی نکنید. اختلاف نظر و اختلاف سلیقه، حتّی اختلاف عقاید سیاسی و دینی و غیره، تا آنجایی که به مبانی عملی نظام ارتباطی ندارد، میتواند موجب دشمنی و جدایی و خصومت با یکدیگر نشود.[3]

• سوءاستفاده‌ی دشمن از نادانی افراد

برادران و خواهران عزیز! آنچه صلابت این ملّت را حفظ خواهد کرد، عبارت است از وحدت حول محور ایمان و انقلاب؛ این چیزی است که دشمن را ناامید میکند. آنها خیال میکنند ما برای استحکام نظام خود

---

۱. در مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۳/۲۴
۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۷
۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۹/۱

دنبال سلاح کشتارجمعی و دنبال اتم و این چیزها هستیم. اشتباه میکنند؛ این هم تحلیل غلط و اطّلاعات نادرستی است. ما میدانیم آن چیزی که بمب اتم هم در آن کارگر نمیشود، عبارت است از یک ملّت مصمّم، عازم، مؤمن، متّحد و یکپارچه؛ این است که کسی نمیتواند بر آن فائق شود و غلبه پیدا کند؛ وَالّا مگر از اوّل انقلاب تا به حال با ما دشمنی کم بوده است؟ مگر ما از اوّل انقلاب تا الان بمب اتم داشته‌ایم؟ آنچه عزّت و کیان این ملّت را حفظ کرد، نظام اسلامی را سربلند و نام امام را جاودانه کرد، ایمان و عزم راسخ این مردم و ایستادگی و وحدت و یکپارچگی آنها بود. نکند بعضی‌ها برخی از ساده‌لوحی‌ها و نسنجیده‌کاری‌ها را مرتکب شوند و بعضی حرفهای نسنجیده را بگویند و بعضی موضع‌گیری‌های نسنجیده را اتّخاذ کنند و مردم را ناامید سازند! ضعفی در فلان دستگاه وجود دارد، فوراً نظام اسلامی را زیر سؤال ببرند که چرا این ضعف در این دستگاه هست. دستگاه‌ها، دولتها و مجموعه‌های کاری، کارخوب دارند؛ اشتباه و خطا و کاربد هم دارند که باید اصلاح شود؛ این چه ربطی به ترکیب و هندسه‌ی نظام اسلامی دارد که بعضی نسنجیده‌گویی میکنند؟ خیلی اوقات در این نسنجیده‌گویی‌ها، غرض هم نیست؛ بلکه نادانی است؛ نادانی‌هایی است که دشمن از آن استفاده میکند. این «نادان دوست» که در ادبیّات و اشعار ما وجود دارد، یعنی همین... این مردم بانشاط، پرامید و پرتوان که این همه گردنه‌ها را پشت سر گذاشته‌اند، میتوانند به قلّه برسند؛ چرا اینها را ناامید میکنید؟! اگر به قوی‌ترین کوهنوردها هم در وسط راه بگویند کمرت میشکند، پایت میشکند، سرت میشکند، چشمت کور میشود، نمیتوانی و میلغزی، در حقیقت مردّدش میکنند.[1]

• تقابل جبهه‌ای علیه دانشمندان کشور

فرض بفرمایید در کشور ترور اتّفاق می‌افتد؛ شهید علی‌محمّدی، شهید

---

۱. در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۱/۴/۲۶

شهریاری، شهید رضایی‌نژاد را ترور میکنند. خب، این یک کار تروریستی است. یک وقت به این مسئله به چشم یک عمل تروریستیِ ضدّ امنیّتی نگاه میکنیم؛ انسان غصّه هم میخورد؛ چند تا دانشمند ما مورد اصابت جنایت دشمن ـ یک چند تا تروریست ـ قرار گرفتند. یک وقت نه، با همان چشمِ جبهه‌ای نگاه میکنید: این یک حرکت در مجموعه‌ی حرکتهای خصمانه‌ی علیه نظام اسلامی است. مثلاً در جبهه‌ی جنگ مرزی با عراق ـ که هشت سال جنگ داشتیم ـ یک جا اگر چنانچه توپخانه‌ی دشمن کار کند، معنایش این نیست که دشمن با این جای بالخصوص کار دارد؛ این معنایش این است که این یک حرکتی است که دشمن دارد اینجا انجام میدهد، احتمالاً برای اینکه شما حواستان به اینجا منعطف شود، او به یک جای دیگر حمله کند ـ به قول خودشان حرکتهای پشتیبانی، که این در واقع حیله است ـ یا برای این است که رزمنده‌ی ما را در اینجا تضعیف کند تا مثلاً بتواند یک حمله‌ی سراسری انجام دهد. وقتی با این چشم نگاه میکنید، معلوم میشود که دشمن به دنبال کوبیدن حرکت علمی در کشور است؛ یعنی یکی از حلقه‌های توطئه‌ی دشمن این است. چند تا حلقه‌ی به‌هم‌پیوسته وجود دارد؛ مثلاً حلقه‌های تحریم اقتصادی، ترویج ابتذال، ترویج موادّ مخدّر، کارهای امنیّتی، ایجاد تزلزل در مبانی و مسائل اعتقادی؛ چه اعتقاد به اسلام، چه اعتقاد به انقلاب. اینها حلقه‌های گوناگونِ به‌هم‌پیوسته است؛ یکی از این حلقه‌ها هم ـ که مکمّل این زنجیره است ـ کوبیدن حرکت علمی در کشور، با ترساندن دانشمند ما، با حذف دانشمند ما است. با این چشم به قضیّه نگاه کنیم. اگر چنانچه به مجموعه‌ی دشمن به چشم یک جبهه‌ی مستمرّی که وظایف را تقسیم کردند، نگاه کنیم، آن وقت احساس مسئولیّت ما در هر قضیّه‌ای شکل تازه‌ای به خودش میگیرد.[1]

---

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۰/۵/۱۹

• تحقیر و مخالفت با استعداد ایرانی

سالهای متمادی گذشته و به این ملّت و این هویّت ملّی ظلم شده؛ این را باید همه‌ی ما دائماً در برابر چشم داشته باشیم. در طول زمان، حقیقتاً به ملّت ما ظلم شده است. توانایی و استعدادی که امروز در شماها هست، در همه‌ی دوره‌ها در نسل جوان و مردان و زنان کشور ما وجود داشته؛ امّا استعداد انسانی احتیاج به تشویق، شناخت و تزریق روح اعتماد و امید دارد تا بتواند شکوفا شود. درست عکس این سیاست در دوره‌های مختلف عمل شده. مقصّر اصلی هم در این زمینه، حکومتها و سیاستها بودند؛ در این موضوع اصلاً نباید تردید کرد. بعضی میفهمیدند دارند چه کار میکنند؛ مثل اغلب مسئولان در دوران پهلوی، که دانسته و شناخته این راه را رفتند؛ یعنی از بُروز استعدادها جلوگیری میکردند. علّت هم معلوم است؛ عقیده‌ی راسخ آنها این بود که ایرانی باید وابسته بماند. دشمنی آنها با نسل بااستعداد ایرانی، یک دشمنیِ طبیعی نبود. نه اینکه بخواهند واقعاً با اشخاص دشمنی کنند؛ نه، سیاستهای قاهر و مسلّط جهانی از آنها این را خواسته بود.[1]

یکی از کارهای دشمن این است که آنچه را داریم، تحقیر کند؛ درست مثل بعضی از شرخرها و کهنه‌دلّال‌ها که اگر جنسی را بخواهند، توی سر جنس میزنند و آن را بی‌اهمّیّت میکنند تا دارنده‌ی آن جنس راحت آن را از دست بدهد! نظام اسلامی شما بسیار مهم، ارزشمند و بزرگ است؛ استعداد ملّت ایران هم بسیار درخشان است؛ امّا دشمن دائم توی سر جنس ارزشمند ما میزند. امام صادق(علیه‌السّلام) به صحابی خود فرمود: «اگر تو گوهر درخشانی در دست داشته باشی که قدر آن را بشناسی، همه‌ی دنیا هم که جمع شوند و بگویند این ریگ است، باور نمیکنی؛ اگر یک ریگ هم در دستت بگیری و همه‌ی دنیا شهادت بدهند که الماس است،

---

۱. در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور ۱۳۸۴/۱/۳۰

باز هم باور نمیکنی! مهم این است که بدانی چه در دست داری.» تلاش من این است که ملّت ایران بداند چه سرمایه‌ی عظیمی در اختیار دارد و بداند چه امتداد باارزشی در دنیای اسلام دارد.[1]

• تلاش برای انکار دموکراسی در ایران

عزیزان من! بزرگ‌ترین هدیه‌ای که انقلاب اسلامی به این ملّت داده است، این است که شرّ حکومتهای فاسد و وابسته را که سالیان و سالیان بر این کشور و ملّت و این مواهب الهی مسلّط شده بودند، از سراسر این ملّت و این کشور کم کرده است. امروز به فضل پروردگار، اداره‌کنندگان کشور، از خود این مردمند. امروز به همّت و هوشیاری این ملّت، بهترین شکل حکومت مردمی و دخالت آراء مردم در این کشور است. البتّه دشمن در تبلیغات خود، این را منکر میشود و باید هم بشود. از دشمن چه انتظاری است؟! اینجا، مردم با معیارهای مورد اعتقاد خودشان که همان معیارهای اسلامی است، انسانی را برای اداره‌ی امور اجرائی کشور و انسانهایی را برای قانونگذاری و هدایت مجریان انتخاب میکنند؛ آن هم با کمال آزادی و با تکیه به ایمان. این همان نکته‌ی استثنائی است. اگر در کشورهای معروف امروز عالم که ادّعای دموکراسی دارند، دعواهای احزاب و تعصّبات حزبی و کشمکشهای گوناگون سیاسی، انگیزه‌ی رأی دادن است، در ایران اسلامی و در این کشور سربلند و سرافراز، انگیزه‌ی رأی دادن فقط ایمان و تشخیص ارزشهای الهی و اسلامی است. این ارزش دارد. این اهمّیّت دارد. و این امروز هست.[2]

• سرمایه‌گذاری در تخریب و تضعیف انتخابات

چرا دشمن این‌قدر هزینه و اصرار میکند که انتخابات ریاست جمهوری را

---

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲

۲. در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۳۷۳/۳/۱۴

خلوت کند؟ آیا از این تلاش مذبوحانه‌ی دشمن، نباید فهمید که حضور در سر صندوقهای رأی و انتخابات، مشت محکمی به دهان آنها است؟ آیا از این ترفند محکوم به شکست، نباید فهمید که دشمن از حضور مردم در صحنه ناراضی است؟ این خود، راه بسیار روشن و تعیین‌کننده‌ای است.[1]

دشمن به همان اندازه‌ای که از اجتماع آراء در روز انتخابات ناراحت است، به همان اندازه هم در صدد است که اگر این تجربه به وسیله‌ی ملّت ایران با موفّقیّت انجام شد، شیرینی انتخابات را به دهان مردم تلخ کند. از مدّتی پیش نشسته‌اند و برای این قضیّه برنامه‌ریزی میکنند. شایعه‌ی تقلّب در انتخابات و صوری بودن آن را مطرح کردند، لطیفه و متل درست کردند و در دهان مردم انداختند؛ بعضی هم البتّه ناآگاهانه آنها را تکرار میکنند. من باید عرض کنم، شایعه‌ی اینکه در انتخابات تقلّب خواهد شد، از طرف دشمن است. رادیوهای بیگانه، حرفهای دلسوزانه‌ی رئیس جمهور محترم را حمل بر چیزهای نامناسب و ناشایسته کردند. حتّی بعضی از تحلیلگران و خودی‌ها هم از روی غفلت برداشتند آن مسئله را حمل بر این کردند که آیا چه چیزی قرار است اتّفاق بیفتد! این حرفها چیست؟[2]

• تلاش دشمن برای خدشه‌دار کردن نظام قانونی

امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه‌ی عناصر و اجزائی را که میتوانست این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت. این عناصر اصلی عبارت است از اسلام، مردم، قانون‌گرایی و دشمن‌ستیزی. امام بزرگوار در بنای نظام شامخی که به

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۲/۳/۱۴

۲. در دیدار خانواده‌های معظّم اسرا و مفقودان جنگ تحمیلی ۱۳۷۶/۲/۳۱

جـای رژیم پوسیـده‌ی سـلطنتی در ایران بر سـر کار آورد، ایـن عناصر و اجزا را با دقّت تمام کار گذاشـت؛ در عمل خود بـه آنها پایبند و متعهّد مانـد و در پیـام و بیـان و تعالیـم خـود بـر آنهـا پافشـاری کـرد. امروز هم مثل ۲۲ سـال گذشـته، همه‌ی کسـانی که وجود نظام اسلامی را با منافع نامشروع خودشـان ناسـازگار می‌بینند و با آن دشـمنی میکننـد، بیش از همه با همین چهار عنصر مقابله میکنند. عمده‌ی تلاش آنها این است کـه یا عنصـر اسلامیّـت را از نظـام بگیرند؛ یا تکیـه بر مـردم را ـ با همان معنای وسیع و بدیعی که امام به آن توجّه داشـت ـ از نظام سلب کنند؛ یـا در بنای قانـونی نظام خدشـه کنند؛ یا هشیـاری و بیـداری دائمی در مقابـل دشـمن را از نظـام بگیرند و بیـداری را به خواب‌آلـودگی و غفلت تبدیل کنند. لذا برای ما این چهار عنصر اهمّیّت پیدا میکند.[۱]

• برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی مانند شوروی

بنده به عنوان کسـی که از اوّل این انقلاب تا امروز در مسـائل گوناگون و در عرصه‌هـای مختلفِ این نظام، با جوانب و جریانهای گوناگون مواجه بوده‌ام؛ هم آدمها را می‌شناسم، هم حرفها را می‌شناسم و هم با تبلیغات رسانه‌ای دنیا آشنا هستم؛ به یک جمع‌بندی رسیده‌ام که به طور خلاصه این است: یک طرح همه‌جانبه‌ی آمریکایی برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی طرّاحی شد و جوانب آن از همه جهت سنجیده شد. این طرح، طرح بازسازی‌شـده‌ای است از آنچه در فروپاشـی اتّحاد جماهیر شوروی اتّفـاق افتـاد. بـه نظـر خودشـان میخواهنـد همـان طـرح را در ایـران اجرا کننـد. دشـمن ایـن را میخواهـد... البتّـه در چنـد مورد هم دچار اشـتباه شدند که این هم از الطاف الهی است. دشمنان ما در مواقع حسّاس در محاسبات خود دچار اشـتباه میشوند. البتّه اینها اشـتباهاتی نیست که

---

۱. در اجتماع زائران مرقد مطهّر امام خمینی(ره) ۱۳۸۰/۳/۱۴

اگر من ذکر کردم، آنها بتوانند اصلاحش کنند؛ نه، اشتباه در شناختِ واقعیّتها دارند. بر اساس این اشتباه برنامه‌ریزی میکنند و برنامه‌ریزی غلط از آب درمی‌آید؛ لذا موفّق نمیشوند. آنها برای دفاع از رژیم پهلوی برنامه‌ریزی کردند و با همه‌ی قدرت هم ایستادند؛ منتها در شناختِ مسائل ایران، در شناختِ مردم، در شناختِ روحانیّت و در شناختِ دین اشتباه کرده بودند؛ لذا شکست خوردند. اینجا هم سرنوشتشان جز این نیست و شکست خواهند خورد.[1]

• اخلال در نظام اقتصادی و تولید داخلی

امروز دشمن چشمش به نقطه‌ی حسّاس اقتصادی است تا بلکه بتوانند این کشور را از لحاظ اقتصادی دچار اختلال کنند. هر چه میتوانند اختلال ایجاد کنند و هر چه هم نمیتوانند، در تبلیغاتشان وانمود کنند که اختلال هست! این کاری است که امروز در تبلیغات دشمنان ما، با قدرت و به شکلهای مختلف انجام میگیرد. راه مقابله هم انضباط مالی و صرفه‌جویی و نگاه پرهیزگرانه‌ی به مصرف‌گرایی است... مصرف‌گرایی به صورت اسراف یکی از بیماری‌های خطرناک هر ملّتی است. ما یک خرده به این مصرف‌گرایی افراطی دچار هستیم... یکی از موارد اسراف، اسراف در آب است؛ نه فقط آبی که مصرف شرب در خانه‌ها میشود، نوع آبیاری کشاورزی ما هم یک نوع مسرفانه است و آب را هدر میدهیم.[2]

• مشکلات اقتصادی؛ بُرنده‌ترین حربه‌ی دشمن

اجزای نقشه‌ی دشمن چه چیزهایی است؟ اوّلاً تا آنجا که بتوانند ـ زورشان برسد و تیغشان ببرد ـ مشکلات اقتصادی برای کشور درست

---

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹
۲. در دیدار با مردم شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۱

کنند و بتراشند؛ تحریم اقتصادی کنند و به مجازات شرکتها بپردازند ـهمینهایی که می‌شنوید ـ جلوی خطّ لوله‌ای را که فلان کشور میخواهد از اینجا بکشد، بگیرند! در امر تجارت کشور، اخلال ایجاد کنند؛ مثل دو سال قبل که در دنیا بدروغ شایع کردند پسته‌ی ایران سرطان‌زا است! در باب صنایع غیر نفتی هم هر طور که میتوانند، بازارها را اشباع کنند، با دولتها و با کمپانی‌ها بسازند... در کنار این، در تبلیغات خودشان، نسبت به مسائل اقتصادی کشور، بزرگ‌نمایی هم بکنند. البتّه مشکلات اقتصادی هست؛ امّا دولت ما هم که بیکار نیست، کار دیپلماسی و کار تجاری میکند. وزارت خارجه، وزارت بازرگانی، وزارت صنایع، وزارت راه و وزارت نفت، هر کدام از یک طرف، دائم مشغولند، دائم کار میکنند. در این دنیای بزرگ، بالاخره دشمن تلاش میکند. ما هم که دست و پایمان چلاق نیست! اقدام میکنیم و اقدام ما بر اقدام دشمنان ـ در بسیاری از موارد ـ فائق هم می‌آید؛ امّا در تبلیغات بیگانگان، این بخش از فعّالیّتهای مسئولان کشور، مسکوت گذاشته میشود!... کاری میکنند که روحیّه‌ی مردم را تضعیف نمایند و مردم احساس کنند که ای داد، چه اتّفاقی میخواهد بیفتد! در حالی که اگر مردم بدانند دولت و مسئولینشان چه تلاشهایی میکنند، پشتشان گرم و دلگرم میشوند. اینکه هم در زمان امام(رضوان‌الله‌علیه) بارها ایشان به مسئولین میگفتند و ما هم بارها تأکید کرده‌ایم کارهایی را که انجام میدهید، به مردم بگویید ـ تا مردم بدانند شما چقدر کار میکنید ـ برای همین است. پس بزرگ‌نمایی در مورد مشکلات اقتصادی، بخش دیگری از توطئه است![1]

عزیزان من! شما بدانید که دشمن شما، دشمن این انقلاب، دشمن این نظام، بُرنده‌ترین حربه‌ای که در اختیار خواهد داشت، فقر و گرفتاری اقتصادی مردم است. روی این مسئله باید فکر کرد. گرفتاری‌های

---

۱. در دیدار مردم مشهد و زائران علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا(ع) در صحن امام خمینی(ره) ۱۳۷۸/۱/۱

اقتصادی مردم، همین بیکاری‌ای است که در کلمات شما تکرار میشود و درست هم هست؛ همین کمبودها و همین مشکلات فراوان است. البتّه فسادهای گوناگون، سوءاستفاده‌های گوناگون، تبعیضهای گوناگون، مشکلات اداری و مشکلات قضائی هم در کنارش هست. اولویّت اوّل برای شما این است که امید مردم را حفظ کنید. اولویّت اوّل این است که شکم مردم را سیر کنید. میشود نشست و حرفهای روشنفکری زد: اگر فلان طور نشود، فلان طور نخواهد شد؛ اگر چنین نشود، چنان نخواهد شد؛ امّا باید دید واقعیّت چیست.[1]

• اقتصاد از نقاط امید دشمنان در فلج کردن نظام اسلامی

اگر چشمان باانصاف، وضع کنونی کشور را هم نگاه کنند، این موضوع را تصدیق میکنند. امروز این ملّت و این دولت و این کشوری که هشت سال جنگ را بر آن تحمیل و مسلّط کردند؛ کارخانه‌هایش را خراب کردند؛ راه‌هایش را نابود کردند؛ محاصره‌ی اقتصادی‌اش کردند؛ امکانات را از او بازگرفتند؛ هیچ دولتی هیچ کمکی به او نکرد و از داخل به وسیله‌ی کارهای سیاسی و تبلیغاتی هم انواع فشارها را بر آن وارد آوردند، برنامه‌های بازسازی و بخصوص کارهای زیربنایی را چنان دنبال میکند که ناظران هم به تحسین میپردازند. کسانی که می‌آیند و می‌بینند، هم برنامه و هم مجریان برنامه را تحسین میکنند. اگر فشار دشمن نبود، اگر دستهای خائن و تحریک‌شده‌ی دشمن نبود، اگر حضور تبلیغاتی و اقتصادی و سیاسی دشمن در پشت مرزهای ما نبود، وضع ما بمراتب بهتر از این بود و بسیاری از مشکلاتی که امروز از لحاظ اقتصادی در کشور هست، وجود نداشت.[2]

---

۱. در دیدار با نمایندگان دوره‌ی ششم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹/۳/۲۹

۲. در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۳۷۳/۳/۱۴

دشمن و رسانه

• سلاح ارتباطات رسانه‌ای؛ عامل رهنمود دادن دشمن به طرف‌دارانش

امروز مؤثّرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترینِ سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناک‌تر است. این سلاح دشمن را شما در بلواهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه‌به‌لحظه، قضایای ما را دنبال میکرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود میداد. «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ»[1]؛ دائم به اولیای خودشان ایحاء میکردند. خب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضح‌تر و روشن‌تر میشود فرض کرد؟[2]

رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاستها و نیّات خصمانه و اغراض خبیث سردمداران سیاستهای جهانی‌اند، بر روی هر کلمه و هر اشاره‌ای که از آن، بوی اختلاف و دودستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حسّاسیّت نشان داده و با بزرگ کردن نکته‌های ریز و مطرح ساختن استنباط‌های دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، به طور دائم در تلاشند که شاید بتوانند تصویری مشوّش و آلوده به اختلافات و زد و خورد داخلی از ایران اسلامی ـ که بحمدالله برخوردار از وحدت و یکپارچگی کم‌نظیری است ـ به مردم ایران و جهان ارائه دهند و زمینه‌ی دودستگی و نفاق را با این وسوسه‌ها به وجود آورند. اینها همه نشانه‌ی آن است که امروزه دشمن از همه‌ی راه‌ها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده و بدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشسته است.[3]

---

۱. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۲۱؛ «و در حقیقت، شیطانها به دوستان خود وسوسه میکنند تا با شما ستیزه نمایند؛ و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید.»

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

۳. پیام به مناسبت اوّلین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

• انبار برف در رسانه‌های دشمن

به تبلیغات دشمن نگاه نکنید. رسانه‌هایی که با پولهای حرامِ زورمندان و زرمندان اداره میشوند و جهت می‌یابند ارزشی ندارند. حرفهای آنها که از رادیوها پخش میشود فاقد ارزش است و قیمتی ندارد. آنها در حقیقت، برف انبار میکنند. معلوم است که هر چه میگویند ناشی از حقد و حسد و بغض نسبت به اسلام است. بالاتر از همه، ناشی از آن است که از اسلام میترسند. معلوم است که اسلام و قرآن برای زورمداران و قدرت‌مدارانی که دنیا را برای خودشان میخواهند و امروز، ملّت ما بحق، آنها را استکبار جهانی مینامد، خطرناک است.[1]

• وظیفه‌ی رسانه‌ها در برابر بهانه‌جویی‌های دشمن

دشمنان این کشور، دشمنان این انقلاب و دشمنان دین، با توجّه به همین حقیقت، مدّتها است که برای مخاطبین جوان برنامه‌ریزی میکنند. ممکن است ما غفلت کرده باشیم؛ امّا دشمن ما غفلت نکرده است! سعی دارند به وسیله‌ی رادیوها، جزوه‌ها، ابزارها و روشهایی که متناسب با طبیعت جوان و شهوات قشرهایی از جوانان هم هست، دلها و فکرهای آنها را متوجّه و تسخیر کنند و در آنها اعمال نفوذ نمایند... بایستی اینها را برای مردم، بخصوص برای جوانان تبیین کنید. اگرچه ملّت ما بحمدالله این بخش مسئله را از بن دندان معتقدند، آن را پذیرفته‌اند، با همه‌ی وجود از آن دفاع کردند و در هشت سال دفاع مقدّس، خونهایشان را در حاکمیّت دین خدا دادند و امروز هم همان‌طور است؛ لیکن نباید از کید دشمن غافل شد. نباید از تلاش دشمن غافل شد. آنها کار میکنند، برای اینکه در درازمدّت، بهره‌ی آن را ببرند؛ استفاده‌ی آن را بکنند.[2]

---

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۳/۱۰/۱۰

۲. در دیدار علما و روحانیّون در آستانه‌ی ماه محرّم ۱۳۷۷/۲/۲

• لزوم آگاهی در برابر پیشرفتهای فنّاوری دشمن

امروز سلطه‌گران در همه جای دنیا ـ هر جایی به تناسب ـ در فکر سلطه‌ی فرهنگی‌اند؛ یک نمونه‌اش هم همین ماهواره است... این منطق درست نیست که ما بگوییم چون تا پنج سال دیگر فنّاوری ماهواره پیشرفت خواهد کرد و بدون بشقاب هم مردم ممکن است تصاویر ماهواره را بگیرند، پس از حالا جلویش را باز کنیم! این منطق، منطق صحیحی نیست. آن کسی که این منطق را مطرح میکند، باید بگوید برای جلوگیری از آن، چه کار تازه‌ای باید کرد. این منطق و استدلال، این گونه باید نتیجه بدهد. البتّه دشمن فنّاوری را پیشرفته میکند. در مقابل، شما باید فکر کنید که با تطوّر و پیشرفت فنّاوری ماهواره، چه کارهایی را میتوانید انجام دهید تا از نفوذ ماهواره جلوگیری کنید. امّا این استدلال، که چون دشمن پیشرفت میکند، پس ما بیاییم هر مانعی را از جلوی راهش برداریم، منطقی نیست.[1]

• جهت‌گیری‌های رسانه‌ای

ببینید برای این رادیوها و تلویزیونها و این شبکه‌های اطّلاع‌رسانی که هدفشان کشور ما است، چقدر سرمایه‌گذاری شده است. آنها چند برابر سرمایه‌گذاری‌ای که ما برای صداوسیمای خودمان میکنیم، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اگر آن‌طور که آنها پیش خودشان محاسبه کرده بودند پیش میرفت، امروز باید اثری از اسلام و ایمان و جمهوری اسلامی باقی نمانده باشد؛ چون فعّالیّت آنها مربوط به امروز و دیروز که نیست، بلکه آنها از روز اوّل پیروزی انقلاب کارشان شروع شد و روزبه‌روز دارند کار خود را توسعه میدهند و شدّت میبخشند. الحمدلله رسانه‌ی ملّی ما به خودش پرداخته و واقعاً خودش را متناسب با حضور در این میدان، تا

---

۱. پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیّه‌ی امام خمینی(ره) ۱۳۷۸/۲/۲۸

آنجایی که میتوانسته، حاضریراق و آماده کرده و وارد میدان شده است؛ شما میتوانید.

من به شما عرض کنم که جهت‌گیری اساسی صداوسیما باید درست نقطه‌ی مقابل همان جهت‌گیری‌ای باشد که آنها دارند. آنها میخواهند فرهنگ ملّت را از گرایش به ایمان، ارزشها و گرایش به اصول اسلامی و استقلال هویّت ملّی برگردانند. شما باید درست نقطه‌ی مقابل این کار را مورد اهتمام خودتان قرار دهید. آنها میخواهند وحدت ملّی را از بین ببرند؛ آنها میخواهند اتّکاء به نفس جوانان را از بین ببرند؛ آنها میخواهند افق مقابل چشم نسل جوان ما را تیره و مبهم و وهم‌آلود جلوه بدهند؛ آنها میخواهند حتّی مدیرانِ ارشد سیاسی کشور را از اقدام شجاعانه در مسائل گوناگون منصرف کنند و آنها را بترسانند ــ از مهم‌ترین ابزارهای استکبار، همین قدرتها و سلطه‌های جهانی، ترساندن است. از قدیم هم همین‌طور بوده است. این نامه‌هایی که «فانّ الحرب اوّلها کلام» در آغاز جنگها شنیده‌اید و دیده‌اید که پادشاهان برای رقبای سیاسی خودشان به کشورهای مختلف میفرستادند، پُر از تهدید و پُر از به رخ کشیدن قدرت خود بود؛ اینها برای این بود که تهدید، تهدیدی که منجر بشود به ترسیدن طرف مقابل، نقش مهمّی را در پیروزی ایفا میکند؛ که امروز هم سرمایه‌گذاری مهمّی برای این کار میشود ــ تا جرئت اقدام را از اینها بگیرند و این مدیران را نگران وضعیّت آینده کنند... شما باید درست نقطه‌ی مقابل آنها حرکت کنید.[1]

• نقش رسانه‌ی ملّی در مقابل تبلیغات دشمن

الان رسانه‌های زیادی در دنیا هستند که با تبلیغات خود، کار براندازی را به شکل سنّتی انجام میدهند! این کار، خیلی هم عملی است. یعنی

---

۱. در جمع کارکنان سازمان صداوسیما ۱۳۸۳/۲/۲۸

اگر واقعاً نظامی روی پای خود محکم نباشد، راحت میشود آن را با یک رادیوی برون‌مرزی از صحنه خارج نمود و نابود کرد؛ همین کاری که الان ابرقدرت‌ها نسبت به انقلابهای گوناگون و بیش از همه نسبت به ما میکنند. منتها آنها کور خوانده‌اند؛ چون نظام ما پایه‌ی محکمی دارد و روی دوش مردم و در دل آنها است.

شما باید در مقابل این حرکت موذیانه‌ی رسانه‌ها، واقعاً سینه سپر کنید. هر جا رسانه‌ها روی نقطه‌ای تکیه میکنند، شما اگر قبلاً پادزهرش را نداده‌اید، بعداً بدهید. تبلیغات دروغی که آنها الان میکنند، رسانه‌های ما باید در مقابلش خیلی قوی بایستند. شما بایستی ابتکار هم بکنید.[1]

بایستی فهرست پیامها را شناخت. نخست ببینیم که ما چه چیز را باید به ذهن مردم منتقل کنیم تا مردم قدرت پیدا کنند در مقابل زیاده‌خواهی، اقتدارطلبی و تهاجمهای گوناگون دشمن به دفاع از خود بپردازند و دستگاه‌های مسئول کشور بتوانند به نیروی مردم اعتماد و تکیه کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند. پس، اوّل باید این پیامها را شناخت؛ بعد که شناخته شد، باید تولید شود. تولید کلام و تصویر و فضا و محیطی که بشود آن پیام را القا کرد، یکی از مهم‌ترین کارهایی است که امروز هنر تبلیغ و پیام‌رسانی به آن متّکی است. اگر در تولید، پایمان بلنگد یا بلغزد، اشتباه یا کوتاهی بکنیم، حتماً ضربه را خورده‌ایم. بعد از آنکه این پیامها تولید شد، باید آنها را مدیریّت کرد؛ چون هنگامی یک مجموعه کالای مطلوب به نتیجه و به سرمنزل حقیقی و صحیح خود خواهد رسید که مدیریّتی بالای سرش باشد: این پیام در کجا باید داده شود، به چه اندازه باید داده شود، بهنگام باشد، با زبان مناسب باشد و تلفیق اینها در قالبهای گوناگون قابل قبول باشد.[2]

---

۱. در دیدار با مسئولان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۵/۷

۲. در دیدار مدیران صداوسیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

فصل چهارم

فراتر از نگر



ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==



شناخت و بهره از دین و الگوهای دینی

• دستورالعمل خداوند به پیامبر در مقابله با دشمنی‌ها

خداوند برای مقابله‌ی با دشمنی‌ها به پیغمبر دستورالعمل داد؛ از اوّل بعثت، خدای متعال پیغمبر را امر به صبر کرد. در سوره‌ی مدّثّر که جزو همان سوره‌های اوّلِ بعثت است، میفرماید: «وَلِرَبِّکَ فَاصْبِرْ»[1]؛ صبر کن برای خدای خودت. در سوره‌ی مزّمّل که آن هم جزو همان سوره‌های اوّل قرآن است، میفرماید که «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ»[2]؛ در جاهای دیگرِ قرآن هم مکرّراً این معنا هست. در دو جا [میفرماید]: «وَاسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ»[3]؛ استقامت کن؛ هم در سوره‌ی هود هست، هم در سوره‌ی شوری هست. بنابراین، دستورالعمل وارد شده. حالا صبر یعنی چه؟ صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظارِ نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسباتِ درست خود را و محاسباتِ دقیق خود را با خدعه‌گریِ دشمن تغییر ندادن؛ صبر یعنی پیگیریِ اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم؛ صبر یعنی با روحیّه حرکت کردن و ادامه دادن؛ این معنای صبر است. اگر چنانچه این ثابت‌قدم بودن و مقاومت کردن، با عقل و تدبیر و مشورت همراه

---

۱. سوره‌ی مدّثر، آیه‌ی ۷

۲. سوره‌ی مزّمّل، بخشی از آیه‌ی ۱۰؛ «و در برابر آنچه [دشمنان] میگویند شکیبا باش.»

۳. سوره‌ی شوری، بخشی از آیه‌ی ۱۵؛ «و آن‌چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما.»

بشود ـ همچنان که در قرآن هست «أَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»[1] ـ قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد. بنده البتّه با قاطعیّت عرض میکنم که ملّت ایران ملّت صبوری است؛ نشان داده‌اند که صبر دارند. ما مسئولین البتّه گاهی بی‌صبری کرده‌ایم، ولی ملّت نه؛ ملّت کاملاً صبور بوده‌اند؛ این چهل سال برای ما نشانِ این معنا است به طور روشن. بعضی از روشنفکرنماهای ما هم متأسّفانه بی‌صبری از خودشان نشان دادند، بعضی از آنها بی‌صبری را به مرز همکاری و همزبانی با دشمن هم رساندند؛ البتّه بعضی‌ها این‌جور بودند. نقطه‌ی مقابلش هم جوانهای مؤمنی هستند که بحمدالله عدّه‌شان خیلی زیاد است و روزبه‌روز هم ان‌شاءالله زیادتر میشود؛ در عرصه‌ی فرهنگ، در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی فنّاوری، در عرصه‌ی سیاست، در فهمِ بین‌المللی مسائل ـ یعنی مسائل بین‌المللی را درست درک کنند و فهم کنند ـ در مقابلش این‌جور جوانها هم هستند که عرض کردم بحمدالله روزبه‌روز زیاد میشوند. پس صبر کردن یعنی تسلیم نشدن، دچار ضعف نشدن، دچار تردید نشدن، با شجاعت و عقل جلوی دشمن را گرفتن و دشمن را مغلوب کردن، که آن وقت در قرآن میفرماید: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِئَتَيْنِ»[2]؛ ده نفرِ شما با صد نفر، و بیست نفرِ شما با دویست نفر از آنها میتوانید روبه‌رو بشوید و غلبه کنید؛ این در یک شرایطی است؛ در یک شرایطی ده برابر، در یک شرایطی دو برابر، میتوانید شما با آنها مواجه بشوید.[3]

• ایمان به خدا؛ ضدّ طمع‌ورزی دشمن

ما از اصول خود دست نکشیدیم و همان حرف حقّ قوی را که روز اوّل

---

۱. سوره‌ی شوری، بخشی از آیه‌ی ۳۸؛ «و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنها است.»
۲. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۵؛ «هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه میکنند.»
۳. در سخنرانی نوروزی خطاب به ملّت ایران ۱۳۹۹/۱/۳

زدیم، تا آخر زدیم و به فضل پروردگار تا قطره‌ی خونی در رگها و نفسی در کالبد داریم، آن را خواهیم گفت. راز ایستادگی و اقتدار این نظام این است که آحاد آن با خدا رابطه‌ی قلبی و اعتقادی و پیوند ولایتی دارند. مردم ایران ثابت کردند که دشمن نمیتواند به آنها طمع ورزد؛ علّتش همین ایمان به خدا و کار برای رضای او است.[1]

• شکست حتمی دشمن در مقابل عزم و اراده‌ی مؤمنان

مسلمانان با همکاری و تکیه بر مبانی مشترکی که قرآن و سنّت بدان ناطق است قدرت خواهند یافت که در برابر این اهریمن چندچهره بایستند و آن را مغلوب اراده و ایمان خود سازند. ایران اسلامی با پیروی از درسهای امام خمینی کبیر، نمونه‌ی بارز این مقاومتِ موفّق است. آنان در ایران اسلامی شکست خورده‌اند. سی سال ترفند و توطئه و دشمنی از کودتا و جنگ تحمیلی هشت‌ساله، تا تحریم و مصادره‌ی اموال، و از جنگ روانی و تبلیغاتی و صف‌بندی رسانه‌ای تا تلاش برای جلوگیری از رشد علمی و دستیابی به دانشهای نوین و از جمله دانش هسته‌ای، و حتّی تحریک و دخالت آشکار در ماجرای پرشکوه و پرمعنای انتخابات اخیر، همه و همه به صحنه‌هایی از شکست و انفعال و سرگردانی دشمن تبدیل شد و آیه‌ی «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»[2] در برابر چشم ایرانیان بار دیگر مجسّم گشت. در هر نقطه‌ی دیگر نیز که مقاومتِ برخاسته از عزم و ایمان، مردم را به مصاف مستکبران پرمدّعا کشانید، پیروزی نصیب مؤمنان و شکست و رسوایی سرنوشت حتمی ستمگران شد. فتح نمایان ۳۳ روزه در لبنان و جهاد سرافراز و پیروز غزّه در سه سال اخیر، شاهد زنده‌ی این حقیقت است.[3]

---

۱. برگرفته از بیانات در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور ۱۳۶۸/۴/۵

۲. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۷۶؛ «نیرنگ شیطان ضعیف است».

۳. پیام به کنگره‌ی عظیم حج سال ۱۴۳۰، ۱۳۸۸/۹/۵

• شرط تحقّق وعده‌ی الهی در مواجهه با دشمنان

وعده‌ی الهی این است که ملّتهای مسلمان را عزیز کند. این یک‌شبه که ممکن نیست؛ بدون تلاش و عمل هم ممکن نیست. وعده‌ی الهی این بود که هر ملّتی در راه خدا مبارزه کند و ایمان داشته باشد، پیروز شود. بسیار خوب؛ شما ملّت ایران ایمان داشتید، مبارزه کردید، پیروز شدید. وعده‌ی الهی این است که شما بعد از این پیروزی، با دشمنان خدا درگیر خواهید شد و اگر پافشاری و صبر و ایستادگی کنید، باز هم پیروز خواهید شد؛ یعنی هم وعده‌ی پیروزی هست، هم وعده‌ی درگیری هست. آری؛ وقتی که قدرت الهی، قدرت اسلام، قدرت قرآن، قدرت معنویّت، در یک جا علم برمی‌افرازد، کسانی که مخالف معنویّتند، دشمنی میکنند؛ کسانی که اهل ظلمند، دشمنی میکنند؛ کسانی که اهل فساداند، دشمنی میکنند؛ کسانی که به هر جهتی معنویّت و دین را برنمیتابند، دشمنی میکنند. «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَٰذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا»[1]. وقتی در جنگ احزاب، قریش از یک طرف، یهود از یک طرف، سقیف از یک طرف و انواع و اقسام دشمنان از اطراف حمله کردند و مدینه را محاصره نمودند، در آنجا مردم دو دسته شدند؛ مؤمنین یک طور، غیر مؤمنین و کسانی که «وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»[2] بود، یک طور دیگر. آنهایی که در دلشان مرض بود میگفتند: «مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا»[3]؛ ما فریب خوردیم؛ اسلام نتوانست به ما عزّت و امنیّت دهد و ما را نجات بخشد. ببینید؛ اطراف مؤمنین را محاصره کرده بودند. این حزبها و گروه‌های دشمن، شرقی‌اش، غربی‌اش، همسایه‌اش، دوردستش، همه

---

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۲؛ «و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: "این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند." و جز بر ایمان و فرمان‌برداری آنان نیفزود.»

۲. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «کسانی که در دلهایشان بیماری است.»

۳. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند.»

دست‌به‌دست هم داده بودند، سر به هم آورده بودند و به دولت اسلامی حمله کرده بودند؛ امّا مؤمنین میگفتند: «هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ»[1]؛ ما تعجّب نمیکنیم. این همان چیزی است که خدا و پیامبر به ما وعده کرده بودند. وعده‌ی خدا و پیامبر این است که «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ»[2]. شما که مؤمنید، در راه خدا مبارزه میکنید. آنهایی که با خدا میانه‌ای ندارند، در راه طاغوت مبارزه میکنند. آری، آنها هم مبارزه میکنند؛ ولی «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»[3]؛ اگر مبارزه کردید، اگر ایستادید، اگر صبر و ثبات خودتان را از دست ندادید، شما پیروزید؛ امّا اگر رها کردید، احساس ضعف کردید، احساس نومیدی کردید، عقب‌گرد کردید، نه.[4]

ATwie4Aj6/aUCtjwwA16a5==

• انبیا؛ الگوی ایستادگی در مصاف با دشمن

راز اصلی این است که انبیا از میدان درنرفتند و شکست یکی از آنها، باعث نشد که دیگری به مصاف باطل نرود. همه‌ی انبیا ـ مگر تعداد کمی ـ در زمان حیات خود، از طرف دشمنانشان ضربه خوردند. در عین حال نتیجه‌ی کار این مجموعه‌ای که یا کشته یا سوزانده شدند یا زندان رفتند یا زنده‌زنده ارّه شدند و آن همه از قدرتمندان شکنجه کشیدند، این است که امروز دنیا زیر پرچم معارف انبیا است و هر جای دنیا که شما بروید، می‌بینید که معارف انبیا مطرح است و همه‌ی اخلاقیّات خوب و

---

۱. سوره‌ی احزاب بخشی از آیه‌ی ۲۲؛ « این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند.»

۲. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۷۶؛ «کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا کارزار میکنند؛ و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت میجنگند.»

۳. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶؛ «پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.»

۴. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۱۰/۴

ایـن همه نامهای زیبا، مثل عدالت و صلح و... به خاطر تعلیمات انبیا است. راز همه‌ی اینها، خسته نشدن و از میدان درنرفتن است. در دوران امام حسین(علیه‌السّلام) و آن بخش از تاریخ اسلام که این‌قدر فاجعه‌آفرینی شده اسـت، این اصل وجود نداشـت؛ به خاطر اینکه آنها با هم پیوند و ارتباط نداشتند و زود احساس شکست میکردند و زود خسته میشدند و میدان را خالی میکردند؛ در نتیجه دشمن هم جلو می‌آمد.[1]

• جنگ اُحد؛ عبرت از کوتاهی و تقصیر در اعمال

گناهان در زندگی انسان، علاوه بر این جنبه‌ی معنوی، عدم موفّقیّتهایی را نیـز به بـار می‌آورند. بسیـاری از میدانهای تحرّک بشـری وجود دارد که انسان به خاطر گناهانی که از او سر زده است، در آنها ناکام میشود. اینها البتّه توجیه علمی و فلسـفی و روانی هم دارد؛ صرف تعبّد یا بیان الفاظ نیسـت. چطور میشود که گناه، انسان را زمین‌گیر میکند؟ مثلاً در جنگ اُحد، به خاطر کوتاهی و تقصیر جمعی از مسلمین، پیروزی اوّلیّه تبدیل به شکسـت شد. یعنی مسلمین، اوّل پیروز شـدند، ولی بعد کمان‌دارانی که باید در شکاف کوه می‌نشستند و پشت جبهه را نفوذناپذیر میکردند، به طمع غنیمت، سنگر خودشان را رها کردند و به طرف میدان آمدند و دشمن هم از پشت، آنها را دُور زد و با یک شبیخون، حمله‌ای غافلگیرانه کرد و مسلمانان را تارومار نمود. شکست اُحد، از اینجا به وجود آمد.[2]

• امام علی و امام حسین(علیهماالسّلام)؛ الگوی نهراسیدن و الگوی قیام

انسـانی که در راه خدا با دشمن، با موارد غرض‌ورزی، آن‌چنان سخت و

---

۱. در دیـدار فرماندهـان، مسـئولان و کارکنـان سـپاه پاسـداران انـقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و جمعی از جانبازان انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۴/۱۰/۵

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

قاطع برخورد میکند؛ امّا در مقابل انسانهای مظلوم، انسانهای ضعیف، آن‌چنان خاکسار است، آن‌چنان بردبار است که کسی باور نمیکند این امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) است. اوایلی که امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) وارد کوفه شده بودند و مردم آن حضرت را نمی‌شناختند، رفتار آن حضرت، لباس آن حضرت، مشی آن حضرت، جوری بود که هیچ کس تو کوچه و بازار که حضرت راه میرفت، نمیفهمید که امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) به آن عظمت، همین شخصی است که دارد به طور معمولی و عادی راه میرود. در مقابل مردم ضعیف، مردم معمولی، این‌چنین متواضع و بردبار و خاکسار است؛ همان کسی که در مقابل دشمنان قَدَر، دشمنان گردن‌کلفت، آن‌چنان قاطع مثل کوه می‌ایستد؛ اینها الگو است.[1]

بعد از آنکه اسلام، اشرافیّت را قلع‌وقمع کرده بود، یک طبقه‌ی اشراف جدید در دنیای اسلام به وجود آمد. عناصری با نام اسلام، با سمتها و عناوین اسلامی ـ پسر فلان صحابی، پسر فلان یار پیغمبر، پسر فلان خویشاوند پیغمبر ـ در کارهای ناشایست و نامناسب وارد شدند، که بعضی از اینها، اسمهایشان در تاریخ ثبت است. کسانی پیدا شدند که برای مهریّه‌ی دخترانشان، به جای آن مهرالسّنّه‌ی ۴۸۰ درهمی که پیغمبر اکرم(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) و امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) و مسلمانان صدر اسلام مطرح میکردند، یک میلیون دینار، یک میلیون مثقال طلای خالص قرار دادند! چه کسانی؟ پسران صحابی‌های بزرگ، مثلاً مصعب‌بن‌زبیر و از این قبیل. وقتی میگوییم فاسد شدن دستگاه از درون، یعنی این. یعنی افرادی در جامعه پیدا شوند که بتدریج بیماری اخلاقی مسری خود ـ دنیازدگی و شهوت‌زدگی ـ را که متأسّفانه مهلک هم هست، همین‌طور به جامعه منتقل کنند. در چنین وضعیّتی، مگر

---

۱. در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیرخم ۱۳۸۷/۹/۲۷

کسی دل و جرئت یا حوصله پیدا میکرد که به سراغ مخالفت با دستگاه یزیدبن‌معاویه برود؟! مگر چنین چیزی اتّفاق می‌افتاد؟ چه کسی به فکر این بود که با دستگاه ظلم و فساد آن روز یزیدی مبارزه کند؟ در چنین زمینه‌ای، قیام عظیم حسینی به وجود آمد، که هم با دشمن مبارزه کرد و هم با روحیّه‌ی راحت‌طلبی فسادپذیر رو به تباهی میان مسلمانان عادی و معمولی. این مهم است. یعنی حسین‌بن‌علی(علیه‌السّلام)، کاری کرد که وجدان مردم بیدار شد. لذا شما می‌بینید بعد از شهادت امام حسین(علیه‌السّلام)، قیامهای اسلامی یکی پس از دیگری به وجود آمد. البتّه سرکوب شد؛ امّا مهم این نیست که حرکتی از طرف دشمن سرکوب شود. البتّه تلخ است؛ امّا تلخ‌تر از آن، این است که یک جامعه به جایی برسد که در مقابل دشمن، حال عکس‌العمل نشان دادن پیدا نکند. این، خطر بزرگ است... اینکه «الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَوِلادَتِهِ»[1]؛ اینکه از قبل از ولادت آن بزرگوار «بَكَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فِيها وَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْها»[2]؛ حسین‌بن‌علی(علیه‌السّلام) را در این عزای بزرگ مورد توجّه قرار دادند و عزای او را گرامی داشتند و به تعبیر این دعا یا زیارت، بر او گریه کردند، به این خاطر است. لذا شما امروز وقتی نگاه میکنید، اسلام را زنده‌شده‌ی حسین‌بن‌علی(علیه‌السّلام) میدانید. او را پاسدار اسلام میدانید.[3]

• درسهای عاشورا، مقابله با دشمن

عاشورا پیامها و درسهایی دارد. عاشورا درس میدهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس میدهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت.

---

۱. بحارالانوار، ج۹۸، ص۳۴۷؛ «پیش از ولادتش وعده به شهادتش شده است.»
۲. همان؛ «هنوز پا به این جهان نگذارده، آسمان و زمین بر حسین(ع) گریستند.»
۳. در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی به مناسبت سوّم شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۶

درس میدهد که در میدان نبرد حق و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضیع و امام و رعیّت، با هم در یک صف قرار میگیرند. درس میدهد که جبههی دشمن با همهی توانایی‌های ظاهری، بسیار آسیب‌پذیر است ـ همچنان که جبههی بنی‌امیّه، به وسیلهی کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید، و بالاخره هم این ماجرا، به فنای جبههی سفیانی منتهی شد ـ درس میدهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرت‌ها فریب میخورند. بی‌بصیرت‌ها در جبههی باطل قرار میگیرند؛ بدون اینکه خود بدانند. همچنان که در جبههی ابن‌زیاد، کسانی بودند که از فسّاق و فجّار نبودند، ولی از بی‌بصیرت‌ها بودند.[1]

• زینب کبری(سلام‌الله‌علیها) الگوی ایستادگی در برابر دشمن

بانوی ما، زینب کبری(سلام‌الله‌علیها)، خطاب به سیه‌روی‌ترین انسانهای زمان خود فرمود: «کِدْ کَیْدَکَ وَاسعَ سَعْیَکَ... فَوَ اَللَّهِ لاَ تَمْحُو ذِکْرَنَا»[2]؛ امروز ملّت ایران و مسئولان این کشور، همان سخن را به دشمنان زورگو و یاوه‌گوی جمهوری اسلامی میگویند. آنهایی که در موضع مسئولان کشور آمریکا یا هر گوشه‌ی دیگر دنیا، علیه ملّت ایران سخنان یاوه میگویند و زشتی‌های خودشان را به ملّت و دولت ایران نسبت میدهند، خودشان تروریست و زورگویند. آنان بدکاره و نژادپرستند. آنان از حل کردن ابتدایی‌ترین مشکلات اجتماعی خود، یعنی مسئلهی نژاد و سیاه و سفید، عاجزند. امروز همین سخنان را ملّت و نظام ایران خطاب به

---

۱. در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجّاد(ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲

۲. لهوف، ص۱۸۵؛ «کیدت را و سعیت را به کار بگیر؛ به خدا نمیتوانی یاد ما را محو نمایی.»

آنها میگوید: «کِدْ کَیْدَکَ وَاسعَ سَعْیَکَ... فَوَ اَللَّهِ لاَ تَمْحُو ذِکْرَنَا»؛ مگر شما میتوانید کمترین آسیبی به جمهوری اسلامی برسانید؟! شما خواهید مرد؛ شما خواهید رفت. شما مانند آن امپراتوری دیگر، زایل خواهید شد و پرچم اسلام روزبه‌روز، برافراشته‌تر خواهد شد. ملّت ایران و هر کس که متمسّک به اسلام است، روزبه‌روز زنده‌تر خواهد شد.[1]

• اعتقاد به مهدویّت نقطه‌ی مقابل تبلیغات ظالمانه‌ی دشمن

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکرانِ وابسته به آنها، در سطح عالم این‌طور تبلیغ میکنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه‌ی کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمان‌گرایی مبارزه میکنند و میخواهند ملّتها را متقاعد کنند که به همین وضعیّت کنونی ظالمانه‌ی دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه‌ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملّت ما با اعتقاد به ظهور مهدی(علیه‌الصّلاة‌والسّلام) این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم ظالمانه‌ی جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.[2]

• وظیفه‌ی منتظران موعود در برابر دشمن

بزرگ‌ترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدّس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدّس

---

۱. در مراسم صبحگاه نیروی هوایی ۱۳۷۴/۹/۲۶

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلّای تهران ۱۳۸۱/۷/۳۰

شرکت میکردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، میتواند ادّعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. امّا کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را میبازند و زانوانشان سست میشود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور میتوانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقّق صلاح بایستد.[1]

• مسدود بودن راه دشمن با حاکمیّت دین

در اوّل انقلاب، دو جریان در مقابل هم قرار گرفتند؛ یک جریان، جریان انقلاب و دین و حاکمیّت قرآنی و اسلامی و مبانی دینی و ارزشهای دینی بود ـ که امام و قاطبه‌ی ملّت این راه را دنبال میکردند ـ یک جریان هم جریانی بود که به حاکمیّت دین خدا در این کشور راضی نبود. البتّه بعضی از اینها مردمانی بودند که انگیزه‌شان ضدّیّت با اصل دین بود. بعضی دیگر هم انگیزه‌شان حمایت از حضور آمریکا و قدرتهای بیگانه بود؛ امّا به خودی خود با دین کاری نداشتند. بعضی‌شان علی‌الظّاهر متدیّن هم بودند، ولی میدانستند که وقتی نظام و دولتی بر اساس دین و مبانی دینی بر سر کار باشد، دخالت قدرتهای مستکبر و بیگانه امکان‌پذیر نیست؛ این را خوب میفهمیدند. لذا به جای اینکه در این مسئله و آن مسئله با نظام مباحثه و مجادله کنند، اصل قضیّه را مورد سؤال قرار میدادند: چرا باید دین در مسائل جامعه دخالت کند؟ چرا باید متولّیان امور دینی

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلّای تهران ۱۳۸۱/۷/۳۰

ـیعنی علمای دینـ اصلاً کاری به کار جامعه داشته باشند؟ چرا باید فقه اسلام که امور زندگی مردم ـاعمّ از دنیا و آخرتـ را بر اساس حکم الهی معیّن میکند، در قانون و جعل قانون و انتخاب مسئول و امثال اینها دخالت داشته باشد؟ بنابراین، بنا کردند با اصل دین مقابله کردن. میدانستند که تا دین و حاکمیّت دینی هست، از هیچ طرف راهی برای دشمن وجود ندارد... فقط در حاکمیّت دینی است که اراده‌ی مردم، همراه با عشق، با شور، با ارادت و با اخلاص، همه‌ی وجود آنها را در مقابله‌ی با دشمن بسیج میکند. در غیر نظام دینی، چنین چیزی ممکن نیست. این نکته‌ی خیلی مهمّی است. راه اینکه پشتیبانی مردم را از یک نظام جدا کنند، این است که اعتقادات آنها را در دفاعشان دخالت ندهند؛ بین حضور و اراده و اعتقادات آنها ـآن هم اعتقادات دینیـ انفکاک ایجاد کنند؛ که میدانید فرق اعتقاد دینی با اعتقاد حزبی و سیاسی این است که اعتقاد دینی، ایمان است و در آن، عشق و شور هست.[1]

• کوتاه شدن دست دشمن، سنّت الهی

این، سنّت خدا است. مال زمان ما هم نیست. در هر زمانی که عدّه‌ای از مؤمنین به اقامه‌ی دین کمر ببندند، خدا به آنها توفیق خواهد داد. این، وعده‌ی صریح قرآن و سنّت لایتغیّر الهی است. امروز عدّه‌ای به اقامه‌ی این دین، برافراشتن پرچم دین و تحکیم احکام و قوانین آن کمر بسته‌اند؛ خدای متعال هم اراده‌اش بر این قرار گرفته است که این خواست را منجّز و دست دشمن را کوتاه کند و کوتاه هم خواهد کرد. نگرانی ندارد که کسی در گوشه و کنار، نگران این مسائل باشد.[2]

همه‌ی ما در مقابل اسلام و انقلاب و دین و قرآن، مسئول و مدیون و

---

۱. در دیدار مسئولان قوّه‌ی قضائیّه و خانواده‌های معظّم شهدای هفتم تیر ۱۳۷۸/۴/۷

۲. در دیدار نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۴/۳/۸

بدهکاریم، که باید این بدهکاری را اداء کنیم. امروز بحمدالله در سطح عالم، نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مستحکم و تثبیت‌شده و کاملاً جاافتاده معرّفی شده و دشمن را دچار حیرت کرده است. این، به برکت ایمان قوی مردم و مخصوصاً وفاداری عموم قشرهای ملّت نسبت به امام و انقلاب است.[1]

• متأثّر نشدن از دشمن، نشانه‌ی رحمت الهی

ما به دل خودمان نگاه میکنیم، به دل مردممان نگاه میکنیم، رحمت الهی را مشاهده میکنیم. وقتی می‌بینیم عزممان راسخ است، وقتی می‌بینیم تحریک دشمن ما را متحرّک نمیکند، اخم او ما را نمیترساند، وعده‌ی او ما را به او دل‌خوش و خوش‌بین نمیکند، میفهمیم رحمت الهی است؛ خدای متعال پشت سر همه‌ی این عوامل ظاهری و مادّی است؛ دست قدرتمند الهی پشت این نظام است و دارد او را به پیش میبرد؛ دارد هدایت میکند. «اللهُمَّ إِنَّمَا یَکْتَفِی الْمُکْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِکَ»[2]. در دعای صحیفه‌ی سجّادیّه ـ من توصیه میکنم همه‌ی شما را که با صحیفه‌ی سجّادیّه انس پیدا کنید؛ دعاهای امام سجّاد(سلام‌الله‌علیه)ـ آمده: همه‌ی کسانی که در دنیا قدرتی دارند، اکتفای ذاتی‌ای دارند، ریزه‌خوار قدرت تو هستند؛ در مشت قدرت تو هستند. «فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اکفِنَا وَ اِنَّما یُعطِی المُعطونَ مِن فَضلِ جِدَتِکَ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَعطِنَا وَ إِنَّمَا یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اهْدِنَا»[3]. اعتماد به خدا، اکتفای به کفایت الهی، پشت‌گرمی به رحمت و هدایت خدا، مگر میگذارد انسان ناامید شود.[4]

---

۱. برگرفته از بیانات در دیدار جمعی از اصناف و روستاییان ۱۳۶۸/۴/۱۴
۲. صحیفه‌ی سجّادیّه، دعای پنجم
۳. همان
۴. در دیدار روحانیّون و طلّاب تشیّع و تسنّن کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳

• سرّ ناکامی دشمن در مقابله با جمهوری اسلامی

نظامی که بر اساس بعثت بنا شده باشد، هدفش، سعادت و زندگی راحت برای بشر است و این، جز با آن دو هدف، تأمین نمیشود. اگر این‌طور شد، دیگر دشمنی‌ها هم اثر نمیکند. بسیاری متحیّرند که چه شد آن روزی که دو ابرقدرت بودند و هر دو ابرقدرت علیه ما اقدام میکردند، نتوانستند به جمهوری اسلامی آسیبی برسانند! امروز هم که یک ابرقدرت نابود شده و یکی مانده است، او و همدستانش ـ چه دولتهای پیشرفته و چه دولتهای ضعیفی که از روی حقارت و ذلّت، همدستی آمریکا را پذیرفته‌اند و با هم تلاش میکنند ـ نمیتوانند به جمهوری اسلامی، ضربه‌ی کاری وارد کنند. سرّش، همین ایمان، توجّه و پایبندی مردم به دین، حضور معنویّت در زندگی مردم و این احساس است که نظام جامعه به سمت عدالت حرکت میکند.[1]

ATvie4AyJaGctjzWAd6ag==

اقدام مؤثّر در برابر دشمن

• مقصود از جهاد و مبارزه

مقصود از مبارزه این است که ملّت ایران، در مقابل کید و تعرّض و دست‌اندازی و تلاشهای سیاسی دشمن و انواع و اقسام کارهایی که میکند تا دوباره کشور ایران را به یکی از اقمار خود تبدیل نماید، با شدّت و قدرت خواهد ایستاد و مقاومت خواهد کرد. مبارزه، یعنی این. مبارزه با استکبار، یعنی هر جا که در سطح جهان، دستمان برسد، نسبت به استکبار، افشاگری خواهیم کرد. هر جایی که مظلومی، از ظلم استکبار دچار آسیب است و به جان آمده، ما هر طور بتوانیم، طرف آن مظلوم را خواهیم گرفت.[2]

---

۱. در دیدار کارگزاران در روز عید مبعث ۱۳۷۴/۹/۲۹

۲. در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹

در دوران اختناق و مبارزه، بعضی که آن گونه مبارزات را قبول نداشتند یا نمیفهمیدند ـافرادی که معرفت سیاسی‌شان کم بود و نمیفهمیدند که چرا باید مبارزه و جهاد کردـ امّا آدمهای مؤمنی بودند، میگفتند: «ای کاش وسیله‌ای فراهم شود، تا ما برویم در جایی که دشمن خدا هست، شمشیر بزنیم. در جبهه‌ها و سنگرها بجنگیم و از فضیلت جهاد برخوردار شویم.» دلشان به سوی چنان حالتی پرواز میکرد. جهاد در اختیار هر کس قرار نمیگیرد! جهاد با دشمن و در میدان خطر، در اختیار هر کس قرار نمیگیرد![1]

• پایش پیوسته‌ی حرکات دشمن

هنگامی که دشمن حمله میکند، ابتکار عمل در دست او است؛ شما باید کاملاً حواستان جمع باشد و مثل جبهه‌ی جنگ آمادگی خود را حفظ کنید؛ چون ما نمیدانیم که دشمن از کجا حمله خواهد کرد؛ ممکن است از جبهه‌ی میانی و یا بالا و پایین حمله کند. به هر حال، باید در همه جا بیدار باشیم. باید در طول جبهه‌ای که یقیناً از لحاظ معنوی بمراتب طولانی‌تر از مرزهای ما است، دائماً بیدار باشید و فوراً ضربه را به خودشان برگردانید. صحنه‌ای که شما درگیر آن هستید، صحنه‌ی بسیار عجیبی است. شاید در میان سنگرهایی که جمهوری اسلامی مبارزه میکند ـمبارزه به معنای خاصّ آن و دست‌به‌یقه شدن و ضربه زدن و ضربه خوردنـ هیچ سنگری بافضیلت‌تر از سنگر شما نباشد؛ چون همیشه و در همه جا، خطر از ناحیه‌ی نفوذ اطّلاعاتی دشمن بیشتر است. در قضیّه‌ی جنگ هم اگر ما بیشتر میزدیم و کمتر میخوردیم، به خاطر این بود که کار اطّلاعاتی شایسته و ممتازی انجام میدادیم. با چشم بسته که نمیشود به جنگ رفت؛ باید با چشم

---

۱. در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف سپاه پاسداران ۱۳۷۳/۶/۲۹

باز دشمن را دید و محلّ پرتاب ضربه‌اش را برآورد کرد، تا متقابلاً پاسخ کوبنده‌تری به او داد.[1]

• توسعه‌ی تقوا و ارزشها

همه‌ی سعی دولت محترم و خدمتگزار، این باشد که ارزشهای اسلامی را هر چه بیشتر در جامعه زنده کند. بالاترین ارزش هم، ارزش تقوا است. تقوا عاملی است که ما را در راه اسلام حفظ میکند. تقوا یعنی اینکه مواظب خود باشیم... هر فردی از آحاد مردم، در هر جای کشور که زندگی میکند، مراقب باشد که از جادّه‌ی اسلام تخطّی نکند. اسلام وعده‌ی نصرت داده است. قرآن وعده‌ی پیشرفت و موفّقیّت در همه‌ی ابعاد زندگی داده است و دنیا و آخرت ملّت را آباد میکند. همچنان که به فضل پروردگار، در همین مدّت کوتاه که اسلام در این کشور حاکم شده است، کارهایی برای زندگی مردم انجام شده که قابل مقایسه با دوران گذشته نیست.[2]

• آمادگی و مجاهدت در برابر دشمن درونی و بیرونی

در برابر دشمن با نگاه دقیق، ارزیابی خودتان از دشمن را واقعی کنید. هشیاری را هم با ترس اشتباه نگیرید؛ اصلاً از دشمن نترسید؛ هر چه هم دشمن قوی باشد، بزرگ باشد، نترسید؛ چون آن‌قدرت ایمانی را که شما دارید، دشمنتان ندارد، در هر حجمی که باشد؛ امّا حجم دشمن را بشناسید. «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد»؛ هیچ دشمنی را ـ دشمن کوچک و دشمن بزرگ را ـ حقیر، ناتوان، بیچاره، غیر قابل اعتنا به حساب نیاورید.[3]

---

۱. برگرفته از بیانات در مراسم بیعت جمعی از مسئولان وزارت اطلاعات و ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸/۴/۱۸

۲. در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۷۳/۶/۴

۳. در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه ۱۳۹۸/۷/۱۰

امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام)، شیر میدان نبرد با دشمن است و هنگامی که سخن میگوید آدم انتظار دارد نصف بیشتر سخنان او راجع به جهاد و جنگ و پهلوانی و قهرمانی باشد؛ امّا وقتی در روایات و خطب نهج‌البلاغه‌ی او نگاه میکنیم، می‌بینیم اغلب سخنان و توصیه‌های آن حضرت راجع به زهد و تقوا و اخلاق و نفی و تحقیر دنیا و گرامی شمردن ارزشهای معنوی و والای بشری است. ماجرای امام حسین(علیه‌السّلام)، تلفیق این دو بخش است. یعنی آنجایی که هم جهاد با دشمن و هم جهاد با نفس، در اعلی مرتبه‌ی آن تجلّی پیدا کرد، ماجرای عاشورا بود. یعنی خدای متعال میداند که این حادثه پیش می‌آید و نمونه‌ی اعلایی باید ارائه شود و آن نمونه‌ی اعلی، الگو قرار گیرد. مثل قهرمانهایی که در کشورها، در یک رشته مطرح میشوند و فرد قهرمان، مشوّق دیگران در آن رشته از ورزش میشود. البتّه، این یک مثال کوچک برای تقریب به ذهن است. ماجرای عاشورا عبارت است از یک حرکت عظیم مجاهدت‌آمیز در هر دو جبهه؛ هم در جبهه‌ی مبارزه با دشمن خارجی و برونی، که همان دستگاه خلافت فاسد و دنیاطلبان چسبیده به این دستگاه قدرت بودند و قدرتی را که پیغمبر برای نجات انسانها استخدام کرده بود، آنها برای حرکت در عکس مسیر اسلام و نبیّ مکرّم اسلام(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) میخواستند، و هم در جبهه‌ی درونی، که آن روز جامعه به طور عموم به سمت همان فساد درونی حرکت کرده بود.[1]

• اندیشه‌ورزی سیاسی؛ آنچه دشمن نمیخواهد

بنده دلم میخواهد این جوانان ما، شما دانشجویان، چه دختر، چه پسر و حتّی دانش‌آموزان مدارس روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف

۱. در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی به مناسبت سوّم شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۶

واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن دستهایی را که تلاش کرده‌اند و میکنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمیفهمند، جریانهای سیاسی دنیا را نمیفهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری میتواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند؟! بله، اگر حکومت استبدادی باشد، میشود. حکومتهای مستبدّ دنیا، صرفه‌شان به این است که مردم سیاسی نباشند؛ مردم درک و تحلیل و شعور سیاسی نداشته باشند. امّا حکومتی که میخواهد به دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد، نظام را میخواهد با قدرت بی‌پایان مردم به سرمنزل مقصود برساند و مردم را همه چیز نظام میداند، مگر مردمش ـ بخصوص جوانان، و بالاخص جوانان دانشجویش ـ میتوانند غیر سیاسی باشند؟! مگر میشود؟! عالم‌ترین عالمها و دانشمندترین دانشمندها را هم، اگر مغز و فهم سیاسی نداشته باشند، دشمن با یک آبنبات ترش میتواند به آن طرف ببرد؛ مجذوب خودش کند و در جهت اهداف خودش قرار دهد! این نکات ریز را، باید جوانان ما درک کنند.[1]

• جهاد فکری عاملی برای مقابله با دشمن

یکی از جهادها، «جهاد فکری» است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هر کس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی شود، از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده میشود.[2]

---

۱. در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملّی مبارزه با استکبار ۱۳۷۲/۸/۱۲

۲. در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمّدرسول‌الله(ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰

اگر دشمن با امواج خبری وارد کشور ما شود، با رادیوهایش وارد کشور ما شود و حرفهایش را وارد کشور ما کند و در ذهن ملّت این‌طور وارد کند که «مبارزه خوب نیست؛ دفاع از اسلام فایده‌ای ندارد؛ ایستادگی در مقابل دشمن ثمری ندارد؛ هر چه زحمت بکشید و مبارزه کنید، ضرر کرده‌اید.» آیا باز هم در مملکت ایران، مبارزه‌ای علیه دشمنان اسلام باقی خواهد بود؟! معلوم است که نه! خیلی از مسلمانان در دنیا هستند که با آمریکا و دشمنان اسلام مبارزه نمیکنند. خیلی ملّتها هستند که قرآن هم میخوانند، نماز هم میخوانند، عبادت هم میکنند، امّا با دشمن اسلام مبارزه نمیکنند که هیچ، با آنها دوستی هم میکنند! اگر دشمن بتواند ملّت ما را به ملّتی که اعتقادی به مبارزه ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهوانی و مادّی ندارد، تبدیل کند، پیروز شده است. اینجا است که مبارزه‌ی فرهنگی، مبارزه‌ای واجب‌تر از واجب میشود.[1]

ATvie4Ai6faUCqzwAd6ag==

• جهاد اقتصادی و عقیم کردن تلاش دشمن

توسعه‌ی تحریمها و تنوّع تحریمها در سالهای اخیر بیشتر بوده، لیکن در مقابلِ توسعه و تنوّع فعّالیّتهای سازنده در کشور، کوچک و ناچیز است. سی سال پیش که تحریمها را علیه ما شروع کردند، آن تحریمها ممکن بود علیه ما کارگرتر واقع بشود تا تحریمهایی که امروز علیه ما دارند تصویب و اجرا میکنند و همین‌طور هی وعده هم میدهند که بیشترش خواهیم کرد. این معنایش این است که ما در مقابل تحریمها تدریجاً یک حالت ضدّ ضربه پیدا کردیم؛ میتوانیم به شکلهای مختلف با تحریمها مقابله کنیم: یا با دُور زدن تحریمها ـ که شگرد خوب و جالب و ظریفی است و خوب است که دولت و ملّت این شگرد را به کار ببرند ـ یا از

---

۱. در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگر و روز معلّم ۱۳۷۲/۲/۱۵

جهت رو آوردن به ظرفیّتهای درونی‌ای که کار بنیادی و زیربنایی است و حتماً باید انجام بگیرد و تا حالا هم انجام گرفته.[1]

• تقویت و استحکام نظام اسلامی مایه‌ی یأس دشمنان

امروز دشمن در مقابل نظام جمهوری اسلامی، با همه‌ی سازوبرگ خود از لحاظ نظامی، از لحاظ سیاسی، از لحاظ تبلیغی و از لحاظ فرهنگی وارد میدان شده است؛ امّا در عین حال انسان بروشنی درمی‌یابد که دشمن مأیوس است. دشمن احساس میکند با این نظام مستحکم درگیر شدن و به آن خدشه وارد آوردن، کار او نیست، امیدش به این است که ما که مسئولیّتهای این نظام را بر دوش داریم، خودمان عوامل شکست خود را فراهم کنیم. ما اگر خودمان عوامل شکست را فراهم نکنیم، دشمن نمیتواند کاری کند. بزرگ‌ترین مصیبت برای یک ملّت این است که مسئولان در میان آن ملّت، از مسئولیّتهای حقیقی خودشان غافل بمانند؛ از آن چیزی که خدا از آنها خواسته است و پایه‌ی اصلی مسئولیّت آنها است، غافل بمانند؛ به چیزهای کم‌اهمّیّت سرگرم و مشغول شوند؛ به نفع خود و نفع‌پرستی خود سرگرم و مشغول شوند؛ دل آنها به جای تپیدن برای وظیفه‌ی الهی، برای مسائل کوچک و حقیر بتپد. مسئولان در همه‌ی رده‌ها، در همه‌ی بخشها و در همه‌ی سازمانهای کشوری و لشکری نظام، باید متوجّه این مسئولیّت باشند و خدا را در نظر داشته باشند.[2]

علاج صحیح در مقابل تجاوز آمریکا، مستحکم کردن ساخت داخلی نظام است. نظامی که حقیقتاً متّکی به مردم است و مردم از آن دفاع

---

۱. در دیدار فعّالان و برگزیدگان بخشهای اقتصادی ۱۳۹۰/۵/۲۶

۲. در دیدار فرماندهان و گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۸/۸/۲۲

میکنند، در درون خودش مستحکم است. رخنه‌های گوناگونی که به یک نظام صدمه میزند، بسته شده است و هیچ قدرتی نمیتواند این نظام را از بین ببرد. ما میتوانیم ساخت داخلی را مستحکم کنیم؛ همان‌طور که امروز هم بحمدالله مستحکم است. آمریکایی‌ها این را میدانند؛ به طور کامل انسان میتواند این را در حرفهایشان بفهمد. آنها میدانند که وحدت این ملّت، ارتباطش با اسلام، استحکام پیوند بین نظام و مردم با توجّه به مبانی دینی و نقش ارزشهای دینی در این رابطه، به چه کیفیّتی است؛ میخواهند اینها را از بین ببرند. ما بنشینیم و تماشا کنیم که اینها بیایند یکی‌یکی این پیوندهای مستحکم را ببُرّند؟ یکایک ملّت ایران وظیفه دارند تا آنجایی که میتوانند، استحکام درونی نظام را که به همبستگی ملّت، همبستگی دلها، همبستگی ملّت با مسئولان نظام و وحدت کلمه در مجموعه‌ی ارکان نظام وابسته است، حفظ کنند.[1]

• مغلوب شدن در صورت همیاری نکردن

حضرت در خطبه‌ی سی‌وچهارم میفرمایند: «غُلِبَ وَ اللهِ المُتَخاذِلون»؛ حضرت سوگند یاد میکنند که اگر مؤمنان دست از یاریِ هم بردارند، شکست میخورند. «تخاذل» یعنی این به او کمک نکند، او به این کمک نکند؛ این معنای «تخاذل» است... خطاب به مردم آن زمان است، امّا در واقع خطاب به کلّ بشریّت است؛ مؤمنین باید به هم کمک کنند، مؤمنین بایستی پشتیبان هم باشند، مؤمنین بایستی از یکدیگر دفاع کنند، یاری کنند همدیگر را. شما می‌بینید دشمن در حال طرّاحی بر ضدّ شما است؛ به طور دائم، دشمنان دارند علیه شما طرّاحی میکنند؛ واقعاً به طور دائم؛ انسان میبیند طرّاحی‌های اینها را. حالا بعضی اوقات آنها خیال میکنند طرّاحی‌شان نامشهود است، امّا واقعاً مشهود است،

---

۱. در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

انسان میفهمد که چه کار دارند میکنند. خب در مقابل طرّاحی آنها، شما هم باید طرّاحی کنید... چون او مرتّب دارد طرّاحی میکند، ما نباید تسلیم طرّاحی او بشویم.[1]

• مرعوب نشدن در برابر تهدیدها

مرتّباً تهدید میکنند؛ تهدید به این زبان: همه‌ی گزینه‌ها روی میز است! یعنی حتّی گزینه‌ی جنگ. این، تهدید به جنگ است با این زبان. خب، این تهدید به جنگ، به ضرر آمریکا است؛ خود جنگ، ده برابر به ضرر آمریکا است. چرا این تهدیدها به ضرر آمریکا است؟ به خاطر اینکه خود این تهدیدها نشان‌دهنده‌ی عجز آمریکا از مقابله‌ی منطقی و مقابله‌ی گفتمانی است؛ یک گفتمانی در مقابل گفتمان جمهوری اسلامی ندارند؛ نمیتوانند در میدان مقابله‌ی فکری و منطقی، برای خودشان غلبه‌ای ایجاد کنند؛ مجبور میشوند توسّل به زور و تشبّث به زور بکنند. این معنایش این است که آمریکا جز زور، هیچ منطقی ندارد؛ جز خون‌ریزی، هیچ راهی برای پیشبرد خود ندارد. این، اعتبار آمریکا را بیش از آنچه تاکنون شکسته است، در چشم ملّتها و در چشم ملّت خودش خواهد شکست؛ این همان چیزی است که سرنوشت رژیمها را معیّن میکند. آن رژیمی، آن نظامی که اعتبارش در چشم مردم خودش بشکند، سرنوشتش معلوم است؛ مثل رژیم شوروی سابق. اتّفاقاً بعضی از صاحب‌نظران غربی همین چند روز قبل گفتند که امروز وضع آمریکا و غرب شبیه وضع شوروی سابق در سالهای اواخر دهه‌ی ۸۰ میلادی است که منجر به سقوط شد.[2]

هر ملّتی بخواهد مستقل زندگی کند و تحت سیطره‌ی قدرتهای

---

۱. در ارتباط تصویری با جلسه‌ی هیئت دولت ۱۳۹۹/۶/۲

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

بین‌المللی نباشد، با اخم و تهدید و زبان خشن و تیز آنها روبه‌رو خواهد شد. ملّت ما به این تهدیدها عادت کرده است... ملّت ایران با بی‌اعتنائی به تهدید دشمن، راه خود را ادامه داده است. امروز نظام جمهوری اسلامی و دولت برخاسته‌ی از انقلاب، توانایی‌هایش با آن روزی که این راه را آغاز کرد، زمین تا آسمان تفاوت کرده. امروز ملّت ایران قوی‌تر است و توانایی‌های او در زمینه‌های علمی، اقتصادی، تسلیحاتی و غیره بمراتب بالاتر است.[1]

• فشار دشمن و درستی راه ما

یک وقتی در یک جریانی، امام بزرگوار(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) میفرمودند که وقتی دشمن از انسان تعریف کند و دشمنی نکند، انسان در خودش شک میکند؛ وقتی بدگویی میکند و فشار می‌آورد، انسان خوشحال میشود و اطمینان پیدا میکند که راه درست است. اینکه دشمن فشار می‌آورد و الان هم با کمال شدّت فشار می‌آورَد، به خاطر درستی راه است. خب، این حکومتی که راهش درست است، برای مصلحت مردم است، در خدمت مردم است، حکومت حق است. ملاک حق و باطل اینجا معلوم شد.[2]

• مذمّت عقب‌نشینی در برابر دشمن

راه موفّقیّت این است که در مقابل دشمن، انسان یک قدم هم عقب‌نشینی نکند؛ وَالّا یک قدم عقب‌نشینی در مقابل دشمن، موجب تشجیع دشمن در چنگ انداختن و دست انداختن میشود. جمهوری اسلامی این افتخار را دارد که در طول این ۳۲ سال، یک قدم در مقابل

---

۱. در صحن جامع رضوی ۱۳۸۴/۱/۱

۲. در دیدار با جمعی از مسئولان و کارکنان نهادها و سازمانهای خدماتی و حمایت‌کننده از مستضعفان و محرومان ۱۳۶۸/۷/۱۲

دشمن عقب‌نشینی نکرد. با اینکه فشار زیاد بود؛ فشار نظامی بود، فشار امنیّتی بود، فشار تحریم بود، فشارهای سیاسی بود، فشارهای تبلیغاتی بود، ولی ما عقب‌نشینی نکردیم. و من به شما عرض بکنم؛ عزیزان من! برادران! خواهران! جوانان آگاه و روشنفکر این منطقه! بدانید ملّت ایران و مسئولین کشور بعد از این هم در مقابل باج‌خواهی و فشار دشمنان، یک قدم عقب‌نشینی نخواهند کرد.[1]

در این نقطه‌ای که دشمن روی او تمرکز پیدا کرده است، اگر ملّت عقب‌نشینی کند، اگر مسئولین عقب‌نشینی کنند و از این حقّ قطعی و روشن صرف نظر کنند، بدون تردید راه برای دست‌اندازی به حقوق ملّی برای دشمن باز خواهد شد.[2]

• پرهیز از جمود و تحجّر

آنهایی که به ارزشها توجّه میکنند و تحوّل و تغییر و پیشرفت را ندیده میگیرند، خطر تحجّر تهدیدشان میکند؛ باید مراقب باشند. آنهایی که به تحوّل و تغییر توجّه میکنند و ارزشها را در درجه‌ی اوّل قرار نمیدهند، خطر انحراف برایشان وجود دارد؛ اینها هم باید مراقب باشند. هر دو طرف باید مواظب باشند... اگر دو گروه این توجّه را داشته باشند، آن وقت جامعه میتواند جامعه‌ای باشد که با همان وحدتی که مورد نظر و لازم است، زندگی خودش را به سمت تکامل و تعالی‌ای که اسلام برای او در نظر گرفته، پیش ببرد.[3]

• ناتوانی ما و شکست‌ناپذیری دشمن؛ دو تلقین انحرافی

ما توانایی‌های خودمان را دست‌کم نگیریم. از بزرگ‌ترین آفتهایی که

---

۱. در دیدار مردم پاوه ۱۳۹۰/۷/۲۵

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳

فرهنگ غربی بر کشورهای اسلامی وارد کرد، دو تصوّر غلط و انحرافی بود: یکی تلقین و تزریق ناتوانی ملّتهای مسلمان؛ باوراندند که از شما کاری برنمی‌آید؛ نه در میدان سیاست، نه در میدان اقتصاد، نه در میدان علم؛ گفتند شما ضعیف هستید. ما کشورهای اسلامی ده‌ها سالِ طولانی در این باور غلط باقی ماندیم و عقب ماندیم. تلقین دوّم و باور دوّمی که به ما تزریق کردند، بی‌نهایت بودن و غیر قابل شکست بودن قدرت دشمنان ما است. این‌جور تفهیم کردند که آمریکا را که نمیشود شکست داد، غرب را که نمیشود به عقب‌نشینی وادار کرد؛ مجبوریم در مقابل اینها تحمّل کنیم. امروز برای ملّتهای مسلمان عینی شده است که این هر دو باور، غلط اندر غلط است. ملّتهای مسلمان میتوانند پیش بروند؛ میتوانند مجد و عظمت اسلامی را که یک روز در اوج افتخار و در قلّه‌ی درخشندگی علمی و سیاسی و اجتماعی قرار داشتند، تجدید کنند و دشمن مجبور است در میدانهای متعدّدی عقب‌نشینی کند.[1]

• تسلیم‌ناپذیری؛ فرهنگ ما

موضع ما چیست؟ ما از هیچ جنگی استقبال نمیکنیم؛ این را همه بدانند. این موضع متّحد و یکپارچه‌ی همه‌ی مسئولان نظام است؛ اجتناب از جنگ را وظیفه‌ی خودمان میدانیم. معتقدیم رویکرد کنونی آمریکا، منطقه و دنیا را به بی‌ثباتی میکشد. در عین حال معتقدیم که آمریکا در برآورد توانایی‌های خودش دچار مبالغه است. همه‌ی عناصر لازم برای آنچه آنها میخواهند به دست بیاورند، موشک و اتم نیست؛ خیلی چیزهای دیگر لازم است که آنها ندارند. در مورد توانایی‌های ملّت بزرگ، منطقه‌ی حسّاس و مسئولان هوشیار ما هم دچار غفلتند. ما توانایی‌های انسانی داریم، توانایی‌های جغرافیایی داریم. منطقه‌ی ما،

---

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

منطقه‌ی بسیار حسّاسی است. بی‌ثباتی در این منطقه، دنیا را بی‌ثبات میکند. اینها حقایق بسیار مهمّی است که باید به آن توجّه داشته باشیم... جمهوری اسلامی قابل مقایسه با جاهای دیگر نیست... ما ضعیف نیستیم، قوی هستیم، عزیز هستیم، سربلند هستیم. نه ملّت ما، نه دولت ما، نه تاریخ ما و نه فرهنگ ما اجازه‌ی تسلیم در مقابل هیچ دشمنی را نمیدهد و این ملّت به هیچ وجه تسلیم نخواهد شد. موضع ما پای فشردن بر حق و به کار گرفتن عقل و حزم و تدبیر است و تنها راه حفظ کشور را همین میدانیم. باید مواضع برحقِّ خودمان را حفظ کنیم.[1]

• سست نشدن عقیده در برابر تمسخر دشمن

از روگرداندن و اِعراض دشمن احساس تنهایی نکنید. از تمسخر دشمن درباره‌ی آنچه در دست شما است ـ که گوهر گران‌بهایی است ـ عقیده‌تان سست نشود. شما گوهر گران‌بهایی را در مشت گرفتید و کار عظیمی انجام دادید. گنجی تمام‌نشدنی را در داخل کشور خودتان کشف کردید، به اسلام رسیدید، به استقلال و آزادی رسیدید و توانستید خود را از یوغ قدرتها خارج کنید. زمانی این مملکت، این دانشگاه، این تهران، این پادگانها، این نیروهای مسلّح، این ادارات دولتی، این وزارتخانه‌ها، این دستگاه‌های اطّلاعاتی، همه و همه، تیول آمریکا بود. امروز اگر این ملّت در دورترین نقاط کشور، در کوره‌دهای این کشور، کسی را طرف‌دار آمریکا ببیند، سایه‌اش را با تیر میزند. زمانی در این مملکت، ملّتی وجود نداشت، آرائی وجود نداشت، مجلسی وجود نداشت، انتخاباتی وجود نداشت. همه چیز تشریفاتی، صوری، دروغی و تصنّعی بود. دوران پهلوی برای این ملّت واقعاً دوران عجیبی بود. مثل اینکه کارخانه‌ی عظیمی را در داخل یک سالن درست کنند! وقتی نگاه میکنید می‌بینید کارخانه

---

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

است و تجهیزات کارخانه است. وقتی نزدیک میروید، می‌بینید همه چیز از نایلون و از پلاستیک، بازیچه درست شده است. مانند عمارت عظیمی با مجسّمه‌ها و ستونها و سقفهای مرتفع، که آدم خیال کند کاخی عظیم است؛ امّا وقتی نزدیک رفت، ببیند از برف درست کرده‌اند.[1]

• توانایی غلبه‌ی بر تهدیدها

نقطه‌ی مثبت و نقطه‌ی قوّت نظام این است که نظام ثابت کرده است که توانایی غلبه‌ی بر تهدیدها را دارد؛ این خیلی چیز مهمّی است. ما در طول این ۳۲ سال تهدیدهای فراوانی داشتیم ـتهدید سیاسی، تهدید امنیّتی، تهدید نظامی، تهدید اقتصادی ـ لازمه‌ی این تهدیدها این بوده است که نظام ضربه بخورد. البتّه آنها میخواستند نظام را ساقط کنند ـحالا این، دور از دسترسشان بود ـ لااقل نظام را عقب نگه دارند، کشور را عقب نگه دارند. نظام بر همه‌ی این تهدیدها غلبه پیدا کرده است؛ یک نمونه‌اش جنگ تحمیلی بود، یک نمونه‌اش حرکات آمریکایی‌ها بود، یک نمونه‌اش تحریمهای گوناگون بود... تهدیدهایی هم بود که زمینه‌های داخلی داشت؛ اگرچه دشمن هم میتوانست از آنها استفاده کند؛ مثل مسئله‌ی قومیّتها در کشور. نظام بر همه‌ی اینها غلبه کرد. امروز قومیّتهای گوناگون کشور ما، همه برادروار در کنار هم دارند زندگی میکنند؛ احساس اتّصال به نظام و دل‌بستگی به نظام در همه‌ی آنها محسوس و مشهود است. به نظر من این یکی از مهم‌ترین نقطه‌ی قوّتها است.[2]

• کسب اقتدار و احساس قدرت در برابر دشمن

آنچه دشمن باید بداند، این است که با تشر زدن و به کار بردن ادبیّات

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

۲. در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۵/۱۶

زورمدارانه و قلدرمآبانه نمیتواند ملّت ایران را وادار به تسلیم کند. آن چیزی که برای ملّت ما روشن و مسلّم است، این است که هر گونه سلطه‌ی خارجی در این کشور، سعادت دین و دنیای او را تهدید و ذلّت و تحقیر را بر او تحمیل خواهد کرد. امروز آمریکا نه فقط با ما، بلکه با دنیا با ادبیّات قلدرمآبانه حرف میزند و برای گسترش نفوذ و سلطه‌ی خود در دنیا، صحبت از جنگ میکند. هر ملّت و دولتی که مرعوب این ادبیّات و این نحوه‌ی برخورد شود و تسلیم گردد، قطعاً گور خود را کنده و به ضرر خود اقدام کرده است.[1]

امروز بحمدالله این استقلال، این شجاعت و این ایستادگی در مقابل زورگویی استکبار جهانی، مخصوص این ملّت و این کشور است و همین است که استکبار را نسبت به این کشور و این ملّت، دچار حقد و بغض کرده است. امّا من این را عرض کنم؛ این هم ناشی از وعده‌ی الهی است که حقد و بغض استکبار، هیچ کاری نخواهد توانست بکند؛ «أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»[2]؛ قرآن کریم در دو جا میفرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا»[3]، «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ»[4]. هرگز از مواضع خودتان پایین نیایید و در مقابل دشمن احساس ضعف نکنید. او که بنای کار را بر دروغ و فریب و زورگویی گذاشته، ضعیف است؛ امّا شما که به خدا متّکی هستید، قوی هستید.[5]

• عدم انفعال و اظهار سرسختی در برابر دشمن

پیام شهیدان این است که تسلیم وسوسه‌ی غنیمت نشوید... پیام دوّم،

---

۱. در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی(ره) ۱۳۸۱/۳/۱۴

۲. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۳۹؛ «و اگر مؤمنید... شما برترید.»

۳. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۳۹؛ «سستی مکنید و غمگین مشوید.»

۴. سوره‌ی محمّد(ص)، بخشی از آیه‌ی ۳۵؛ «پس سستی نورزید و [کافران را] به آشتی مخوانید.»

۵. در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی(عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

در مقابل دشمنان خدا است؛ یعنی استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود. تمام سعی امروز دنیای مادّی مستکبر ـ یعنی همین دولتهای استکباری که زمام مسائل اقتصاد و تسلیحات عالم و حتّی در موارد بسیاری، فرهنگ خیلی از کشورها را هم در دست دارند ـ این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خُرد کنند. انفعال در مقابل دشمن، غلط‌ترین کار و بزرگ‌ترین اشتباه است.[1]

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا»[2]، یک تعلیم قرآنی است؛ بارها هم تکرار کرده‌ایم، هی هم میخوانیم. وقتی... که دل ما و جان ما در قالب این آیه قرار بگیرد آن وقت مسئله‌ی وحدت برای ما یک مسئله‌ی اساسی خواهد شد و برای خاطر اغراض و مقاصد شخصی، وحدتهای عظیم ملّی را به هم نمیزنیم... اگر آیات قرآن آن‌چنان بر دل انسان نازل بشود که دل جذب کند و فهم کند و به شکل آن آیه دربیاید، آن وقت وقتی که به ما میگویند که: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّآءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ»[3]، پذیرش آن برایمان راحت میشود. با کفّار سخت‌گیر، سخت، اشدّاء؛ شدید و شدّت به معنای سختی است؛ معنایش این نیست که حتماً بایستی دشمن را آدم بکلّی پایمال کند و سرکوب کند؛ نه، یک وقت اقتضای سرکوبی دارد، یک وقت هم اقتضای سرکوبی ندارد؛ امّا در همه حال باید در مقابل دشمن سرسخت بود... نقطه‌ی مقابل: «رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ»؛ با همدیگر مهربان باشیم، رحیم باشیم، نرم باشیم در مقابل هم.[4]

---

۱. در دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران ۱۳۷۶/۲/۱۷

۲. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۰۳؛ «و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید.»

۳. سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «و کسانی که با اویند، بر کافران، سخت‌گیر، با یکدیگر مهربانند.»

۴. در دیدار قاریان قرآن در روز اوّل ماه رمضان ۱۳۸۸/۵/۳۱

• سخت‌گیری دشمن، نشانه‌ی آسیب‌پذیری او

آنجایی که شما احساس میکنید دشمن سخت‌گیری میکند، درست همان جایی است که دشمن در آنجا دارد آسیب میبیند. این فشاری که این روزها به وسیله‌ی صهیونیست‌ها بر روی مسلمانان مظلوم فلسطینی وارد میشود، به معنای این است که استکبار در سرزمینهای اشغالی فلسطین مقدّس، به طور جدّی تهدید میشود. اگر تهدیدْ جدّی نبود، فشارْ این‌قدر زیاد نمیشد.[1]

• پایبندی به مبانی انقلاب

بعضی‌ها با نام عقلانیّت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و دردسر بین‌المللی، میخواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمیشود... این نشانه‌ی بی‌صبری و نشانه‌ی خسته شدن است. گاهی این خسته شدن را ـ که خودشان خسته شده‌اندـ به مردم نسبت میدهند: مردم خسته شده‌اند! نه، نخیر. مردم آن وقتی که احساس کنند مسئولین کشور با سربلندی مسلمانی و عبودیّت خودشان را اعلام میکنند، خوشوقت میشوند؛ خوشحال میشوند. این مردم، مسلمانند. حرکت مردم هم به خاطر همین بود. این مردم مگر همان مردمی نیستند که انقلاب کردند؟ شعارهای انقلاب چه بود؟ این مردم مگر همان مردمی نیستند که هشت سال این جنگ مظلومانه را اداره کردند؟ همین مردم اداره کردند. مگر مردم دیگری هستند؟ غیر از آن مردمی که توی این کشور این کارهای بزرگ را انجام دادند، کدام مردم این کارها را کردند؟ پریشب تلویزیون فرمایش امام را راجع به مرحوم آیت‌الله طالقانی نقل میکرد... ایشان در سخنرانی به مردم مطلبی به این مضمون میفرمود که نگاه کنید ببینید مردم در تشییع جنازه‌ی آقای طالقانی چه گفتند؟

---

۱. در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلّاب حوزه‌های علمیّه ۱۳۶۸/۹/۲۹

گفتند ای نایب پیغمبر ما، جای تو خالی. عزاداری آنها برای نایب پیغمبر است. مسئله‌ی نیابت پیغمبر مطرح است؛ عالم دین... وقتی مردم ببینند شما که مسئول جمهوری اسلامی هستید، افتخار میکنید، اعتزاز میکنید به مسلمانی خودتان، به ضدّ استکباری بودن خودتان، به ضدّ استبدادی بودن خودتان و از طرفی افتخار و اعتزاز میکنید به خدمتگزاری مردم، با مردم هستید، با مردم انس پیدا میکنید، به مردم محبّت میکنید، از مردم کمک میخواهید در مسائل گوناگون، خب، مردم خرسند میشوند؛ مردم این مسئول را دوست میدارند؛ خوششان می‌آید. ما وظیفه‌مان این است. ما حق نداریم از شعارهای انقلاب و شعارهای اسلام عقب‌نشینی کنیم؛ این، یک بی‌صبری است. این بی‌صبری‌ای است که نباید این را قبول کرد.[1]

• لزوم ابتکار عمل در پیش‌بینی طرحهای دشمن

دشمن دست‌بردار نیست و توطئه‌ی خودش را متوقّف نخواهد کرد؛ ضربه را میخورد، ولی باز خودش را برای ضربه‌ی بعدی آماده و جمع‌وجور میکند؛ و بدون شک ضربه‌ی بعدی دشمن، با توجّه به نقصهای او در ضربه‌ی اوّل است. یعنی دقّت میکند ببیند شما چگونه و از چه راهی توانستید به او تودهنی بزنید، قطعاً آن روزنه را محکم خواهد گرفت. دشمن بیشترین تلاش خود را در ارزیابی دقیق نقطه‌ی ضعفش میکند و با دستگاه‌های آماده و منسجم و قوی‌ای که دارد، فوراً نقاط ضعف کار خود را پیدا میکند و به جبران آنها میپردازد. شما هم بایستی در نوبت بعد ضربه‌ی ابتکارآمیز دیگری بزنید.[2]

---

۱. در دیدار رؤسای سه قوّه و مسئولان نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹

۲. برگرفته از بیانات در مراسم بیعت جمعی از مسئولان وزارت اطّلاعات و ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸/۴/۱۸

ما باید متناسب با دشمنی دشمن و خصومت دشمن برنامه‌ریزی بکنیم. در مسئله‌ی فرهنگ عمومی همین که مشاهده میکنیم در جامعه‌ی ما فرضاً در دستگاه‌های اداری و در پیچ‌وخم ادارات و دستگاه‌های دولتی، کارهای مردم روان انجام نمیگیرد ـامروز و فردا کردن، دردمندانه و دلسوزانه با کار مردم برخورد نکردن که گاهی در بعضی از ارگانها مشاهده میشود؛ بخصوص بعضی‌شان که شکایتهای زیادی از آنها میشود ـ به خاطر یک نقص و بیماری فرهنگی است. اینکه ما مشاهده میکنیم افراد کارآمد فکری ما در دانشگاه‌ها و در کارگاه‌ها و در مراکز تحقیق، به نوآوری‌هایی که برای یک محقّق نان‌وآبی و شهرتی ندارد امّا زحمت زیادی دارد کمتر تن میدهند و به کارهای آسان‌تر و سهل‌تر تسلیم میشوند، یک بیماری فرهنگی است.[1]

• لزوم مقابله با حیله‌گری دشمن

باید با پنجه‌افکنی و ناخن‌کشی و حیله‌گری دشمن مقابله کنیم. حرکت و تلاش لازم است؛ هم در جبهه‌ی خودسازی ـاین مقدّم بر همه است؛ مثل امام حسین(علیه‌السّلام) که آقا و مولای شما است ـ هم در جبهه‌ی سیاسی ـکه آن امر به معروف و حرکت و حضور سیاسی است و در جایی که لازم است، بیان مواضع و تبیین سیاسی در مقابل دنیای استکبار ـ هم در جبهه‌ی فرهنگی ـیعنی آدم‌سازی، خودسازی، خودسازی فکری و اشاعه‌ی فکر و فرهنگ ـ اینها وظیفه‌ی همه‌ی کسانی است که امام حسین(علیه‌السّلام) را الگو میدانند. خوشبختانه ملّت ما همه نسبت به حسین‌بن‌علی(علیه‌السّلام) خاضعند و آن بزرگوار را بزرگ میشمارند. حتّی خیلی از غیر مسلمانها این گونه‌اند... دشمن امام حسین(علیه‌السّلام)، پول و زور و شمشیرزن و مروّج و مبلّغ و سینه‌چاک داشت. عزیزان من! الان

---

۱. در دیدار با اعضای شورای‌عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۸/۹/۲۱

وضع شما این است. کربلا تا آخر دنیا گسترده است. کربلا که به مرزهای آن میدان چند صد متری محدود نمیشد. الان همان روز است. همه‌ی دنیای استکبار و ظلم امروز، با جمهوری اسلامی مواجه است.[1]

• لزوم زمین‌گیر کردن دشمن در مرزهای خود

کسانی که داوطلبانه به این میدان میروند، دو سه خصوصیّت در اینها هست که ممتاز است. یکی این است که اینها غیرت و تعصّب دفاع از حریم اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) را دارند... پدرها و مادرهایشان هم همین‌طور. در اظهاراتی که یکی از مادران شهدا خطاب به حضرت زینب داشت این بود که: «من محمّدحسین خودم را دادم به شما!» این خیلی باارزش است؛ آن غیرتی که نسبت به اهل‌بیت(علیهم‌السّلام) که در هر مؤمنی باید وجود داشته باشد. دوّمین خصوصیّت بصیرت است. کسانی که این بصیرت را ندارند با خودشان میگویند: اینجا کجا، سوریه و حلب کجا؟ این بر اثر بی‌بصیرتی است. [حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه‌السّلام)] فرمود که «فَوَاللهِ مَا غُزِیَ قَوْمٌ قَطُّ فِی عُقْرِ دَارِهِمْ إِلّا ذَلُّوا»[2]؛ نباید منتظر ماند که دشمن بیاید داخل خانه‌ی آدم، بعد آدم به فکر دفاع از او و خانه بیفتد. دشمن را باید در مرزهای خودش سرکوب کرد.[3]

• غفلت ما، بزرگ‌ترین فرصت برای دشمن

اگر فراموش کردید که دشمن در کمین شما است، غفلت، شما را فراخواهد گرفت، حرکت را کند خواهد کرد و از بین خواهد برد ـ یعنی بزرگ‌ترین فرصت برای دشمن است ـ لذا شما ببینید در طول این

---

۱. در دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۵/۹/۲۴

۲. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲۷؛ «به خدا قسم هیچ ملّتی در خانه‌اش مورد حمله قرار نگرفت مگر اینکه ذلیل شد.»

۳. در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۵/۹/۱

سالهای متمادی، هر وقت، هر کسی و هر جا، از دشمنی دشمنان و توطئه‌ی مستکبران و دشمنی آمریکا و اسرائیل و بقیّه‌ی مخالفان آزادی و سعادت بشر، سخن گفته است، از سوی تبلیغاتچی‌های جهانی مورد تخطئه قرار گرفته است! آنها میخواهند ملّت ایران فراموش کند که دشمنی دارد. در سایه‌ی این فراموشی است که میتوانند مردم را به مسائلی کوچک‌تر، سرگرم کنند و میانشان اختلاف بیندازند.[1]

اینکه می‌بینید ملّت ما بعد از ۲۶ سال «مرگ بر آمریکا» را فراموش نمیکند، به خاطر این است که غفلت از توطئه‌ی استکبار جهانی همان، و اسیر توطئه شدن همان. در واقع «مرگ بر آمریکا»یی که مردم ما میگویند، مثل همان «اعوذ بالله من الشّیطان الرّجیم» است که اوّل هر سوره‌ی قرآن قبل از «بسم الله الرّحمن الرّحیم» گفته میشود. استعاذه‌ی به خدا از شیطان رجیم برای چیست؟ برای این است که انسان مؤمن یک لحظه حضور شیطان را فراموش نکند؛ یک لحظه از یاد نبرد که شیطان آماده‌ی حمله به او و انهدام حصار معنوی و ایمانیِ او است.[2]

ATVlk4AyIaUCtjzWAd6ag==

• تعریف و تمجید دشمن، نشانه‌ی چیست؟

امام میگفتند هر وقت از ماها تعریف میکنند، آدم در دلش چیزی پیدا میشود که چه اشکالی در من به وجود آمده که دشمن دارد از من تعریف میکند؛ واقعاً عقیده‌ی امام این بود؛ نه اینکه فقط در حرفهای عمومی آن را بیان کنند؛ حتّی به ماها هم آن را میگفتند.[3]

• دوری از هیجانات کور در کشور

وقتی هیجانات کور، پا وسط بگذارند، دشمن فوراً استفاده خواهد کرد.

---

۱. در دیدار جمع کثیری از مردم آمل ۱۳۷۷/۳/۲۱

۲. در دیدار اعضای اتّحادیّه‌ی انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان ۱۳۸۳/۱۲/۲۴

۳. در دیدار با اعضای گروه اجتماعی صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۱/۲۹

بارها گفته‌ام، باز هم تکرار میکنم؛ من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه‌ی میدانها حضور و آمادگی داشته باشد؛ منتها با انضباط. این گونه حرکاتی که ملاحظه شد کسانی به دانشگاه حمله کنند، ناشی از بی‌انضباطی است؛ با هر نامی انجام گیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام گیرد، غلط است؛ اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام گیرد، غلط است. مگر من بارها نگفته‌ام در اجتماعات کسانی که مخالفند، هیچ کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؛ چون این، دشمن را خوشحال میکند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمیکنند؟! حتّی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می‌آورد به زبان آورند ـ مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند ـ باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب‌اللّهی باید در مقابله با دشمن بایستد، حفظ کنید؛ وَالّا حالا فرض کنیم یک جوان، یا یک دانشجوی فریب‌خورده‌ای هم حرفی زد و کاری کرد؛ چه اشکالی دارد؟ من از او صرف نظر میکنم.[1]

• ایجاد مصونیّت در برابر دشمن

وسایل مصون‌سازی را فراهم کنید. جوانان را مصون کنید، ذهنها را مصون کنید، دلها را مصون کنید که اگر علی‌رغم شما، روزی دشمن توانست نفوذ کند، شما قبلاً مصونیّت ایجاد کرده باشید. راهش این است؛ این گونه باید با هجوم دشمن برخورد کرد. ما با این روحیّه‌ی مقاومت و با این روحیّه‌ی ایستادگی، توانسته‌ایم قدرتی مثل استکبار جهانی و مثل آمریکا را، بیست سال پشت در نگه داریم و باز هم

---

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱

میتوانیم! ملّت ایران قوی است و این استقامت، استقامت ایمانی است. این استقامت، از دین، از اسلام و از ایمان سرچشمه میگیرد و هر جا که باشد، موجب ناکامی دشمن خواهد شد. این را ما باید حفظ و تقویت کنیم. ما باید دین را تقویت کنیم؛ ایمان جوانان را تقویت کنیم؛ اجتناب از فساد را تقویت کنیم. این کار، کار درستی است؛ این راه، راه صحیحی است و شما ناشران عزیز، در قبال این چیزها مسئولیّت دارید.[1]

متأسّفانه این دستگاه‌های تبلیغاتی و مخرّب و معاند با جمهوری اسلامی و با ملّت ایران، دنباله‌هایی هم در داخل کشورمان دارند که مال امروز هم نیست، از دوران دفاع مقدّس هم چنین چیزهایی بود. آنها هم به هوش بیایند و بدانند که پشتیبانی این گرگهای درّنده به دردشان نمیخورد. اینها به فکر خودشان هستند، به فکر منافع خودشان هستند. از آدمها تا آنجایی که منافع آنها تأمین بشود، استفاده میکنند؛ همچنانی که از محمّدرضا و صدّام استفاده کردند. آن وقتی هم که لازم نبود، مثل یک دستمال کثیف‌شده‌ای مچاله میکنند و پرتابشان میکنند کنار؛ همچنانی که از محمّدرضاشاه در دوران نکبتش حمایت نکردند، از صدّام در دوران رسوایی و نکبتش حمایت نکردند. کسی به آنها دل نبندد.[2]

• کوچک نشمردن دشمن

دشمن را نباید کوچک‌تر از آنی که هست گمان کرد؛ چون انسان آن وقت ضربه خواهد خورد. امّا نباید هم دشمن را بزرگ‌تر از آن‌که هست جلوه داد. یعنی همان کاری که امروز دستگاه تبلیغاتی صهیونیست‌ها و مستکبرین، خودشان انجام میدهند: از آمریکا و از قدرتها غولی درست کردند، که اگر کسی تجربه نداشته باشد، خیال میکند به یک اشاره‌ی اینها، همه جا دود

---

۱. پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیّه‌ی امام خمینی(ره) ۱۳۷۸/۲/۲۸

۲. در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین(ع) ۱۳۸۸/۴/۱۵

خواهد شد، پودر خواهد شد و از بین خواهد رفت! این حرفها چیست؟! اینها اگر قدرت داشتند، روزبه‌روز نهضت اسلامی در دنیا ریشه‌دارتر و پرشکوه‌تر نمیشد! اینها در هر جا که دخالت زورمندانه و قدرتمندانه کردند یا خودشان یا عواملشان برای خودشان و عواملشان جهنّم سوزان و باتلاقی درست کردند که تا خرخره در آن فرو رفتند.[1]

• ضعف ما باعث جسارت دشمن

به هیچ ملّتی، دشمن با التماس چیزی نخواهد داد. هیچ ملّتی به خاطر ضعیف بودن و گردن کج کردن در مقابل دشمن، به چیزی نمیرسد. هر ملّتی که در دنیا به جایی رسیده است، به خاطر عزم و اراده و ایستادگی و سینه سپر کردن و سر را بالا نگه داشتن رسیده است. بعضی از ملّتها این توان را ندارند؛ امّا آن ملّتی که به اسلام معتقد است، آن ملّتی که به قرآن معتقد است، آن ملّتی که به وعده‌ی خدا معتقد است، آن ملّتی که معتقد است «لَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»[2] ـ هر که خدا و دین خدا را یاری کند، خدا با تأکید او را یاری خواهد کرد ـ این توانایی را دارد.[3]

• جای دادن کینه‌ی دشمن در دل

کینه‌ی شیطانها و شیطان‌صفت‌ها را مردم باید از دل خودشان هیچ‌وقت بیرون نکنند. نگویید «گذشت، تمام شد، دیگر چه لزومی دارد به یادمان بیاوریم»؛ نه، دین ما این است: «هَلِ الدّينُ اِلّا الحُبُّ وَ البُغض»[4]. دین عبارت است از محبّت و کینه؛ محبّت به خوبان، محبّت به خوبی‌ها،

---

۱. در اجتماع بزرگ فرماندهان نیروی مقاومت بسیج سراسر کشور در دوّمین روز از هفته‌ی بسیج ۱۳۷۲/۸/۳۰

۲. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰

۳. در جمع بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی فرهنگی رزمیِ یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹

۴. بحارالانوار، ج۶۵، ص۶۳

محبّت به مظلومان، محبّت به انسانهایی که مورد جفای شیطانها قرار گرفته‌اند؛ این یک طرف؛ یک طرف [هم] بغض و کینه‌ی نسبت به شیطانها، نسبت به موجودات پلید، نسبت به پلیدی‌ها، نسبت به کسانی که انسان و انسانیّت و خدا برایشان حرف مفت است؛ کینه و بغض هم جزو دین است. تولّیٰ و تبرّیٰ جزو فروع دین ـو به قول بعضی از علما جزو اصول دین ـ است. فراموش نکنید زشت‌صورتیِ دشمنهای خدا و خلق را. اگر فراموش کردید، همان دشمن، چهره‌ی خودش را عوض خواهد کرد، نزدیک میشود؛ و دشمن که نزدیک شد، برای ضربه زدن نزدیک میشود؛ دشمن که برای نوازش نزدیک نمیشود. اینکه شما می‌بینید دشمنان ما ـ چه دشمنان شناخته‌شده مثل مستکبرین عالم و قلدرهای روزگار که اینها با اسلام و مسلمین دشمنند امّا شناخته‌شده‌اند، و چه دشمنهای شناخته‌نشده که خطرشان بیشتر است ـ گاهی اوقات چهره‌ی خوب نشان میدهند، با صورت فریبنده مثل مار خوش‌خط‌وخال به طرف انسان می‌آیند، نزدیک می‌آیند، اظهار محبّت میکنند، دست دراز میکنند که بیایید با هم دست بدهیم، بدانید این یک حمله و تهاجم خصمانه است؛ حواستان جمع باشد... دشمن یعنی آن شیطان و شیطان‌صفتی که با خوبی‌ها، با فضیلتها، با بندگان صالح، با صلاح و با خدای صلاح‌آفرین مخالف است و دشمن است؛ این آن دشمن اصلی است؛ دشمن یعنی این از دلتان نباید خارج بشود. اگر احساس کردید که نسبت به این دشمن، در دلتان بغض و کینه کم شد، این یک علامت خطرِ شخصی است برای شما؛ باید احساس کنید که درجه‌ی ایمان مثل اینکه دارد تنزّل میکند، عیناً [مثل] محبّت بندگان خدا که باید روزبه‌روز در دل قوی‌تر و ریشه‌دارتر بشود.[1]

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم استان چهارمحال و بختیاری و جمعی از خواهران بسیجی شهرهای اصفهان، یزد، فومن و گروهی از طلّاب پاکستانی ۱۳۶۸/۶/۸

• بستن راه نفوذ دشمن

آنچه امروز برای این ملّت اهمّیّت دارد، این است که مسئولان کشور با همه‌ی قدرت و توان، شاخصهای اصلی را برای اصلاح امور کشور در نظر بگیرند؛ همان سه شاخص عمده‌ای که گفته شد: مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با فساد، مبارزه‌ی با تبعیض. این اساس قضیّه است. اگر فقر و فساد و تبعیض به وسیله‌ی مسئولان کشور تحمّل نشود؛ رضای الهی، توفیق الهی، هدایت الهی، شامل حال همه خواهد شد؛ گره‌ها باز خواهد شد... اگر بخواهیم این کارها انجام گیرد، راهش این است که جلوی نفوذ دشمن با کمال قدرت بسته شود. امام بزرگوار ما، قاعده‌ای پیش خودشان داشتند و بارها هم آن را بر زبان می‌آوردند. میگفتند هر جا که دیدید دشمنان سوگندخورده‌ی این ملّت و این کشور، آنجا توجّه و علاقه‌مندی نشان میدهند و از آنجا دفاع میکنند، به کار آنها سوءظن پیدا کنید. گاهی برای اینکه شخصیّتی را خراب کنند، از او جانب‌داری میکنند. گاهی برای اینکه یک دست‌نشانده‌ی خود را بزرگ کنند، از او حمایت میکنند و جنگ روانی به راه می‌اندازند. خوشبختانه ملّت ما سیاسی است؛ ملّت ما هشیار و بیدار است و فریب این چیزها را نخواهد خورد.[1]

• لزوم تبلیغات علیه تبلیغات دشمن

اگر ملّت ایران، گویندگان، نویسندگان، هنرمندان و آگاهی خود ملّت در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. و میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البتّه اکثریّت قاطع ملّت ما و آحاد مردم ما به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند، مصونیّت پیدا کرده‌اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که

---

۱. در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴

در مقابل چشم مردم بود، بعکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته‌ها و بافته‌ها و یاوه‌گویی‌های تبلیغات جهانی بکلّی سلب شده.[1]

• شناخت روش مقابله از طریق شناخت روش دشمن

عزیزان من! یکی از خدمتهایی که دشمنان ما به ما میکنند، همین است که به ما نشان میدهند در تبلیغ روی چه نقاطی باید متمرکز شویم. امروز اگر شما نگاه کنید، می‌بینید که همه‌ی دستگاه‌های تبلیغی دشمن دست به دست هم داده‌اند و تبلیغات خود را بر روی چند نقطه متمرکز کرده‌اند. در رأس آنها هم تبلیغات صهیونیست‌ها است. صهیونیست‌ها که عرض میکنیم، فقط مراد ما دولت صهیونیست غاصب نیست؛ او بخشی از مجموعه‌ی صهیونیست‌ها است؛ مجموعه‌ی صهیونیست‌هایی که سرمایه‌داران بزرگ کشورهایی از جمله آمریکا را تشکیل میدهند و بر سیاست آن کشور مسلّطند... اگر شما تبلیغات اینها را نگاه کنید، می‌بینید که در مورد کشور عزیز و ملّت بزرگ و قهرمان و در عین حال مظلوم ما، بر روی چند نقطه متمرکزند: اوّل، اختلاف و دوئیّت و تفرقه است؛ همان داستان قدیمی «تفرقه بینداز، حکومت کن»؛ همان درد و بلای عمده‌ای که از قدیم در جان ملّتها می‌افتاده است. در صددند تفرقه ایجاد کنند، یا اگر هر چه تلاش کردند دیدند نمیتوانند تفرقه ایجاد کنند، شایعه‌ی تفرقه بیندازند.[2]

دشمنان تبلیغاتشان را میکنند. قوام مملکت و نظام اسلامی و این استقلال دیریافته، به این است که شما مردم و شما جوانان، همان

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم نایین و ابرده‌ی خراسان و جمعی از خانواده‌های شهدای تهران، گرگان و چهاردانگه، اعضای جمعیّت هلال احمر و خواهران دانشجوی دانشگاه اصفهان ۱۳۶۸/۶/۲۹

۲. در دیدار با علما و روحانیّون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶/۱۰/۳

شور و احساس انقلابی را که در دوران جنگ و در آغاز انقلاب بود، با همان‌قدرت حفظ کنید. همان غیرت دینی، همان انگیزه و همان احساس حضور دشمن در جبهه‌ی مقابل را باید حفظ کنید. همچنان که بحمدالله، جوانان حفظ کردند.[1]

• اهمّیّت وحدت و آرامش امّت اسلامی در برابر دشمنان

امروز تمام تحلیلگران، در سرتاسر عالم اعتراف میکنند که ملّت ایران و نظام جمهوری اسلامی در قدرت و قوّت و ثبات، از سالهای پیش اگر جلوتر نباشند عقب‌تر نیستند؛ اگر قوی‌تر نباشند ضعیف‌تر نیستند؛ و البتّه میگویند قوی‌ترند. علّت هم همین رشد و آگاهی و اراده و تصمیم آگاهانه‌ی ملّت ایران در اثبات قوام جمهوری اسلامی بود: این حرکت مردم، این حضور مردم در مراسم عزاداری، این اظهار وفاداری به امام عزیز و قائد بی‌نظیرشان، این اظهار وفاداری به نظام جمهوری اسلامی، این وحدت و همدلی و هماهنگی که بین تمام اقشار مردم در این ایّام دیده شد، این صفایی که مردم نشان دادند، این شجاعتی که در برخورد با این حادثه از همه‌ی قشرها دیده شد که دشمن جرئت نکرد در مقابل این قاطعیّت اراده‌ی ملّی و اسلامی شما مردم دست از پا خطا کند.[2]

هر چه میتوانید، همان سکینه‌ای را که خدای متعال در زمان پیامبر، در جنگ بدر و در جنگ حنین و در قضایای گوناگون، بر دلهای مؤمنین نازل کرد، با آیات الهی در دلهای مؤمنین مستقر کنید. دشمن میخواهد مردم را مضطرب کند. یکی از راه‌های سکینه و اطمینان، وحدت و الفت دلها است. وحدت ملّت، وحدت قشرهای مختلف، آشنایی دلها با یکدیگر و محبّت انسانها به هم، درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است

---

۱. در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم ۱۳۷۱/۷/۲۹

۲. در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش، معلّمان و دانش‌آموزان تهران ۱۳۶۸/۳/۲۶

که دشمن میخواهد القا کند. دشمن میخواهد بگوید که مردم، مسئولان، قشرها و جناحهای مختلف به خون هم تشنه‌اند. این واقعیّت ندارد. هر کس امروز طوری عمل کند، طوری مشی کند و به گونه‌ای حرف بزند که معنایش این باشد که در بین قشرهای ملّت اختلاف هست و در بین جناحهای مختلف، اختلافهای عمیق و نفرت‌آور هست، یقیناً به دشمن کمک کرده است و یقیناً خدمت به دشمن است. بعضی‌ها ساده‌لوحانه عملشان، حرف و اظهاراتشان این گونه است![1]

• شجاعت در برابر هیبت دشمن

در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملّت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملّتهایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده‌ی علّت این بود که مسئولان ـ پیشروان قافله‌ی ملّت ـ شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعّال، فداکار، آماده‌ی به جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آنها هم از بین میرود و این ظرفیّت هم نابود میشود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره‌ی شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل‌عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ امّا شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرئت و جسارت ندارند، در خود احساس قدرت نمیکنند، در مردم خودشان احساس توانایی و قدرت نمیکنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.[2]

---

۱. در دیدار روحانیّون و مبلّغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۷/۹/۲۳

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴

• باج ندادن به قدرتها و عزّت در برابر دشمن

جمهوری اسلامی ایران قصد باج دادن به قدرتهای بزرگ را ندارد و ثابت هم کرده است که به هیچ قدرتی باج نخواهد داد و مرعوب هیچ قدرتی نخواهد شد. بنابراین، هیچ گاه برای جلب محبّت یا همکاری قدرتهای زورگوی عالم، از مواضع به‌حقّ خودمان تنزّل نخواهیم کرد. ما این اراده را در طول ده سال گذشته نشان داده‌ایم، و امام فقید عزیز بزرگ ما که مظهر تبلور نظام جمهوری اسلامی و مظهر صلابت و مقاومت در مقابل زورگویی‌ها بود، قاطعانه در برابر باج‌خواهی‌های دشمن می‌ایستاد و مرعوب آنها نمیشد.[1]

• تأثیر هنر در مقابله با دشمن

بیان هنری شرط اصلی است؛ کمااینکه خطبه‌ی حضرت زینب در شهر کوفه و شهر شام، از لحاظ زیبایی و جذّابیّت بیان، آیت بیان هنری است؛ طوری است که اصلاً هیچ کس نمیتواند این را نادیده بگیرد. یک مخالف یا یک دشمن وقتی این بیان را می‌شنود، مثل تیر بُرنده و تیغ تیزی، خواهی‌نخواهی این بیان کار خودش را میکند. تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت. حضرت زینب(سلام‌الله‌علیها) و امام سجّاد در خطبه‌ی شام و در بیان رسا و بلیغ و شگفت‌آور مسجد شام این کارها را کردند. شما هم دارید این کار را میکنید.[2]

طنز صادق و دلسوزانه باید همه‌ی نقاط معیوب، بخصوص آنها را که کمتر به چشم می‌آیند و آنها که بیشتر به علم و اطّلاع همگان از آن

---

۱. برگرفته از بیانات در مراسم بیعت وزارت اطّلاعات و کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی ۱۳۶۸/۳/۳۰

۲. در دیدار جمعی از پیش‌کسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیّات و هنر مقاومت ۱۳۸۴/۶/۳۱

نیاز هست، هنرمندانه ببیند و بنمایاند. امروز جامعه و نظام انقلابی ما با دشمنانی روبه‌رو است که همه‌ی ابزارهای محسوس و نامحسوس را برای ضربه زدن و جریحه‌دار کردن مردم و نظام و انقلاب به کار میبرند. برای آگاه کردن ذهن مردم از خدعه‌ی دشمن، چه وسیله‌ای از طنز هنرمندانه و شیرین و زیرکانه، بهتر و کاری‌تر؟[1]

• سرمایه‌گذاری دشمن بر روی هنر

اینکه شما می‌بینید سیاستهای استعماری، علیه انقلاب و علیه همه‌ی ارزشهایی که آنها با آن بدند، این‌قدر روی هنر سرمایه‌گذاری میکنند، به علّت همین کارایی هنر است. شما بیرون بروید و شروع کنید به نقل کردن: بله، فلان جا بودیم، کسی این‌طور شعری خواند، کسی این گونه گفت، کسی این‌طور نشسته بود؛ اصلاً ممکن نیست آن‌طوری که هست، انعکاس پیدا کند؛ آن شخص، فقط خبری می‌شنود. امّا با زبان هنر میتوان همین جلسه را منعکس کرد؛ به طوری که اگر مثلاً عکّاس هنرمندی از زوایای خوبی از این جلسه عکس بردارد یا فیلم تهیّه کند، بعد کسی که آن عکس یا فیلم را نگاه میکند، اگر صاحب‌نظر و صاحب‌ذوق و ریزبین باشد، چیزهایی را خواهد دید که ماها الان شاید متوجّه آنها نباشیم... بدانید که ما این سلاح را آن‌چنان که باید، درست به دست نگرفته‌ایم. البتّه کشور و سرزمین ما، سرزمین هنر است؛ یعنی هنر جهانی از هزار سال پیش به این طرف، در مجموع مدیون سرزمین ما است، مدیون زبان فارسی است، مدیون هنرمندان ایرانی است؛ لیکن ما این سلاح را در اختیار نگرفته‌ایم. علّت هم این است که عدّه‌ای بودند، هنرمند هم بودند، صاحب جوهر هم بودند، امّا نتوانستند خودشان را با انقلاب تطبیق بدهند؛ چون هنرمندی به معنای بقیّه‌ی خصال خوب

---

۱. پاسخ به نامه‌ی آقای کیومرث صابری، مدیر مسئول مجلّه‌ی گل‌آقا ۱۳۷۰/۴/۲۷

که نیست. ای‌بسا هنرمندی که هنرش خیلی بالا است، امّا آدم پست و حقیر و بد و فاسق و فاسد و خیانتکاری است. از این قبیل زیاد داشتیم، الان هم داریم و جلوی چشممان فراوان قرار دارند.[1]

• بهره‌مندی دشمن از ابزار هنر و سینما

امروز آن کسانی که پیامی برای مردم دارند، چه پیام رحمانی، چه پیام شیطانی ـفرق نمیکنـد ـ بهترین وسیله‌ای که در اختیار میگیرند، وسیله‌ی هنر است. لذا شما می‌بینید به کمک هنر، امروز در دنیا باطل‌ترین حرفها را در ذهن یک مجموعه‌ی عظیمی از مردم به صورت حق جلوه میدهند که بدون هنر امکان نداشت، امّا با هنر و به کمک ابزار هنر این کار را میکنند... منتها ما مسلمانها و بخصوص ما شیعیان، امتیازی داریم که دیگر ملّیتها و ادیان این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از اجتماعات دینی که به شکل روبه‌رو، چهره‌به‌چهره، نفس‌به‌نفس تشکیل میشود که این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر کمتر میشود پیدا کرد.[2]

• استحکام درونی از طریق پایه‌ی اقتصاد

ما در سند چشم‌انداز ـکه یک سند اساسیِ بالادستیِ مهم و مرجع است ـ برای کشورمان رتبه‌ی اوّل را در بخشهای مهم و حیاتی و اساسی پیش‌بینی کردیم؛ باید به این رتبه برسیم. خب، دیگران طبعاً نمی‌ایستند تا ما برویم اوّل بشویم؛ دیگران هم دارند کار میکنند، تلاش میکنند. ما شاهد تلاش و تحرّک شدید اقتصادی برخی از کشورهایی هستیم که در همین حوزه‌ی اوّل شدن ما واقع هستند. البتّه ما از بعضی از ابزارهایی

---

۱. در دیدار با اعضای کنگره‌ی شعر حوزه ۱۳۷۰/۷/۱۵

۲. در دیدار جمعی از مدّاحان و ستایشگران اهل‌بیت(ع) ۱۳۸۷/۴/۴

که آنها استفاده میکنند، استفاده نمیکنیم و نخواهیم کرد؛ ما نظیف‌تر و شریف‌تر و نجیبانه‌تر حرکت میکنیم؛ امّا معتقدیم میشود به آن مرحله‌ی اوّل رسید، اگر سرعت را بیشتر و منضبط‌تر بکنیم. لذا این احتیاج دارد به جهاد. هم باید شتاب باشد، هم باید تدبیر باشد تا بتوانیم به این رتبه‌ی اوّل برسیم. این رتبه‌ی اوّل بودن هم فقط یک هوس نیست که بگوییم اوّل بشویم؛ نه، این به خاطر این است که سرنوشت ملّتها امروز به این وابسته است. اگر یک کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساخت‌های پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا کند، بی‌رحمانه مورد تطاول قرار خواهد گرفت. ما نمیخواهیم مورد تطاول قرار بگیریم. دویست سال کشور ما مورد تعرّض و تطاول قرار گرفته. ضعف دستگاه‌های سلطنتیِ بی‌عرضه‌ی نالایقِ فاسدِ دنیاطلب، و نشاطی که در طرف مقابل وجود داشت، باعث این تطاول شد. از سال ۱۸۰۰ انگلیس‌ها اوّل بار در دستگاه سیاسی کشور ما وارد شدند و دخالت کردند و نفوذ کردند و یارگیری کردند و همراه آنها یا قریب به آنها، بعضی از کشورهای دیگر اروپایی هم در این مدّت همین کار را کردند. سال ۱۸۰۰ که اوّلین سفیر انگلیس وارد کشور شد ـ که از هند هم آمد؛ یعنی آن وقتی بود که حکومت هند در اختیار انگلیس‌ها بود و نایب‌السّلطنه در آنجا بود ـ از همان بوشهر که از کشتی پیاده شد، شروع کرد به رشوه دادن و خریدن افراد، و راحت توانست افراد را خریداری کند. این همه شاهزاده و امیر و اسمهای دهن‌پرکن، همه در مقابل هدایای این آقا خاضع و تسلیم شدند! روند تطاول دشمنان در این کشور، از آن زمان شروع شد. این خاک نرم و خاک‌ریز بی‌بنیاد ملّی آن روز اجازه داد دشمن نفوذ کند، و نفوذ کردند. ما نمیخواهیم دیگر این ادامه پیدا کند. انقلاب یک سدّ پولادینی در مقابل اینها درست کرده. ما میخواهیم این سد را مستحکم‌تر کنیم. به هیچ قیمتی اجازه ندهیم اینها در اقتصاد ما، در فرهنگ ما، در سیاست ما، در سرنوشت و مقدّرات ما دخالت

ATpie4Ai6laUCgwAd6ag==

کننـد؛ این احتیاج دارد به اینکه اسـتحکام درونی و داخـلی پیدا کنیم. این استحکام درونی، یکی از پایه‌های مهمّش «اقتصاد» است. بنابراین، اینکـه میگوییـم اوّل بشویم، به خاطر این اسـت؛ نه به خاطـر اینکه حالا یک هوسی است که ایران در منطقه اوّل بشود؛ نه، سرنوشت ملّت به این وابسته اسـت. بنابراین، تلاش مستمر، هوشـمندانه، مخلصانه و اثرگذار، که طبعاً همـه‌ی ظرفیّت کشور هم باید در آن به کار گرفته شـود، در این زمینه مؤثّر است.[1]

• لزوم تحمّل سختی‌ها در تلاشی پرسود

آنچـه برای یـک انسـان اهمّیّت دارد، ایـن اسـت؛ موفّقیّت در ایـن دنیا، چشم‌انداز خـوب و در نهایـت چشـم‌انداز رضـوان الهی و بهشـت الهی اسـت. این بـا مجاهدت به دسـت می‌آیـد، با صبـر به دسـت می‌آید، با پرهیـزکاری و پاک‌دامـنی به دسـت می‌آید و بـا تلاش خسـتگی‌ناپذیر به دست می‌آید. در مقابل چالشهایی که دشمن آفریده، انسان سختی‌هایی را تحمّـل میکنـد؛ امّا قـرآن به مـا میگوید از این سـختی‌ها نترسیـد: «إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ»[2]؛ اگر شـما از ناحیه‌ی آسیب دشـمن رنجی را تحمّل میکنید، دشـمن هـم از ناحیـه‌ی مقاومت، صبر و رشـادت شـما رنجهایی را تحمّل میکنـد؛ امّا با این فـرق: «وَتَرْجُونَ مِنَ اللهِ مَا لَا يَرْجُونَ»[3]؛ چشـم‌انداز برای شما چشم‌انداز روشن است، امّا برای دشمن نه. مسئله‌ی شهادت و مسئله‌ی جهاد در اسلام این است: تلاش از همه سـو سود، بدون زیان؛ تلاش صادقانه‌ای که به زندگی انسان معنا میدهد؛ جهت حرکت انسـان را معیّن میکند؛ چشم‌انداز آینده‌ی زندگی

---

۱. در دیدار فعّالان و برگزیدگان بخشهای اقتصادی ۱۳۹۰/۵/۲۶

۲. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۰۴

۳. همان

را به عنوان یک ملّت، چشم‌انداز روشن و تابناکی میکند و چشم‌انداز سرنوشت نهایی انسان را به عنوان یک فرد، رضوان الهی قرار میدهد؛ این جهاد و شهادت اسلام است؛ هیچ چیز جای این را نمیگیرد.[1]

• ناتوانی دشمن در مقابل گروهی که از مرگ هراسی ندارد

اینها [دشمنان] نمیدانند قدرتی وجود دارد که بالاتر از قدرت سلاح آنها است و آن‌قدرت ملّتها است، قدرت انسانها است. هر ملّتی که به یک مبدأ و به یک منطق و به یک مبنای فکری اعتقاد داشته باشد و با عزم راسخ پای آن منطق بایستد، هیچ قدرتی ـ‌چه قدرت اتمی و چه بالاتر و پایین‌تر از اتم‌ـ نمیتواند مقهورش کند. اینها قدرت ملّتها و قدرت خداوند قادر متعال را که پشت سر اراده و عزم و اقدام ملّتها است دست‌کم گرفته‌اند: «كُلًّا نُمِدُّ هَـٰؤُلَاءِ وَهَـٰؤُلَاءِ»[2]؛ هر گروهی برای اهدافی که به آن ایمان دارد کار کند، خدای متعال کمک و مددش خواهد کرد. اگر گروهی مؤمن به خدا باشد، آن وقت درآویختن با آن و شکست دادنش ده برابر مشکل‌تر هم میشود؛ مگر آسان است؟! هر کس با این نیرو ـ نیروی ملّتها و انسانها‌ـ درافتاد خُرد میشود. آمریکا هم خُرد خواهد شد. اینها میخواهند قدرت مقاومت ملّت فلسطین را نابود کنند و نمیتوانند. خب، حالا بالاخره چه خواهد شد؟ این حادثه‌ای که امروز اتّفاق افتاده است، ظواهری دارد و بواطنی. ظواهرش همین است که گفتیم: گروهی با زور و سرنیزه و تفنگ و تانک و پشتیبانی سیاسی آمریکا به جان زن و مرد و پیرزن و کودک و غیره افتاده است. آنها را میکشد، خانه‌شان را ویران میکند، دستبند به دستشان میزند، تحقیرشان میکند؛ آنها را با اهانت از خانه و زندگی‌شان دور میکند، خانواده‌ها را آواره میکند. این

---

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸

۲. سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۲۰

ظاهر قضیّه است. امّا باطن قضیّه این است که همین قدرت به ظاهر مسلّط، در درون خود ذوب میشود، آب میشود. ملّت فلسطین تصمیم گرفته است؛ سازمانهای مبارز فلسطینی اعمّ از سازمان فتح، سازمان حماس، جبههی خلق، جهاد، حزبالله و دیگران، دستشان را روی هم گذاشته و تصمیم گرفتهاند؛ همه به یک نتیجه رسیده و راه فداکاری را پیدا کردهاند؛ فهمیدهاند که راه نجات فلسطین آماده شدن برای فداکاری است. شهادت را تجربه کرده و فهمیدهاند که دشمن در مقابل شهادت و شهادتطلبی و نترسیدن از مرگ ناتوان است.[1]

• ایستادگی در برابر تحمیل انحرافات

دنیای امروز، دنیای دروغ، دنیای زور، دنیای شهوترانی و دنیای ترجیح ارزشهای مادّی بر ارزشهای معنوی است. این دنیا است! مخصوص امروز هم نیست؛ قرنها است که معنویّت در دنیا رو به افول و ضعف بوده است. پولپرستها و سرمایهدارها تلاش کردهاند که معنویّت را از بین ببرند. صاحبان قدرت، یک نظام و بساط مادّیای در دنیا چیدهاند که در رأسش قدرتی از همه دروغگوتر، فریبکارتر، بیاعتناتر به فضایل انسانی و نسبت به انسانها بیرحمتر مثل قدرت آمریکا است. این میآید در رأس و همینطور، میآیند تا مراتب پایینتر. این، وضع دنیا است. انقلاب اسلامی، یعنی زنده کردن دوبارهی اسلام؛ زنده کردن «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقَاكُمْ»[2]. این انقلاب آمد تا این بساط جهانی را، این ترتیب غلط جهانی را بشکند و ترتیب جدیدی درست کند. اگر آن ترتیب مادّی جهانی باشد، معلوم است که شهوترانهای فاسد روسیاه و گمراهی مثل

---

۱. خطبههای نماز جمعهی تهران ۱۳۸۱/۱/۱۶

۲. سورهی حجرات، بخشی از آیهی ۱۳؛ «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شما است.»

محمّدرضا باید در رأس کار باشند و انسان بافضیلت منوّری مثل امام باید در زندان یا در تبعید باشد! در چنان وضعیّتی، جای امام در جامعه نیست... وقتی مثل امامی بر سر کار آمد، یعنی ورق برگشت؛ شهوت‌رانی و دنیاطلبی به انزوا رفت، وابستگی و فساد به انزوا رفت، تقوا بالای کار آمد، زهد روی کار آمد، صفا و نورانیّت آمد، جهاد آمد، دلسوزی برای انسانها آمد، رحم و مروّت و برادری و ایثار و ازخودگذشتگی آمد. امام که بر سر کار می‌آید، یعنی این خصلتها می‌آید؛ یعنی این فضیلتها می‌آید؛ یعنی این ارزشها مطرح میشود. اگر این ارزشها را نگه داشتید، نظام امامت باقی میماند. آن وقت امثال حسین‌بن‌علی(علیه‌الصّلاة‌والسّلام)، دیگر به مذبح برده نمیشوند. امّا اگر اینها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیّه‌ی بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجّه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجمّلات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان بااخلاص را ـ که هیچ چیز نمیخواهد جز اینکه میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند ـ در انزوا انداختیم و آن آدم پرروی افزون‌خواه پرتوقّع بی‌صفای بی‌معنویّت را مسلّط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد. اگر در صدر اسلام فاصله‌ی بین رحلت نبیّ اکرم(صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه) و شهادت جگرگوشه‌اش پنجاه سال شد، در روزگار ما، این فاصله، خیلی کوتاه‌تر ممکن است بشود و زودتر از این حرفها، فضیلتها و صاحبان فضایل ما به مذبح بروند. باید نگذاریم. باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند، بایستیم.[1]

• هوشمندی در برابر طرّاحی و نقشه‌های دشمن

دشمن طرّاحی میکند. تو مِیدانی که او درست کرده، بازی نکنید؛ چون

---

۱. در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجّاد(ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲

چه ببرید، چه ببازید، به نفع او است. طرّاحی دشمن ایجاد اختلاف است، ایجاد ناامیدی است، به جان هم انداختن فعّالان سیاسی است، منزوی کردن خطّ اصیل و ارزشهای اسلامی است. این کارها، نقشه‌های دشمن است؛ سرگرم کردن جوانها به هوا و هوس و لغویّات و غافل کردن آنها از حرکت عمومی ملّت ایران، به تعطیلی کشاندن مدارس، به تعطیلی کشاندن کلاسهای دانشجویی. اینها نقشه‌های دشمن است. باید مراقب بود. باید در مقابل هر کاری که به این نقشه‌ها منتهی میشود، ایستاد. وحدت را باید حفظ کرد، امید را باید حفظ کرد، تلاش را باید روزبه‌روز بیشتر کرد و با یکدیگر صادق بود و دلها را به هم نزدیک کرد و در وظایف گوناگون اجتماعی، باید پرشور حرکت کرد.[1]

• قانون‌گرایی؛ مانع طمع‌ورزی دشمن

قانون اساسی ما یک قانون مترقّی، بسیار مستحکم و بسیار هوشمندانه نوشته شده است. بر اساس این قانون، همه چیز در جای خود قرار دارد و قرار گرفته است. توصیه‌ی من به همه‌ی مسئولان، به همه‌ی مراکز قانونگذاری، به همه‌ی مراکز قانونی و به همه‌ی آحاد ملّت، رعایت قانون است. اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمیتواند به طمع‌ورزی خود ادامه دهد. قانون باید رعایت شود. قانون، راه نفوذ دشمن را هم بسته است. اگر دیده میشود در مواردی اغتشاشگرانی از سوی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن تأیید میشوند، اینجا بهترین پاسخ به دشمن این است که قانون اجرا شود. اگر اغتشاشگران حوادثی از قبیل حوادث خرّم‌آباد، با قوّت و قدرت به وسیله‌ی دستگاه‌های قانونی به مجازات خود برسند ـ هر که هستند ـ دشمن دیگر جرئت نمیکند. با رعایت قانون، با رعایت انصاف، بدون تن دادن به اختلافات جزئی سیاسی ـ که همراه با

---

۱. در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان ۱۳۸۷/۸/۸

هوچی‌گرایی‌ها، بزرگ نشان داده میشود_ دشمن نمیتواند به طمع‌ورزی خود ادامه دهد.[1]

• تأثیرناپذیری از دشمن در صحنه‌ی کسب علم

وابستگی را نباید با اشتیاق به فراگیری علم ـکه هر جا انسان آن را بیابد، دنبال آن خواهد رفت_ اشتباه کرد. گاهی علم در دست دشمن ما است؛ پیش دشمن میرویم، زانو میزنیم و از او علم را فرامیگیریم؛ این اشکالی ندارد. ارزش علم فراتر از این است که انسان به خاطر آن، حتّی سراغ کسی که با او مخالف است، نرود. این یک بحث است؛ تحت تأثیر آن دشمن قرار گرفتن از غیر جنبه‌ی علم ـیعنی جنبه‌ی سیاست، فرهنگ و چیزهای دیگر_ یک بحث دیگر است. آنچه برای ما درست کردند، این دوّمی است. آنچه برای ـبه اصطلاح رایج_ جهان سوّم خواستند و برنامه‌ریزی کردند، این دوّمی است. اتّفاقاً کاری کردند که اوّلی انجام نگیرد.[2]

• بی‌اثری دشمنی در مقابل تلاش مستمر

جوانان و صاحبان دانش و اندیشه و خرد باید تلاش کنند. تصوّر هم نکنید که دشمن میتواند جلوی این تلاش را بگیرد؛ نه. حدّاکثر کاری که این دشمن که امروز در مقابل ملّتها است ـیعنی آمریکاـ میتواند بکند، عبارت است از کار نظامی و جاسوسی، که یکی مثل صدّام مفلوک بدبخت را در بیغوله و حفره پیدا کند، یا اینکه به کار فساد و ابتذال‌پراکنی به وسیله‌ی رسانه‌های جمعی و کارهای فرهنگی بپردازد؛

---

۱. در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴

۲. در دیدار با اعضای شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا ۱۳۷۰/۹/۲۰

وَالّا حتّی از راه فشارهای اقتصادی هم آن‌چنان که میخواهد، برایش میسّر نیست؛ چون در زمینه‌ی ارتباطات اقتصادی در دنیا، گوشه و کنارها و پیچیدگی‌هایی وجود دارد و این‌طور نیست که اگر بخواهند ملّتی را از لحاظ اقتصادی بیچاره کنند، بتوانند. در دوره‌ی جنگ، دنیای غرب، آمریکا و اروپا و وابسته‌هایشان و دنیای شرق آن روز که شوروی بود، ما را تحریم کردند و از تعداد سلاحها و هواپیماها و تانکهایمان هم خبر داشتند و فکر میکردند ظرف شش ماه همه‌ی اینها تمام خواهد شد! هشت سال جنگ را کش دادند که در پایان این هشت سال امکانات و تجهیزات ما بهتر و بیشتر از اوّل شد![1]

• لزوم منظر حکیمانه در اتّخاذ مواضع در مقابل دشمن

حکمت، یعنی نظام اسلامی حکیمانه کار کند و از روی احساسات و بی‌توجّه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما باید از رابطه با دنیا بگیریم، حرکت نکند. دید باید کاملاً حکیمانه و پخته باشد. ای‌بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم برخورد داریم، الان بایستی بنشینیم با او طرح دوستی بریزیم. این، حکمت است. خیال نکنید اینها از اسلام نیست؛ نخیر، آنجایی که جایش باشد، از اسلام است؛ کمااینکه رسول اکرم(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) با خیلی‌ها ـ از جمله با یهود اطراف مدینه ـ مذاکره کرد.[2]

• نگاه امیدوارانه در برابر نگاه نومیدانه

عزیزان من! شرط اصلی فعّالیّت درست شما در این جبهه‌ی جنگ

---

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۶

۲. برگرفته از بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۳۶۸/۱۱/۹

نرم، یکی‌اش نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوش‌بینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی‌تان به جای پدربزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوش‌بینانه است؛ نه از روی توهّم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید ـ مرکز خوش‌بینی ـ مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش بی‌تحرّکی، به دنبالش انزوا است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن میخواهد.[1]

نقش ایستادگی مردم در برابر دشمن

• نقش توده‌ی مردم در مقابله با دشمن در کلام امام علی(علیه‌السّلام)

این حرفها خطاب به مالک اشترِ بزرگوار است... و امّا آنچه ما از کلمات حضرت در این نامه انتخاب کردیم، چند جمله است... «و أبطأ عُذراً عِندَ المَنعِ»؛ وقتی انسان چیزی به آنها نمیدهد، اگر عذری هم داشته باشد، اینها عذر را قبول نمیکنند. «و أضعَفَ صَبراً عِندَ مُلِمّاتِ الدَّهرِ»... اگر بلای طبیعی یا بلایای اجتماعی پیش بیاید، از همه کم‌صبرتر و نق‌زن‌تر اینهایند... «و إنّما عِمادُ الدِّینِ و جِماعُ المُسلمینَ و العُدَّةُ لِلأعداءِ العامَّةُ مِنَ الأُمَّةِ»؛ پایه‌ی دین، توده‌ی مردمند. این جمله را امیرالمؤمنین دارد میگوید. این اگر پوپولیسم هم هست، پوپولیسم علوی است؛ مورد احترام و تقدیس ما است. «و العُدَّةُ لِلأعداءِ»؛ در مقابل دشمن، عدّه و امکان و استعداد عبارتند از همین عامّه. «فلْیَکُنْ صِغوُکَ لَهُم و مَیلُکَ مَعهُم»[2]؛ میل و گرایش عمومی‌ات به طرف عامّه باشد.[3]

---

۱. در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴

۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳

۳. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۷/۱۷

• استقامت؛ لازمه‌ی رسیدن به اهداف عالی اسلامی

نکته‌ی مهمّی وجود دارد، که آیه‌ی شریفه‌ی قرآن در سوره‌ی فتح درباره‌ی همین نکته است: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللهَ يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»[1]. وقتی یک ملّت راهی را آغاز کرد، رسیدن به نتایج، احتیاج دارد به استقامت در آن راه، به پیشرفت در آن راه، به متوقّف نشدن میان راه، به قانع نشدن به دستاوردهای میانه‌ی راه. یکی از آفات ما این است که تصوّر کنیم این مقداری که پیشرفت کردیم، نتایج نهایی است؛ همین جا توقّف کنیم. آفت دیگر این است که تصوّر کنیم چون تا این دوره و در این مدّت به هدفهای نهایی نرسیدیم، پس چراغ امید را در دل خودمان خاموش کنیم؛ فکر کنیم دیگر دسترسی نخواهیم داشت. راهی که خداوند متعال و اسلام به ما می‌آموزد، این است: «فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ»[2]؛ راهی را که شناختید، با دقّت پیش بروید، قدمها را محکم و استوار بردارید و استقامت به خرج بدهید. اگر استقامت به خرج دادیم، آن وقت به اهداف عالی اسلامی خواهیم رسید.[3]

• بیداری، شرط پیروزی مؤمنین

فشارهایی که در دنیا انجام میگیرد، اینها محکوم به شکست است؛

---

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱۰؛ «در حقیقت، کسانی که با تو بیعت میکنند، جز این نیست که با خدا بیعت میکنند؛ دست خدا بالای دستهای آنان است؛ پس هر که پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان میشکند، و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به‌زودی خدا پاداشی بزرگ به او میبخشد.»

۲. سوره‌ی شوری، بخشی از آیه‌ی ۱۵؛ «بنابراین به دعوت پرداز، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن، و هوسهای آنان را پیروی مکن.»

۳. در دیدار با مردم کنگاور ۱۳۹۰/۰۷/۲۷

اینها شکست خواهد خورد. این چیزی است که تجربه به ما نشان داده، غیر از وعده‌ی الهی که: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»[1] و آیات زیادی که در این جهت هست... یک مدّتی فشار می‌آورند، وقتی که ایستادگی مشاهده شد از این طرف، آن فشار تمام میشود. جنگ، جنگ اراده‌ها است؛ جنگ عزمهای راسخ است؛ هر که عزمش بیشتر بود، او برنده است. بنابراین، اینها شکست میخورند. اگر قرار بود نظام اسلامی با این فشارها شکست بخورد، باید همان دهه‌ی اوّل شکست میخورد. آن وقت ـ گفتم ـ دشمن قوی‌تر بود، ما ضعیف‌تر بودیم، توانایی‌هایمان کمتر بود، امکاناتمان کمتر بود، دنیاشناسی‌مان کمتر بود، تجربه‌مان کمتر بود؛ امروز بحمدالله این کمبودها و کمی‌های آن وقتها جبران شده و خیلی از اشکالاتی که آن وقت وجود داشت، وجود ندارد. مردم روحیّه‌هایشان هم خوب است. امروز انگیزه‌ها خیلی بالا است. اگر خدای نکرده یک وقتی یک جنگی اتّفاق بیفتد که حضور در جبهه را برای مردم و جوانها ایجاب کند، آن وقت خواهید دید که جوان امروز ما که نسل سوّم انقلاب است، همّتش و فداکاری‌اش از جوان آن روز کمتر نیست؛ شاید بیشتر هم هست. یک چنین حالتی وجود دارد. بنابراین، این فشارها محکوم به شکست است؛ لکن مهم این است که ما بیدار باشیم.[2]

• همبستگی ملّی و خودباوری در برابر دشمن

نیروی ملّت باید منسجم بشود، باید با ایمان حرکت کند، باید به خدا تکیه کند، باید از سختی‌ها نترسد، باید پا عقب نکشد؛ اگر این کارها شد، آن وقت آن که قدرت دارد این [ملّت] است؛ همیشه این باید ملاک و معیار قضاوت ما باشد. گذشته هم همین‌جور بود؛ در دوران

---

۱. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰

۲. در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

مبارزات، بعضی آدمها بودند که سطحی بودند، ظاهربین بودند؛ آدمهای بدی نبودند، امّا ظواهر امر را نگاه میکردند. میگفتند مگر میشود؟ امّا آن کسی که راز حرکت تاریخ و سنّت‌های الهی را میدانست، میدانست که بله، میشود. یک مقداری ایستادگی لازم است، یک مقداری انسجام لازم است، اراده لازم است.[1]

خداوند متعال با اشاره به یکی از ملّتهای مؤمن گذشته میفرماید: «وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّآ أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»[2]؛ دشمنان، چون آنها را مؤمن یافته بودند ـ و انسان مؤمن تسلیم زور و استکبار نمیشود ـ به خاطر ایمانشان از آنها انتقام میگرفتند. ایمان، ایستادگی، مقاومت و خودباوری ملّت ایران برای دشمن ناگوار است. آنها حکومتهای مطیع و فرمان‌بر و ملّتهای بی‌حال و تسلیم در مقابل زورگوییهایشان را می‌پسندند.[3]

ATvie4Aj6faUCqwA6a9Z==

• وحدت کلمه و تقویت اقتدار ملّت

آن چیزی که ابرقدرت‌ها را در مقابل ملّت ایران مرعوب کرده است، در درجه‌ی اوّل وحدت کلمه بود. وقتی در میان ملّتی وحدت کلمه باشد، قدرت آنها چند برابر میشود. اگر دشمن در مقابل خود ملّت مقتدری را مشاهده کرد، مجبور به عقب‌نشینی خواهد شد. علّت عقب‌نشینی‌های مکرّر دشمن در طول مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب هم همین بود.

گمان نکنیم که اگر ما ضعیف باشیم، دشمن ترحّم خواهد کرد. آن چیزی که مردم مادّی را ـ که معنویّات و ارزشها برایشان مطرح نیست ـ

---

۱. در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونی‌های شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو ۱۳۶۸/۴/۸

۲. سوره‌ی بروج، آیه‌ی ۸؛ «و بر آنان عیبی نگرفته بودند جز اینکه به خدای ارجمند ستوده ایمان آورده بودند.»

۳. در دیدار اساتید و دانشجویان قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۶

میترساند، قدرت است. برای این دولتهای گردن‌کلفتِ مقتدرِ زورگوی عالم، هیچ ارزش انسانی و اخلاقی‌ای مطرح نیست؛ آن چیزی که آنها از آن واهمه دارند، قدرت است.[1]

• قدرت ملّت؛ عامل حیرت دشمن

آنجایی که ما نشان میدهیم که به یک عقیده‌ای ـآن هم عقیده‌ی دینیـ قویّاً پابند هستیم، آنجا است که دشمن در ما چیزی از قدرت احساس میکند که آن را درست نمی‌شناسد؛ لذا ابّهتی از آن در دلش جا میگیرد. وَالّا این اقتدارهای معمولی و ظاهری ـپول و ثروت و علم و تسلیحات و این چیزهاـ قابل فهم و قابل تشخیص است و خیلی‌ها هم بیشتر از ما از آن برخوردارند.[2]

اینکه اسلام میفرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»[3] یک وجه از عزّت مؤمنین همین است: مؤمن در سخت‌ترین شرایط هم احساس میکند عزیز است، احساس ذلّت نمیکند، خودش را نسبت به دشمن، خوار احساس نمیکند؛ چرا؟ چون اقتدار معنوی و درونی خودش را حفظ کرده و از دست نداده.[4]

ما در اوان پیروزی انقلاب اسلامی بخوبی مشاهده میکردیم که دشمن، حیرت‌زده و گیج است و نمیفهمد چه اتّفاق افتاده است. در حقیقت، استکبار نمیتوانست تحلیل درستی از آنچه که واقع شده بود پیدا کند. امّا

---

۱. در مراسم بیعت روحانیّون، مسئولان و مردم استان زنجان و شهرهای نهاوند، کاشمر، بجنورد، اسفراین، طرقبه و چناران، اقلید، بم، ملایر و دهبید فارس ۱۳۶۸/۴/۱۵

۲. در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کلّ وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور ۱۳۶۸/۵/۳۱

۳. سوره‌ی منافقون، بخشی از آیه‌ی ۸؛ «عزّت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است.»

۴. در دیدار با جمع کثیری از خانواده‌های معظّم اسرا و مفقودان شهرهای تهران، کرج، ورامین، قم، کاشان، زنجان و اهواز ۱۳۶۸/۵/۲۳

بعد از آنکه جمهوری اسلامی تشکیل شد، مبارزه‌ی ملّت ما با آن‌قدرت ادامه پیدا کرد؛ جنگ تحمیلی پیش آمد؛ مقاومت این ملّت پیش آمد؛ رهبری قاطعانه‌ی امام خود را در میدانهای مختلف نشان داد و پیوند اسلامی میان مردم و امام، ابعاد مختلف خودش را شناساند؛ دشمن بیدار و هشیار شد و تجربه پیدا کرد. این نکته، برای ما ملّت ایران و نیز برای مسلمانان در سایر نقاط عالم، مهم است. با این حال، مسلمانان در سایر نقاط عالم باید توجّه کنند که مبارزات اسلامی، مثل یک جنگ نظامی سنّتی و کلاسیک است. عیناً مشخّصات همان برخورد را دارد. در جنگ نظامی، وقتی می‌بینید دشمن حرکتی ابتکاری از خود نشان میدهد، سعی میکنید ضدّ آن حرکت را انجام دهید. همین که دشمن سلاح جدیدی به دست می‌آورد، سعی میکنید ضدّ آن سلاح را فراهم کنید. او تانک برای خود فراهم میکند، شما ضدّتانک فراهم میکنید. او هواپیمای جنگی برای خود تحصیل میکند، شما ضدّهوایی درست میکنید. به معنای دقیق‌تر، هر حرکتی را که دشمن انجام داد شما می‌نشینید، فکر و تلاش میکنید و با ابتکار و هوشمندی، حرکت مقابل او را انجام میدهید. در مبارزات اسلامی نیز همین‌طور است. در نهضت اسلامی نیز همین وضع وجود دارد. دشمن چون نسبت به انقلاب اسلامی تجربه پیدا کرده است، روشهای جدیدی را به کار میگیرد. لذا مسلمانان عالم باید هشیار باشند.[1]

• شقاوت‌مندی دشمن در برابر بیداری ملّت

شقاوتی که قدرتهای استکباری در این سالهای اخیر در نقاط مختلف عالم از خودشان نشان دادند، عکس‌العمل بیداری و شجاعت ملّتها است. وقتی ملّتهای تحقیرشده، غبار تحقیر را از لباس خود میتکانند

---

۱. در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

و احساس تحقیر را کناری می‌اندازند و سرِ پا بلند میشوند، قدرتهای تحقیرکننده مجبورند هوای خودشان را داشته باشند. ضربه بر آنها وارد خواهد آمد و وارد آمد و بیشتر از این هم می‌آید. موج گرایش به اسلام انقلابی در جوامع اسلامی، یک موج زنده است؛ هیچ کارش هم نمیتوانند بکنند. البتّه سرکوب میکنند، سخت‌گیری میکنند، تهمت میزنند، اسم تروریست رویشان میگذارند، ولو هیچ ارتباطی هم با جمهوری اسلامی نداشته باشند [ولی] این ارتباط را ادّعا میکنند برای اینکه دو طرف را بکوبانند ـ این کارها را دشمن میکند ـ امّا آن کاری را که نمیتوانند بکنند، از بین بردن این موج گرایش به اسلام انقلابی در میان ملّتها است؛ این کار را نمیتوانند بکنند؛ نتوانستند و بعد از این هم نخواهند توانست انجام بدهند.[1]

• فهم دشمن از راز پیروزی ملّت ایران

دشمن فهمید که راز پیروزی ملّت ایران چیست؛ لذا در صدد برآمد تا سیاسیّون و سردمداران دولتی را از روحانیّت و دین جدا کند. آنها را از آیت‌الله کاشانی جدا کردند و بینشان فاصله انداختند و متأسّفانه موفّق هم شدند. از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که مرحوم آیت‌الله کاشانی توانست ملّت ایران را آن‌طور به صحنه بیاورد، تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که عوامل آمریکا در تهران توانستند مصدّق را سرنگون و تمام بساط او را جمع کنند و مردم هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، یک سال و یک ماه بیشتر طول نکشید. در این یک سال و یک ماه، با وساطت ایادی ضدّ استقلال این کشور و با توطئه‌ی دشمنان این ملّت، دکتر مصدّق مرتّب فاصله‌ی خود را با آقای

---

۱. در دیدار با خانواده‌های معظّم شهدا و مفقودان و اسرا و جانبازان شهرهای رودبار، منجیل، ساوه، اراک، محمودآباد آمل و فریدن و خانواده‌های معظّم شهدای وزارت اطّلاعات ۱۳۶۸/۱۰/۱۳

کاشانی زیاد کرد، تا اینکه مرحوم آیت‌الله کاشانی چند روز قبل از ماجرای ۲۸ مرداد نامه نوشت ـ همه‌ی این نامه‌ها موجود است ـ و گفت من میترسم با این وضعی که دارید، علیه شما کودتا کنند و مشکلی به وجود آورند. دکتر مصدّق گفت: من مستظهر به پشتیبانی مردم ایران هستم! اشتباه او همین جا بود. ملّت ایران را سرانگشت روحانیّت ـ کسی مثل آیت‌الله کاشانی ـ وادار میکرد که صحنه‌ها را پُر کند و به میدان بیاید و جان خود را به خطر بیندازد. در ۲۸ مرداد که کاشانی منزوی و خانه‌نشین بود ـ و در واقع دولت مصدّق او را منزوی و از خود جدا کرده بود ـ عدم حضور او در صحنه موجب شد که مردم نیز در صحنه حضور نداشته باشند؛ لذا کودتاچی‌های مأمور مستقیم آمریکا توانستند بیایند و براحتی بخشی از ارتش را به تصرّف درآورند و کودتا کنند. یک مشت اوباش و الواط تهران را هم راه انداختند و مصدّق را سرنگون کردند. پس از آن، دیکتاتوری محمّدرضاشاهی به وجود آمد که ۲۵ سال این ملّت زیر چکمه‌های دیکتاتوری او لگدمال شد و ملّی شدن صنعت نفت هم در واقع هیچ و پوچ گردید؛ چون همان نفت را به کنسرسیومی دادند که آمریکایی‌ها طرّاحی آن را کردند. هر چه دشمن خواست، همان شد؛ به خاطر جدا شدن از روحانیّت و دین. اینها عبرت است.[1]

• عدم شکست ملّت با مسجد ضرار

عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه‌داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملّت، ملّت باایمانی است؛ ملّت هوشیاری است؛ ملّت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملّت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه‌هایی را از این داریم: «وَالَّذِينَ

---

۱. در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰

اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»[1]. با تقلید از رهبر عزیز و عظیم‌الشّأن انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه‌ی وجود غرق در قرآن بود، نمیشود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوانهای ما آگاهند. این تجربه‌ای است برای دشمن.[2]

• وظیفه‌ی ملّت، شناسایی دشمن و اهداف او

گاهی بعضی افراد دژی را فتح میکنند، لیکن بسرعت آن را از دست میدهند. در میان جمع حاضر یقیناً عدّه‌ی زیادی در جنگ تحمیلی حضور داشتند و دیده‌اند که گاهی انسان یک دژ را، یک منطقه را، یک شهر را، یک روستا را میگیرد؛ امّا در نگهداری آن غفلت میکند. یعنی اوّل انگیزه دارد، امّا بعد انگیزه‌ی خود را از دست میدهد؛ دشمن هم بدون درنگ مجدّداً حمله میکند ـ به اصطلاح نظامی‌ها، پاتک میکند ـ و آنچه را که با زحمت، جان‌فشانی، انگیزه و ایمان از او گرفته شده، پس میگیرد. هنر ملّت ایران تا امروز این بوده که پاتک دشمن را در همه جا خنثی کرده است. نه اینکه دشمن نمیخواسته پاتک کند؛ دشمن همیشه در صدد ضربه زدن به ما بوده است.[3]

این ملّت، ملّتی نیست که با تهدید و ارعاب و حضور تهدیدآمیز قدرتهای مادّی ـ که عادت کرده‌اند حرف خود را علیه ملّتها و جوامع به کرسی بنشانند ـ پا عقب بگذارد، قدرت خود را فراموش کند و به ضعف تلقینی دشمن گوش دهد. این ملّت میداند که قوی است و فهمیده که

---

۱. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۰۷؛ «و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه‌ی زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود.»

۲. در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره‌ی ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۵/۱۲

۳. در دیدار جمع کثیری از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

دارای اقتدار است... ملّت ایران علیه کشورهای خلیج فارس و ملّتهای همسایه و هیچ کشور دیگری که متعرّض به آن نباشد، تهدیدی به وجود نمی‌آورد.[1]

• نسبت معکوس موفّقیّت ملّت و نفوذ بیگانگان

موفّقیّت هر ملّتی در پیشرفتهای خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد. اینها نسبتشان متعاکس است؛ یعنی هر گاه بیگانه و یک قدرت خارجی ـولو آن‌قدرت خارجی علناً اظهار دشمنی نکرده باشدـ نفوذش در بین مردم، قشرهای مختلف و فضای سیاسی بیشتر باشد، این ملّت از آینده‌ای همراه با عزّت و همراه با افتخار و تأمین‌شده، فاصله‌اش بیشتر است. نه اینکه با هر بیگانه‌ای باید ستیزه‌گری کرد؛ نه، گاهی هم انسان به خاطر مصالح، با بیگانه‌ای دوستی میکند؛ امّا به همان بیگانه‌ی دوست هم نباید اجازه داد که در امور داخل این خانه، این خانواده، این کشور و این جامعه بتواند نقش ایفا کند. از اوّل انقلاب که بکلّی رشته‌های نفوذ آمریکا و دیگر قدرتمندان ـفقط هم آمریکا نبود؛ منتها بدترینشان آمریکا بودـ در این کشور گسسته شد، اینها دائم در فکر بودند که به نحوی در داخل کشور نفوذ کنند و به پیاده کردن فکر خودشان، حرف خودشان، کار خودشان و مقاصد و هدفهای خودشان بپردازند. از همه‌ی راه‌ها هم برای این کار استفاده میکنند.[2]

• عمل صالح ملّت

وقتی یک ملّت مورد تهدید قرار میگیرد، عمل صالح این است که

---

۱. در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳

۲. در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۹/۸/۱۱

انسانهایی در مقابل تهدید دشمنان متجاوز سینه سپر کنند؛ امکانات خودشان را متمرکز کنند؛ از همه‌ی نیرو و استعداد خودشان بهره بگیرند؛ علم و عمل و ابتکار و شجاعت را با هم بیامیزند و در مقابل دشمن زورگو و متجاوز بایستند و مقاومت کنند. وقتی ایمان با عمل صالح همراه شد، انسان از خسران نجات پیدا میکند؛ آن وقت ملّتها پیروز میشوند.[1]

• تدبیر و شجاعت در برابر دشمنی‌ها

ملّت و مسئولان کشور باید هوشیار باشند؛ محاسبه‌ی این دشمنی‌ها را بکنند؛ در مقابله‌ی با این دشمنی‌ها، با تدبیر و با شجاعت عمل کنند. هم تدبیر لازم است، هم شجاعت لازم است. اگر شجاعت وجود نداشته باشد، در مقابل ابّهت و هیبت و چهره‌ی عبوس دولتهای مستکبر، کسی دل خود را ببازد، قطعاً شکست خورده است... تدبیر هم لازم است. تدبیر یعنی آگاهی از آنچه که در برنامه‌ی دشمن است، و تصمیم درست و بجا در مقابله‌ی با آن. دشمن به شکلهای مختلفی ظاهر میشود. شما امروز ملاحظه کنید؛ در مقابل ملّت ایران و نظام جمهوری اسلامی، صهیونیست‌ها هستند، دولت آمریکا قرار دارد؛ گاهی لباس گرگ میپوشند، گاهی لباس روباه میپوشند؛ گاهی چهره‌ی خشن و خصمانه‌ی خودشان را نشان میدهند، گاهی چهره‌ی فریبگرانه نشان میدهند؛ باید متوجّه بود.[2]

• اجازه ندادن ملّت نسبت به فتنه‌انگیزی دشمن

دشمنان زبون و حقیر اسلام و انقلاب گمان کرده‌اند انقلاب و مردم مؤمن

---

۱. در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های سه‌گانه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳/۷/۲۲

۲. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهّر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

و انـقلابی به آنان اجازه خواهند داد که با فتنه‌انگیزی خود، راه سـلطه‌ی آمریکای جنایـت‌کار را بر میهن عزیز ما هموار کنند. گروهکهای وابسـته و معانـد، طبق تحلیل اربابـان و معلّمان خود، گمـان کرده‌اند مردم ایران از اسلام و انقلاب، دسـت برداشـته‌اند، و به خیال باطل خود میخواهند از انقلاب اسلامی انتقام بگیرند؛ ولی غافل از اینکه ملّت مؤمن و شجاع و هوشیـار به آنـان و اربابان و پشـتیبانان آنان اجازه‌ی ادامه‌ی شـرارت را نخواهند داد و نظامِ مقتدر اسلامی، آنان را بشدّت منکوب خواهد کرد.[1]

• توطئه‌های دشمن و عزم راسخ ملّت ما

باید تأکید کنم که خطر هست، ولی راه مصونیّت از آن نیز هست. توجّه بـه خطر نباید ملّتها را بترسـاند. بگذارید دشـمنانتان از شـما بترسـند و بدانیـد کـه: «إِنَّ كَيْـدَ الشَّيْطَـانِ كَانَ ضَعِيفًـا»[2]. خداوند دربـاره‌ی گروهی از مجاهـدان صـدر اسلام میفرمایـد: «الَّذِينَ قَـالَ لَهُـمُ النَّـاسُ إِنَّ النَّاسَ قَـدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَـوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْـبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»[3]. خطرها را باید شـناخت تا در مواجهه بـا آن حیرت و تردید پیش نیاید و چاره و علاج، شناخته شده باشد.

ما بـا این خطرها پـس از پیروزی انـقلاب اسلامی روبه‌رو شـدیم و آنها را شـناختیم و تجربـه کردیـم و به خواسـت خـدا و رهبری امـام خمینی و بصیـرت و فـداکاری مردممـان، از بیشـتر آنها بـه سلامت گذشـتیم. البتّه توطئه‌ها از سوی دشمن و عزم راسخ از سوی ملّت ما همچنان ادامه دارد.[4]

---

۱. پیام به ملّت رشید ایران ۱۳۷۸/۴/۲۲

۲. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۷۶؛ «نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.»

۳. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۷۳؛ «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آن بترسید. ولی [این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.»

۴. در نخستین اجلاس بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

• خستگی ملّت؛ خواست دشمن

راه عزّت، راه کرامت، راه سربلندی در دنیا و کسب رضای الهی در آخرت، راه انقلاب و راه ایستادگی در مقابل دشمنان خدا است. دشمن میخواهد ملّت ایران را خسته کند؛ غافل از اینکه این ملّت با این عظمت و با این همه خون ریخته‌شده در راه خدا، هرگز از ادامه‌ی راه خدا خسته نخواهد شد. دشمن میخواهد این سرمشق را از ملّتهای مسلمان بگیرد؛ میخواهد وانمود کند که این ملّت خسته شده و در راه خود متزلزل گردیده است. شما همیشه نشان داده‌اید که دشمن دروغ گفته است؛ باز هم باید نشان بدهید؛ باز هم باید ادّعای دروغ دشمن را تخطئه کنید؛ و این با حضور در صحنه‌های انقلاب است.[1]

• حرکت ملّت، فراتر از تحلیلهای دشمن

این ملّت بحمدالله، روش و حرکت و پیشرفتش، هنوز بسیار فراتر از تحلیلهای دشمنان است. ما در تحلیلها و اظهار نظرهایشان می‌بینیم که چقدر نسبت به فهم واقعیّات این کشور، بر خطا و در غلط و اشتباه هستند. خب، همان تحلیلها و تصمیم‌گیری‌های خطا را به آنها املاء میکنند و تصمیم‌گیری خطا هم، شکست را بر آنها تحمیل میکند. لذا، پشت سر هم شکست میخورند؛ چون ملّت، انقلاب و کشور ما را نمی‌شناسند. خدای متعال اراده کرده است که پرچمش در اهتزاز بماند و دینش عزّت پیدا کند. چرا؟ چون مؤمنین به این دین کمر بسته‌اند.[2]

با انبوه میلیونی یک ملّت، آن هم ملّت آگاه، مبارز، نترس، اهل خدا و متوکّل به خدا و آزموده و آزمایش‌داده، چه کار میتوانند بکنند؟! این همان جایی است که امام بزرگوار در مقابله با دشمنی‌های آمریکا، مکرّر

---

۱. در دیدار خانواده‌های شهدای استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱

۲. در دیدار نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۴/۳/۸

فرمود: «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.» هیچ غلطی نمیتواند بکند؛ چون طرف مقابلش یک ملّت عظیم است.[1]

• حجم کثیر دشمنی دشمنان با ملّت

حجم مقابله و دشمنیِ دشمنان با ما، بسیار بالا است؛ امّا قدرت و توان مقابله و مبارزه‌ی ما ـ چه مبارزه‌ی تهاجمی ما با دشمن و چه مبارزه‌ی دفاعی ما ـ نیز بسیار بالا است. اگر ما به مبارزه‌ی با تهاجم دشمن تصمیم داشته باشیم ـ بر این معنا تصمیم بگیریم و به خدای متعال اتّکال و از ظرفیّت خودمان استفاده کنیم ـ توان دشمن بسیار کمتر از توان ما است. ما در بین مردم خودمان هستیم؛ ما با مردم خودمان مواجهیم، ما با زبان مردم خودمان حرف میزنیم؛ امّا دشمن این امکانات را ندارد یا به قدر ما ندارد. لذا ما میتوانیم حتّی روی افکار عمومی دنیا اثر بگذاریم.[2]

• تبلیغات گسترده‌ی دشمن علیه ملّت

مراکز قانونی باید مورد اعتماد باشند. قوّه‌ی قضائیّه‌ی مورد اعتماد، دولت مورد اعتماد، شورای نگهبان و مجلس مورد اعتماد، مجمع تشخیص مصلحت مورد اعتماد؛ اینها مراکز قانونی‌اند. تبلیغات دشمن، هر وقتی برای هر دسته از مخاطبان سعی میکند یکی از این مراکز را بمباران تبلیغاتی کند؛ برای اینکه رابطه و امید و اطمینان مردم را از آنها سلب کند. من عرض میکنم، همه‌ی این دستگاه‌ها باید مورد اعتماد مردم باشند؛ ملّت به آنها اعتماد کنند؛ آنها امین مردمند. نمیگویم خطا

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم در صحن امام خمینی(ره) حرم حضرت علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا(ع) ۱۳۷۴/۱/۳

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵

نمیشود؛ ممکن است خطا بشود؛ امّا هر خطایی راه جبرانی دارد. اگر پیوند میان مردم و دستگاه‌های قانونی گسسته شود، راه جبران ندارد. دشمن این را میخواهد.[1]

• اتّخاذ روشهای گوناگون توسّط مردم برای مقابله با دشمن

سالها این ملّت در سختی‌های ناشی از سلطه‌ی بیگانه گذراند تا اینکه زمینه برای انقلاب اسلامی آماده شد. رهبری حکیم، پرقدرت، با اراده و عزم راسخ و نافذ در همه‌ی دلها، در میان مردم به وجود آمد و وارد میدان شد؛ ملّت هم تجربه پیدا کرده بودند؛ لذا انقلاب اسلامی شکل گرفت و این دفعه ترفند دشمن بی‌اثر ماند؛ چون ملّت و رهبران در انقلاب اسلامی تجربه پیدا کرده بودند. در دوره‌ی مشروطه، رهبران و مردم نمیدانستند کمین بیگانگان با آمادگی‌های قبلی چقدر خطرناک است؛ لذا حصارهای خودشان را برچیدند و مهیّای قبول حمله‌ی دشمن شدند؛ دشمن هم آمد و هر کار خواست، در این کشور کرد. این دفعه در انقلاب اسلامی، با استفاده‌ی از تجربه‌ی مشروطیّت، هم ملّت ما، هم رهبران روحانی ما و هم روشنفکران صادق ما فهمیدند که باید حصار معنوی ـ یعنی حصار ایمان، ارزشهای انقلابی و حصار بیداری ـ را در مقابل توطئه‌های دشمن محکم نگه دارند.[2]

• انگیزه‌ی تمام‌نشدنی و حرکت خودجوش ملّت

ملّت ایران کاری کنند که انگیزه‌ی تمام‌نشدنی آنها برای دشمن مشخّص شود؛ این، دشمن را مأیوس میکند. دشمن اگر احتمال بدهد که با جنجال‌آفرینی و با غوغا و تبلیغات توانسته انگیزه‌ی مردم

---

۱. در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴

۲. در دیدار اعضای اتّحادیّه‌ی انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان ۱۳۸۳/۱۲/۲۴

را ضعیف کند، امیدش بیشتر میشود، تهاجمش شدیدتر میشود. باید دشمن احساس کند که انگیزه‌ی این ملّت تمام‌نشدنی است.[۱]

مردم وقتی احساس میکنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان. این حرکتِ ایمانی است، این حرکتِ قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدایی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خدا است، دست اراده‌ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دلها دست خدا است. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدایی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال این‌جور دفاع میکند.[۲]

• یأس دشمن به واسطه‌ی حضور همه‌جانبه و وسیع مردم

استقامت و استحکامتان را حفظ کنید؛ این روزها دشمنها خیال میکنند که خواهند توانست در خلأ وجود حضرت امام شیطنت کنند، شرارت کنند؛ الحمدلله این حضور مردم مأیوسشان کرد؛ بایستی به این حضور در شهرها و به مناسبت عزاداری هم اکتفا نشود. عامّه‌ی مردم حضورشان همین است؛ شما حضورتان در مراکز خدمتتان است؛ باید قوی و محکم با سوداگران مرگ، با بدخواهان، با توطئه‌گران در محدوده‌ی مسئولیّتها و قلمرو فعّالیّت کمیته‌ی انقلاب اسلامی، قرص و محکم برخورد کنید؛ باید نشان بدهید که امّت امام و فرزندان امام، این را از امام یاد گرفته‌اند که خدا را همیشه شاهد و ناظر بدانند و اگر امامشان نیست، خدای امامشان با آنها است. مسئولیّتها را و مأموریّتها را خیلی قوی، خیلی محکم، با قاطعیّت کامل، با حضور وسیع و همه‌جانبه ان‌شاءالله انجام بدهید و دشمن را مأیوس کنید.[۳]

---

۱. در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان ۱۳۸۷/۲/۴

۲. در دیدار فرمانده و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸/۱۱/۱۹

۳. در دیدار فرمانده و جمعی از پاسداران کمیته‌ی انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

نوع دشمنی‌هایی که علیه نظام ما میشد، در تاریخ نظامهای انقلابی دنیا بی‌سابقه است. در کجا سراغ دارید که بلوک شرق و غرب متّفقاً با همدیگر تصمیم بگیرند به دولتی کمک نکنند و به دشمن او کمک برسانند؟! معمولاً این گونه است که اگر به کشوری توسّط قدرتی فشار وارد شد، بلوک دیگر با کمکهای خود سعی میکند فشار واردشده را خنثی کند. کشور ما در دوران سختی‌های خود، از هر دو بلوک تحت فشار بود. هشت سال جنگ تحمیلی، مصداق بارز این گونه فشارها است.[1]

• روحیه‌ی دفاع مردمی؛ مانع تحقّق نیّات دشمن

اگر ملّت انقلابی آمادگی خود را همیشه حفظ کرد ـ یعنی [اگر] جوانها عضویّت در بسیج و کار در میدان تمرین و آموزش را برای خودشان همیشه نگه داشتند، اگر مردم روحیّه‌ی دفاع را برای خودشان حفظ کردند، اگر چهره و قیافه‌ی جامعه طوری بود که هر کس نگاه کرد احساس کرد ملّت آماده است و در حال استعداد دفاع از کشور است ـ تهدیدها عملی نخواهد شد و نیّت دشمن به تحقّق نخواهد پیوست... علّت این هم که شما مشاهده کردید ـ افراد مسن خودشان دیدند، افراد جوان خبر آن را شنیدند ـ در ۱۰۰ سال، ۱۵۰ سال اخیر، استعمار بر روی فرهنگ کشور ما، جوانان ما، آموزش و پرورشِ ما، اِعمال نفوذ کرد و مردم را به بیکارگی و فساد و تباهی و اختلاف و این چیزها سوق داد همین بود.[2]

• افزایش آمادگی ملّت

این آمادگی، که میگویید «آماده‌ایم» خیلی باارزش است. امّا بدانید که

---

۱. برگرفته از بیانات در مراسم بیعت فرماندهان و کارکنان منتخب نیروهای سه‌گانه و وزارت دفاع ۱۳۶۸/۳/۱۸

۲. در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیّون تهران، مدرّسان و طلّاب اهل سنّت استان خراسان و گروهی از اعضای حزب‌الله لبنان ۱۳۶۸/۷/۵

ایـن آمادگـی، سـخت‌تر از آمادگـی در جبهه اسـت. این، آمادگیِ خیلی مشکلی است. آن آمادگی‌ها، در صورتی میسّر خواهد شد که انسان اینجا آمادگی پیدا کند. آنجا کسـانی توانسـتند محکم بایستند که دلهایشان را از ایـن محبّتها خالـی کرده بودنـد. خودِ شـما، مراجعه‌ای بـه آن تاریخ و خاطره‌های خودتان بکنید! به یاد بیاورید که چطور به فکر هیچ چیز در ایـن دنیا نبودید! به فکر مـال، ثروت، خانه، زندگی، پـدر و مادر، عیال و فرزند نبودید! اگر کسی به شما میگفت که میخواهیم یک خانه‌ی خیلی خوب، در فلان جای شـهر به شـما بدهیم، اصلاً به ریشـش میخندیدید که «خانه چیسـت؟!» این‌طور پاک بودید که توانستید آن کارهای بزرگ را انجام دهید. کسانی که آنجا، در مقابل هوسهای مادّی، پاها و زانوانشان میلرزیـد، نمیتوانسـتند مقاومـت کننـد. برگردیـد به قـرآن کریم و داسـتان جالـوت را بخوانید! «وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ»[1]؛ این داسـتان را با دقّت و تأمّل بخوانیـد تـا ببینید که نقش مقاومت و اسـتقامت در میدانهای سـخت، چه نقش ارزنده و مهمّی است.[2]

• تهدیدات دشمن نشانه‌ی قدرتمندی ملّت ایران

شـما ملّت عزیز ایـران بدانیـد ـو میدانیدـ که قدرتمند هسـتید. همین که دشـمن میخواهد شـما را از هویّت دینی و ملّی خودتان خالی کند و نتوانسـته، دلیل بر قدرت شـما است. همین که دشـمن دست به تهدید میزند، نشـانه‌ی قدرتمندی ملّت ایران اسـت. این‌قدرتمنـدی را روزبه‌روز زیـاد کنیـد و نشـان دهید کـه در صحنه حـضور داریـد. هر ملّتـی که از صحنـه بیرون رفت و فضـای سیاسی، اقتصادی و فرهنـگی کشور را رها

---

۱. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۵۱

۲. در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

کـرد، سوءاسـتفاده‌کن‌ها و بیگانه‌هـا فوری به آن فضا می‌آینـد و مالک و صاحب آن میشـوند. کشورتان را نگه دارید. کشور برای شما است؛ ایران برای شما است و برای هیچ کس دیگر نیست. خودتان این کشور و این نظام را با ایمان، عزم، وحدت و قدرتی که خدا به شـما داده اسـت، نگه دارید.[1]

• ملّت نیرومند و مقاوم در برابر فشارهای دشمن

فشـارهای دشـمن و شـرایط سـخت، مـا را ضعیف نکـرده. سـختی‌ها و تنگناهـایی کـه در ایـن سی سـال وجـود داشـته، مـا را تضعیـف نکرده؛ بلکـه ما را نیرومند و مقـاوم هم کـرده. امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ الشَّـجَرَةَ الْبَرِّيَّـةَ أَصْلَبُ عُـوداً... و أَقْوَى وَقُوداً»[2]؛ هم محکم‌تر اسـت، هم وقـتی که آن را آتش زدی، آتشـش ماندگارتر اسـت. خاصیّت شـرایط سخت این است. شرایط سخت، شرایط پرچالش، ملّتها را مقاوم میکند؛ رؤسـا و مدیران و مسـئولان و رهبـران کشورهـا را مقاوم میکنـد؛ مثل یک ورزش، آنهـا را تقویت میکند، نیروی آنهـا را مضاعف میکند، همّت آنها را مضاعف میکنـد، میروند دنبال کارهای بزرگ‌تر؛ و این بحمدالله اتّفاق افتاده است.[3]

• عقلانیّت؛ مایه‌ی ایستادگی ملّت در برابر دشمن

عقلانیّـت و محاسـبه کـه میگوییـم، فوراً بـه ذهـن نیایـد کـه عقلانیّت و محاسـبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گـرایی و تابع عقل بودن اسـت. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار،

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم قم ۱۳۸۲/۱۰/۱۸

۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۵

۳. در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

طرف‌دار وضع موجود است؛ از هر تحوّلی بیمناک است؛ هر گونه تغییر و تحوّلی را برنمیتابد و از تحوّل و دگرگونی میترسد؛ امّا عقلانیّت این‌طور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحوّلات عظیمی میشود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیّت بود. این‌طور نبود که مردم همین‌طور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن‌چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سالهای متمادی ـ به تعبیر رایج امروز ـ یک گفتمان حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به اینکه نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند. بنابراین عقلانیّت گاهی منشأ چنین تحوّلات عظیمی است. الان هم همین‌طور است. الان در نظام ما برخی از تحوّلات هست که منتجه‌ی یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانه‌ی به وضع موجود و وضع دنیا است. من در زمینه‌ی مسائل گوناگون این را دارم مشاهده میکنم. حالت خواب‌رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد میگذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه‌ی ما است و اگر کسی درست بفهمد و بیندیشد، میفهمد که باید با یک تحرّک و تحوّل، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی.[1]

• ایستادگی علمی ملّت ایران در برابر جبهه‌بندی دشمنان

یکی از ارکان و ستونهای اصلیِ ایستادگی کنونی ملّت ایران عبارت است از پیشرفتهای علمی کشور؛ که به دنبال این پیشرفتهای علمی، پیشرفتهای عملی و اجرائی هم در موارد بسیاری بوده. ایستادگی ملّت

---

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

ایـران، در دنیـا یـک حادثه‌ی باشـکوه اسـت. مـا تـوی قضیّه قـرار داریم. آن کسـانی کـه از بیرون نـگاه میکننـد، عظمت این ایسـتادگی را بیشـتر احساس میکنند.

شـما ملاحظه کنیـد؛ قدرتهـای اقتصـادی اوّل دنیا، قدرتهـای علمی درجـه‌ی یک دنیا، قدرتهـای نظامی و امنیّتی ردیـف اوّل دنیا، امروز یک جبهـه‌ی وسیعی را در مقابل این ملّت تشـکیل دادند. این‌جور نیسـت؟ هر کاری هم از دستشان برمی‌آید، دارند میکنند. تهدید امنیّتی میکنند، تهدیـد اجتمـاعی میکنند، تهدیـد سیاسی میکنند، دانشـمند مـا را ترور میکننـد، تحریـم میکنند، فشـارهای سیـاسی فـراوان وارد میکننـد، دائم تهدیـد به تحـرّک نظـامی میکننـد، در داخـل تا هر جا دستشـان برسـد، فتنه‌انگیزی و آشـوب‌آفرینی میکنند؛ امّا ملّـت ایران و جمهوری اسلامی بـا کمال قدرت و اسـتقامت در مقابل همه‌ی اینها ایسـتاده؛ آن «بله»ای را کـه بزور میخواهنـد از او بگیرند، آن «بلـه» را نمیدهد. آن «بله» عبارت اسـت از تعظیم در مقابل قدرت مسـلّط جهانی ـنظام سـلطه‌ـ این کار را نمیکنـد. مـا کـه در مقابل نظـام سـلطه‌ی جهانی «نـه» میگوییـم، این «نه»، «نه»ی به علم نیسـت، «نه»ی به تمدّن نیسـت، «نه»ی به پیشرفت نیسـت، «نه»ی به تجربه‌های متراکم بشـری نیسـت؛ «نه» به سلطه‌طلبی و زیاده‌خواهی و اسـتعباد و به زیر مهمیز کشیدن ملّتها است؛ این «نه» را مـا گفتیم، پایش هم ایسـتادیم؛ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا»[1]. ایستادگی ملّت ایران، خیلی ایستادگی باشکوهی است.

یـک رکـن مهـمّ ایـن ایسـتادگی، علـم اسـت. ایـن علم اسـت کـه به مـا اعتمـاد بـه نفـس داده. اگـر امروز نفت مـا را شـرکتهای خـارجی باید می‌آمدنـد اسـتخراج و پالایـش میکردنـد، گاز مـا را بایـد آنهـا لوله‌کـشی

۱. سوره‌ی فصّلت، بخشـی از آیه‌ی ۳۰؛ «در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خدا است» سپس ایستادگی کردند.»

میکردند، اگر نظام سلامت ما وابسته‌ی به متخصّصین خارجی و عمدتاً فرنگی بود، اگر تغذیه‌ی ما دست آنها بود، اگر کشت و صنعت ما دست اسرائیلی‌ها بود، اگر صنعت هسته‌ای ما در صورتی که بنا نبود در آرزوی آن بمیریم و یک چیزی وجود میداشت، در اختیار فرانسه و آلمان و دیگران بود، ما امروز این اعتماد به نفس را نداشتیم، قدرت این ایستادگی نبود، این عزّت و این شرف وجود نمیداشت. اگر ما برای ساختن یک سد، برای ساختن یک نیروگاه، برای ساختن یک بزرگراه، برای ساختن یک تونل، برای ساختن سیلوهای گندم، دستمان به سمت صنعتگران و دانشمندان شرق و غرب دنیا دراز بود، ملّت ما احساس عزّت نمیکرد؛ مسئولین کشور هم آبروی اظهار وجود در قبال استکبار جهانی را نداشتند؛ نه چنین اعتماد به نفسی وجود داشت، نه چنین قوّت اراده‌ای وجود داشت، نه چنین عزمی وجود داشت. کی برای ما جادّه ساخت و تونل ساخت و نیروگاه ساخت و سد و پل و بزرگراه و سلّولهای بنیادی و انرژی هسته‌ای را درست کرد؟ دانشگاه. این دانشگاه بود که به ملّت ایران کمک کرد تا بتواند عزّت نفس خودش را حفظ کند، آبروی خودش را حفظ کند و در مقابل زیاده‌خواهی دشمنان سینه سپر کند. مسئولین کشور هم از این جهت مدیون دانشگاهند.[1]

• عکس‌العمل ملّت در برابر سران استکبار

ما اخطار میکنیم؛ ملّت ایران به سران بعضی از کشورها که سعی میکنند از یک مسئله‌ی داخلیِ کشورمان علیه ملّت ایران استفاده کنند، اخطار میکند: حواستان جمع باشد، ملّت ایران عکس‌العمل نشان میدهد.

اوّلاً این را همه بدانند، سران کشورهای استکباری بدانند، مداخله‌گرانِ فضولِ در مسائل جمهوری اسلامی بدانند: ملّت ایران بین

---

۱. در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۰/۶/۲

خودشان اگر اختلاف هم داشته باشند، وقتی پای شما دشمنان ملّت ایران به میان بیاید، همه با هم متّحد میشوند؛ یک دست واحد، یک مشت محکم علیه شما میشوند.

این‌جور نیست که شما خیال کنید وقتی از یک جریانی به خیال خودتان دفاع کردید، حمایت کردید، این جریان به شما متمایل خواهد شد؛ ابداً. ما سی سال تجربه داریم؛ سی سال این ملّت در حافظه‌ی خود دشمنی‌های شما را ثبت کرده است؛ ضبط کرده است. ملّت میفهمد شما چه کار میخواهید بکنید، چه کار دارید میکنید. اسم بعضی‌ها را می‌آورند به عنوان اینکه ما مدافع آنها هستیم؛ دروغ میگویند؛ مدافع آنها هم نیستند؛ قصدشان ایجاد اختلاف است، قصدشان ایجاد بدبینیِ ملّت ایران و نخبگان ایران نسبت به یکدیگر است؛ دروغ میگویند.

آنچه در دلهای پرکینه‌ی آنها وجود دارد، این است که آرزو میکنند این نظام مستقل، این مجد و عزّت سر برافراشته‌ی از این کشور که در مقابل زورگویی‌های آنها ایستاده، نباشد. آرزوی آنها این است. این‌جور نیست که در نظام جمهوری اسلامی با زیدی خوب باشند، با عمروی بد باشند؛ نه. هر کسی که به این نظام پایبند است، هر کسی که به این قانون اساسی پایبند است، هر کسی که به آرمانهای ملّت ایران پایبند است، از نظر آنها دشمن است. آنها میخواهند جمهوری اسلامی نباشد، یک نظام دست‌نشانده‌ی مطیعِ منقادِ در مقابل آنها، مجدّداً مثل دوران گذشته، در این کشور پا بگیرد. آنها دنبال اینند. این خواب آشفته‌ی باطل آنها است.[1]

• خوب کار کردن در برابر مسلّط نشدن دشمن

ببینید دشمن چه‌طوری است. ببینید دشمن چقدر بی‌انصاف و بی‌رحم

---

۱. در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین(ع) ۱۳۸۸/۴/۱۵

و وقیح است. اگر بخواهید دشمن بر شما مسلّط نشود، باید خوب کار کنید. همه باید خوب کار کنند، همه باید کار را برای خدا و دقیق انجام دهند، تا ان‌شاءالله این کشور اسلامی و این ایران سرافراز و سربلند، بتواند در مقابل دشمن بایستد و به همه بفهماند که به برکت اسلام که «الإسلامُ یَعلوا وَ لا یُعلی عَلَیهِ»[1]؛ هیچ کس نمیتواند نسبت به این ملّت، استعلاء و استکباری داشته باشد.[2]

• وظیفه‌ی ما، نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان

وظیفه‌ی ما چیست؟ وظیفه‌ی ما این است که درست نقطه‌ی مقابل خواست آنها عمل کنیم. مسئولان دولتی باید یک لحظه از کار برای مردم و تلاش پیگیر برای آبادسازی مملکت و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کشور غفلت نکنند. من همیشه هشدار داده‌ام که منازعات سیاسی نمیگذارد مسئولان کار کنند. آن مسئولی که سرگرم «آری» یا «نه»های حزبی و گروهی و جناحی و سیاسی است، فرصت ندارد وقت خود را صرف امور مردم کند. البتّه ما پیشرفتهای فراوانی داشته‌ایم. من مخالفم که کسی پیشرفت دولتهای متوالی جمهوری اسلامی را از اوّل انقلاب تا امروز ندیده بگیرد و تحقیر کند. خودکوچک‌بینی، درست مثل خودبزرگ‌بینی، یک بیماری ملّی است... نگاه مسئولان دولتی در رژیم پهلوی و قبلش در رژیم قاجار به کشور، نگاه یک مالک به ملک خود بود؛ یعنی هر مقدار برای جیبشان فایده میداشت، برای آن تلاش میکردند. مالکی را فرض کنید که هزاران هکتار زمین دارد؛ یک جا حاصل بیشتری دارد، زحمت کمتری دارد، لذا اعتبار بیشتری برای او می‌آورد و در آنجا سرمایه‌گذاری میکند؛ یک جا این‌طور نیست، نه جلوی چشم است و

---

۱. عوالی اللّئالی، ج۱، ص۲۲۶

۲. در دیدار جمع کثیری از کارگران و معلّمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلّم ۱۳۷۶/۲/۱۰

نه برای او محصول چندانی دارد، لذا در آنجا سرمایه‌گذاری نمیکند. در کشور ما مسئله این بود: هر جا جلوی چشم دشمن بود، هر جا مربوط به اشخاص خودشان بود، هر جا مربوط به منافع درباریان و وابستگان بود، هر جا مربوط به شرکتهای متعلّق به مراکز اقتصادی دنیا بود، هر جا مربوط به صهیونیست‌ها بود، آباد بود، از امکانات دولتی برخوردار بود، از تلاش برخوردار بود، از بودجه‌ی کشور برخوردار بود؛ امّا هر جا این گونه نبود، اصلاً به چشم نمی‌آمد؛ نه جادّه، نه سد، نه کارهای زیربنایی دیگر، نه دانشگاه، نه دانشجو، نه علم، نه فرهنگ، نه صنعت، نه هنر و نه هیچ چیز دیگری به آنها معطوف نمیشد.[1]

• روحیّه‌ی ایثارگری نجات‌بخش یک کشور

ما در تشخیص هدفهایمان و تعیین راهِ به این هدفها، هرگز دچار تردید نشدیم؛ در راهِ خودمان شک نکردیم؛ خدا را شکر میکنیم. خدای متعال هیچ گاه دلهای ما را خالی از نور امید نگذاشت؛ و در واقعیّت دیدیم که این امیدها، امیدهای واهی نبود؛ امیدهای درستی بود.

یک روزی بود که وقتی کسانی به صحنه نگاه میکردند، به ظاهر هیچ چیز امیدبخشی در صحنه به چشم نمی‌آمد؛ امّا مردمان بصیر ـ در رأس همه، امام بزرگوار ـ به ما امید میدادند، نوید میدادند. گاهی ما تعبّداً گوش میکردیم، امّا قادر به تحلیل نبودیم. تعبّداً قبول میکردیم، بعد میدیدیم همین‌جور شد؛ بعد میدیدیم همین امید الهی، همین نوید آسمانی تحقّق پیدا کرد. و امروز وقتی به تجربه‌ی چندین ساله‌ی انقلاب نگاه میکنیم، پی‌درپی موفّقیّتهای نظام جمهوری اسلامی را می‌بینیم... مجموعه‌ی ملّت عزیز ما توجّه کنند که روحیّه‌ی ایثارگری، نجات‌بخش یک کشور است، نجات‌بخش یک ملّت است. روحیّه‌ی گذشت،

---

۱. در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰

روحیّه‌ی فداکاری، وقت انجام وظیفه را شناختن، کار را بوقت و بموقع انجام دادن، نجات‌بخش است.[1]

ما امروز در همه‌ی ابعاد، با یک نگاه راهبردی داریم پیش میرویم. ممکن است در یک بخشی، در یک گوشه‌ای، یک کوتاهی‌ای وجود داشته باشد، امّا حرکت عظیم به طور عموم به طرف جلو بوده است و ملّت اجازه نداده است که دشمن از توطئه‌ای که میکند، شاد بشود. همه کار کردند: جوانهای ما را توی خیابانها شهید کردند؛ دانشمندان ما را به وسیله‌ی مزدوران قاتلِ خودشان، تروریست‌های خودشان، به شهادت رساندند؛ کار سیاسی، کار تبلیغاتی، کار اقتصادی، کار امنیّتی ـ جاسوس بفرستند ـ از این کارها مرتّب دارند میکنند؛ خرج هم میکنند چه جور، برای اینکه بتوانند ملّت ایران را خسته کنند. شما نگاه کنید ببینید ملّت ایران امروز بانشاط‌تر و شاداب‌تر و عازم‌تر از همیشه است. جوانِ امروز از جوانِ ده سال و بیست سال قبل اگر سرحال‌تر و بانشاط‌تر و پرانگیزه‌تر نباشد، کمتر نیست. این نشانه‌ی حرکت به جلوی ملّت ایران و عقب‌نشینی آنها است.[2]

ATvie4Aj6laUCtzwAd6ag==

---

۱. در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۱

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم، خانواده‌های شهدا و ایثارگران در آستانه‌ی انتخابات مجلس نهم ۱۳۹۰/۱۲/۱۰

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

فصل پنجم

میز ھدف



ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==



خواص و نخبگان

• خطرهای تأثیرگذار در خواص

کسانی که روی مردم اثر میگذارند... چند خطر بزرگ آنها را تهدیدشان میکند که باید بسیار مراقب باشند. یکی خطر خسته شدن است، یکی خطر راحت‌طلبی است، یکی خطر میل به سازش است، یکی خطر چسبیدن به منافع نقد است؛ همان بلایی که بر سر کسانی که انقلاب فلسطین را منحرف کردند، آمد؛ همان خطری که بر سر همه‌ی رهبرانی آمد که ملّتهای خودشان را از مسیر درست و راهی که شروع کرده بودند، منحرف کردند و بازداشتند. بارهای سنگین بر روی نیروهای اثرگذار روی ذهنهای مردم است. باید ایمان و پارسایی خودشان را تقویت کنند؛ باید اتّکاء خودشان را به لطف و فضل خدا زیاد کنند؛ باید به دشمن لحظه‌ای خوش‌بین نباشند؛ دشمن در صدد ضربه زدن است. اگر خواصّ یک کشور ـیعنی نیروهایی که با زبانشان، با قلمشان، با رفتارشان، با امضائشان، بر روی مسیر یک ملّت اثر میگذارندـ میل به سازش و راحت‌طلبی و زندگی مرفّه و خوشگذرانی پیدا کنند و از حضور در میدانهای خطر خسته شوند، آن وقت خطر تهدید میکند. لذاست که شما می‌بینید امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) در دوران خلافت کوتاه خود، بیشترین خطابش، بیشترین ملامتش، بیشترین توصیه‌اش و بیشترین تذکّرش، به کسانی است که به آنها مسئولیّت داده بود تا بخشهای

مختلفی را در آن کشور بزرگی که در اختیار آن حضرت بود، اداره کنند. امام بزرگوار ما بارها و بارها به مسئولان کشور، به ما، به شاگردان خودش، به دست‌پروردگان خودش، تذکّر میداد. مضمون آن تذکّر این بود که مبادا به چرب و شیرین زندگی راحت، خودشان را عادت بدهند و از مجاهدت در راه خدا بازبمانند.[1]

• مرزبندی خواص در برابر دشمن

عقل سالم حکم میکند و شرع هم همین را قاطعاً بیان میکند: علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما می‌بینید یک حرکتی به بهانه‌ی انتخابات شروع میشود بعد یک عامل «دشمن»ی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد، وقتی می‌بینید عامل دشمن ـ که حرف او، شعار او حاکی از مافی‌الضّمیر او است ـ آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخّص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند، بیشتر از همه خواص و در میان خواص بیشتر از همه آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند... حرف دوپهلو زدن از خواص مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این مخصوص یک گرایش سیاسی خاص هم نیست.[2]

یک نکته‌ی دیگر این است که در همان اوّل کار، بعضی از خواص، حالا ناشی از دلسوزی ـ دلشان سوخت ـ بدون تحقیق اطّلاعیّه دادند، بیانیّه دادند، حرف زدند، اظهاراتی کردند ـ البتّه تحقیق‌نکرده ـ بعضی‌هایشان سازمان انتظامی کشور را متّهم کردند، پلیس را متّهم کردند، بعضی‌شان مجموعه‌ی نظام را متّهم کردند؛ هر کسی یک جوری یک

---

۱. در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهّر امام خمینی(ره) ۱۳۷۹/۳/۱۴

۲. در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۹

حرکتی کرد. خب حالا حساب این جدا است، لکن بعد از آنکه دیدند قضیّه چیست، بعد از آنکه فهمیدند در نتیجه‌ی حرفهای آنها همراه با برنامه‌ریزی دشمن چه اتّفاقی در خیابان و در مسیر عمومی مردم می‌افتد، بایستی آن کار خودشان را جبران میکردند؛ باید موضع بگیرند، باید صریحاً اعلام کنند که با آنچه اتّفاق افتاده مخالفند؛ بایستی تفهیم کنند که با برنامه‌ی دشمنان خارجی مخالفند. باطن قضیّه معلوم شد. وقتی شما می‌بینید که عنصرِ سیاسیِ آمریکایی این قضایا را به دیوار برلین تشبیه میکند، خب باید بفهمید که غرض چیست؛ باید بفهمید که مسئله، مسئله‌ی دلسوزی برای یک دختر جوان نیست؛ این را باید میفهمیدید؛ اگر نفهمیدید، بفهمید؛ اگر فهمیدید، باید موضع اعلام بکنید![1]

• هوشیاری در سخن و اقدام

مردم بر خلاف تحلیل تعداد انگشت‌شمار اشخاص مغرض یا فریب‌خورده، پشتیبان نیرومند انقلاب و اسلام و امامند. کسانی که بر اثر تلقین اطرافیان ناباب و نامطمئن پنداشته‌اند که نظام جمهوری اسلامی دوران ضعف و انحلال را میگذراند، خودشان در دوران ضعف و انحلالند. دشمنان سوگندخورده‌ی انقلاب که یک روز هم با امام و امّت دل صاف و مهربان نداشته‌اند با این تلقینها میخواهند مردم را مأیوس، جوانان را گمراه، و بعضی پیران موجّه ولی بی‌خبر را مدّعی امام و انقلاب کنند. در چنین شرایطی حرف زدن و اقدام کردن هوشیاری بیشتری میطلبد و اندک غفلتی دشمنان داخلی و خارجی را در سوءاستفاده و سوء نیّت خود گستاخ میسازد و جفای بزرگی به این ملّت مظلوم است... آمریکا برای عملی کردن تهدید خود در ایران تنها کمبودی که دارد وجود یک پایگاه مستحکم مردمی است که بتواند با استفاده از آن انتقام خود

---

۱. در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری نیروهای مسلّح ۱۴۰۱/۷/۱۱

را از انقلاب و اسلام و امام بگیرد و برای سرکوب این ملّت آزاد و شجاع، یک دیکتاتوری سیاه شبیه دیکتاتوری پهلوی در این کشور مستقر کند. البتّه این خواب بی‌تعبیر و خیال احمقانه‌ی آنان مانند تحلیلهای غلط همیشگی‌شان نسبت به مسائل کشور، برای آنان جز خسران و یأس چیزی به بار نخواهد آورد. مهم آن است که خواصّ ملّت نگذارند هیچ حرکت و اقدام آنان در خدمت آن هدف شوم قرار گیرد.[1]

در اینجا این مردمند که شعارها را میسازند، هدفها را معیّن میکنند، دشمن را شناسایی و معرّفی و تعقیب میکنند، آینده‌ی مطلوب را ـ اگرچه به اجمال ـ ترسیم میکنند و در نتیجه اجازه‌ی انحراف و سازش با دشمن و تغییر مسیر را به خواص سازش‌کار و آلوده و به طریق اولی به عوامل نفوذی دشمن نمیدهند.[2]

• لزوم موقعیّت‌شناسی خواص در برابر تهدیدات دشمن

بارها گفته‌ایم که به هیچ وجه نمیتوانیم ادّعا کنیم که ایران قطعاً مورد حمله قرار خواهد گرفت، نه؛ چنین چیزی معلوم نیست؛ امّا قطعاً تهدید متوجّه ما است. این ما هستیم که باید بتوانیم این تهدیدی را که متوجّه ما است، خنثی کنیم و از بین ببریم و این احتیاج دارد به اینکه زبدگان و نخبگان کشور، مسئولان و خواص که عمدتاً شما هستید ـ که در این مجلس جمع شده‌اید ـ موقعیّت را درست بشناسید؛ وظیفه را درست تشخیص دهید؛ بار سنگین مسئولیّت را بر دوش خودتان درست حس کنید. ما امروز حق نداریم اشتباه کنیم.[3]

---

۱. پیام به مناسبت انتشار نامه‌ی آیت‌الله سیّدجلال‌الدّین طاهری امام‌جمعه‌ی اصفهان ۱۳۸۱/۴/۲۰

۲. در نخستین اجلاس بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶

۳. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

• تکلیف خواص

عزیزان من! امروز دولتها، کشورها، مجامع و مجموعه‌های بین‌المللی، برای اینکه خود را در عرصه‌ی مبارزه‌ی زندگی موفّق کنند، از همه‌ی امکانات خودشان: امکانات جغرافیایی، امکانات تاریخی، امکانات قومی استفاده میکنند. چرا مسلمانان، از این امکان عظیم موهوب به آنها از طرف پروردگار، استفاده نمیکنند؟ امروز منطقه‌ی جغرافیایی مسلمانان، مهم‌ترین مناطق عالم است. کشورهای آنها از لحاظ طبیعی، جزو ثروتمندترین کشورهای عالم است. امروز دروازه‌ی آسیا به اروپا، دروازه‌ی اروپا به آسیا و آفریقا، آفریقا به اروپا و آسیا، متعلّق به مسلمانان است. این منطقه‌ی سوق‌الجیشی و سرزمینهای بابرکتی که در اختیار مسلمانان است، امروز حامل و حاوی امکاناتی چون نفت و گاز و امثال اینها است که بشر برای تمدّن خود، به صورت روزمرّه به آن احتیاج دارد. یک میلیارد و چند صد میلیون نفر مسلمان هستند؛ یعنی بیش از یک‌پنجمِ مردم دنیا. این همه جمعیّت، در چنین منطقه‌ای؛ آن هم با برافراشته شدن پرچم اسلام در قلب این منطقه ـ یعنی در ایران اسلامی که امروز قلب و مرکز اصلیِ دنیای اسلام است ـ چرا باید از این استفاده نشود؟ این، یک امکان بزرگ در اختیار مسلمانان است... در این زمینه، بیشترین وظیفه را هم خواص دارند؛ خواص، یعنی علما و روشنفکران و شعرا و خطبا و روزنامه‌نگاران و صاحبان نفوذ در بین گروه‌های مردمی؛ اینها هستند که بیشترین تکلیف را دارند. وقتِ آن رسیده است که دنیای اسلام به خود آید و اسلام را به عنوان صراط‌المستقیم الهی و راه نجات انتخاب کند و در آن، با استحکام قدم بردارد. وقت آن رسیده است که دنیای اسلام، اتّحاد خود را حفظ کند و در مقابل دشمن مشترکی که همه‌ی گروه‌های اسلامی، آسیب آن دشمن را دیده‌اند ـ یعنی استکبار و صهیونیسم ـ به طور متّحد بایستد، شعارهای واحدی بدهد، تبلیغ واحدی بکند و راه واحدی را بپیماید. ان‌شاءالله مورد تأیید

ATqie4A6/aUCtjzwAd6ag==

پروردگار و مورد حمایت قوانین و سنن الهی هم خواهد بود و پیش خواهد رفت.[1]

• دام دشمن برای روشنفکران

استکبار و دارودسته‌ی خبری و تبلیغاتی و قلمها و بوقهای مزدورش، از اینکه کشوری در اعماق کهنه‌پرستی، و ملّتی در حال و هوای سنّت‌های جاهلی خود سر کند، ولی درهای خزائن مادّی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فزون‌خواهی و سلطه‌طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف‌زدگی و می‌خوارگی و شهوت‌رانی را از آنان بپذیرد، نه تنها نگران نیستند، بلکه بسی خشنودند! آنان از بازگشت ملّتها به گذشته‌ای که به آنان عزّت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سلطه‌گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه‌ی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»[2] را به آنان بیاموزد، کریمه‌ی «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»[3] را بر آنان فرو خواند، خطاب «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ»[4] را به گوش و دل آنان برساند، فرمان «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ»[5] را در زندگی آنان اجرا کند و خلاصه، خدا و دین و قرآن را محور زندگی آنان سازد و دست طواغیت مستکبر و مستبد و سلطه‌طلب را از

---

۱. در دیدار با مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز میلاد خجسته‌ی پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۷۶/۵/۱

۲. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۴۱؛ «و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلّطی] قرار نداده است.»

۳. سوره‌ی منافقین، بخشی از آیه‌ی ۸؛ «ولی عزّت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.»

۴. سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۷۵؛ « چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمیجنگید؟»

۵. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۵۷؛ «فرمان جز به دست خدا نیست.»

زندگی آنان قطع کند، از بازگشت به چنین گذشته‌ای و پیوند با چنین تاریخی، ناخشنود و سراسیمه و بیمناکند و لذا با هر بهایی میخواهند از آن مانع شوند.[1]

• وظیفه‌ی نخبگان سیاسی در مراقبت از گفتارها

آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیّتی در افکار مردم دارند، از این سیاسیّون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریانات سیاسی، و یک عدّه‌ای از اینها حرف‌شنوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطیگری کنند، دامنه‌ی این افراطیگری در بدنه‌ی مردم به جاهای بسیار حسّاس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمیتوانند آن را جمع کنند، که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم... اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خونها و خشونتها و هرج‌ومرجها، آنهایند. من به همه‌ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه میکنم بر خودتان مسلّط باشید؛ سعه‌ی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه‌ی کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش‌یواش دارند از چهره‌هایشان برمیدارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان میدهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید... «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَآءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»[2]. دشمنی‌های خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان میدهند؛ از همه هم خبیث‌تر دولت انگلیس.[3]

خطوط دشمن را ما در عمل خودمان و در اظهارات خودمان باید

---

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

۲. سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۱۸؛ «دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است؛ و آنچه سینه‌هایشان نهان میدارد، بزرگ‌تر است.»

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹

محاسبه کنیم و باید اینها را در محاسبات خودمان بگنجانیم، که اگر اظهار نظری هم میخواهیم بکنیم با توجّه به اینها باشد؛ عمل و اقدامی میخواهیم بکنیم با توجّه به اینها باشد؛ ببینیم آیا داریم به دشمن کمک میکنیم یا نه.[1]

• نخبگان فکری افسران جنگ نرمند

امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم ـ که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبتهای شما جوانها هست و الحمدلله به این نکات توجّه دارید؛ این خیلی برای ما مایه‌ی خوشحالی است ـ خب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیایند؟ قدر مسلّم نخبگان فکری‌اند. یعنی شما افسران جوانِ جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرمید. اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی‌تان، فکری‌تان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخّص است؛ هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله‌ی با یک حرکت همه‌جانبه‌ی متّکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمیِ رسانه‌ای. باید با این جریان شیطانیِ خطرناک مقابله شود.[2]

• پیچ و مهره‌ی دشمن نشوید!

امّا انتظار از نخبه؛ ما از شما انتظاراتی هم داریم... اوّلین انتظار این

---

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

۲. در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴

است که ظرفیّت برتری را که خدای متعال به شما داده ـ که این ظرفیّت، ظرفیّتِ شخصیِ شما است ـ تبدیل کنید به ظرفیّت ملّی... یعنی این توانایی را در خدمت حلّ مسائل کشور قرار بدهد. ما خیلی مسائل داریم؛ حالا شما اینجا چند موردش را گفتید، معدن را گفتید، حمل و نقل را گفتید، فضا را گفتید؛ اینها مسائل مهمّ کشور است؛ نخبگی را صرف کنید در این موارد. متأسّفانه بعضی این کار را نمیکنند؛ بعضی از نخبه‌ها ـ یعنی [افراد] دارای استعداد؛ حالا با توضیحی که دادیم، شاید تعبیر «نخبه» برایشان درست نباشد ـ در اینجا رشد میکنند، وقتی نوبت ثمردهی میرسد، میروند میوه‌شان را به دیگری میدهند؛ گاهی هم آن دیگری دشمن است، به دشمن میدهند؛ گاهی میروند میشوند پیچ و مهره‌ی استکبار جهانی برای تصرّف ملّتها و دشمنی با ملّتها... نخبه باید کنار مردم خودش بماند. نمیگوییم مهاجرت نکند، درس نخواند، به فلان دانشگاه برتر یا فلان مرکز نرود؛ نه، برود امّا برای مردمش برود، برود برای اینکه برگردد اینجا برای کشورش کار کند... نخبگان ما باید در محضر وجدان خودشان و در محضر خدا این مسئله را حل کنند.[1]

• نقش مهمّ خواص در جهاد تبیین

هدف این است که توده‌های مردم مورد اغوا قرار بگیرند امّا وسیله‌ی اغوای توده‌های مردم، اغوای خواص است... چون وقتی خواص اغوا شدند، اگر به این خواصّ اغواشده فرصت داده بشود و امکان داده بشود، راحت توده‌ی مردم را اغوا خواهند کرد. یکی از سنگین‌ترین جنگهای نرم تاریخ کشور ما امروز در همین زمینه در جریان است. دارند دائم با مزدورپروری، با حرام‌خوارسازی، با لطایف‌الحیل افرادی را حرام‌خوار میکنند؛ وقتی حرام‌خوار شد، مثل حیوان جلّال، دیگر خیلی مشکل

---

۱. در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر تحصیلی ۱۴۰۱/۷/۲۷

میشود او را از حرام‌خواری دور کرد. و مزدورپروری میکنند؛ بعضی‌ها را با تهدید، بعضی‌ها را با تطمیع و انواع و اقسام این چیزها. خب بنابراین الان یک جنگ نرم سختی وجود دارد... خب حالا چه کار کنیم در مقابل این حرکت دشمن؟ جهاد تبیین... چرا میگوییم جهاد تبیین؟ این گرفته شده است از کلام امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام)؛ امیرالمؤمنین در آن وصیّت معروف خودشان به حَسنین(علیهماالسّلام) ـکه خطاب به آنها است، منتها میفرمایند «وَ مَن بَلَغَهُ کِتَابِی»؛ یعنی بنده و شما هم مخاطب این وصیّت هستیم ـ از جمله‌ی چیزهایی که میفرمایند [این است]: «وَ اللهَ اللهَ فِی الجِهَادِ بِاَموَالِکُم وَ اَنفُسِکُم وَ اَلسِنَتِکُم فِی سَبِیلِ اللهِ»[۱]؛ جهاد با السنه. حالا خوشبختانه [از میان] ملّت ما، کسانی که میتوانستند، وارد بودند، با اموالشان، با انفسشان جهاد کردند؛ الان هم دارند جهاد میکنند؛ با السنه هم باید جهاد کرد که کسانی در این بخش هم میتوانند واقعاً فعّال باشند و جهاد کنند.[۲]

ATvie4ni6/aUCqwAdSa9==

جناحهای سیاسی و مذهبی

• جناح‌بندی خصمانه در کشور از ترفندهای دشمن

گروه‌های مختلف، جناحهای مختلف، سیاستها و جهت‌گیری‌های مختلف، در مقابله با دشمن، باید با هم باشند و کاری نکنند که دشمن سوءاستفاده کند. اختلاف سیاسی مانعی ندارد؛ اختلاف نظر مانعی ندارد؛ مبارزات انتخاباتی به شکل سالم، مانعی ندارد؛ امّا خراب کردن یکدیگر، خراب کردن چهره‌ی کشور، خراب کردن ذهن مردم و چهره‌ی مسئولین دلسوز، اشکال دارد. ایجاد سؤال و ابهام در ذهن مردم، اشکال دارد. با وحدت و یکپارچگی، «کَأَنَّهُمْ بُنْیَانٌ مَرْصُوصٌ»[۳]، مثل یک دژ

---

۱. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۷

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

۳. سوره‌ی صف، بخشی از آیه‌ی ۴؛ «چنان که گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند.»

پولادین، در مقابل دشمن بایستید؛ مثل چند برادر در یک خانه. ممکن است دو برادر از یکدیگر کدورت و گله هم داشته باشند، امّا در مقابل کسی که به خانه‌ی آنها حمله میکند، دوش‌به‌دوش، باید در کنار هم بایستند. آحاد ملّت باید این گونه باشند. این، یکی از ویژگی‌هایی است که در این سنگر میتوانید حفظ کنید. دوّم، حضور در صحنه‌های سیاسی است.[1]

• **حمله‌ی دشمن از راه نفوذ در جناحهای سیاسی**

یک خطر، عبارت شد از اینکه دو جناح و دو طرف، خودشان غفلت کنند و دچار خطر شوند. امّا خطر بزرگ‌تر از این هم وجود دارد. آن چیست؟ آن خطر نفوذ است. از هر دو طرف ممکن است افرادی نفوذ کنند. گاهی یک دشمن از هر دو طرف نفوذ میکند: از آن طرف به عنوان ارزش‌گرایی می‌آید و با هر گونه تحوّلی مخالفت میکند؛ حتّی با راه‌های رفته هم مخالفت میکند و میخواهد حرکت انقلابی را برگرداند. از این خطرناک‌تر، این طرف قضیّه است؛ به عنوان تغییر و تحوّل و پیشرفت، کسانی بیایند که با اساس ارزشها و با اصل اسلام و با اصل تدیّن مردم و با اصل عدالت اجتماعی مخالفند؛ دچار همان سرمایه‌سالاری غربی‌اند؛ دنبال کیسه دوختنند؛ با اصل رفع تبعیض طبقاتی مخالفند؛ با نام دین هم مخالفند، ولو به زبان نیاورند!... به نام اصلاح، بیایند وارد میدان شوند و میدان‌داری کنند. اینها ممکن است در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند. اگر این گونه آدمهای بیگانه و غریبه در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند، البتّه خطرناک است؛ چون اقتصاد و مال و ثروت در جامعه مهم است و باید دست انسانهای امین باشد. امّا از آن خطرناک‌تر این است که بیایند در مراکز فرهنگی نفوذ کنند؛ ذهن مردم،

---

۱. در اجتماع زائران حضرت علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا(ع) در روز عید سعید فطر ۱۳۷۱/۱/۱۵

ایمـان مردم، باورهای مـردم، خطّ سیر صحیح مـردم را قبضه کنند و در اختیـار بگیرند. همان چیزی اتّفـاق بیفتد که در صحنـه‌ی مطبوعات و صداوسیمای دنیای غرب اتّفاق می‌افتد؛ یعنی سرمایه‌سالاری.[1]

• به جان هم انداختن جناحهای سیاسی

عزیـزان مـن! ایـن اختلافـات سیـاسی و جنـاحی کـه گاهی بسیـار بزرگ نشـان داده میشـود، بـه این بزرگی نیسـت؛ به ایـن اهمّیّت نیسـت. مردم راه خودشـان را میرونـد. راه مـردم، راه اسلام، راه انـقلاب، راه خـدا و راه امام بزرگوار اسـت. مردم با این خط‌کشی‌های تصنّعی و مصنوعی کاری ندارند. دشمن دوست میدارد جناحها را بیشتر به جان هم بیندازد. بنده از روی دلـسوزی کامـل، بارهـا در نمـاز جمعـه ـکـه مقدّس‌تریـن مکانها استـ و در سایر جاها، جناحهای سیاسی را دعوت کردم؛ گفتم بیایید بنشینید با هم صحبت کنید، با هم مذاکره کنید. بیایید مواردی را که بر روی آن با هم اتّفاق نظر دارید، اصل قرار دهید و اختلافات را بر اسـاس اینها حل کنید. اگر بر روی اصول پافشاری کنید، موارد جزئی اختلافی و سیـاسی اهمّیّتی هم ندارد. عدّه‌ای قبـول کردند؛ عدّه‌ای لجاجت کردند و میکنند. این لجاجت چه معنا دارد؟! چرا باید کسانی وحدت ملّت را، وحدت ملّی را، امنیّت ملّی را، منافع ملّی و مصالح این کشور را قربانی اغراض جناحی کنند؛ که اگر بدون نفوذ دشمن باشد، بسیار بد است و اگر با نفوذ دشمن باشد، چند برابر بدتر است؟[2]

• تکلیف جناحهای سیاسی؛ جلوگیری از گسترش نفوذ دشمن

حرف امروز و حرف همیشـه‌ی من به جناحها و شخصیّتهای سیاسی در

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳

۲. در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴

این کشور این است که در مقابل دشمن به گونه‌ای نباشید که او احساس کند از این طریق میتواند در دل انقلاب رخنه کند و نفوذ خودش را گسترش دهد. اگر من گاهی از بعضی از اشخاص یا بعضی از مطبوعات در این کشور گله کردم، به خاطر این است. کاری نکنند که این احساس را به دشمن بدهند که میشود از اینجا در داخل نظام رخنه کرد و نفوذ خود را گسترش داد؛ که گفتیم هر چه دشمن نفوذش بیشتر بشود، عزّت ملّی، اقتدار ملّی، عظمت ملّی و تأمین آینده‌ی کشور ضعیف‌تر خواهد شد. نسبت اینها، نسبت معکوس است. اگر کسی به دشمن میدان میدهد؛ اگر کسی روز سیزده آبان را ـ که روز اعلام خصومتهای آمریکا است ـ تبدیل به روز ذلّت در مقابل آمریکا میکند و اگر کسی به جای استحکام وحدت ملّی، دائم در فکر تفرقه است، یقین بدانید میخواهد نفوذ دشمن را زمینه‌سازی کند. پس این شخص نمیتواند ادّعا کند که طرف‌دار وحدت ملّی و مصالح ملّی است. این بسیار بد است که در نظام اسلامی عدّه‌ای دل به دشمن بدهند؛ اکتفا به این هم نکنند، به تکرار حرفهای دشمن بپردازند؛ به این هم اکتفا نکنند، مقدّسات نظام را زیر سؤال ببرند؛ به این هم اکتفا نکنند، همان کاری را که دشمن میخواهد، عیناً انجام دهند؛ یعنی آن ایمان را... در مردم متزلزل کنند؛ آن شجاعت و اعتماد به نفس را در دل جوانها از بین ببرند؛ تیشه بردارند به دیواره‌ی این نظام بزنند، تا رخنه ایجاد کنند! این کارها را بکنند، بعد نظام با آنها برخورد کند و طبق قوانین، مجرمشان بشناسد؛ که مجرم شدن در نظام اسلامی، یک لکّه‌ی ننگ ابدی است، مگر آنکه «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا»[1]؛ کسی توبه کند؛ چیزی را که افساد کرده، اصلاح کند؛ ابهامی را که ایجاد کرده، تبدیل به تبیین کند... ولی مادامی که این کارها را نکرده، یک مجرم است؛

---

۱. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۶۰؛ «مگر کسانی که توبه کردند، و [خود را] اصلاح نمودند، و [حقیقت را] آشکار کردند.»

آن وقت کسانی بر خلاف قانون، به حمایت از این مجرم بپردازند که این جزو بدترین کارها است![1]

مجادلات سیاسی برای کشور زیان‌بار است؛ نه فقط امروز که دشمن ما را تهدید میکند، بلکه همیشه مضر است؛ برای سازندگی و راه انداختن چرخهای اقتصادی مضر است. اگر بعضی‌ها هر روزی به نحوی مسئله‌ی جدیدی درست کنند و افکار عمومی را متوجّه به یک مسئله‌ی موهوم کنند، اینها به ضرر کشور است.[2]

• عداوت دشمن با هر دو جناح سیاسی

مسئولین و جناحهای سیاسی مواظب باشند اختلاف سلیقه را به تضادهای بنیانی تبدیل نکنند. چرا شعارهای دشمن را تکرار میکنید؟! دشمن با هر دو جناح عداوت دارد. خیال نکنید یک جناح را دوست دارد و از جناح دیگر بدش می‌آید؛ با هر دو جناح دشمن است. گاهی از جناحی حمایت میکند تا دیگری را تضعیف نماید. بعد که یک جناح ضعیف و یا از صحنه خارج و زایل شد، به تضعیف دیگری میپردازد. مردم، مسئولین، سیاسی‌ها و جوانان عزیز ما خیلی مواظب باشند. دشمن، خواهان دسته‌بندی‌های سیاسی و جدایی بین صفوف مردم است. خطّ دشمن در کشور ما عبارت است از جدا کردن مردم از نظام و ایجاد فضای هرج‌ومرج در جامعه. شاهد بودید که در سال ۷۸ این مسائل را به جنجالهای خیابانی هم کشاندند که قدرت بسیج مردمی جلوی تجاوزات آنها را گرفت. جوانان عزیز هوشیار باشند و بدانند که نقشه‌های دشمن در این کشور چیست و چه میخواهد.[3]

---

۱. در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۹/۸/۱۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۱/۱۶

۳. در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدّس ۱۳۸۲/۱/۱

• سوءاستفاده‌ی دشمن از اختلاف خودی‌ها

بی حساب و کتاب با هم مبارزه نکنید که آن‌قدر مشغول شوید که به دشمن اجازه دهید این‌طور بیاید و داخل این میدانها بشود. سر این قضیّه‌ی قانون مطبوعات و سر قضایای گوناگون دیگر، چه جنجال و چه دعوایی به راه افتاد! همه‌اش مسائل خط و خطوط! برای چه؟ برای اینکه قانونی در مجلس تصویب میشود! من به یک جریان سیاسی خاص اشاره نمیکنم؛ خطاب من به همه است. برای من، آن خط و این خط و هر خطّ سیاسی و سلیقه‌ی سیاسی دیگر، تفاوت نمیکند. برای من، مناط و ملاک، راه خدا و راه امام و راه اسلام و حفظ کشور و رعایت مصالح مردم و حفظ آینده‌ی کشور مطرح است.[1]

روحانیّت

• روحانیّت آماج حملات دشمن

امروز یکی از آماجهای حملات دشمنان بلاشک روحانیّت است. روحانیّت را با کلّیّتش میخواهند از بین ببرند؛ در این هیچ تردید نکنید. درست است که در بین روحانیّون کسانی را برای آماج قرار دادن، هدف قرار میدهند و برایش اولویّت قائل میشوند امّا در نهایت، از نظر دشمن، کلّیّت روحانیّت مخل و مضر و مزاحم است؛ چون روحانیّت پایبند به معارف دینی است، مگر آن روحانی‌ای که به طور کامل در دام شیطان غلتیده باشد؛ که البتّه چنین چیزی هم خیلی کم اتّفاق می‌افتد. امروز روشنگری دینی مهم‌ترین زرهی است که جامعه‌ی اسلامی ما میتواند بر تن خودش بکند و در مقابل حملات دشمن بایستد؛ لذا با روحانیّت و حضور فعّال روحانی مخالفند. اگر روحانی مؤمن و فعّال و کارآمد و هوشمند و هوشیاری باشد، با او بیشتر مخالفند و او را بیشتر آماج

---

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱

حملات خودشان قرار میدهند. لذا امروز حفظ حوزه‌های علمیّه و تربیت طلّاب فاضل و علمای بزرگ یک وظیفه‌ی اساسی است.[1]

• روحانیّت؛ هدف اصلی حملات وحشیانه‌ی دشمن

در دوران مبارزات پانزده‌ساله، حوزه‌های علمیّه‌ی قم و دیگر حوزه‌های علمیّه و چهره‌های سرشناس روحانیّت، کانونهای اصلی مبارزه و بالطّبع هدفهای اصلی حملات وحشیانه‌ی دشمن بودند؛ لیکن این شدّت عملهای بی حد و حساب، به اراده‌ی الهی موجب آن نشد که روحانیّت از راه پرافتخار خود ـ که پیمودن آن، وظیفه‌ی تخلّف‌ناپذیر اسلامی او بود ـ قدم باز پس نهد... ملّت عزیز ما میدانند که انگیزه‌ی دشمن از این حملات همه‌جانبه به علمای دین، جز این نیست که بوضوح میدانند روحانیّت نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی داشته و دارند و آنان حمله به روحانیّت را با هدف تضعیف و محو انقلاب انجام میدهند... موضع‌گیری‌های دشمنان، بدرستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیّت متعهّد و انقلابی آشکار میسازد که امام حکیم و روشن‌بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اوّلاً اینکه قدرشناسی از روحانیّون بزرگوار و تبعیّت از آنان، وظیفه‌ای دینی و ملّی و انقلابی است که هیچ گونه غفلت از آن جایز نیست؛ ثانیاً اینکه تحجّر و واپس‌گرایی در میان روحانیّون و یا خدای‌نخواسته توجّه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زیورهای مادّی و سوءاستفاده از مکانت اجتماعی، خطرش برای روحانیّت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه بمراتب از آن بیشتر است؛ و ثالثاً وضعیّت دوران انقلاب و توجّه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاب میکند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاهت سنّتی

---

۱. در دیدار علما و روحانیّون کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱

و اجتهـاد زنده و پویـا، راه جامعـه‌ی اسلامی را هموار نماینـد و حوزه‌های علمیّـه با تحوّلی اسـاسی، خود را بـا نیازهای امروز جهـان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البتّه با اعمال دقّت لازم و برجسـته کـردن اصول و مبـانی فقاهـت، راه را بر التقـاط و کج‌روی ببندند؛ رابعاً انزوا و دوری از فعّالیّت سیاسی را ـ که خواسـت دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی اسـت ـ به هیچ وجـه در زندگی خود و حوزه‌های علمیّه راه ندهنـد و همواره مخصوصاً در مواقع خطر، پیشـاپیش صفوف مـردم، به تلاشی مخلصانه و خسـتگی‌ناپذیر مشـغول باشـند و علـم را با عمل و تفقّه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ قولی و عملی همراه سـازند و هر سه سنگر مدرسه، مسجد و جبهه را پر کنند.[1]

• تضعیف پشتوانه‌ی معنوی انقلاب

امروزه قلمهای مزدور و دسـتهای فروخته‌شده به دشـمن، در کار آنند که این پشـتوانه‌ی معنـوی انقلاب را در چشـم مردم تضعیف کنند. دشـمن انقلاب، جامعـه‌ی روحانیّت را در صورتی تحمّل میکنـد که روحانیّون از دخالت در امور سیاسـت و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشـند و ماننـد جمـعی از روحانیّـون بی‌خبر و متحجّر گذشـته و حال، به کنج مدارس و مسـاجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند و از جمله‌ی پدیده‌های پرمعنی آن است که در تمام مدّت مبارزات و نیز سالهای پس از پیروزی، علمای متحجّر و بی‌خبر از حوادث کشور و دور از جریانهای سیاسی، هیچ گاه در معرض تهاجم دشـمنان قرار نگرفتند؛ بلکه حتّی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیـغی و حـتّی تهمت ارتجاع و واپس‌گرایی از سـوی روشـنفکرنمایان عامـل بیگانه، تنها متوجّه علما و روحانیّونی شـد که از لحاظ اندیشـه‌ی

---

۱. پیام به مناسبت اوّلین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

سیاسی و نوآوری‌های عرصه‌ی علم و عمل، درخشیده و به عنوان قشری پیشرو و مترقّی و آگاه، شناخته شده‌اند.[1]

• عدم فتح لباس روحانیّت توسّط دشمن

این لباس[2] همان چیزی است که دشمن نتوانسته آن را فتح کند. کسانی از اهل این لباس فاسد شدند و در طول تاریخ، فسادشان هم ضررهای بسیار شدید و لطمه‌های بزرگی به اسلام و مسلمین زده؛ امّا دشمن نتوانسته این حصار منیع را فتح کند. با اهل این لباس خیلی هم مبارزه کردند؛ خیلی هم توی سرشان زدند؛ خیلی هم دام بر سر راهشان گستردند؛ اینها در طول این سالهایی بود که ما یادمان است، یا قریب به زمان ما بود؛ مثل زمان رضاخان که بنده یادم نیست، امّا قضایایش را اجمالاً شنیده‌ام. جاها و جاذبه‌هایی درست کردند، تا طلبه را که در مضیقه‌هایی گرفتار میشود، از درس و بحث و حوزه به آنجاها بکشانند و دهانش را با یک آبنبات شیرین کنند؛ برای اینکه از این سمت منخلعش کنند. البتّه یک عدّه از سست‌عنصرها و آدمهایی که آن نضج شخصیّتی لازم را نداشتند، رفتند و مجذوب هم شدند؛ امّا آنها قادر نشدند که این قلعه را فتح کنند.[3]

• دشمنی با روحانیّت

شما طلبه‌ی جوانی هستید در مدرسه‌ی آقای آخوند، یا مدرسه‌ی زنگنه، یا مدرسه‌ی مرحوم آقای آقاشیخ علی دامغانی، و دارید در همدان، در ملایر، در فامنین و هر جای دیگر درس میخوانید. اگر بحث سیاستهای جهانی و استکبار جهانی و آمریکای با آن عظمت ظاهری بشود و بگویند اینها با شما مخالفند، شما نباید بگویید مگر من چه کسی هستم که با

---

۱. پیام به مناسبت اوّلین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

۲. منظور لباس روحانیّت است

۳. در دیدار جمعی از روحانیّون ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

من مخالفند؛ من یک طلبه‌ی گوشه‌ی مدرسه‌ی آقای آخوند در همدان هستم. من میخواهم بگویم این فکر اشتباه است. اینها با یک‌یک شما نه تنها مخالفند، بلکه دشمنند. به هر کدام از شماها به چشم منبعی برای روشنگری و افشاگری نگاه میکنند؛ که اگر این منبع فعّال شود و کار بکند و باطن و استعداد و ظرفیّت خودش را بُروز دهد، کار بر استکبار دشمن دشوار خواهد شد. از نظر آنها هر یک از شما بالقوّه یک امام خمینی هستید. اینها با یک‌یک عمّامه‌به‌سرها و طلبه‌ها و روحانیّون دشمنند؛ چرا؟ چون بنای کار آنها بر ظلمات، بر چشم‌بندی و بر کتمان حقیقت و پرده روی کار کشیدن است.[1]

• نقش پرشور مرجعیّت در خنثی‌سازی توطئه‌ی دشمنان

یکی از برکات مهمّ الهی برای این کشور، وجود مراجع آگاه است. مرجع تقلیدِ آگاه، برای مردم از هر نعمتی بالاتر است. مرجع تقلید آگاه، مرجعی که فریب نمیخورد، مرجعی که ذهن او را تبلیغات دشمن نمیسازد، مرجعی که تحلیل سیاسی خود را از رادیو اسرائیل نمیگیرد، خیلی ارزش دارد. دیدید که مراجع، چطور در مقابل این زمزمه‌ها و شایعه‌های دشمن‌ساز، ایستادند؛ بعد هم حوزه و روحانیّت قم، بعد هم شهرهای مهم و مختلف کشور، موضع خودشان را مشخّص کردند. معلوم شد که ملّت ایران، بیدار است.[2]

• انتقام از مرجعیّت

در اوایل بیماری مرحوم آیت‌الله‌العظمی اراکی، میخواستند[3] چند مطلب را به مردم بگویند. یک مطلب این بود که وانمود کنند مرجعیّت دیگر

---

۱. در دیدار علما و روحانیّون استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۵

۲. در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

۳. دشمنان

آن شأن و مکان همیشگی را ندارد. گذشت زمانی که یک مرجع تقلید از دنیا میرفت و ایران تکان میخورد؛ اکنون دیگر مرجع این‌قدر اهمّیّت ندارد. این مطلب را در بیاناتشان در همین رادیوهای بیگانه، مکرّر تکرار میکردند. در گوشه و کنار دنیا چند نفر از آخوندهای بی‌سواد یا فراری و بدنام و روسیاه را هم پیدا کرده‌اند و اسمشان را «آیت‌الله» گذاشته‌اند! میکروفونها را جلوی دهن آنها میبرند، پولی هم در مشتشان میگذارند؛ آنها هم دهن باز میکنند و هر چه اینها میخواهند، میگویند. آنها کیستند؟ یا بی‌سوادانی از خدا فرار کرده و از اسلام گریخته و پشت کرده به ملّت و فراری‌اند، یا آدمهایی بددل و خبیث! میخواهند از زبان آنها چیزهایی را به خورد مردم بدهند. میپرسند: «آقا! مرجعیّت مثل سابق در ایران اهمّیّت دارد؟» آنها هم میگویند: «نه آقا، مرجعیّت دیگر تمام شده است و مردم به مرجعیّت چندان اهمّیّت نمیدهند.» و از این حرفها. میخواستند این مطلب را در ذهن مردم جا بیندازند. قصدشان این بود که موقعیّت مرجعیّت را که یک موقعیّت عالی و الهی است و در اعماق جان مسلمین دارای تأثیر و نفوذ است، پایین بیاورند. چون از مرجعیّت چوب و تودهنی خورده‌اند، خواستند از مرجعیّت انتقام بگیرند، نه از یک مرجع خاص. این، یکی از مطالبی است که تبلیغات دشمن، طیّ چهل روز بیماری آن بزرگوار دنبال میکرد. مطلب دوّمی که میخواستند در ذهن مردم جا بیندازند، این بود که «در سطح کشور ایران، دیگر کسی نیست تا مقام مرجعیّت را در دست گیرد؛ آن علمای بزرگ و آن ریشه‌های قوی دیگر تمام شدند؛ آیت‌الله‌العظمی اراکی آخری‌شان بود و تمام شد.» این مطلب را میخواستند جا بیندازند و دراین‌باره مفصّلاً حرف زدند.[1]

---

۱. در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد(ع) و در آستانه‌ی میلاد بابرکت حضرت علی(ع) ۱۳۷۳/۹/۲۳

مسئولان

• تبلیغات دشمن جهت فاصله‌اندازی بین مردم و مسئولان

ملّت ما، واقعیّات را خودشان دارند لمس میکنند. می‌بینند که واقعیّتها درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن میخواهد تفهیم کند و به مردم بباوراند. مردم می‌بینند که مسئولین در دل مردم جا دارند و به آنها محبّت می‌ورزند. در زمان حیات حضرت امام هم، تبلیغات بر روی این نقطه متمرکز بود که بگویند مردم از امام جدا شدند؛ میگفتند! البتّه مردم ما به باطن خودشان و قلب خودشان که مراجعه میکردند، میدیدند پُر از محبّت امام است. این حسّ اعتمادی که مردم نسبت به مسئولین دارند، بسیار چیز باارزشی است و تبلیغات دشمن سعی میکند این حسّ اعتماد را از مردم بگیرد. در حالی که این حسّ اعتماد در طول دوران بعد از انقلاب و حتّی پیش از پیروزی انقلاب، برای ملّت ما و انقلاب ما کارساز بود. با همین روح اعتماد بود که مردم حرکت کردند، تجاوز دشمن را دفع کردند، مملکت را نجات دادند.[1]

• ایجاد رخنه در اراده‌ی مردم و مسئولین

امروز جبهه‌ی مقابل ما ـ که سردمدار آن جبهه هم آمریکا و صهیونیست‌هایند ـ به تمام طرقی که میتوانسته است متوسّل و متشبّث بشود، متشبّث شده؛ از تمام راه‌ها که میتوانسته برای مقابله‌ی با ملّت ایران بهره‌گیری کند، بهره‌گیری کرده است؛ برای اینکه بتواند این دو عامل، یعنی عامل تقویت‌کننده‌ی نظام، و عامل ایستادگی مردم در صحنه را تضعیف کند و از بین ببرد. خودشان هم همین را تصریح میکنند؛ میگویند این تحریمهایی که ما بر علیه ایران تصویب و اجرا میکنیم ـ و با عناد کامل دنبال میکنند ـ برای این است که مردم را

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸

خسته کنیم، مردم از صحنه خارج شوند، مردم به نظام اسلامی پشت کنند. یا این کار صورت بگیرد، یا در اراده‌ی مسئولین رخنه به وجود بیاید؛ مسئولین در محاسباتِ خودشان تجدید نظر کنند. تعبیر آنها این است: میگویند میخواهیم مسئولین جمهوری اسلامی احساس کنند که هزینه‌ی تصمیم‌گیری‌های آنها بالا است... یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شِعب ابی‌طالب و محاصره‌ی اقتصادی مسلمانها، آنها را از پا بیندازند؛ امّا نتوانستند. این روسیاه‌های بدمحاسبه‌گر خیال میکنند ما امروز در شرایط شِعب ابی‌طالبیم... ما امروز در شرایط شِعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرایط بدر و خیبریم. ما در شرایطی هستیم که ملّت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آنها نزدیک شده است؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرافرازی دست پیدا کرده است. امروز مردم ما را از محاصره‌ی اقتصادی میترسانند؟ با این حرفها، با این ترفندها میخواهند مردم را از صحنه بیرون کنند؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ امروز میخواهند در اراده‌ی مسئولین اختلال ایجاد کنند؟ «قُلْ هٰذِهِ سَبِيلِيٓ أَدْعُوٓ إِلَى اللهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»[1]؛ این راهی است که با بصیرت انتخاب شده است، این راهی است که با مجاهدت باز شده است، این راهی است که با خون عزیزترین‌ها هموار شده است. ما از این راه رفتیم، به قلّه‌هایی هم دست پیدا کردیم. ما متوقّف نمیشویم، ان‌شاءالله پیش میرویم؛ ولی تا امروز هم به قلّه‌های بسیاری دست پیدا کرده‌ایم. جمهوری اسلامی، امروز کجا، بیست سال و سی سال قبل کجا؟ دشمنان جمهوری اسلامی، هیمنه و بادوبروتِ آن روزشان کجا، ضعف و انکسار امروزشان کجا؟[2]

---

۱. سوره‌ی یوسف، بخشی از آیه‌ی ۱۰۸؛ «بگو این است راه من، که من و هر کس پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت میکنیم.»

۲. در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز نوزده دی ۱۳۹۰/۱۰/۱۹

• مردمی بودن مسئولان؛ نقطه‌ی تهاجم دشمن

نقطه‌ی دیگری که برای دشمن بسیار مهم است، موضوع مردمی بودن دولت و مجلس و مسئولان کشور است. در کشورهایی که مثلاً دموکراسی وجود دارد، اگر شما نگاه کنید، می‌بینید غالباً دولتمردان یا از سرمایه‌داران و یا وابسته به سرمایه‌دارانند و مجلسهایشان را غالباً افراد متنفّذ، پول‌دار، قدرتمند و زوردار پر میکنند. در کشورهایی هم که دم از دموکراسی میزنند، وضع به همین گونه است. در کشورهای معروف و نام‌آشنای جهان، غالب کسانی که در رأس حکومتها قرار میگیرند از خانواده‌ها و قشرهای شناخته‌شده‌ی سیاسی، مالی، نظامی و یا اشخاص وابسته به طبقات دارای زر و زورند. در ایران اسلامی این گونه نیست. مجلس شورای اسلامی متّکی به عناصری از متن مردم است. یک معلّم، یک کشاورز، یک روحانی، یک پزشک، یک کاسب یا یک دانشجو، به یک منطقه‌ی انتخاباتی رفته است و مردم او را شناخته‌اند، به او رأی داده‌اند و به مجلس شورای اسلامی وارد شده است. دولت جمهوری اسلامی نیز همین‌طور است. کسانی که در رأس مسئولیّتهای دولتی قرار دارند، افرادی هستند که عمر و جوانی خودشان را در مبارزات و سختی‌ها و شداید گذرانده‌اند.[1]

• خطر انقطاع از مردم

من از طرق رسمی و غیر رسمی سعی میکنم با واقعیّات در تماس باشم. گزارشهایی که به من داده میشود، بسیار متنوّع است. هم گزارشهای دستگاه‌های مختلف اطّلاعاتی است ـ چه اطّلاعات مربوط به وزارت اطّلاعات، چه آنچه که مربوط به اطّلاعات نیروهای مسلّح است، چه

---

۱. در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

آنچه که مربوط به بعضی از دستگاه‌های خبررسانی دستگاه‌های دولتی است_ هم بخشی از دفتر ما کارش اطّلاع‌رسانی است؛ مثل دفتر ارتباط مردمی و دفتر بازرسی، که اینها از طریق نامه و تلفن مرتّباً با مردم در تماسند. با اشخاص و تیپهای مختلف اجتماعی هم ملاقاتهای فراوانی دارم و نامه هم زیاد دریافت میکنم. به هر حال گوش من، گوش فعّالی است؛ امّا در عین حال مدّعی نیستم که همه چیز را میدانم. ممکن هم نیست که همه چیز را بدانم؛ البتّه ممکن است چیزهایی را بدانم و چیزهایی را هم ندانم. معتقدم که برای یک مسئول در دستگاه حکومتی _اعمّ از مسئولیّتی که بنده دارم یا مسئولیّتی که دیگر مسئولان دارند_ انقطاع از واقعیّات و دوری از مردم، عامل انحطاط است. معتقدم که یک مسئول نباید اجازه دهد که از واقعیّات جامعه و از خبرهایی که در جامعه جاری است، دور بماند. البتّه انقطاع از مردم _که در تعبیر امیرالمؤمنین احتجاب از مردم است؛ یعنی حجاب داشتن و با مردم هیچ مواجه نشدن_ چیز بسیار خطرناکی است. حضرت به مالک اشتر فرموده‌اند: «قِلَّةُ عِلمٍ بالأُمورِ»؛ به خاطر احتجاب از مردم، آگاهی انسان از همه چیز کم میشود. البتّه من به خانه‌های اشخاص هم میروم. یکی از کارهایی که بحمدالله من از اوایل ریاست جمهوری تا به حال انجام داده‌ام _البتّه گاهی بیشتر است، گاهی کمتر_ این است که به منازل اشخاصی از آحاد و توده‌های مردم میروم، روی فرششان می‌نشینم، با آنها حرف میزنم و زندگی‌شان را از نزدیک لمس میکنم. البتّه به شما عرض کنم، اطّلاع از مردم، یک بخش از اطّلاع است؛ بخش دیگرش اطّلاع از دشمن است. کسی از من نپرسید که شما از دشمن هم اطّلاعی دارید یا نه؟! ولی من خودم عرض میکنم: بله، بنده از دشمنان هم بی‌اطّلاع نیستم. خیلی‌ها خیال میکنند که ما گاهی تیر به تاریکی می‌اندازیم و از دشمن صحبت میکنیم؛ نه، تیر به تاریکی انداختن نیست؛ میدانیم و حس میکنیم که دشمن حضور دارد. اتّفاقاً همین چند روز قبل بعضی

ATvie4Ai6/aUCtjzwAd6ag==

از مطبوعات آمریکا خبر از اظهارات رئیس سازمان سیا دادند که در بعضی از روزنامه‌های ما هم منعکس شد. او گفته بود ما در فلان تعداد کشور ـ از جمله ایران را هم اسم آورده بود ـ مأموران سازمان خودمان را فعّال کرده‌ایم که زبان مادری‌شان، زبان آن کشورها است. بعد بخصوص اسم ایران را آورده بود و گفته بود ما مأمورانی داریم که زبان مادری‌شان فارسی است و متوسّط سنّی‌شان هم سی سال است. ممکن است برای بعضی این سؤال پیدا شود که چرا این حرفها را میگویند. وقتی اطّلاعاتی زیاد و سرریز میشود، برای صاحب آن اطّلاعات اهمّیّتش کم میشود؛ لذا از گوشه و کنار حرفها خیلی چیزها میشود فهمید. بله، ندیدن دشمن هنر نیست.[1]

• اجتناب از اهمال‌کاری و فرار از مسئولیت

همه‌ی مسئولین نظام باید به این نکته توجّه کنند و به اسلام و احکام اسلام و به ارزشهای اسلامی افتخار کنند. درست است که دشمنان اسلام ـ یعنی دشمنان ملّت ایران ـ این را نمی‌پسندند؛ بدیهی است شما وقتی در مقابل یک دشمنی قرار بگیرید، اراده‌ی قوی داشته باشید، اسلحه‌ی کارآمد داشته باشید، دشمن این را نمی‌پسندد؛ میخواهد اراده‌ی شما را، از شما بگیرد و شما را تضعیف کند؛ اسلحه را از دستتان بگیرد. دشمنان ایران و ایرانی میدانند که مایه‌ی ایستادگی و اقتدار این ملّت و اراده‌ی مستحکم او، همین ایمان اسلامی او بود؛ میخواهند این را از او بگیرند.[2]

دولت و قوّه‌ی قضائیّه و مجلس باید به وظایف خود عمل کنند. هر کس امروز از وظیفه‌ی اصلی خود سرپیچی کند و خود را به کار دیگری

---

۱. در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹
۲. در جمع تعدادی از خانواده‌های شهدا ۱۳۸۸/۳/۳

مشغول و سرگرم سازد و از انجام وظیفه شانه خالی نماید، خیانت کرده است و دچار لعنت ابدی خواهد شد.[1]

• شادی دشمن؛ اختلاف بین مسئولان و تضعیف تصمیمها

آنجایی که مسئولان در غیر مسائل اصلی نظام ـ در مسائل کاری، اداری، فهم یک قانون ـ با هم اختلاف نظری دارند، نباید این اختلاف نظر جلوی چشم مردم قرار گیرد و به کوی و بازار کشیده شود... چون مردم را مأیوس و نگران و دشمن را خوشحال میکند. البتّه اختلاف بین مسئولان در فهم یک وظیفه، یک امر متوقّع است. مثلاً ممکن است رئیس‌جمهور محترم و رئیس محترم قوّه‌ی قضائیّه درباره‌ی نقطه‌ای از نقاط، دارای دو دید و دو بینش باشند و هر کدام هم برای خود استدلالی داشته باشند. بسیار خوب؛ این راه‌حل دارد. در قانون اساسی، راه‌حلّ اینها معیّن شده است. هماهنگ‌کننده‌ی سه قوّه، رهبر است و رهبری میتواند این مشکلات را برطرف کند... مدیریّتهای عمده‌ی کشور، اداره‌ی همه‌ی امور اجرائی کشور و هزینه کردن بودجه‌ی کلان کشور، بر عهده‌ی قوّه‌ی مجریّه است. وظیفه‌ی قوّه‌ی مقنّنه عبارت است از قانونگذاری و نظارت بر عملکرد مسئولان دولتی. وظیفه‌ی قوّه‌ی قضائیّه عبارت است از تعقیب متخلّفان از قانون و احقاق حق، تا کسی به کسی ظلم و تعدّی و تجاوز نکند. اگر هر کدام از قوا بخواهند وظایف خود را انجام دهند، آن‌قدر کار و جهاد خداپسند در این مجموعه کارها وجود دارد که دیگر وقتی باقی نمیماند. وظیفه‌ی رهبری هم در قانون معلوم شده است. رهبری در کارهای اجرائی کشور هیچ دخالت مستقیمی نمیکند؛ نه در قوّه‌ی مجریّه، نه در قوّه‌ی قضائیّه و نه در قوّه‌ی مقنّنه. مهم‌ترین کار رهبری عبارت است از تعیین

---

۱. در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۸۱/۳/۱

سیاستهای کلان کشور؛ یعنی آن چیزهایی که جهت‌گیری کشور را مشخّص میکند؛ که همه‌ی قوانین، مقرّرات و عملکردها باید در این جهت باشد. حضور رهبری در همه‌ی بخشهای کشور، به معنای حضور سیاستهای رهبری است که باید با دقّت اجرا شود.[1]

یکی از چیزهایی که دشمن را شاد میکند همین است که [مردمِ] هر شهری، هر گوشه‌ای، شروع کنند به خدشه کردن روی تصمیمات مسئولین؛ مسئول قضائی، مسئول شهری، مسئول استانی. این دشمن را خوشحال میکند، این را بدانید. بگذارید مسئولین کشور با دستِ باز آنچه را مصلحت می‌بینند در این دوران انجام بدهند. جابه‌جایی ایرادی ندارد؛ جابه‌جایی دلیلِ چیز بدی نیست. خب، شما پا شُدید آمدید تهران تا حرفتان را بگویید، ایرادی هم نیست؛ امّا نبادا شما ـ علما، دیگران ـ میدان بدهید که بعضی از افراد در آنجا با یک شعاری جلوی کار مسئولین را بگیرند. باید مانع بشوید.[2]

ATvie4ni6la1CqwwN16aQ==

• لزوم یکپارچگی و وحدت مسئولان در برابر دشمن

ما در داخل کشورمان کم گرفتاری نداریم. ریشه‌ی گرفتاری‌ها از دو چیز است: اوّل، از غفلتها و کوتاهی‌ها و تنبلی‌ها و احیاناً بد عمل کردن‌های خود ما است؛ در رابطه‌ی با اموال عمومی، در رابطه‌ی با تجمّل‌گرایی، در رابطه‌ی با پاسخگویی به مردم در دستگاه‌های مختلف. ریشه‌ی دوّم، دشمنانی هستند که از همین مایه‌ها و زمینه‌ها سوءاستفاده میکنند؛ بر این مردم تنگ میگیرند؛ تهدید میکنند؛ ایجاد اختلاف میکنند؛ دودستگی می‌اندازند؛ محاصره‌ی اقتصادی میکنند. مردم، یکپارچه و مؤمنند؛ اگر بزرگان و مسئولان کشور هم یکپارچه و یکدست باشند،

---

۱. در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸

۲. در دیدار با گروهی از روحانیّون و مردم رفسنجان ۱۳۶۸/۷/۲۱

دشمن جرئت نمیکند. در این صورت، دیگر هیچ تلاشی علیه این ملّت و این کشور به ثمر نمیرسد.[۱]

• مدیران فاسد، پایگاه دشمنان خارجی

وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل میشوند. دشمن خارجی از آدمهای فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده میکند. مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است. من از مسئولان کشور خواهش میکنم این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند. اگر مسئولان کشور آن خودآگاهی لازم را داشته باشند، آنگاه میفهمند که امروز مبارزه با فساد لازم است و یک جهاد است.[۲]

• وظایف مسئولان در برابر آسیب‌رسانی دشمن

به مسئولان میگوییم ضعفها را برطرف کنید؛ به شما میگوییم متوجّه این دشمن باشید تا به شما حمله نکند. وقتی دزدی کمین کرده است، وقتی حیوان وحشی‌ای در کمین انسان است، وقتی دشمن سلطه‌گری در کمین یک ملّت است، یکی از وظایف اساسی و مهمّ مسئولان و رهبری کشور این است که به مردم بگویند توجّه کنید؛ و نیز کارهایی که میدانند جلوی آسیب دشمن را میگیرد، به مردم بگویند و از آنها بخواهند؛ وَالّا نخیر، ما مشکلات داخلی کشور را به گردن آمریکا نمی‌اندازیم.[۳]

دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن ـ که متأسّفانه در داخل کشور گاهی شعبه‌هایی هم پیدا میکنند ـ تبلیغ میکنند که بین مسئولان دعوا و

---

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۱۲/۱۱

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم، به مناسبت نوزده دی‌ماه، سالروز قیام مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

۳. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

اختلاف است. خود و دوستان خود را به این دل‌خوش میکنند... من به شما ملّت عرض کنم: مسئولان کشور در قوای سه‌گانه، در مقابله با دشمنان اسلام و در دفاع از اصول اسلام، همفکر و هم‌قول و هم‌جهتند. دشمنان اسلام، این آرزو را به گور خواهند برد که ببینند در ارکان نظام اسلامی کسانی وجود دارند که میخواهند با اصول امام و راه روشن این انقلاب و نظام اسلامی مبارزه کنند و میتوانند در دستگاه‌ها و ارکان نظام جمهوری اسلامی مؤثّر باشند... همّت دشمن این است که عناصر بیگانه را به داخل بدنه‌های حکومت نفوذ دهد. ممکن است دشمن بتواند یا توانسته باشد عناصری را به داخل مجموعه‌ی مسئولان نفوذ دهد، یا عناصر ضعیف و سست‌همّتی را به سمت خود جلب کند؛ امّا این به هیچ وجه به کار دشمن نخواهد خورد؛ چون اصول امام، اصول انقلاب و پایه‌های مستحکم آن مورد قبول مسئولان نظام و قوای سه‌گانه و همه‌ی دست‌اندرکاران اصلی این کشور است و پشتوانه‌ی محکم آن هم این ملّت بزرگ است. هر که از این راه تخطّی کند به سقوط خود کمک کرده است.[1]

• غفلت از رفاه و مشکلات مردم!

دشمن و بیگانگان، این گونه وانمود میکنند که اگر یک مجموعه، برای ایجاد رفاه و حلّ مشکلات مردم کار میکند، لزوماً به معنای دور افتادن از معنویّات و آرمانها است! این، غلط است. این، تصوّر افراد ساده‌لوح و تغلیط و تسویل افراد مغرض است. اسلام، برای دنیا و آخرت مردم، برنامه و هدف دارد. مسئولان اداره‌ی کشور موظّفند همان‌قدر به امور مادّی مردم برسند که به امور معنوی میرسند.[2]

---

۱. در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۲/۳/۱۴

۲. برگرفته از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران ۱۳۶۸/۶/۸

• بصیرت و هوشیاری مسئولان در برابر تبلیغات دشمن

چگونه میشود شکاف ایجاد کرد؟ میتوان دو راه را در پیش گرفت: اینها از یک راه آن تقریباً مأیوس شده‌اند؛ البتّه نمیگویم کامل، امّا از آن راه نتوانسته‌اند عمل کنند. راهی که آنها نتوانستند در آن خیلی مانور کنند و تحرّک نشان دهند، راه نفوذ در ارکان حاکمیّت بود. اینها نمیتوانند در مراکز بالای حاکمیّت نفوذ کنند و هنوز هم نتوانسته‌اند. راه دیگری که همیشه از اوّل انقلاب آن را طی کرده‌اند و بنده از دوران ریاست جمهوری و بعد از آن، در این زمینه بسیار خاطره‌ها و نمونه‌ها در ذهن دارم، این است که جمعی یا شخصی از حاکمیّت را مورد توجّه خود قرار دهند؛ از او تمجید و حمایت کنند و خود را طرف‌دار او نشان دهند؛ شاید بتوانند از این طریق، هم دیگران را به او بدبین کنند، هم او را به خودشان خوش‌بین نمایند؛ یعنی در حاکمیّت شکاف به وجود آورند. این جزو برنامه‌های همیشگی تبلیغات دشمنان بوده است؛ هم قبلاً بوده، هم امروز وجود دارد؛ بارها هم این را تجربه کرده‌اند و در موارد متعدّدی هم شکست خورده‌اند.[1]

• لزوم آگاهی و هوشیاری مسئولان در برابر توطئه‌ی دشمن

امروز مهم‌ترین امید دشمنان ملّت ایران و نظام اسلامی و انقلاب یک چیز است و آن این است که دولت و نظام جمهوری اسلامی نتواند خواسته‌های طبیعی ملّت را برآورده کند. همه‌ی تلاش سیاسی و تبلیغاتی آنها تا امروز خنثی و بی‌اثر شده است. چشم امید دوخته‌اند که نظام اسلامی نتواند نیازهای مردم را برآورده کند، تا بگویند نظام اسلامی و اسلام نمیتواند؛ تا همان کسانی که ده‌ها سال بر این مملکت حکمرانی همراه با ظلم و فساد کردند، دوباره به پشتیبانی قدرتهای چپاولگر بتوانند این

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

کشور را در کام خود ببلعند. میخواهند نگذارند نظام اسلامی کار کند. راه نگذاشتن چیست؟ در درجه‌ی اوّل، ایجاد اختلاف و تضعیف نیروهایی است که میخواهند برای استقلال و سربلندی این کشور کار کنند. ایجاد فساد ـ که فساد در ارکان هر جامعه‌ای به وجود بیاید، در حرکت آن اختلال ایجاد میکند ـ و نابود کردن منابع کشور، جزو کارهایی است که دشمن روی آنها برنامه‌ریزی میکند. همیشه در هر جمعیّت و هر کشوری عناصری پیدا میشوند که دشمن بتواند روی اینها سرمایه‌گذاری کند و اینها را مثل ابزار خود در دست گیرد؛ مسئولان و مردم باید هوشیار باشند.[1]

نیروهای مسلّح

• جایگاه نیروهای مسلّح در مقابله با تهاجم دشمن

در گذشته، نیروهای مسلّح ما اگرچه از جهات ظواهر امر و تجهیزات، پشتیبانی‌هایی میشدند، امّا هنگامی که در یک جنگ سخت طولانی در مقابل تهاجم دشمن قرار گرفتند و از میهن خود دفاع کردند، توانستند ارزش حقیقی خودشان را بازیابند و در چشم ملّت، بلکه ملّتهای مسلمان، عزیز شوند. این، یک حقیقت است. امروز، بعد از اینکه شما نیروهای مسلّح، جنگ را بحمدالله با افتخار تمام کردید و اجازه ندادید که حتّی یک وجب از میهن عزیزتان در زیر چکمه‌های بیگانگان متجاوز بماند، و بعد از آنکه با تقدیم هزاران شهید از بهترین فرزندان این آب و خاک، صداقت و صمیمیّت خودتان را به ثبت رساندید، میتوانید با سربلندی، خود را یکی از عناصر و ارکان حقیقی نظام اسلامی بدانید و بنامید. نظام جمهوری اسلامی هم موظّف است به نیروهای مسلّح، چنان که شایسته‌ی آنان است، رسیدگی کند، و بحمدالله مسئولان کشور، به این وظیفه آشنا هستند.[2]

---

۱. در دیدار با کشاورزان، به مناسبت هفته‌ی کشاورزی ۱۳۸۰/۱۰/۱۲

۲. در جمع کارکنان پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان ۱۳۷۱/۷/۱۸

• جایگاه نیروهای مسلّح در حفظ استقلال کشور

نیروی مسلّح ما میخواهد کشور، در اختیار دشمن قرار نگیرد و سلطه‌گران بر آن غلبه پیدا نکنند. این کم چیزی است؟! این هدف کوچکی است؟! هدف از این بالاتر و مقدّس‌تر؟! این ارتش است. هر چه میتوانید، به این ارتش، کیفیّت بدهید. شما که در دوره‌های مختلف تحصیل کردید و این ارتش به گردنتان حقّ تعلیم پیدا کرده است، تمام وجود و تلاشتان را در حدّ میسور، در راه ارتقاء کیفیّت این ارتش صرف کنید. البتّه نقص دارد؛ امّا این نقصها باید برطرف شود. از ده‌ها سال پیش، تلاش بر این بوده است که نگذارند این ارتش، از لحاظ تجهیزات، روی پای خودش بایستد. امروز، بحمدالله، جهادهای خودکفایی و دستگاه‌های فنّی، مشغول کارند. این را هر چه میتوانید، ادامه دهید... دانش نظامی را از همه باید فراگرفت. دانش را از هر کس و هر جا باید فراگرفت؛ امّا وابستگی نظامی، نه![1]

• لزوم آمادگی نیروهای مسلّح در برابر دشمن

دشمن حمله‌هایی دارد؛ لیکن باز کارآمدترین روش استکبار، ضربه‌ی نظامی است. آن وقتی که قدرتها میخواهند قدرت‌نمایی‌شان را نشان بدهند، به ضربه‌ی نظامی متوسّل میشوند. آن وقتی که نتوانند چنین کنند، راه‌های بلندمدّت را در پیش میگیرند.[2]

ارتش و سپاه، با کمک و همکاری و رقابت مثبت، خواهند توانست مانند همیشه، سدّی مستحکم در برابر دشمنان اسلام و انقلاب و کشور اسلامی و دولت اسلامی پدید آورند و هر تجاوزی را با قدرت پاسخ گویند و حتّی فکر تجاوز را هم از یاد دشمن بزدایند.[3]

---

۱. در دیدار فرماندهان و دانشجویان نیروی زمینی ارتش ۱۳۷۲/۷/۲۸

۲. در دیدار با فرماندهان عالی‌رتبه‌ی نیروهای نظامی و انتظامی و اعطای آئین‌نامه‌ی انضباطی نیروهای مسلّح به رئیس ستاد فرماندهی کلّ قوا ۱۳۶۹/۱۰/۲۲

۳. پیام به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه و بسیج ۱۳۶۸/۶/۲۶

• آمادگی در مقابل جنگ ترکیبی

این را من همیشه گفته‌ام، باز هم تکرار میکنم: قدرت دفاعی باید تقویت بشود؛ بخشی از سوی بیرون نیروهای مسلّح، بخشی از سوی درون نیروهای مسلّح؛ من به این دوّمی میپردازم. مسئولان نیروهای مسلّح باید راهکارهای نو و روزآمد را برای تقویت نیروهای مسلّح در پیش بگیرند که از جمله‌ی آنها هوشمندسازی در آموزشها و در ابزارهای نظامی است که بحمدالله در نیروهای مسلّح ما شروع شده، لکن میدان کار هنوز خیلی باز است. امروز هوشمندسازیِ تمامِ حرکاتِ نیروهای مسلّح از جمله ابزارهای نظامی، سلاح و حتّی مهمّات یکی از مسائل مهم است. یا پیشرفتهای پژوهشی و علمی در نیروهای مسلّح که این، تقویت نیروهای مسلّح است. یا طرّاحی بازی‌های پیچیده‌ی جنگ ترکیبی. امروز جنگهای دنیا جنگهای ترکیبی است. میدانید؛ جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاحهای گوناگون و جنگ شناختی و امثال اینها با همدیگر مایه‌ی تهاجم به یک ملّت یا یک کشور است. بازی‌های جنگ بایستی بتواند همه‌ی این لایه‌ها را با شیوه‌های نو، با شیوه‌های روزآمد، ان‌شاءالله تأمین کند.[1]

• لزوم بصیرت نیروهای مسلّح در برابر دشمن

بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنتان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملّتی موفّق میشود که فریب نخورد. دشمن سعی میکند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملّت مؤمن، کوچک کند. سعی میکند نیازهای مادّی و کوچک را در نظر او بزرگ کند. نیاز مادّی هم نیاز است، امّا از جان که بالاتر نیست! ملّتی که در راه خدا، جان برایش

---

۱. در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلّح ۱۴۰۱/۷/۱۱

نثارکردنی است، آنجایی که میدان مبارزه با دشمن است، نیازهای دیگر چه تأثیری میتواند داشته باشد!؟ شما الان نگاه کنید! سیاستهای امروز و دیروز دنیا را مشاهده کنید! ببینید چه هنگام بوده است که علیه این نظام مقدّس اسلامی، توطئه‌هایی در آستین استکبار و استبداد جهانی نباشد؟ آنها از شیوع اسلام میترسند. علناً اظهار میکنند که احساسات انقلابی اسلامی، در کشورهای اسلامی رو به گسترش است. خود ما هم این را می‌بینیم. این، یک واقعیّت است. امروز ملّت ایران یک ملّت منزوی نیست. به کشورهای گوناگون در دنیا، مثلاً به قلب اروپا نگاه کنید و از کسانی که به آنجا رفته‌اند بپرسید و بشنوید که چطور ملّتی مثل ملّت بوسنی و هرزگوین که در محاصره‌ی دشمنان انسانیّت قرار گرفته است، به نام شما جوانان ایرانی، شعار میدهد و چطور از شما، در بستن پیشانی‌بندها تقلید میکند!

• نقش ارتش در مقابله با دشمن

ارتش ما امروز یک ارتش سربلند و باافتخار و باایمان است. امروز بحمدالله هم ظواهری که در ارتشهای دنیا مورد اهتمام و توجّه است در ارتش ما وجود دارد و هم ایمان، مجاهدت، تقوا و فداکاری. بالاتر از همه‌ی اینها، ارتش ما یک ارتش مردمی است. ظواهر خوب است، امّا کافی نیست. روزی ظواهر ارتش ایران خوب بود و خیلی به آن میرسیدند؛ امّا در لحظه‌ی حسّاس و وقتی که دشمن در سالهای ۱۳۲۰ شمسی به مرزهای این کشور حمله کرد، ارتش، کمترین مقاومتی نکرد. ادّعایی که سردمداران رژیم فاسد پهلوی میکردند و میگفتند که «ما به ارتش رسیدگی و ارتش را اداره کرده‌ایم»، رسوایی‌هایش در آن لحظه‌ی حسّاس آشکار شد... امّا ارتش دوران حکومت اسلامی و نظام سربلند جمهوری

---

۱. در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷

اسلامی، در میدانهای نبرد، مردانه ایستاد، مقاومت و فداکاری کرد و شهدای بزرگی داد... امروز هم که شما ارتش جمهوری اسلامی را نگاه کنید، بحمدالله پر است از افسران مؤمن و سربلندی که افتخار میکنند از میهن اسلامی خود دفاع کنند؛ افسرانی که از دشمن نمیترسند، امّا دشمن از آنها میترسد.[1]

• مراقبت ارتش از دشمن درونی و بیرونی

خصوصیّت ارتش این است که مراقب دشمن است؛ چون از مرزها همیشه حراست میکند. پس، مراقب دشمن بودن، خصوصیّتی است که برای ارتش ناآشنا نیست. ارتشیان عزیز! مراقب دشمن باشید؛ نه فقط دشمنی که از مرز حمله میکند، بلکه دشمنی که به مرزهای درون وجود ما حمله میکند؛ اراده‌ی ما را تضعیف میکند، ایمان ما را تضعیف میکند، عزم قاطع ما را بر کار کردن تضعیف میکند، عمل ما را از خلوص و صفا خالی میکند. دشمن حقیقی این است. اگر ما توانستیم با این دشمن دست و پنجه نرم کنیم و بینی او را به خاک بمالیم، آن وقت در مقابل آن دشمن بیرونی دست ما پر است. آن کسی که در میدان جنگ دچار هزیمت میشود، قبلاً در درون خود دچار هزیمت شده است. اگر در درون خود دچار هزیمت نشویم، در بیرون هیچ دشمنی نمیتواند ما را منهزم کند.[2]

• صف‌آرایی دشمن در مقابل سپاه پاسداران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای است که وجودش امروز برای

---

۱. در مراسم فارغ‌التّحصیلی دانشجویان دانشگاه افسری و اعطای سردوشی به دانشجویان جدید ۱۳۷۳/۷/۱۳

۲. در دیدار جمعی از کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ارتش ۱۳۷۸/۱/۲۵

کشور و ملّت ایران و همه‌ی هدفهای والایی که این ملّت برای خودش ترسیم کرده است، ضروری و لازم است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فقط برای یک مجموعه‌ی نظامی نیست. یک مجموعه‌ی نظامی میتواند با شکلهای مختلف، با هدفها و با رفتارهای مختلف و با خصلتهای گوناگون باشد. البتّه بحمدالله امروز در نظام جمهوری اسلامی، همه‌ی سازمانهای نظامی به یک معنا سازمانهای معنوی و الهی و دارای اهداف خدایی هستند؛ ارتش هم همین‌طور است، نیروی انتظامی هم همین‌طور است، سپاه پاسداران هم که ولادتش این‌طور بوده است. هر کدام خصوصیّاتی دارند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دفاع از انقلاب، تمامیّت انقلاب و هدفهای انقلاب و برای مقابله با دشمنان انقلاب به وجود آمده است... همه‌ی آن نیروهایی که در این طبیعت «خداساخته» و در این قوانین و سنن الهی برای دفاع از انقلاب و از حقّانیّت اسلام وجود دارد ـ همه‌ی آن نیروهای معنوی، همه‌ی آن توانایی‌ها و استعدادهای درونی ـ همه در خدمت این مجموعه‌ای است که برای دفاع از انقلاب پدید آمده است.[1]

• علّت دشمنی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

به فضل پروردگار، نظام جمهوری اسلامی بر این پایه‌های قدرت بنا شد. این نظام، متّکی به قدرت معنوی و متّکی به ایمان و متّکی به پایه‌های مستحکم عقیده است. آن فکری که امروز نظام جمهوری اسلامی پایه‌اش بر آن قرار گرفته است، یک فکر متین، منطقی، محکم، مستدل و غیر قابل خدشه است. ایمان آحاد مردم، عشق آنها به خدا، به اولیای خدا، به پیامبر، به خاندان پیامبر؛ این بزرگ‌ترین سرمایه و بزرگ‌ترین ابزار و مایه‌ی قدرت برای این کشور است. مجموعه‌ی شما، از جمله‌ی این

۱. در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۷۸/۶/۲۴

مجموعه‌های مؤمن است. سپاه پاسداران را با همان عناصر ارزشمندی که با آن به وجود آمد و با آن توانست در مقابل دشمنان قدرت‌نمایی کند و از امنیّت مرزها و از استقلال ملّی دفاع نماید، با همان خصوصیّات و با همان پایه‌های مستحکم، حفظ کنید و قدر بدانید و ارج بنهید. امروز دشمن به مراکز اصلی اقتدار این ملّت، بیشتر از همه دشمنی میکند و متوجّه به آنها است... سعی میکنند آنچه که بتوانند، از این‌قدرت معنوی کم کنند؛ که این یک کار بلندمدّت استکبار است. ترویج ابتذال، ترویج مادّیگری و ترویج نفع‌پرستی در بین آحاد مردم، از جمله کارهایی است که اینها بر آن همّت گماشته‌اند. حالا چقدر موفّق شوند، این بسته به اراده‌ی ملّت مؤمن ما است؛ بسته به اراده‌ی دلها و انسانهای منوّر و باایمان است که خودشان را حفظ کنند. مطمئن باشید اگر شما و هر انسان مؤمنی تصمیم بگیرد و به خدا توکّل و اتّکاء کند، دشمن هیچ توفیقی در این کارهای گمراه‌کننده و مضلّ خود به دست نخواهد آورد.[1]

• بسیج؛ مظلومِ مقتدر

دشمنان میدانند که حضور بسیجی، واقعیّت بسیج در کشور و در میان ملّت ایران چقدر اهمّیّت دارد؛ لذا همّت میگمارند بر اینکه این حقیقت مؤثّر و کارآمد و نافذ را مورد تهاجم قرار بدهند. البتّه این مظلومیّت است. مظلومیّت، مطلقاً به معنای ضعف نیست. قوی‌ترین انسانهای دنیا هم مظلوم واقع شدند. امیرالمؤمنین نیرومندترین انسان دورانهای گوناگون است و مظلوم‌ترین انسانها هم هست. انقلاب ما و نظام جمهوری اسلامی جزو مقتدرترین و نافذترین پدیده‌های دوران معاصر است، امّا مظلوم هم

---

۱. در دیدار فرماندهان و گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۸/۸/۲۲

هست. شخص امام بزرگوارمان ـ یک انسان مقتدر و قوی که میتوانست دنیا را تکان بدهد و تکان داد ـ جزو مظلوم‌ترین انسانهای زمان خودش بود. بنابراین مظلومیّت منافات ندارد با اقتدار. بسیج مظلوم است، ولی مقتدر است، نافذ است، اثرگذار است؛ این اثرگذاری باقی خواهد ماند و باید این را روزبه‌روز خود عناصر بسیجی و مجموعه‌های بسیجی تقویت و عمیق‌تر کنند. تا بسیج هست، نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از سوی دشمنان تهدید نخواهد شد؛ این یک رکن اساسی است.[1]

• تبلیغ دشمن نسبت به فراموشی ارزشهای بسیجی

در شرایط کنونی کشور، بعضی کسان با همان تفسیر غلطی که فکر میکنند بسیج یک مجموعه‌ی نظامی است، یا سپاه و ارتش و نیروهای نظامی، فقط در دوران جنگ حضورشان لازم است و بعد باید بکلّی فراموش شوند و کنار بروند، با این تحلیل غلط معتقدند که همه‌ی ارزشهای بسیجی، همه‌ی ارزشهای خوب الهی ـ که بسیج مظهر آن است ـ بایستی از جامعه کنار برود! البتّه این تبلیغ دشمن است. وای به حال ملّتی که گوشش به تبلیغ دشمن باشد. دشمن، خیر انسان را که نمیخواهد. دشمن اگر از شما تعریف هم بکند، بایستی نسبت به این تعریف سوءظن پیدا کنید. اگر بدگویی هم بکند، باید به آن بدگویی‌اش لبخند تمسخر بزنید. اگر بگوید وضعت خراب است، باید بدانی وضعت خوب است. اگر بگوید این راهی که میروی، غلط است، باید بدانی او از این راه صدمه میبیند. اگر از شما تعریف کند، باید به خودتان نگاه کنید و ببینید چه کار خلافی از شما سر زده که موجب خوشحالی او است؛ البتّه اگر تعریف او واقعی باشد و کلکی در کار نباشد.[2]

---

۱. در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

۲. در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار ۱۳۷۷/۹/۲

• ضرورت حضور فداییان انقلاب در برابر دشمن

تذکّر مشفقانه‌ی اینجانب به شما عزیزان ـ که میدانم شما خود با همه‌ی دل‌آگاه، آن را درمی‌یابید ـ آن است که تا حرکت در خطّ اسلام ناب محمّدی(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) هست، دشمن کمین‌گرفته و دست‌کین‌گشاده نیز هست، و توطئه و خیانت و مفسده‌انگیزی نسبت به نظام مقدّس اسلامی نیز هست. و تا این تهدیدها هست، حضور فداییان انقلاب و فرزندان صمیمی و بازوان قدرتمند آن نیز ضرورتی حیاتی است. شما با این بینش و دریافت است که باید سپاه را سازمان‌دهی و فرماندهی کنید و آن را منضبط و آموزش‌دیده و روشن‌بین و کارآمد سازید.[1]

• بسیج یعنی بیمناک کردن دشمن و امیدوار کردن دوستان

بسیج، عبارت است از مجموعه‌ای که در آن، پاک‌ترین انسانها، فداکارترین و آماده‌به‌کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملّت و برای به کمال رساندن و به خوشبختی نائل کردن این کشور، جمع شده‌اند.[2] عزیزان، سلاح شما ایمان صادقانه و منطق مستحکم و عزم پولادین است. نباید تصوّر کرد که بسیج دانشجویی حتّی در دورانی که کشور در حال جنگ مسلّحانه نیست، یک مجموعه‌ی نظامی است. سازمان بسیج در دوران حاضر باید کانون رشد و اشاعه‌ی تفکّر بسیجی باشد. و تفکّر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر... و این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما به خاطر آن، بسیجی بودن را افتخار خود میدانست.[3]

---

۱. پیام به چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولیّ‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۷۰/۶/۲۵

۲. در دیدار بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

۳. پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی ۱۳۷۷/۷/۱۴

دانشگاه و مدارس

• دانشگاه مورد هجمه‌ی دشمن

در نظام جمهوری اسلامی که یک نظام صددرصد مردمی است، دانشجو باید بارزتر از دیگر دانشجویان در هر جای دیگر دنیا، نقش داشته باشد. درست است که همه‌ی ملّتها و جوانها به کشور و سرنوشت و ملّتشان علاقه‌مندند، امّا فرق است بین نظامی که بر اساس انقلاب مردمی و متّکی به اراده و احساس عامّه‌ی مردم بنا شده و حرکت کرده و با دشمن درافتاده و موانع را برداشته باشد و یکایک آحاد مردم با آن احساس پیوند عمیقی کنند، و نظامی که این‌چنین نباشد. عزیزان دانشجو و جوانهای خوب و باصفا و سالم! تا آنجا که در توان و قدرت شما است، در محیط دانشگاه یکپارچگی خود را حفظ بکنید و نگذارید نامهای گوناگون، به معنای جهت‌گیری‌های گوناگون تلقّی شود و نیروهایی که باید به سمت دشمن بایستند و موضع بگیرند، روبه‌روی هم قرار گیرند؛ مواظب این خطر باشید... طرح عناوینی مثل دانشجوی این وزارت و دانشجوی آن وزارت، دانشجوی این دانشگاه و دانشجوی آن دانشگاه، دانشجوی دانشگاه دولتی و دانشجوی دانشگاه غیر دولتی، انجمن اسلامی اینجا و انجمن اسلامی آنجا، خطرآفرین است.[1]

اگر از طرف بیگانگان و دشمنان خطری دانشگاه را تهدید کند، بمباران همین دو مرکز اساسی و مهم است؛ اعتماد به نفس را از دانشگاهی بگیرند، بخواهند فکرها و تئوری‌های ترجمه‌ای را وارد محیط دانشگاه کنند و به مغز دانشجو و استاد رسوخ دهند و آنها را از ایمان و دل‌بستگی‌های مردم جدا کنند. این، آن خطر اساسی است. علاج هم عبارت است از حفظ اتّصال فکری با توده‌های مردم و بشدّت چسبیدن و متمسّک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب. عزیزان من! ارتباط با

---

۱. برگرفته از بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان ۱۳۶۸/۳/۲۳

انقلاب را هر چه بیشتر باید مستحکم کرد. ما ملّت ایران، در محیط بین‌المللی، شأن و جایگاه و هویّت خودمان را گم کرده بودیم. انقلاب این هویّت و جایگاه و شأن را به ملّت ایران برگرداند.[1]

• دانشجو و دانشگاه، آماج تبلیغات خصمانه‌ی دشمن

ساده‌انگاری است اگر امید و طمع دشمن بر رجعت دانشگاه به آن گذشته‌ی آفت‌زا، نادیده گرفته شود. امروز آماج بسیاری از تبلیغات خصمانه‌ی دشمنان، در درجه‌ی اوّل، دانشجویان و دانشگاهیانند. امروز در حالی که نسل جوان روشنفکر در بسیاری از کشورهای اسلامی، مجذوب امام و انقلاب و اسلام ناب محمّدی(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) است، طرّاحان تبلیغاتی نظام سلطه‌ی جهانی، در صدد آنند که نسل جوان و نوخاسته‌ی کشور انقلاب را با آرمانهای انقلاب، بیگانه و از ریشه‌ی خود جدا کنند. دستهای طرّار و مغزهای مکّار و دلارهای بی‌شمار در تلاشی بیهوده، نسل جوان انقلاب را هدف گرفته‌اند. آنان از بیداری جوانان و قدرت تحلیلی که در پرتوی انقلاب به آنان داده شده، غافلند. با این حال جوانان دانشور، طلبه و دانشجو، و اساتید متعهّد، دانشگاهی و روحانی، باید مسئولیّت سنگین روشنگری و جهاد فکری و علمی را بیش از پیش بر دوش خود احساس کنند و در میدان علم و دین و آرمان‌گرایی به مسابقه‌ای الهی که پاداش آن بهشت دنیوی و اخروی است، بپردازند.[2]

• تلاش دشمن در انحراف دانشگاه از دین و روحیّه‌ی انقلابی

همه میتوانند ببینند که دشمن امروز هم در تلاش است که دانشگاه را

---

۱. در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

۲. پیام به گردهمایی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۸/۳/۱۲

از صراط مستقیم علم و دین و روحیّه‌ی انقلابی منصرف کند. بزرگ‌ترین مسئولیّت در مقابله با توطئه‌ی دشمنان، بر دوش خود دانشگاهیان عزیز، چه اساتید و چه دانشجویان است، و یقیناً مانند برخی مقاطع حسّاس گذشته به این مسئولیّت عمل خواهند کرد. انتظار اینجانب از فرزندان دانشجویم آن است که هوشیارانه حوادث سیاسی جهان و کشور را زیر نظر داشته باشند. دشمن را در هر جا و با هر چهره‌ای بشناسند و هدفها و روشهای خصمانه را با تیزبینی تشخیص دهند. در هیچ شرایطی اجازه‌ی اخلال در روند علم و دین را در دانشگاه به کسی ندهند و محیط مصفّا و پرنشاط دانشجویی را برای پیشرفت سریع علمی همراه با تعهّد و تدیّن و تلاش انقلابی حفظ کنند.[1]

امروز دانشجویید، امروز دانش‌آموزید و فردا گردانندگان چرخهای این کشورید. امروز خودتان را بسازید؛ دانشگاه‌ها را بسازید؛ محیط دانشگاه را محیط انقلابی و اسلامی کنید؛ محیط دبیرستانها را نیز همین‌طور. نمی‌بینید که دشمن، بیشترین توجّهش را به این محیط‌ها معطوف کرده است!؟ این، برای چیست؟ برای این است که از این محیط‌ها میترسد. در محیط دانشگاه، جوانان انقلابی و مسلمان باید مانند یک دست، مانند یک تن، با یک فکر ـ فکر اسلام و انقلاب ـ حرکت کنند. محیط را محیط انقلابی و اسلامی کنید. از هر چیزی که مُخلّ به این یگانگی در راه خدا و در راه انقلاب باشد پرهیز کنید، تا بتوانید دانشگاهی را بسازید که فردای ایران را تأمین کند؛ جمهوری اسلامی را در مقابل دشمنان و بدخواهان و ملّت ایران را در مقابل دوستان و امیدواران عالم روسفید کند؛ محیط دبیرستانها نیز همین‌طور.[2]

---

۱. پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها ۱۳۷۸/۷/۶

۲. در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلّمان و پرستاران به مناسبت روز سیزده آبان ۱۳۷۱/۸/۱۳

• تلاش دشمن؛ ناامنی در دانشگاه‌ها

در دانشگاه‌ها ناامنی ایجاد میکنند. این کار را در یکی دو مورد تجربه کردند، امّا خود دانشجویان توی دهن دشمن زدند و نگذاشتند؛ البتّه در جاهایی هم ممکن است دشمن توفیقاتی به دست آورده باشد. سعیشان این است که در محیط دانشجویی و در دانشگاه‌ها، با ایجاد تشنّج، با ایجاد ناامنی، به اسم شعار، به اسم تظاهرات، به اسم فلان، کلاسها را از فعّالیّت و نشاط و تلاش بیندازند و استاد و دانشجو را بیکار کنند. همه می‌بینند که امروز دانشجویان ما استعدادهای درخشانی را نشان میدهند. ما در جاهایی در میان کارهای دانشجویی، چیزهایی را مشاهده میکنیم که حقیقتاً امیدبخش است و نشان‌دهنده‌ی آینده‌ی خوب و روشن است. یکی از کارهای دشمن، ایجاد ناامنی در محیط دانشگاه‌ها است؛ یعنی کاری کنند که درس خواندن، کلاس رفتن، درس گفتن و آزمایشگاه، یک امر ناممکن و دشوار شود. یا ناامنی‌های شهری به وجود آورند؛ مثل همان وضعیّتی که در ۲۱ و ۲۲ تیرماه سال ۷۸ در تهران پیش آوردند؛ جان انسانها، جان جوانان و کودکان، جان زنان، جان رهگذران، جان آن کسی که پشت پنجره‌ی اتاقش نشسته، در معرض تهدید قرار گیرد؛ چرا؟ چون عدّه‌ای با یک حرکت خشن و عنید، ترجیح دادند به خیابان بیایند و ایجاد اغتشاش کنند؛ ماشین آتش بزنند، یا شیشه بشکنند؛ بهانه‌ای هم بالاخره برایش جور میکنند! کدام بهانه مجوّز این است که مجموعه‌ای در یک کشور، در خانه‌ی خودش ـ اینجا خانه‌ی بیگانه که نیست ـ ناامنی و اغتشاش ایجاد کند؟ بدیهی است وقتی چنین حادثه‌ای اتّفاق می‌افتد، نیروهای امنیّتی، نیروهای نظامی و نیروهای بسیج، بیکار که نمیمانند و ساکت نمی‌نشینند. کسی که باید در مقابل این گونه ناامنی‌ها هوشیار باشد، کیست؟ آن، خود مردمند؛ خود جوانانند؛ خود کارگرانند؛ خود دانشجویانند؛ خود آن محیط‌هایی هستند که آماج چنین توطئه و سوء نیّتی قرار میگیرند. باید توجّه کنند،

اگر دیدند یک نفر در تحریک، بسیار پیش میرود، مچش را بگیرند؛ بدانند که زبان دشمن است که دارد حرف میزند، صدای دشمن است که از حنجره‌ی این فرد دارد بیرون می‌آید؛ کمااینکه هر جا هم کاوش کردند، در هر موردی، همین‌طور چیزهایی را هم پیدا کردند. مسئولیّت ایجاد امنیّت، پس از هوشیاری آحاد مردم، دستگاه‌های ذی‌ربطند؛ وزارت اطّلاعات، وزارت کشور، نیروی انتظامی، دستگاه قضائی و... مهم‌ترین مطالبه‌ی مردم از دستگاه حکومت این است و این مهم‌ترین مطالبه‌ی بنده از دستگاه‌های ذی‌ربط است. همه باید توجّه کنند و مراقب باشند. همه باید با قضایا هوشیارانه برخورد کنند. ما که نباید اجازه دهیم دشمن هر کاری که میخواهد، انجام دهد.[1]

• علم؛ رکن مهمّ ایستادگی

اگر ما برای ساختن یک سد، برای ساختن یک نیروگاه، برای ساختن یک بزرگراه، برای ساختن یک تونل، برای ساختن سیلوهای گندم، دستمان به سمت صنعتگران و دانشمندان شرق و غرب دنیا دراز بود، ملّت ما احساس عزّت نمیکرد؛ مسئولین کشور هم آبروی اظهار وجود در قبال استکبار جهانی را نداشتند؛ نه چنین اعتماد به نفسی وجود داشت، نه چنین قوّت اراده‌ای وجود داشت، نه چنین عزمی وجود داشت. کی برای ما جادّه ساخت و تونل ساخت و نیروگاه ساخت و سد و پل و بزرگراه و سلّولهای بنیادی و انرژی هسته‌ای را درست کرد؟ دانشگاه. این دانشگاه بود که به ملّت ایران کمک کرد تا بتواند عزّت نفس خودش را حفظ کند، آبروی خودش را حفظ کند و در مقابل زیاده‌خواهی دشمنان سینه سپر کند. مسئولین کشور هم از این جهت مدیون دانشگاهند... دشمن ما از این مرکز قدرت‌افزایی غافل نیست و غافل نخواهد بود؛

---

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) در مشهد مقدّس ۱۳۷۹/۱/۶

این را همه بدانیم. هر چیزی که مایه‌ی عزّت کشور و عزّت ملّت و ایستادگی ملّت و استقامت ملّت است، بدون شک آماجی از آماجهای دشمن است. احساس دینی، احساس انقلابی، استقلال‌طلبی و هر چه که در این زمینه هست... در دانشگاه چه کار میخواهند بکنند؟ دشمن علی‌القاعده دو تا کار را برای دانشگاه ما برنامه‌ریزی میکند: یکی علم‌زدایی، یکی دین‌زدایی... علم‌زدایی از دانشگاه چگونه است؟ یکی از کارهای کوچکش همین ترور دانشمندان است... برنامه، وسیع‌تر از اینها است؛ این یکی از آسان‌ترین‌هایش است. پیچیده‌تر از این، این است که دانشگاه ما را، استاد ما را و دانشجوی ما را به کار غیر علمی سرگرم کنند؛ نگذارند این شکوفایی علمی که آرزوی ما است، تحقّق پیدا کند.[1]

• نقش دانشجو در محاسبات دشمن

هر چه میتوانید، در موضع یک انسان آگاه و هوشیار عمل کنید. مملکت متعلّق به شما است. ما که رفتنی هستیم؛ نسل شما است که این مملکت را میگیرد. پدران و نسل قبل از شما توانستند این کشور را از چنگ غارتگران خارجی ـو عمدتاً آمریکاییـ خارج کنند. آنها هنوز هم دست و پا میزنند، پنجه میکشند و تلاش میکنند! این شما هستید که باید خودتان را مجهّز کنید و کشورتان را نگه دارید. نگذارید این کشور، این منابع، این‌قدرت عظیم و این منطقه‌ی حسّاس به دست دشمن بیفتد. خودتان را آماده کنید.[2]

در یک چنین موقعیّت و فصل حسّاسی مثل این فصل سال ـفصل امتحانات دانشجوییـ، فصل کنکور؛ که همه‌ی خانواده‌هایی که جوانی

---

۱. در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۰/۶/۲

۲. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۵/۸

دارند، این فصل که میشود، همه‌ی همّت خودشان را میگذارند که جوانشان حواسش جمع باشد و بتواند در امتحان یا در کنکور موفّق شود ـ آن کدام دستی است، آن کدام دشمن آینده‌ی این مملکت و دانشگاه این مملکت است که این‌طور جوانان را به یک سمت انحرافی میکشاند، سرگرمی درست میکند و تشویق مینماید به اینکه سراغ درس و سراغ امتحان نروید؛ اجتماع کنید؟! اوّل کسی که اینجا باید هوشیارانه چشم خود را باز کند و تصمیم بگیرد، خود دانشجو است.[1]

• مقابله با ابزار تبلیغی و فرهنگی دشمن

در صحنه‌ای که دشمن با ابزار فرهنگی و تکیه بر سلاح تبلیغ، مزوّرانه به میدان می‌آید، چه کسی شایسته‌تر از دانشجو و طلبه است که در صفوف مقدّم این دفاع مقدّس قرار بگیرد و با تکیه بر ایمان صادقانه و منطق قوی و عمل صالح خود، دشمن را مغلوب و رسوا کند. آری، بسیج مدرسه‌ی عشق است، و در همه‌ی میدانهای دشوار، فقط حضور عاشقانه و مخلصانه است که میتواند پرچم حق و عدل و راستی و ایمان را به اهتزاز درآورد و جنود شیطان را منهزم سازد... دانشجوی بسیجی کسی است که دشمن کمین‌گرفته را از یاد نمیبرد و غافلانه، خود و دانشگاه و کشورش را به دست تطاول دشمن نمی‌سپرد. دانشجوی بسیجی، جوانی خود را مغتنم میشمرد و از لحظه‌های گران‌بهای آن برای خودسازی علمی و فکری و روحی بهره میگیرد. دانشجوی بسیجی، پیکار فرهنگی و فکری و عقلانی را نیز مانند حضور در میدانهای جنگ، با تکیه بر هوشمندی و تلاش و توکّل به پیش میبرد و خود را در همه حال، سرباز اسلام و انقلاب و فرزند خمینی کبیر میشمرد. بسیج دانشجویی در عین آنکه یک تشکّل نظم‌یافته و برخوردار از سازمان‌دهی

---

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱

است، نه در جناحهای سیاسی، هضم و حل میشود و نه خود را رقیب سازمانهای دانشجویی متعارف میشمرد. هر دانشجویی با هر سلیقه‌ی سیاسی، اگر پایبند به ارزشهای انقلاب و آماده‌ی حضور در عرصه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی و سیاسی با استکبار و ایادی آشکار و نقاب‌دار آن است، میتواند در خیل بسیجیان دانشگاه و عضوی از بسیج دانشجویی باشد.[1]

• اخلال دشمن در میدان تعلیم و تربیت

صدای فرو ریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیرزیرکی دشمن ـ اگر شما ملّت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید ـ خدای‌نخواسته، آن وقتی درمی‌آید که دیگر قابل علاج نیست! جوان جبهه‌رفته‌ی ما را اگر محاصره کردند، اگر اوّل، یک ویدئو در اختیارش گذاشتند و بعد او را به تماشای فیلمهای جنسی وقیح وادار کردند، شهوت او را تحریک کردند و بعد او را به چند مجلس کشاندند، چه خواهد شد؟ وقتی تشکیلاتی وجود داشته باشد، جوان را در اوج نیروی جوانی فاسد میکنند و حالا دشمن این کار را میکند. من از شهرستانها خبر دارم. از شهرهای مختلف کشور خبر دارم. خبرهای آن‌چنانی را به ما میدهند. روز و شبی نیست که ما، از این گونه خبرها نشنویم. این کارها را چه کسی میکند؟ دشمن! جوان، دچار شهوت‌رانی میشود و ایمان خودش را از دست میدهد. در اوایل کار، حتّی همان جوان گریه میکند؛ امّا بتدریج او را همین‌طور میبرند. بچّه‌مدرسه‌ای‌های ما را، دبیرستانی‌های ما را، حتّی بچّه‌های مدارس راهنمایی ما را، همین‌طور فاسد میکنند. افرادی را پیدا میکنند که موادّ مخدّر و عکسهای ناجور به مدرسه میبرند. من میخواهم از شما سؤال کنم: اگر مدیر مدرسه‌ای، نسبت به فاسد شدن

---

۱. پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی ۱۳۷۷/۷/۱۴

پانصد یا ششصد یا هزار نوجوانی که به دست او سپرده‌اند، حسّاس بود و گوش کسی را که وسیله‌ی دشمن قرار گرفته و داخل آن مدرسه هروئین آورده، پیچانـد، مـا باید به این مدیر مدرسـه چـه بگوییم؟ بگوییـم: «آقا، شما بر خلاف آزادی عمل کردی؟ این چه روشی است؟ شما ضدّ آزادی هستی؟!» این حرف درسـت اسـت؟ این درست اسـت که به مدیر یک مدرسـه که میگوید «هزار تا جوان را دست من سـپرده‌اند؛ من نمیخواهم فـردا اینهـا را هروئینی تحویـل مادران و پدرشـان بدهم.» بگوینـد: «نخیر! شـما بایـد اجـازه بـدهی خودشـان انتخـاب کننـد! هـر کس نخواسـت، خودش نکشد! تو برو در مضرّات هروئین حرف بزن!» این، یک بخشی از تهاجم فرهنگی است. نظام اسلامی را متّهم میکنند که «این مرام، نظامی است و آزادی نمیدهد.» چطور ما آزادی نمیدهیم؟![1]

• نقش مهمّ معلّمان در تحقّق تمدّن نوین اسلامی

خب ما مکرّراً صحبت «تمدّن نوین اسلامی» را کرده‌ایم، یا این‌جوری تعبیر کنیـم «تمـدّن شـکوفایی اسلامـی»؛ تمـدّن اسلامـی‌ای که اسـتعدادهایش متناسب با زمان، شکوفا بشود و خودش را نشان بدهد؛ مکرّر این را گفته‌ایم. زیرسـاخت اصلی هر تمدّنی، منابع انسانی اسـت... چه کسی میتواند در آینده یک چنین کار بزرگی را انجام بدهد؟ یک نسـلی که با یک امتیازاتی همراه باشد؛ این نسل را شما میخواهید امروز بسازید. نسلی که خودساخته است، دارای هویّت اسـت؛ هویّت ایرانی ـ اسلامی محکم و عمیقی دارد، دلباختـه و فریفته‌ی ایـن و آن و بازمانده‌های تمدّن منسوخ‌شـده‌ی شـرق و غرب نیسـت؛ نسلی اسـت دانا، دانشـمند، کارآمد، ماهر، آشنا با سبک زندگی اسلامی و سـنّتهای ایرانی؛ یک چنین نسلی لازم است تا بتواند آن تمدّن را بسـازد. مـا از اوّل انقلاب در صدد بودیم این نسـل به وجود بیاید؛

---

۱. در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱

البتّه نمیشود گفت بکلّی ناموفّق هم بودیم؛ نه، الحمدلله موفّقیّتهایی هم داشته‌ایم؛ در عرصه‌های مختلف، عناصر تربیت‌شده‌ی این‌جوری به برکت همین معلّمین تحقّق پیدا کردند، بُروز پیدا کردند، خودشان را نشان دادند... امّا این کافی نیست. اگر بخواهیم آن تمدّن با آن فراگیری به وجود بیاید، ما بایستی این نسل را توسعه بدهیم، این تربیت گسترش پیدا بکند، فراگیر بشود. پس بنابراین اگر بخواهیم این کار را بکنیم، برای جمهوری اسلامی هیچ فرصتی بالاتر و بهتر از این دوازده سال نیست.[1]

• تلاش دشمن در تخریب خوش‌نامی معلّمان

جامعه‌ی معلّمان، امروز یک جامعه‌ی خوش‌نام در کشور ما است؛ امّا بعضی تصمیم گرفته‌اند اینها را در چشم مردم از این خوش‌نامی خارج کنند؛ این را ما در بعضی از تلاشها می‌بینیم. بعضی دانسته به دشمن خدمت میکنند، بعضی هم ندانسته خدمت میکنند؛ نمیفهمند چه میکنند. امروز که کشور احتیاج دارد به اینکه در میدان تعلیم، تربیت، تحقیق و ساختن انسانهای والا، سرعت مضاعف داشته باشد تا عقب‌ماندگی‌های دورانهای قبل را جبران کند ـو به فضل الهی بسیار هم پیش رفته‌ایمـ یکی از کارها این است که بر این حرکت سکته‌ای وارد کنند؛ هم به دانشگاه میپردازند ـتا شاید بتوانند دانشگاه‌ها را دچار اختلال کنندـ و هم به مدارس میپردازند.[2]

جوانان

• سرمایه‌گذاری دشمن روی جوانان

من به عنوان فردی که جریانها را می‌شناسد و از جریانهای جهانی و پشت

---

۱. در دیدار معلّمان ۱۴۰۱/۲/۲۱

۲. در دیدار معلّمان و کارگران ۱۳۸۳/۲/۱۲

پرده و توطئه‌های دشمن آگاه است و از اوّل انقلاب با آنها سروکار داشته است، میگویم که جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذاری‌های زیادی میکند؛ حواستان جمع باشد. عدّه‌ای را به بی‌تفاوتی میکشاند و عدّه‌ای را دلسرد و مأیوس میکند. یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است. جوانها بدانند که متأسّفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا میکند؛ همچنان که امید این گونه است. در مقابل یأسی که دشمن میخواهد به جوانها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیّت بدهید.[1]

امروز باندها و دستهایی را می‌شناسیم که به شکل یک گروهک، میخواهند جوانان را فاسد کنند. البتّه ما با چنان باندها و دستهایی برخورد میکنیم و با آنها که نسل جوان را تهدید میکنند، شدیداً مبارزه خواهیم کرد.[2]

• جدا شدن نسل سوّم از ایده‌های انقلاب؛ محور جنگهای روانی دشمن

میگویند نسل سوّم انقلاب از ایده‌های انقلاب جدا شده است! بعد به دنبالش یک فلسفه هم میگذارند ـ مثل همه‌ی فلسفه‌های قلّابی و دروغین و جعلی که فقط برای توجیه یک حرف دروغ و غلط درست میکنند ـ تا کسی جرئت نکند بگوید این حرف غلط است... آن فلسفه این است که همواره در همه‌ی انقلابها، نسل سوّم از آن انقلاب رو برگردانده‌اند! حرف دروغ، حرف غلط، حرف چرند! کدام انقلابها را میگویید؟ در سال ۱۷۸۹ در فرانسه انقلاب شده؛ امّا نه نسل سوّم، نه نسل دوّم، بلکه همان نسل اوّل از انقلاب برگشتند! بعد از چهار پنج سال، یک حرکت علیه انقلابیّونِ اوّل به وجود آوردند و سه چهار سال قدرت را

---

۱. برگرفته از بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سیزدهم آبان‌ماه (روز ملّی مبارزه با استکبار)۱۳۶۸/۸/۱۰

۲. در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

قبضه کردند؛ باز بعد از چهار پنج سال علیه آنها فعّالیّت شد. به سال ۱۸۰۲ که رسید، چنان ماهیّت این انقلاب دگرگون شده بود که کسی مثل ناپلئون توانست بیاید و تاج پادشاهی را روی سرش بگذارد! یعنی کشوری که علیه سلطنت مبارزه کرده بود و لویی شانزدهم را زیر گیوتین گذاشته بود، بعد از ده دوازده سال وضعش به گونه‌ای شد که ناپلئون بناپارت آمد و تاج شاهی را بر سرش گذاشت و خودش را امپراتور نامید و سالها هم در آن کشور حکومت کرد؛ بعد هم تا نزدیک به هشتاد نود سال رژیمهای سلطنتی ـ البتّه سلطنتهای گوناگون و سلسله‌های مختلف ـ در فرانسه پابرجا بود، که دائماً در حال جنگ و ابتذال و فساد بودند! آن انقلاب به نسل سوّم که هیچ، به نسل دوّم هم نرسید؛ چون پایه‌های انقلاب، پایه‌های سستی بود. امروز بعد از گذشت دو قرن، بعضی کسان در جمهوری اسلامی خجالت نمیکشند؛ می‌آیند ایده‌هایی که در زمان خودش یک انقلاب را نتوانسته بود به سامان برساند، با تیتر درشت به انقلابیّون ایران تقدیم میکنند؛ انقلابیّونی که توانسته‌اند عظیم‌ترین انقلاب را با پایه‌های مستحکم به وجود آورند و سالهای متمادی آن را در مقابل طوفانها حفظ کنند.

انقلاب اکتبر شوروی هم به نسل سوّم نرسید. هنوز شش هفت سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که استالینیسم بر سرِ کار آمد. استالینی بر سرِ کار آمد که امروز در دنیا هر کس را بخواهند به گردن‌کلفتی و زورگویی و ظلم و بی‌ملاحظگی و دوری از انسانیّت متّهم کنند، به استالین تشبیه میکنند! درست هم هست؛ استالین واقعاً مظهر این صفات بد بود. حکومت به اصطلاح کارگری، که برای طبقات ضعیف تشکیل شده بود، به حکومت استبدادِ مطلق فردی تبدیل شد! استالین حتّی به حزب کمونیست هم که در نظام شوروی همه‌کاره بود، اجازه نمیداد که در زمینه‌هایی تصمیم‌گیری کند. با آن وضعیّت خشن و عظیم، استالین یک حکومت مطلقه‌ی سی‌وچندساله را ادامه داد؛ هیچ

کس هم جرئت نداشت اعتراض کند... این کدام فلسفه است، با کدام انقلاب تطبیق شده و در کجا تجربه شده که نسلهای سوّم انقلاب، از انقلاب برمیگردند؟ نخیر، این بسته به این است که ایده‌ی آن انقلاب چه باشد. اگر ایده‌های یک انقلاب بتواند نسل دوّم و سوّم و دهم را به خاطر اصالت و صحّت خود قانع کند، آن انقلاب عمر ابدی خواهد داشت. ایده‌های انقلاب اسلامی، ایده‌هایی هستند که عمر ابد دارند.[1]

• برنامه‌های همه‌جانبه‌ی دشمن در ضایع کردن نسل جوان

در کشورهای اسلامی، برای ضایع کردن نسل جوان، برنامه‌ی همه‌جانبه‌ای شروع شد. میدانید که دوران استعمار ـ یعنی دست‌اندازی کشورهای غربی به کشورهای آسیایی و آفریقایی ـ نزدیک به دویست سال قبل شروع شد. آنها میدانستند که این وضع ادامه پیدا نمیکند، و اگر جوانان رشد کنند، بافرهنگ بشوند، بااراده باشند، نمیگذارند آب خوش از گلوی بیگانگان و چپاولگران پایین برود؛ لذا برای فاسد کردن نسل جوان برنامه‌ریزی کردند... هر حرکتی که منجر به این بشود که نسل جوان احساس کند باید از صحنه‌ی مقاومت کناره بگیرد، این حرکت، با واسطه یا بی‌واسطه، مربوط به آمریکا و نظام استکباری است؛ این یک معیار کلّی است. هر کاری که در کشورهای دیگر کردند، اینجا هم میخواهند بکنند: سرگرم کردن جوانان به مسائل جنسی، سرگرم کردن جوانان به مسائل شخصی، آلوده کردن جوانان به موادّ مخدّر و مسکر، منحرف کردن ذهن جوانان از آرمانهای انقلابی و اهداف اصلی، متوجّه کردن آنها به اهداف کوچک و جزئی و صنفی و امثال اینها، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اسلام، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اصول انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و حتّی به امام، و نیز هر چیزی که در راه این مبارزه‌ی عظیم به

---

۱. در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

کار گرفته میشود و وجودش لازم است، آن را در چشم نسل جوان، بی‌رنگ و بی‌اثر و بی‌فایده و مهمل جلوه دادن... امروز در بعضی از کشورهای به اصطلاح اسلامی، چند میلیون جوان دستشان را در جیبشان میکنند و سوت میزنند و بی‌اعتنا به حوادث عظیم عالم، در خیابان راه میروند و قدم میزنند! امروز چند میلیون جوان، سرگرم مسائل حقیر در زندگی شخصی‌اند و نمیدانند که دشمن انسانیّت و دشمن آنها و دشمن شرف ملّتها، با ملّتها چه میکند... چرا کسانی از گفتن ابا میکنند؟ یک عدّه بر اثر ضعف نفس از گفتن ابا میکنند، یک عدّه هم خیال میکنند که گفتن فایده‌ای ندارد؛ باید با دست جلو بروند! نه، زبان از دست خیلی مهم‌تر است. امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنید؛ نگذارید در جوامع جوان ــ چه در مدرسه‌ها، و چه در دانشگاه‌هاــ کار به فساد بکشد. این مراکز برای دشمن هدف است. بدانید که نسل جوان این جامعه و این ایران اسلامی زنده است؛ دشمن هم این را بداند. با بودن شما جوانان مؤمن، حجّت بر ما تمام است.[1]

• نفوذ دشمن در سنگرهای جوانان

ما به دولت، به پدران و مادران، به وزارت ارشاد، به صداوسیما و به دستگاه‌های مختلف هم سفارش میکنیم؛ امّا، سفارش اصلی من به خود شما جوانان، این است که مراقب باشید؛ مواظب باشید و خاک‌ریزهایتان را محکم کنید تا دشمن نتواند در سنگرهای شما نفوذ کند. با این روحیّه‌ی ایمانی و استوار است که میتوانید شاخ استعمار را بشکنید و اسلحه را از دستش بگیرید تا ملّتتان بتواند نفسی بکشد؛ تا بتوانید کشور را بسازید؛ تا بتوانید سطح زندگی را بالا ببرید؛ تا بتوانید

---

۱. در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان‌ماه (روز ملّی مبارزه با استکبار) ۱۳۷۰/۸/۱۵

مشکلات و گره‌هایی را که میراث سالها دوران استعمار و سلطه‌ی اجانب است، از بین ببرید. این، موانع درونی است. زن و مرد و دختر و پسر فرق نمیکنند؛ همه باید موانع درونی را از سر راه بردارند. ما نیز همین‌طور. ای مسنها و پیرها؛ کار ما سخت‌تر از کار جوانان است.[1]

• تأثیرات تبلیغات و عدم دفاع صحیح از حقایق روی جوان

نسل جوان در حال تباه شدن تدریجی به وسیله‌ی دشمن است؛ ما باید نگذاریم. ما باید نسل جوانی را حفظ کنیم که اگر جنگ بود، دفاع کند؛ اگر حادثه‌ای در داخل بود، حضور پیدا کند؛ آنجا که نوبت علم و تربیت علمی و تحقیقی است، درس بخواند و خودسازی کند؛ آنجایی که صحبت آینده است، خود را آماده کند... بیشترین چیزی که روی ذهن جوان اثر میکند، دو عامل است: یکی تبلیغات گوناگون دشمن است؛ تبلیغاتی که جوان را نسبت به حقایق مقدّس اسلامی و حقایقی که در انقلاب به عنوان مسلّمات و پایه‌ها و ستونهای اصلی اعتقاد شناخته شده، سست و بی‌تفاوت کند. و عامل دوّم، عدم تبیین و دفاع صحیح از این حقایق و اصول است. من گمان میکنم که تأثیر عامل دوّم، کمتر از عامل اوّل نباشد؛ چون در نظام جمهوری اسلامی، به طور صریح و علنی، علیه اسلام و اصول اسلامی و مبانی اسلامی و معارف اسلامی، کمتر تبلیغ میشود و میدان برای تبلیغ وسیع باز نیست؛ بنابراین تبلیغ دشمن فقط سطح معیّنی را میپوشاند؛ در حالی که عامل دوّم، دیگر حد و اندازه‌ای ندارد.[2]

• مهم‌ترین برنامه‌ی دشمن؛ از بین بردن هویّت جوانان

دشمن میخواهد هویّت جوان ایرانی را از او بگیرد؛ اهداف را از بین ببرد؛

---

۱. در اجتماع زائران حضرت علیّ‌بن‌موسی‌الرّضا(ع) در روز عید سعید فطر ۱۳۷۱/۱/۱۵

۲. در آغاز هفتمین گردهمایی ائمّه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵

افقها را تیره کند؛ به او بگوید تو یک موجود حقیر و محدود هستی؛ پیش من بیا تا تو را زیر بال بگیرم. معلوم است؛ کشور ثروتمند ایران و منطقه‌ی بسیار مهم و راهبردی ما و تأثیرات فراوانی که این ملّت از همه سو میتواند بگذارد، همه از طریق تحقیر شخصیّت جوانها، در مشت دشمن می‌آید. امروز برنامه‌ی دشمن نسبت به شما جوانها این است؛ خیلی باید بیدار باشید. این حرفها را به شما نمیزنم تا معنایش این باشد که مسئولان کشور در قبال نسل جوان مسئولیّتی ندارند؛ چرا، آن را قبلاً گفتم؛ آنها هم مسئولند؛ مسئولیّتهای آنها به جای خود؛ امّا شما هم مسئولید.[1]

• تهی کردن جوانان از امید، توان و تلاش

دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط ـ فرهنگ فساد و فحشا ـ سعی میکند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی میکند، یک «تهاجم فرهنگی»، بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی»، یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل‌عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما میکند. چه کسی میتواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و میتواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمیتواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان بااخلاص میتواند دفاع کند... لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الان هم عرض میکنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیّت شرعی شما است. امروز مسئولیّت انقلابی و سیاسی شما هم هست.[2]

---

۱. در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلّای رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲

۲. در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجّاد(ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲

• دشمن و تزریق ناامیدی در جوانان

باید مبارزه‌ی با طاغوت را، مبارزه‌ی با ظالم را، مبارزه‌ی با استکبار را، مبارزه‌ی با فساد را در فضای کشور منتشر کنید. اشکال کار ما در بسیاری از جاها این است که دستور میدهیم، نصیحت میکنیم، استدلال میکنیم، منطق می‌آوریم، اثر نمیکند؛ چرا؟ برای اینکه فضای عمومی، فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. من بارها تکرار کرده‌ام «فرهنگ‌سازی»؛ فرهنگ‌سازی یعنی همین کاری که شما میتوانید بکنید. یک جا لازم است فضای کشور فضای استقامت در مقابل دشمن باشد، یک جا لازم است فضای هجوم به دشمن باشد، یک جا لازم است فضای پیروی از دانش و علم باشد، یک روز لازم است فضای تعقّل و تدبّر باشد؛ فضاسازی باید بشود. من راجع به «خانواده» به شما گفتم، راجع به «فرزندآوری» به شما گفتم؛ نقشی که شما در این زمینه میتوانید ایفا کنید از نقش وزارت بهداشت و سازمان بهداشت و مانند اینها خیلی بیشتر است. میتوانید فضا به وجود بیاورید، میتوانید بصیرت‌دهی کنید، میتوانید امیددهی کنید. امروز می‌بینید که یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن تزریق ناامیدی است؛ کجا؟ در مهم‌ترین نقطه‌ی وجودی کشور، یعنی جوانان که آنها را با انواع شیوه‌ها و طرق و شگردها مأیوس کنند. شما میتوانید درست ضدّش عمل کنید، امیددهی کنید؛ شما میتوانید در فکر و عمل هدایت کنید، منتها خب شرط دارد.[1]

• گرفتن احساس مسئولیّت از جوانان

اگر جوانان یک ملّت، سالم و مؤمن باشند، همان اتّفاق می‌افتد که شما در جبهه‌های نبرد هشت‌ساله دیدید. جوانان مؤمن، جوانان پرحماسه

---

۱. در دیدار مدّاحان اهل‌بیت(ع) ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

و جوانان پرشور ما، چنان ایمان و صفایی از خود نشان دادند که در عرفای کهن‌سال، نظیر آن را کمتر میتوان پیدا کرد. این جوانان در میدان جنگ، به پشتوانه‌ی همان ایمان، توانستند سدهای مستحکم را بشکنند، پای دشمن را قطع نمایند و از تجاوز جلوگیری کنند. اگر این جوانان نبودند، اگر این ایمان نبود، اگر این شور و شوق نبود، میدانید بر سر این ملّت و بر سر این کشور چه می‌آمد!؟[1]

• **مقابله‌ی جوانان با تئوری‌های وارداتی غربی**

من میخواهم محیط دانشگاه و جوان دانشجوی خودمان را توجّه بدهم که مواظب تئوری‌های وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکّم‌آمیز غرب با کشورهایی از قبیل کشور ما را ندارد، باشند. البتّه تحت نامهای مختلف، بسیار حرفها زده میشود؛ امّا هدف یک چیز بیشتر نیست. این انقلاب و این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریته‌ی تحکّم‌آمیز غربی را در این کشور شکسته است. امروز در کشور ما ارزشهای غربی به صورت قانونی و رایج وجود ندارد. امروز دادن منافع کشور به بیگانگان، در کشور ما یک امر مذموم محسوب میشود. امروز سفره‌ای را که با هزاران طمع در این کشور پهن کرده بودند ـ بخصوص آمریکایی‌ها ـ جمع‌شده می‌بینند. این برای مراکز قدرت و تسلّط جهانی، خسارت کمی نیست. برای برگرداندن اوضاع به صورت قبلی چه کار کنند؟ اوایل انقلاب ناشیانه آمدند و جنگ روبه‌رو راه انداختند؛ ولی وقتی بینی‌شان به خاک مالیده شد، فهمیدند راهش این نیست. لذا به جنگ فرهنگی متوسّل شدند. جنگ فرهنگی کار آسانی نیست؛ کار زبدگان است. لذا زبدگان می‌نشینند فکر میکنند و نسخه مینویسند و متأسّفانه عدّه‌ای هم در داخل همانها را رله میکنند!

---

۱. در اجتماع زائران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرّضا(ع) در روز عید سعید فطر ۱۳۷۱/۱/۱۵

آنها حرفهایی را میزنند، عدّه‌ای هم فارسیِ آن را میگویند و شکل بومی به آن حرفها میدهند! باید مراقب اینها بود.[1]

• دامهای دشمنان برای جوانان ما

بدانید امروز یکی از سلاحهای دشمنانی که مرگ بر آنها میگویید، این است که در مقابل جوانان ما دانه بپاشند ـ دانه‌ی گناه، دانه‌ی جاذبه‌های گناه، جاذبه‌های فساد ـ تا بلکه بتوانند آنها را جذب کنند. نفْس قوی باید بایستد و تسلیم این جاذبه‌ها نشود. مراقب باشید! جوانان بسیجی ما مؤمنند، مطهّرند، پاکند؛ امّا ممکن است در میان آنها افرادی پیدا شوند که روح قوی نداشته باشند و تسلیم ترفند دشمن و شیطان گردند. اینجا، تقوا به درد میخورد. تقوا یعنی اینکه دائم مراقب خودمان باشیم و نگذاریم که اشتباه کنیم. یکی از سلاحهای ما، دعا است؛ «لا یَمْلِکُ الّا الدّعا»[2]؛ ما دعا را داریم؛ سلاح دعا را داریم؛ سلاح تضرّع را داریم و سلاح بکاء را داریم. ما از ترس، هیچ وقت گریه نمیکنیم. از هیچ کس و هیچ قدرتی در دنیا نمیترسیم. امّا بزرگ‌ترین افتخار برای یک انسان مؤمن این است که در مقابل عظمت خدای خود، اشک بریزد؛ به حال خود گریه کند؛ بر گناهان خود و بر عمری که در گناه گذشته است، تأسّف بخورد.[3]

• شناخت دوست از دشمن؛ وظیفه‌ی جوانان

شما جوانها تصوّر نکنید که راهی که پیش روی ما است، یک اتوبان آسفالته‌ی بی‌مانع است؛ نه. راه پیشرفت به روی ما باز است امّا راه پُرپیچ‌وخمی است، راه دارای فراز و نشیبی است، موانعی در این راه

---

۱. در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹
۲. مفاتیح‌الجنان، دعای کمیل
۳. در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷

وجود دارد، دشمن به طور کامل در مقابل ما فعّال است. ما باید در مقابله‌ی با موانع، این راه را طی کنیم؛ این [کار] شرایطی دارد. گام اوّل برای اینکه بتوانیم این راه را درست طی بکنیم، این است که وجود و حضور دشمن را حس کنیم. آن روشنفکرنمای راحت‌طلب و ریاکار و منافق که اساساً دشمنی آمریکا را انکار میکند و این دشمنی را نمیفهمد و نسخه‌ی تسلیم در مقابل آمریکا را برای ملّت و دولت مینویسد، مرد این میدان نیست؛ اگر عامل دشمن نباشد، حدّاقل مردِ میدانِ مهمّ پیشرفت کشور نیست. بنابراین گام اوّل، احساس حضور دشمن و وجود دشمن است. تا انسان نداند که دشمن در مقابل او است، برای خود حِرز و حفاظ و سنگر به وجود نمی‌آورد و سلاح لازم را در دست نمیگیرد.[1]

مطبوعات و فضای مجازی

• **دیکتاتوری رسانه‌ای غرب**

همینهایی که حالا به خیال خودشان، به ادّعای خودشان با دیکتاتوری‌های دنیا میخواهند مقابله کنند، خودشان دیکتاتورترین‌ها هستند؛ در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی اقتصادی، نسبت به همه‌ی دنیا دیکتاتوری به خرج میدهند. [امروز] یک قلم بر این دیکتاتوری‌ها افزوده‌اند و آن، دیکتاتوری رسانه‌ای است؛ دیکتاتوری رسانه‌ای. یعنی مثلاً فرض کنید که شما در مجموعه‌ی فضای مجازی اسم شهید سلیمانی را نمیتوانید بیاورید، حذف میکنند. در فضای مجازی که کلیدش دست آنها است و زیر کلید آنها است، تحمّل اسم شهید سلیمانی را ندارند، تحمّل عکس او را ندارند؛ امروز این‌جور است. البتّه قبلاً هم این دیکتاتوری‌ها بود. مرحوم حاج احمد آقا(رضوان‌الله‌علیه) برای ما نقل میکرد که امام یک پیام مفصّلی ـ به نظرم پیام حج بود ـ داده

---

۱. در همایش ده‌ها هزار نفری خدمت بسیجیان در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۷/۱۲

بودند؛ حاج احمد آقا گفت من به فکر افتادم در آمریکا که میگویند آزادی بیان هست، این پیام امام را در یکی از مطبوعات آنجا پخش کنیم. میگفت پیغام دادم به دوستانمان که آنجا بودند، گفتم هر چه پول لازم باشد من در مقابل این میدهم [تا چاپ شود] ـمثل اطّلاعیّه که پول میدهند پخش میکنند ـ گفت هیچ نشریّه‌ای حاضر نشد این را چاپ کند. [علی‌رغم ادّعای] آزادی بیان، بیان حقایق! حاضر نشدند اعلامیّه‌ی امام را چاپ کنند. نویسنده‌ی کتابی درباره‌ی لانه‌ی جاسوسی که تفصیلات لانه‌ی جاسوسی را نوشته و جزو خود عناصر آنجا بوده، گفت ما در آمریکا با هر ناشری تماس گرفتیم که این را چاپ کند قبول نکرد، هیچ ناشری قبول نکرد؛ تا بالاخره رفتیم کانادا آنجا یک ناشری را پیدا کردیم او قبول کرد، بعد داشتند پشیمانش میکردند؛ دائم تلفن، تهدید و مانند این چیزها... امروز هر چیزی و هر کلمه‌ای که در ارتباط با سیاستهای غرب، معارض آن باشد یا همراه آن نباشد، ممنوع‌التّصویر و ممنوع‌الانتشار است![1]

• سوءاستفاده‌ی دشمن از مطبوعات و فضای مجازی

کسی که قلم به دست میگیرد، باید تقوا، صداقت، عفاف و انصاف نسبت به دیگران جزو طبیعت ثانوی‌اش بشود. من در صحبتی که اوایل امسال کردم، گفتم که بعضی از روزنامه‌ها پایگاه دشمنند. بعضی افراد تعجّب کردند! من اخیراً شنیدم که اسناد سازمان سیا در خصوص نقش آن سازمان در مطبوعات قبل از ۲۸ مرداد منتشر شده است. البتّه من خودم آن را ندیدم؛ امّا آنچه که نقل کردند، بسیار جالب است. نشان میدهد که چه روزنامه‌هایی با پول و هدایت و تغذیه‌ی سازمان سیا برای زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد در همین تهران پخش میشد. البتّه

۱. در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

در جاهای دیگر هم نمونه‌هایش را دیده‌ایم: در شیلی دوران سالوادور آلنده، یکی از نقشهای مهم را روزنامه‌ها داشتند؛ برای اینکه حکومت دوساله‌ی آلنده را ناموفّق جلوه دهند و تمام افکار را علیه او بسیج کنند و بالاخره آن بلا را بر سرش بیاورند. البتّه آن روز کسی اعتراف نکرد؛ امّا بعد همه فهمیدند که چه کسانی بوده‌اند و آنهایی که بر سر کار آمدند، انگیزه‌هایشان چه بود و از کجا دستور گرفته بودند و آنهایی که زمینه‌سازی کردند، چه کسانی بودند. نمیشود صبر کرد تا فاجعه اتّفاق بیفتد، بعد آن را کشف بکنیم. امروز باید دید و با چشم باز حرکت کرد.[1]

• انتشار مطالب دروغ و فریب دشمن توسّط رسانه‌ها و فضای مجازی

دشمن میخواهد مطالب خود را در بین مردم به دروغ و فریب منتشر کند... امروز شگرد سلطه‌طلبی آمریکا و دستگاه‌های جهنّمی صهیونیستی در دنیا همین است. شما ببینید در فلسطین اشغالی بدترین جنایتها و هولناک‌ترین کشتارها را علیه مردم مظلوم و مغصوب فلسطین انجام میدهند؛ امّا در افکار عمومی، فلسطینی را ظالم، و مهاجم و جلّادِ فلسطینی را مظلوم جلوه میدهند! امروز این گونه از تبلیغات بهره میبرند. دشمنان علیه هر چیزی که با سلطه‌طلبی و منافع نامشروع آنها تقابل داشته باشد، تبلیغات میکنند. در داخل کشور ما هم همین‌طور است. راهی که اینها برای مقابله با این ملّت بزرگ و عظیم‌الشّأن و این نظام و کشور عزیز ما در پیش گرفته‌اند و تشخیص داده‌اند، همین تبلیغات است. اینها میدانند که اگر در این کشور مداخله‌ی نظامی کنند، این ملّت آن‌چنان توی دهنشان خواهد زد که پشیمان شوند. میدانند که محاصره‌ی اقتصادی و تلاشهای اقتصادی هم که تقریباً ۲۳ سال است علیه ما اعمال میکنند، اثر چندانی ندارد. محاصره‌ی اقتصادی موجب

---

۱. در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

میشود که نیروهای مؤمن و بااخلاص و پراستعداد داخل کشور، بیشتر به تحرّک وادار شوند و تلاش کنند؛ کمااینکه در دوران جنگ تحمیلی که ما را محاصره کردند و ملّت ما به ابزارهای جنگی احتیاج داشت، جوانان و مغزهای متفکّر ما دنبال ساخت ابزارهای جنگی رفتند و چیزی را که آن روز لازم داشتند، تولید کردند. در بخشهای گوناگون دیگر هم همین‌طور است. وقتی ملّتی را محاصره کنند، آن ملّت بیشتر به خود و درون خود متوجّه میشود و سعی میکند از استعداد درونی خود استفاده نماید. پس محاصره‌ی اقتصادی هم فایده‌ی آن‌چنانی ندارد. البتّه به ملّت لطمه میزنند؛ لیکن آن چیزی که آنها میخواهند، تأمین نمیشود.[1]

نظام اسلامی را متّهم میکنند که «این مرام، نظامی است و آزادی نمیدهد.» چطور ما آزادی نمیدهیم؟! شما در کدام کشور، این همه مجلّه و روزنامه و مطبوعات سراغ دارید؟ اینها همه‌اش مال دولت است؟ روزنامه‌های رسمی کشور، علناً و صریحاً، سیاستهای دولت را زیر سؤال میبرند و از آن انتقاد میکنند. دولت هم با کمال بزرگواری گوش میکند و جواب میدهد. اکنون در ایران مجلّاتی به چاپ میرسند که اگر کسی مختصر آشنایی‌ای با عناصر فرهنگی کشور از زمان گذشته داشته باشد و بداند هنرمندان شاهنشاهی چه کسانی هستند، قلم‌زنان شاهنشاهی چه کسانی هستند، مخلصین و چاکران دستگاه‌های شاهنشاهی چه کسانی هستند، مرعوبین دشمنان چه کسانی هستند، آمریکایی‌دوستان چه کسانی هستند، میداند که این مجلّات از کجاها پولش می‌آید! قابل حدس هست. ما هم بی‌خبر نیستیم. بنده هم بی‌خبر نیستم؛ دستگاه هم بی‌خبر نیست. اینها چاپ میشوند؛ کاری هم به کارشان نداریم. ما از اینکه مجلّه‌ای چهار کلمه حرف بنویسد، واهمه‌ای نداریم! ما هم مینویسیم.[2]

---

۱. در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۸۱/۵/۵

۲. در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱

• پیام دشمن با استفاده از مطبوعات و فضای مجازی

ای ملّت عزیز! آن عزّتی که دارید، ناشی از مواضع ایمانی و انقلابی شما است. عزیزان من! در داخل مرزهای ملّت ما کسانی هستند که متأسّفانه همان حرفی را میزنند که سازمان سیای آمریکا به وسیله‌ی قلم‌به‌مزدان خود در مجلّات و مطبوعات دنیا پخش میکند! یعنی میخواهند بگویند «ارتباط با آمریکا، کلید حل است؛ تا ارتباط با آمریکا پیدا نکنید، نمیشود هیچ کار کرد!» عدّه‌ای هم در داخل کشور، این پیام دشمن را در روزنامه‌های خود ما با استفاده از فضای آزادی که خوشبختانه نظام جمهوری اسلامی به وجود آورده است و همه میتوانند نظرات خودشان را بگویند، پخش میکنند![1]

این امکانات گسترده‌ای که دشمن به کار گرفته، این رسانه‌ها، این ماهواره‌ها، این فضای مجازیِ عجیب و غریب، این تلویزیونهای مزدورِ مأجور، همه‌ی اینها برای این است که این امید را در مردم بکُشند. خوشبختانه امید زنده است... امّا میخواهند نگذارند جوانهای ما امیدوار بمانند، نگذارند مسئولین ما امیدوار بمانند؛ اینها حتّی به مسئولین هم طمع دارند که امید را از آنها بگیرند. خب، حالا یک امتدادی هم متأسّفانه در داخل دارند؛ من ناچارم این را بگویم. آدم دلش نمیخواهد چنین واقعیّتی وجود داشته باشد، امّا هست؛ اینها در داخل امتداد دارند. امتداد آنها هم همین القای یأس، القای ناامیدی که «فایده‌ای ندارد»، «به جایی نمیرسیم»، «چه کار میخواهیم بکنیم» است؛ از این حرفها می‌شنوید.[2]

• اثر انگشت عبدالله‌بن‌ابیّ‌ها در لابه‌لای قلمها

من میدانم که در بسیاری از این مطبوعات، آدمهای خوب و مؤمنی

---

۱. در صحن مطهّر حضرت ثامن‌الحُجج، امام رضا(ع)، ۱۳۷۷/۱/۱

۲. در دیدار مردم اصفهان ۱۴۰۱/۸/۲۸

مشغول کارند ـ چه کسانی که قلم میزنند، چه کسانی که اداره میکنند ـ امّا در لابه‌لای همینها اثرِ انگشت «عبدالله‌بن‌ابیّ‌ها» را میبینم: تفرقه‌افکنی‌ها، اختلاف‌افکنی‌ها، تشنّج‌آفرینی‌ها، تشویش افکار عمومی، ناامید کردن‌ها، یأس‌پراکنی‌ها، چهره‌سازی عناصر وابسته و مرید دشمن، از نظر انداختن عناصر مفید و مؤمن و مخلص و دلسوز! البتّه این کارها به جایی هم نخواهد رسید؛ خدای متعال رسوا میکند. من البتّه مایل نبودم با این صراحت و تفصیل درباره‌ی بعضی از مطبوعات حرف بزنم. در واقع ناگزیر شدم.[1]

• انتقال سالم اطّلاعات؛ جلوگیری از نفوذ دشمن

من بارها به مسئولان دولتی تذکّر داده‌ام و به طور جدّی از آنها خواسته‌ام که جلوی این وضعیّت را بگیرند. این اسمش محدود کردن مطبوعات نیست. این اسمش جلوگیری از انتقال آزاد اطّلاعات نیست؛ انتقال سالم اطّلاعات مورد تأیید ما است. این معنایش جلوگیری از نفوذ دشمن است. جلوگیری از به ثمر رسیدن توطئه‌ی تبلیغاتی دشمن است. من وجود این جریان تبلیغاتی و مطبوعاتی را به حال کشور، به حال جوانان، به حال آینده، به حال انقلاب و به حال ایمان مردم مضر میدانم. این جریان، دائم در صدد قداست‌شکنی از مسائل اساسی اسلامی است. مباحث اسلامی را زیر سؤال میبرند؛ انقلاب را زیر سؤال میبرند؛ نه با بیان منطقی، با روشهای بسیار غلط که جز در مطبوعات ناسالم در دوره‌هایی که بوده، انسان نمیتواند نظیر و شبیه‌اش را پیدا کند! من به نظرم رسید بعد از آنکه با مسئولان در میان گذاشتم و به رئیس‌جمهور گفتم، این را به عنوان یک درددل و شِکوه ـ مثل پدری که با فرزندانش مطلبی را در میان میگذارد ـ با شما در میان بگذارم.[2]

---

۱. در دیدار با جوانان در مصلّای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

۲. همان

• رسانه، فضای مجازی و جهاد تبیین

در جنگهای سخت با سلاحهای قدیمی دیگر نمیشود جنگید. امروز با شمشیر و با نیزه و با این چیزها، نمیشود به جنگِ توپ و موشک و مانند اینها رفت. در جهاد تبیین هم همین‌جور است؛ با شیوه‌های قدیمی [نمیشود کار کرد]. البتّه بعضی از شیوه‌های قدیمی جایگزین ندارد، مثل منبر، مثل مدّاحی؛ اینها قدیمی است امّا اینها جایگزین ندارد؛ اینها همچنان اثرگذار است و هیچ چیز دیگری جای اینها را نمیگیرد؛ لکن از لحاظ ابزارهای گوناگون بایستی به‌روز حرکت کرد... متولّیان رسانه‌ها در درجه‌ی اوّل مسئولند؛ چه رسانه‌ی ملّی و چه سایر رسانه‌های گوناگون، چه فضای مجازی، چه مجموعه‌ی مطبوعات، همه موظّفند در این زمینه وارد این میدان بشوند و هر کسی که یک مرکزی و منبری برای حرف زدن با افکار عمومی جامعه دارد، در این زمینه موظّف است. در کشور هزاران حماسه به وجود می‌آید؛ در طول این سالها، در طول این چهار دهه در کشور چقدر کارهای بزرگ انجام گرفته، چقدر کارهای حماسه‌آمیز انجام گرفته! خب اینها بایستی بیان بشود؛ اینها را دشمن کتمان میکند، دشمن اجازه نمیدهد [پخش بشود]. در عرصه‌های اجتماعی، در عرصه‌های اقتصادی، در عرصه‌های عمرانی، در عرصه‌های آموزشی، در عرصه‌های بهداشت و درمان، در صنعت، در صنعت! آن روز یک جمعی از فعّالان صنعتی اینجا بودند، گزارش میدادند ـ تعداد معدودی از آنها گزارش دادند ـ همراه گزارش آنها تصویرِ این فعّالیّتها هم نشان داده میشد اینجا در این حسینیّه؛ حیرت‌آور بود؛ واقعاً حیرت‌آور است؛ هیچ خبری از اینها در مجموعه‌ی رسانه‌ای کشور نیست؛ این خیلی چیز عجیبی است.[1]

آن روز که این حرکت تاریخی نوزدهم بهمن در برابر امام انجام گرفت،

---

۱. در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

اگر آن عکسی که از این واقعه منتشر شد، منتشر نمیشد، یعنی این کار تبیینی اگر انجام نمیگرفت، این حادثه نه این‌جور ماندگار میشد، نه اثرگذار میشد؛ یک حادثه‌ای بود مثل حوادث فراوان دیگری که اتّفاق می‌افتد و فراموش میشود. عامل ماندگاری و اثرگذاری این حادثه عبارت بود از همان قاب تصویر هنرمندانه‌ای که از این منتشر شد؛ تبیین، این است؛ تبلیغ کردن و نشان دادن، این است. به برکت یک کار محدود و کوچک رسانه‌ای ـآن روز امکانات رسانه‌ای مثل امروز نبود، خیلی محدود بودـ یک حرکت مثل حرکت بیعت نیروی هوایی در روز نوزدهم بهمن میشود تاریخ‌ساز، میشود ماندگار، میشود اثرگذار، میشود تحوّل‌بخش؛ مسئله‌ی «روایت درست» این است؛ این مسئله‌ی «روایت درست حوادث» که بنده تأکید میکنم، این است که امروز با گسترش رسانه‌ها... اهمّیّت مسئله هم به همین اندازه زیاد شده... ساواکِ رژیمِ طاغوت محلّی بود که انواع و اقسام شکنجه‌های سازمانهای اطّلاعاتی اسرائیل و آمریکا را در آنجا اِعمال میکردند؛ بعضی‌ها را شاید آزمایش میکردند ـبه صورت آزمایشیـ و خیلی از آنها را اِعمال میکردند که عدّه‌ی بسیاری از آن کسانی که آن شکنجه‌ها را تحمّل کردند، الان زنده‌اند و آثار آن شکنجه‌ها هنوز در جسم آنها باقی است، و دارند رنج میبرند. این چهره‌ی خبیث و زشت و سر تا پا جنایتِ ساواک را هم حتّی میخواهند تزیین کنند و آرایش کنند و به شکل دیگری نشان بدهند! یعنی مأمورِ آن روز ساواک که شاید بدنام‌ترین چهره در کشور بود، خاطره‌نویسی میکند و جوری حرف میزند که کأنّه ساواک ـ[یعنی] مرکز شکنجه و مرکز ظلم و مانند اینهاـ یک چهره‌ی روشنِ منوّری دارد. متقابلاً در مورد انقلاب، هر چه میتوانند چهره‌ی انقلاب را، چهره‌ی امام را، فعّالیّتهای این چهل سال را مخدوش میکنند؛ تا آنجایی که از عهده‌شان برمی‌آید سعی میکنند این را مخدوش کنند. از پیشرفتها، از نقاط مثبت، نقاط قوّت، مطلقاً نشانه‌ای در این مجموعه‌ی امپراتوری رسانه‌ای غرب شما مشاهده

ATvie4Ai6/aUCjqwAd6ag==

نمیکنید؛ کتمان حقایق. متقابلاً اگر یک نقطه ضعفی وجود دارد ـ که البتّه وجود دارد؛ هیچ کشوری و هیچ نظامی بدون نقطه ضعف نیست ـ یک نقطه ضعف کوچک را صد برابر بزرگ میکنند و نشان میدهند؛ این یک کار عجیبی است که امروز انجام میگیرد. به همین جهت است که «جهاد تبیین» یک فریضه است. «جهاد تبیین» یک فریضه‌ی قطعی و یک فریضه‌ی فوری است و هر کسی که میتواند [باید اقدام کند]؛ و حالا عرض خواهم کرد که مسئولین در این زمینه بیشتر موظّفند.[1]

نماز جمعه و ائمّه‌ی جمعه

• تبلیغات وسیع دشمنان نسبت به نماز جمعه

هر هفته تبلیغات سنگین حجیمی از طرف دشمنان نسبت به نماز جمعه صورت میگرفت. حرفهایی میزدند که تقصیر هم نداشتند؛ چون ملّت ایران را نمی‌شناختند. به ضرر خودشان حرف میزدند؛ مثل بسیاری از جاهای دیگر که رادیوهای بیگانه و صداهای دشمن، نسبت به مردم ایران حرف میزنند و اظهار نظر میکنند. اینها در واقع خود را پیش ملّت ایران رسوا میکنند و بی‌خبری خودشان را نشان میدهند. حرفها میزدند که مایه‌ی خنده‌ی مردم شرکت‌کننده در نماز جمعه بود. میگفتند به هر کدام از افراد شرکت‌کننده در نماز جمعه‌ی تهران، فلان قدر پول میدهند، فلان قدر جنس میدهند! اینها همان مردمی بودند که با پشتیبانی‌های مالی خودشان، آن جنگ عظیم را پشتیبانی کردند. در همین نماز جمعه‌ی تهران، انبوه پول و جنس و هدایای مردمی به سمت جبهه‌ها روانه میشد. این‌قدر این ایرانی‌ناشناس‌ها، درباره‌ی این مردم اشتباه میکردند، جفا مینمودند و سخن به یاوه میگفتند!
آنها به تبلیغات هم اکتفا نکردند و نماز جمعه را مورد تهاجم خونین قرار

---

۱. در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

دادند. پنج امام جمعه‌ی معتبر معروف را به شهادت رساندند: مرحوم آیت‌الله قاضی، مرحوم آیت‌الله مدنی، مرحوم آیت‌الله صدوقی، مرحوم آیت‌الله دستغیب، مرحوم آیت‌الله اشرفی. پنج عالم مجتهد پیرمرد باتقوای پرهیزکارِ پارسا و پاک‌دامن را که هر هفته مردم با دل و جان پشت سر آنها می‌ایستادند و به آنها اقتدا میکردند، جلوی چشم همین مردم در نماز جمعه به شهادت رساندند.[1]

• مأیوس نمودن دشمن از نفوذ ذهنی در ملّت از وظایف ائمّه‌ی جمعه

در این نظام، مجموعه و صحنه‌ی عظیمی پر از مردم را تصوّر کنید. اگر در وسط این تشکیلات، مرکز هدایت عمومی ـ یعنی دستگاه رهبری ـ را فرض کنیم، آن پایگاه‌ها و مراکز نزدیک به ذهن و گوش و جسم مردم در سرتاسر کشور، نمازهای جمعه است. یعنی نمازهای جمعه در هر جایی از نقاط کشور، بَهر و بخشی از کار دستگاه رهبری این کشور را انجام میدهند، مردم را توجیه میکنند، به استقامت در راه وادار مینمایند، از اشتباهات دور نگه میدارند، ذهن مردم را با معارفِ لازم آشنا میکنند، دشمنان را نسبت به نفوذ در اذهان مردم مأیوس میکنند، از اینکه دشمن بتواند روی مردم اثر سوء بگذارد، مانع میشوند و مردم را به حرکت و تلاش در مجموعه‌ی کلّی نظام وادار میکنند. وقتی نظام مردمی است، همه‌ی مردم باید حرکت کنند، تا نظام راه بیفتد؛ وَالّا اگر عدّه‌ای از مردم حرکت نکردند، حرکت نظام، کُند خواهد شد.[2]

• نماز جمعه حربه‌ای برای آگاهی از توطئه‌های دشمن

نماز جمعه یک عمل صرفاً عبادی نیست؛ عملی است که در ذات

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۸/۸

۲. در دیدار با ائمّه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۹/۳/۷

و ترکیب خود، آگاهی‌بخش است؛ هم اجتماع عظیم مسلمانان را هر هفته تشکیل میدهد و به رخ دوست و دشمن میکشد و هم به وسیله‌ی خطیب جمعه، اوضاع و احوال سیاسی برای آنها تشریح و تبیین میشود. حقیقتاً نماز جمعه در اسلام ترکیب عجیبی است؛ از یک طرف، توصیه‌ی مردم به تقوا و پاک‌دامنی و اعراض از هواهای نفسانی است و از طرف دیگر، آگاه کردن مردم از جریانهای سیاسی و توطئه‌های دشمنان و نیازهای دوستان و اوضاع دنیای اسلام است. قدر این فریضه‌ی عظیم را باید خیلی دانست.[1]

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

۱. در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۸۱/۵/۵

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

فصل ششم

در خط امام



ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==



امام(قدّس‌سرّه) یک دشمن‌شناس واقعی

اغلب آن صفاتی که در زمامداران مختلف عالم، مایه‌ی امتیاز آنها میشد، تا آنجایی که من بررسی کردم و به ذهنم رسیده است ما در امام مجتمع میدیدیم. او، هم عاقل بود، هم دوراندیش بود، هم محتاط بود، هم دشمن‌شناس بود، هم به دوست اعتماد میکرد و هم ضربه‌ای را که به دشمن وارد میکرد، قاطع وارد میکرد. همه‌ی صفات و خصوصیّاتی که برای یک انسان لازم است تا بتواند در چنین جایگاه حسّاس و خطیری انجام وظیفه کند و خدا و وجدان خود را راضی نماید، در این مرد جمع بود... در این مملکت، آنچه که برای آمریکا، برای استکبار و برای جهان‌خواران قابل قبول نیست، استقلال این مملکت و استقلال و بیداری این مردم است؛ آن دست ردّی است که این مردم به سینه‌ی دشمنان این کشور و جهان‌خواران زده‌اند؛ این را نمیخواهند. با اسلام هم که دشمنند، به این علّت است که اسلام این بیداری را به مردم داده است؛ با این دشمنند. امام، دشمن را می‌شناخت؛ روشهای سیاسی و روشهای تبلیغاتی آنها را میفهمید، می‌شناخت و در مقابل آنها محکم می‌ایستاد.[1]

رمز اساسی کار و پیشرفت امام و موفّقیّتهای الهی آن مرد بزرگوار و

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۳/۱۴

رهبر استثنائی، در این بود که دشمن را شناخت و با همه‌ی قدرت و استقامت، بدون کمترین اعتماد به او و تسلیم در مقابل او، ایستاد.[1]

سعی امام(قدّس‌سرّه) بر بیان حقایق

امام در سنین بالای عمر ـبا حال پیرمردیـ از هر فرصتی استفاده کرد برای اینکه حقایق را برای مردم بیان کند. در دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه‌سازی، نقش فوق‌العاده خطرناکی است که امام به آن توجّه داشت. وسایل ارتباطی فکری نامطمئن و وابسته‌ی به دشمنان کشور و ملّت، امام را وادار میکرد که هم خود او به طور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائماً توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آنها را نسبت به حقایقی که دشمن سعی میکند آنها را مکتوم نگه دارد، آشنا کنند. اینکه ما دائماً به صاحبان بیان و قلم و تریبونهای مختلف توصیه میکنیم که هدف و همّت خود را بر تبیین صحیح حقایق قرار دهند، برای این است... امام یک لحظه نه خود از کید و مکر و حیله‌ی دشمن غفلت کرد و نه گذاشت که مسئولان غفلت کنند. نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی که منافع دستگاه‌های استکباری دنیا را در این نقطه‌ی از عالم و در بسیاری از کشورهای اسلامی تهدید کرده است، بدیهی است که مورد دشمنی است. در ایران عزیز ما، اینها سالهای متمادی مثل ماری بر روی منابع ملّی و دستگاه‌های سیاسی کشور چنبره زده بودند. در نظام سلطنتی غاصب و وابسته، مگر کسی جرئت داشت به کسانی که وارد این کشور شده بودند تا ملّت را تحقیر و فقیر و منابع او را غارت کنند و او را عقب‌مانده نگه دارند، اندک اهانتی کند؟! نظام جمهوری اسلامی آمد و

---

۱. در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۳۷۱/۳/۱۳

این بساط را بِکل به هم ریخت. امام میدانست که این دشمن ساکت نمی‌نشیند و تعرّض میکند. اگر در برهه‌ای تعرّض کرد و تودهنی خورد، موقّتاً عقب‌نشینی میکند تا باز تعرّض کند؛ لذا باید هشیار و بیدار بود.[1]

علّت دشمنی استکبار با امام راحل(قدّس‌سرّه)

بی‌دلیل هم نیست که با امام این‌قدر دشمن بودند. هنوز هم با جمهوری اسلامی و با پرچم اسلام که در دست جمهوری اسلامی است، دشمنی میکنند؛ ولی با پرچم اسلام در دست آدمهای سازش‌کارِ وابسته و متعلّق به خودشان، هیچ کاری ندارند. از آنها هیچ واهمه‌ای ندارند، هیچ ترسی ندارند، هیچ ملاحظه‌ای ندارند و هیچ دشمنی‌ای ندارند. امّا با جمهوری اسلامی چرا؛ با شخصیّتهایش هم دشمنند، با ملّتش هم دشمنند، با دولتش هم دشمنند، با رئیس‌جمهورش هم دشمنند، با مجلسش هم دشمنند، با احکام قضائی و مسئولین قضائی‌اش هم دشمنند. با هر چه که این نظام را سر پا نگه میدارد، دشمنند. حتّی با شعارهای شما هم دشمنند. آنها شعار امر به معروف و نهی از منکر را تمسخر میکنند؛ شعار حزب‌اللّهی‌گری را تمسخر میکنند و شما را متّهم مینمایند. امّا حقیقت این است که همان امر به معروف و نهی از منکر و همان حرکت حزب‌اللّهی و همان پایبندی به اصول است که میتواند در مقابل انحرافها و خطاهای فاحش دنیای امروز بایستد؛ هیچ چیز دیگر نمیتواند. ملّتها هم این را میخواهند.[2]

بینش خردمندانه‌ی امام(قدّس‌سرّه) در برابر دشمن

کسانی که حاضر نبودند برای انقلاب و منافع این کشور یک قدم بردارند،

---

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۳/۱۴

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۱/۱۱/۱

بلکه فقط بلد بودند نق بزنند و علیه انقلاب بهانه‌گیری کنند، باز فشار می‌آوردند که جنگ را تمام کنید. اگر اراده‌ی قوی و مصمّم و ایستادگی امام نبود، مطمئناً جنگ جز با پیروزی دشمن تمام نمیشد. همین نفْسهای خبیثی که آن روز این وسوسه‌ها را در کشور میدمیدند، امروز هم بعضی‌شان سر بلند کرده‌اند و همان حرفها را تکرار میکنند و میگویند چرا بعد از فتح خرّمشهر آتش‌بس را قبول نکردید؟! بعد از فتح خرّمشهر، هنوز بخش عظیمی از سرزمینهای ما ـ مرزها و شهرهای ما ـ و نیز گروه کثیری از مردم ما در اختیار رژیم متجاوز بودند. تهدید بالای سر مرزهای ما بود و دشمن از همه طرف تجهیز میشد. باید شرّ دشمن از سر مرزها کم میشد؛ این یک بینش خردمندانه بود. آن روز همه‌ی دلسوزان کشور، از مسئولان نظامی و غیره، این منطق را برای همه اثبات میکردند. امام یک انسان منطقی بود و تصمیم گرفت و عمل کرد و به فضل پروردگار توانست ملّت ایران را سرافراز کند.[1]

ایستادن امام(قدّس‌سرّه) در برابر تهدید و ارعاب دشمن

همه‌ی شما دیدید که در پایان وصیّت‌نامه‌ی ایشان، به مواردی اشاره شده بود که امام قبلاً نسبت به طرح آنها سکوت کرده بودند. در زمان بنی‌صدر که من خدمت امام(قدّس‌سرّه) رسیده بودم، ایشان میگفتند: حرفهایی که او از قول من میگوید، همه‌اش خلاف واقع است و حقیقت ندارد. بنابراین، هر حرفی که زده میشد، فوراً او را نمی‌آشفت و تحریک نمیکرد و در صدد پاسخ سریع برنمی‌آمد. این متانت، بردباری، حلم، تسلّط بر نفس و سعه‌ی صدر، در هر کس که باشد، از او یک انسان بزرگ خواهد ساخت. در عین حال اگر امام(قدّس‌سرّه) آن عوامل اصلی معنویّت، ارتباط با خدا، کار برای رضای او، تقوا و انجام تکلیف را

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرّمشهر ۱۳۸۱/۳/۱

نمیداشت، نه انقلاب به پیروزی میرسید، نه شما مردم این گونه عاشقش میشدید، نه میتوانست این طوفان را در دنیا به وجود آورد و نه قادر بود در مقابل تهدید و ارعاب دشمن، مثل کوه بایستد.[1]

ایستادن امام(قدّس‌سرّه) در مقابل دنیایی از دشمن

او چون مرد خدا بود و برای خود کار نمیکرد، خدا نیز بندهی صالحش را هدایت کرد و به دل و ذهن او صفا و روشنیای بخشید، تا راه را پیدا کند. به او جرئت و شهامت داد، تا در مقابل دنیایی از دشمن بایستد؛ و با دل او انس گرفت، تا از روگردانی انسانها در روزگار غربت، وحشت نکند. اگر به گذشته نگاه کنید و ایمان و فداکاری و عشق و خلوص مردم را در نظر بگیرید و خصومت و تهدید دشمنان ما را که به جایی نرسید و عملی نشد، مرور کنید، خواهید دید که چگونه به برکت رهبری آن مرد خدایی و انسان پیامبرگونه ـ نه پیامبر، بلکه شاگرد پیامبر و حرکتکننده به روش آنان؛ بهانهطلبها و وسوسهگرها به دنبال بهانهجویی نباشند ـ راه دشوار آینده هموار شده است. در آینده باز هم دشواری خواهیم داشت؛ امّا راه باز است و دشمن به خاطر ضرباتی که بر او وارد آمده است، کمتر از گذشته جرئت میکند به ما نزدیک شود.[2]

هدف امام(قدّس‌سرّه)، استقامت و ایستادگی در برابر دشمنان

بدیهی است که راه حفظ این دستاوردها و به وجود آوردن دستاوردهای بیشتر، این است که ملّت ایران و مسئولین، خطّ نشانی را که امام بزرگوار با عمل خود کشیده است، یعنی خطّ استقامت و ایستادگی در مقابل

---

۱. برگرفته از بیانات در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیتههای انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸

۲. برگرفته از بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از مردم استان همدان و شهرهای ساری و ساوه ۱۳۶۸/۴/۵

توقّعات دشمنان و ایستادگی در مقابل یاوه‌گویی‌ها و پرگویی‌های کسانی که در بیرون این مرزها نسبت به این ملّت ابراز توقّع میکنند، ادامه دهند. امّا اینکه مکرّر گفته میشود «راه امام و خطّ امام» منظور چیست؟ اگر بگوییم «خطّ امام، اسلام و انقلاب است» این، مطلبی کلّی است. معلوم است که خطّ امام، انقلاب و اسلام است! هیچ کس هم مخالف با اسلام و انقلاب نیست. آن عاملی که میتواند مقصود امام بزرگوار را ـ که پدر این انقلاب و معمار ایران اسلامی است ـ برآورده کند، استقامتی است که او در رفتار خود نشان داد. در مقابل دشمن، کوتاه نیامد؛ از دشمن نهراسید و نترسید و تهدیدها او را متزلزل نکرد. هیچ کس هم نمیتواند امام بزرگوار را به این متّهم کند که آنچه انجام داد، خلاف تدبیر صحیح بود. همه‌ی عقلای عالم، اگر دقّت کنند، میفهمند و تحلیل میکنند که راه درست، همان راهی بود که آن مرد رفت؛ راهی به سوی هدفهای خود او. هر کس آن هدف را داشته باشد، راهش همانی است که آن بزرگوار پیمود. این، عرض من در سالگرد هفتم امام بزرگوار است.[1]

AYije4Ai6/aUCYwA16ag==

آشنایی امام(قدّس‌سرّه) با ریزه‌کاری‌های دشمن

بُعد قدرت رهبری، شجاعت سیاسی، آشنایی با ریزه‌کاری‌های کارهای دشمن، هوشیاری نسبت به هدفهای دشمنان؛ این بُعد در عمل آشکار شد. سال ۴۲ ـ یعنی سال دوّم مبارزه ـ رسید که سال شدّت عملها و فشارها و کشتارها بود. آنجا امام مثل خورشیدی در آسمان امیدهای ملّت ایران ظاهر شد. در موضع یک مرد فداکار و یک آتش‌فشان؛ کسی که همه‌ی احساسات لازم برای یک مرد جهانی، یک مرد میهنی، یک مرد اسلامی در او جمع است؛ شجاعت لازم را دارد، قدرت بسیج عظیم مردم را دارد، صراحت لازم را دارد؛ چه در اوّل سال ۴۲ که ماجرای

---

۱. در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۳/۱۴

حمله‌ی کماندوها به مدرسه‌ی فیضیّه و حوزه‌ی قم پیش آمد و چه در پانزده خرداد سال ۴۲ که عظمت امام در آنجا آشکار شد. ملّت ایران ناگهان احساس کرد که پشت و پناهی دارد؛ قلّه‌ی عظیمی وجود دارد که میتواند به او چشم بدوزد و به آن توجّه کند. امام در پانزده خرداد این گونه در صحنه ظاهر شد. بعد از این ماجرا، زندان و تبعید و فشارهای فراوان وجود داشت و امام در آن روز جوان نبود. برای ما که آن روز جوان بودیم، زندان رفتن و ماجراهای مشکلی که پیش می‌آمد، خیلی سخت نبود؛ بیشتر شبیه یک سرگرمی بود؛ امّا امام در آن سال ـ در سال شروع مبارزه ـ ۶۳ ساله بود. در ۶۳ سالگی، این مرد با جوشش احساس خود میتوانست احساسات یک ملّت را به جوشش آورد. زندان رفتن و تبعید شدن برای کسی در آن سنین، کار آسانی نبود؛ امّا این فداکاری و ازخودگذشتگی و خطرپذیری در این مرد آشکار شد. این هم بُعد جدیدی بود؛ یعنی مردی که در راه آرمانهای بزرگ و در راه تکلیف شرعی، هیچ مشکلی نمیتوانست مانع راه او بشود. این جریان، در سال ۴۲ و ۴۳ به تبعید چهارده‌ساله‌ی امام، اوّل به ترکیه و بعد هم به عراق منتهی شد.[۱]

عدم تردید امام(قدّس‌سرّه) در برابر تهدید دشمن

در تمام عمر ده‌ساله‌ی حیات مبارک امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، پس از پیروزی انقلاب، یک لحظه اتّفاق نیفتاد که او به خاطر سنگینی بار تهدید دشمن، در هر بُعدی از ابعاد، دچار تردید شود. این، یعنی همان برخورداری از روحیّه‌ی حسینی. جنگ، تلفات دارد. جان یک انسان، برای امام خیلی عزیز بود. امام بزرگوار، گاهی برای انسانی که رنج میبرد، اشک میریخت و یا در چشمانش اشک جمع میشد! ما بارها این

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۳/۱۴

حالت را در امام مشاهده کرده بودیم. انسانی رحیم و عطوف، دارای دلی سرشار از محبّت و انسانیّت بود. امّا همین دل سرشار از محبّت، در مقابل تهدید شهرها به بمباران هوایی، پایش نلرزید و نلغزید. از راه برنگشت و عقب‌نشینی نکرد. همه‌ی دشمنان انقلاب در طول این ده سال، فهمیدند و تجربه کردند که امام را نمیشود ترساند. این، نعمت بسیار بزرگی است که دشمن احساس کند عنصری چون امام، با ترس و تهدید از میدان خارج نمیشود. امام، با منش و شخصیّت درخشان خود، کاری کرد که همه در دنیا، این نکته را فهمیدند. فهمیدند که این مرد را از میدان نمیشود خارج کرد؛ تهدید نمیشود کرد؛ با فشار و با تهدیدهای عملی هم نمیشود او را از راه خود منصرف کرد. لذا مجبور شدند خودشان را با انقلاب تطبیق دهند.[1]

اهمّیّت جهاد از منظر امام راحل(قدّس‌سرّه) برای مقابله با دشمن

این نکته در فرهنگ اسلامی، نکته‌ی برجسته‌ای است، که گفتیم نمونه‌هایی هم در میدانهای مختلف دارد. در روزگار ما هم، وقتی ندای مقابله با رژیم منحوس پهلوی از حلقوم امام(رضوان‌الله‌علیه) و همکاران ایشان در سال ۱۳۴۱ بیرون آمد، جهاد شروع شد. پیش از امام هم، البتّه جهاد به صورت محدود و پراکنده وجود داشت که حائز اهمّیّت نبود. هنگامی که مبارزه‌ی امام شروع شد، جهاد اهمّیّت پیدا کرد تا اینکه به مرحله‌ی پیروزی خود، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی رسید. بعد از آن هم، تا به امروز، در این کشور جهاد بوده است. چون ما دشمن داریم. چون دشمنان ما، از لحاظ نیروی مادّی، قوی هستند. چون اطراف و جوانب ما را، از همه جهت، دشمنان گرفته‌اند. آنها در دشمنی با ایران اسلامی، جدّی هستند و سر شوخی ندارند؛ چون میخواهند از هر

---

۱. در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۳/۱۴

راهی که شـد ضربـه بزنند. پس، در ایـران اسلامی، هر کس بـه نحوی در مقابل دشمن ـکه از اطراف، تیرهای زهرآگین را به پیکر انقلاب و کشور اسلامی، نشـانه رفته استـ تلاشی بکند، جهاد فی‌سبیل‌الله کرده است. بحمدالله، شعله‌ی جهاد بوده است و هست و خواهد بود.[1]

ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCtjzwAd6ag==

۱. در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمّدرسول‌الله(ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰


ATvie4Aj6/aUCdjZwAd6ag==
ATvie4Aj6/aUCdjZwAd6ag==